تاریخ

تلفظ و صرف پشتو

جلد اول

از استادان غرب :

دارمستتر ، گایگر

مورگنستیرن ، بن وینست

ترجمه

دکتور روان فرهادی

با تعلیقات استاد عبدالحی حبیبی

عوض شمارهٔ دوم سال ۱۳۵۶ مجلهٔ ادب پوهنځی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل

تذکر

ازصفحهٔ ۱۳ تاصفحه ۲۵٦

این کتاب ذریعه آفسیت در مطبعه وزارت تعلیم و تربیه طبع گردیده و قسمت های دیگر آن در مطبعه دولتی چاپ شده است.

تاریخ

تلفظ و صرفِ پشتو

اثر استادان غرب:

دارمستتر، گایگر،

مورگنستیرن،

بنونیست

ترجمه

دکتور روان فرهادی

باتعلیقات استاد عبدالحی حبیبی

اهداء

ترجمهٔ این کتاب راکه‌زبدهٔ نتایج
تحقیقات صدسا له دانشمندان‌غرب
درزمینه مقا یسه تلفظوصرف پشتو
به‌زمان های قدیم می‌باشد،
به‌استاد گرانقدر ، دانشمندنیکو دل

گیورگ مورگنستیرن

هدیه میکنم

که‌با اخلا ص کامل به‌علم و محبت
واثق به مردم ما،
سالیان دراز عمر شریف خـــود را
وقف پیشبردبررسی تاریخ‌تحول‌پشتو
ودیگر زبان های وطنم کرده است.

روان فرهادی

آغاز سخن

به مناسبت بر گزاری سیمینار در باره دو قرن آثار چاپ شده پښتو پوهنځی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل تقدیم این کتاب را سودمند تشخیص کرده زیرا مجمل وزیده عمده ترین آثار زبان شناسان غرب درباره منابع وسوابق اوازهای پشتو و تحول تاریخی صرف و نحو آن میبا شد .

این کتاب از سه زبان آلمانی ،انگلیسی و فرانسوی از چهار مولف ترجمه شده است که دو تن ازایشان در قرن ۱۹ و دو تن در قرن ۲۰ آثار خود را تالیف کرده اند . دو کس از ایشان به افغانستان مسافرت کرده ویکی مدتی در پشاور وحوالی آن اقامت کرد ویك نفر در لابلای کتب زبان اوستاو آثار پشتوی چاپ شده آن زمان مطالعات خود را به جا رسانید .

با نشر این مجموعه مجمل مطا لعات استا دان جهان غرب در زمینه اتیما لوجی گرامر پښتو به استا دان و محصلان لیسا نس و فارغان تحصیل از لیسا نس وعلاقه مندان تقدیم میگردد .

امید واریم تحقیقات دانشمندان ما در این زمینه ادامه یابد و نیز جنبه های دیگر گرامری زبان پشتو مثلاتشریح ساختمان صرفی ونحوی آن مورد مطالعه و تحقیق عمیق قرارگیرد .

مسایل خاص عملی تد ریس صرف و نحو پښتو برای دری زبانان بر مبنای موازین زبا نشناسی معاصر مطالعه شود .

مزیت مهم کتاب این است که به قلم دکتور روان فرها دی که درین رشته تحصیل و مطالعه اختصاصی دارد و در محضر دو تن از مولفان این کتاب شخصا شا گرد بوده ترجمه شده و استاد عبدالحی حبیبی که عمر خویش رادر مطالعه وتحقیق ادبیات پشتو ودری وعلوم ومعارف اسلامی گذرانیده بران تعلیق نوشته است .

پوهنځی ادبیات از زحمات ارزنده این دو دانشمند گرامی صمیما نه قدر دانی می کند .

مسایل عملی گونا گون مانند کمبود بعضی حروف واشا رات در چاپخانه ها ایجاب نمود که قسمت عمده کتاب با ماشین تایپ و به آفسیت چاپ شود .

پوهنځی ادبیات وعلوم بشری از همکاری سریع وجدی شعبه آفست مطبعه وزارت تعلیم و تربیه وشعبات حروف چینی وزنگو گرافی وصحافی مطبعه دولتی قدر دانی میکند . امید است در آینده وسایل چاپ آثار زبا نشناسی میسر گردد و چاپ این نوع کتاب ها با امکانات مساعد انجام یابد .

ومن الله التو فیق

پوهاند میر حسین شاه رئیس
پوهنځی ادبیات و علوم بشری

پیش گفتار

تحقیقاتیکه زبانشناسان اروپا درطول یك ونیم صدسال اخیر درباره صرف ونحو ولغات پشتو کرده اند سه مرحله رافرامیگیرد ، واتفاقاطول هر مرحله در حدود پنجاه سال را دربرداشته است :

مرحله نخستین ، زمان آن محققان لغت وصرف پشتو ، بمقصد تحصیل وتدریس زبان وامکان تکلم و تحریر دران بود. چهره عمدهٔ این تحقیقات یك افسرسپاه هند برتانوی میجر «راورتی» بوده است. دیگردانشمندان چون، بیلو، و بعضی ازدانشمندان غیرانکلیسی چون دورن وبیلروغیره دربن زمینه مطالعاتی کردند، و آثارایشان درهند ، لندن، المان و روسیه آنزمان بچاپ رسید.

مرحله دوم ، زمان آن محققان بود که سرمایهٔ زبانشناسی عصری را، باشناسائی زبانهاي قديم چون ویدا واوستا، توام نموده در پی تحقیق ریشه های زبان پشتو شدند. عمده ترین دانشمندان درین سلسله، دارمستتیر ومتصل وی ویلهلم گایگربود.

مرحله سوم تحقیق ، درتلفظ صرف ولغات پشتو، در قرن بیستم فرارسیدو آن توام با شناسائی مزید زبانهای دیگر(همریشه با پشتو) مانند پراچی ، واورمړي ،بنیك ، وزبانهای پامیروغیره ونیز تحقیق مزید در لهجه شناسی پشتو، ودرك بعضی لغات قابل توجه درلهجه های مختلف واقع گردید . دانشمند معروف این دورهٔ تحقیق، هنوزدرقیدحیات است وآن پروفیسور گیورگ موگنستیرن میباشد، که عضویت افتخاری پشتو ټولنه افغانستان رادارا است.

تاحدی که به نتایج دوره اول مربوط است، امکانات تحقیقات دانشمندان افغانی مفتوح بوده است ،زان زمان تا کنون، درشناسائی لغات وآثار ادبی پشتو ، پیشرفتهای متعدد، بظهوررسیده است.

تاحدی که بدورهٔ دوم وسوم مربوط است، یعنی تحقیق دانشمندان اروپا درریشه های پشتو بامقایسه آن به زبانهای قدیم چون اوستا، کارتحقیق وتفحص برعهدهٔ دانشمندان افغانستان هنوز باقیست ازینجاست که شناسائی عمدهٔ ترین آثار پشتو شناسان غرب دربن زمینهٔ خاص، یعنی تحقیق درتاریخ تلفظ

وصرف پشتو لازمی بود.

پوهنځی ادبیات وعلوم بشری مسرت دارد که دانشمند دکتورروان فرهادی این کتاب راکه فصول مختلف آن بقلم جیمزدارمستتیر، ویلهلم گایگر، گیورگ مورگنستیرن، وایدیل بنونیست تحریرشده است، فصل به فصل ترجمه کرده ودرداخل یك کتاب تدوین وبدانشمندان ومحصلان تقدیم داشته است. چون اکثر این دانشمندان (بجزپرو فیسورمورگنستیرن) امکانات تحقیق مستقیم را درخاك افغانستان کمتریافته اند بنابران تبصرات یك دانشمند افغانی لازمی بود ونظربه این ضرورت تعلیقات ارزشمند پوهاند عبدالحی حبیبی نیز داخل کتاب گردیده است،

امیداست چاپ این کتاب ازیکسو یکعدهٔ محققان ماراستوجه اهمیت تحقیقات درزبان اوستاو دیگرزبانهای باستانی مابکند وازجانب دیگر یکعده دیگر دانشمندان رااز کاراین تحقیقات فارغ ساخته و متوجه تهیه کتب تدریسی صرف ونحو پشتوبسویه های مختلف نماید(که زمینه آن- بکلی جداگانه ودرطرز تالیف و تقدیم آن مطابق ایجابات پیداگوژي امروزی ترقیات عمده واقع شده است.)

پوهنځی ادبیات و علوم بشری ومدیریت مجله ادب بمناسبت سیمینار دو قرن مطبوعات پشتواین کتاب را که مرکب ازمقالات عمده ترین پشتو شناسان در زمینهٔ تاریخ فونتیك، مورفولوژی پشتو میباشد بدسترس دانشمندان ومحصلان میگذارد.

و السلام

ش. ع. اکبر
مدیر مسؤ ول مجلهٔ ادب

فهرست مندرجات

صفحه

بخش نخست
تاریخ تلفظ
بقلم ویلهلم گایگر

بخش دوم
تاریخ صرف پښتو
بقلم : جیمزدار مستتر

بخش سوم
تاریخ اشتقاق و ترکیب
بقلم: جیمز دارمستتر

بخش چهارم
بقلم: جیمز دارمستتر

بخش پنجم
تلخیص و تکمله
بقلم: گیورگ مورگنستیرن

بخش ششم
تعلیقات استاد عبدالحی حبیبی

ضمیمه: شناسائی با نویسندگان این کتاب
بقلم: مترجم کتاب

بخش هفتم
فهرست لغات پشتو درین کتاب

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

پیشگفتار

۱ - سوابق موضوع

در سال ۱۳۲۶ ش (۱۹۴۷ م) شاگرد سال اخیر لیسه استقلال بودم که پښتو ټولنه تحقیقات پشتوی دارمستتر راچاپ کرد وآن از روی ترجمهٔ نویسندهٔ گرامی سید قاسم رشتیا بود، که د و ادیب ونویسنده معروف زبان پشتو استاد عبدالحی حبیبی، وجناب عبدالرؤف بینوا آن ترجمه را به پشتو گزارده بران تبصراتی افزوده بودند.

با علاقمندی آنرا خوانده بودم.

چون در سال ۱۹۵۰، زمانی که بیست ساله بودم. در پاریس به خدمت استاد فقید خویش امیل بنو نیست در سوربون (مدرسه مطالعات عالی «هوت اتیود») حاضرشدم. وی اهمیت بی بدیل خدمت دارمستتر راطی صحبتی برایم خلاصه کرد، که هماندم درقید قلم آوردم:

استاد بمن گفت که:

«نخستین پشتو شناسان چون «دورن»، «راورتی»، و«بلیو» خدمت بزرگ گزارده اند که زبان پشتو رابه اروپاطی کتبی بزبان انگلیسی معرفی کرده اند. اما ایشان، از زبان های قدیم بی خبر بودند. کم وبیش سانسکریت وپراکریت آموخته بودند، وچون بسوی پشتو از زاویهٔ هندی می نگریستند، چند لغت مأخوذ پراکریت ویاهندی معاصر را در پشتو دریافته، زبان پښتو را از میراث های زبان هندی پراکریت تصور مینمودند. اما در اروپا Bopp درسال ۱۸۴۷ در براین کتابی چاپ کرده دران مشخصات مشترک زبان های اندواروپایی را با حواله به ویدا و اوستا بیان کرد. پس از «فرانز بوپ» چند زبانشناس دیگر درین زمینه تحقیقات عمده کردند.

وصرف پشتو لازمی بود .

پوهنځی ادبیات وعلوم بشری مسرت دارد که دانشمند دکتور روان فرهادي این کتاب را که فصول مختلف آن بقلم جیمز دار مستتیر، ویلهلم گایگر، گیورگ مورگنستیرن، وا یمیل بنو نیست تحریر شده است، فصل به فصل ترجمه کرده و در داخل یك کتاب تدوین وبدانشمندان ومحصلان تقدیم داشته است . چون اکثر این دانشمندان (بجز پرو فیسور مورگنستیرن) امکانات تحقیق مستقیم را درخاك افغانستان کمتر یافته اند بنابران تبصرات یك دانشمند افغانی لازمی بود ونظر به این ضرورت تعلیقا ت ارزشمند پوهاند عبدالحی حبیبی نیز داخل کتاب گردیده است،

امید است چاپ این کتاب از یکسو یکعدهٔ محققان ما را متوجه اهمیت تحقیقات درزبان اوستا و دیگر زبانهای باستا نی سا بکند وازجانب دیگر یکعده دیگر دانشمندان را از کار این تحقیقات فارغ ساخته و متوجه تهیه کتب تدریسی صرف ونحو پشتو بسویه های مختلف نماید (که زمینه آن - بکلی جداگانه ودرطرز تالیف و تقدیم آن مطابق ایجابات پیداگوژي امروزی ترقیات عمده واقع شده است.)

پوهنځی ادبیات و علوم بشری ومدیریت مجله ادب بمناسبت سیمینار دو قرن مطبوعات پشتو این کتاب را که مرکب از مقالات عمده ترین پشتو شناسان در زمینهٔ تاریخ فونتیك، مورفولوژی پشتو میباشد بدسترس دانشمندان ومحصلان میگذارد .

و السلام

ش . ع . اکبر
مدیر مسؤ ول مجلهٔ ادب

درینجا سودمنداست بخش های کتاب رامعرفی نماییم که آنرا ازمنابع مختلف گزیده ایم:

مقدمه: برصنف بندی زبان های اندواریانی ،بقلم ،امیل بنونیست،که در مجموعه پهناور «زبان های جهان» (چاپ دوم -پاریس ۱۹۵۲) -نشر شده وآن تجدید نظر بر مقاله سابق پروفیسر «واندری» بود که درچاپ اول آن مجموعه نشرشده بود . مقصداز ترجمهٔ این مقدمه، معرفی خانوادهٔ «زبان هاست ،که پشتو، ودری واکثرزبان های افغانستان اعضای آنند .

بخش نخست: تاریخ تلفظ زبان پشتو اثرویلهلم گایگر که آنرا آن زبان شناس المانی ، باتجدید نظربر فصل مربوط واکشناسی دارمستتر ،به سال ۱۸۹۳ (پنجسال بعدازکتاب دارمستتر) بالمانی به چاپ رسانید . علاوه برین ،درین بخش، ازبرخ واکشناسی کتاب دارمستتر، محض فصل روابط پشتو وابازبان های هندی ونتیجه گیری راترجمه کرده ام. تبصرات استاد مورگنستیرن ،درهرجا که لازم شده، ازآثار او استخراج وبا ذکر نام اواضافه نمودم .

بخش دوم: تاریخ صرف پشتو ، اثر جیمزدارمستتررا از روی اثرمعروف وی که در داخل مجموعهٔ هاروبهار در ۱۸۸۸ در پاریس مقدمه گویا چاپ کرده بود، اقتباس نمودم .

بخش سوم: تاریخ اشتقاق وترکیب (ساختمان کلمات) رانیزازکتاب دارمستتر (۱۸۸۸) گرفته ام .

(رسالهٔ دوکتوری دکتورزیار ، درتفصیل همین موضوع عمده است وباید ترجمهٔ آن دروطن به علاقمندان تقدیم گردد .)

بخش چهارم: ارزیابی نظریات بر منشأ پشتو رانیز ازکتاب دارمستتر۱۸۸۸ ترجمه کرده ام.

بخش اخیر: تلخیص وتکمله بقلم استادگرامی مورگنستیرن هنوز بزبان های اروپایی به چاپ نرسیده، وسنن قلمی آن بانگلیسی از روی مهربانی بیکران ایشان ، دراثرخواهش من بکابل واصل گردید و در نزد من محفوظ است . (۱۹۷۶)

اهمیت این مقاله استاد دردوچیز است. یکی اینکه خلاصهٔ همه موضوع ومجمل همه تحقیق تاریخ تلفظ وتاریخ صرف پشتومی باشد، که ازقرن نزدهم تاامروز ،دانشمندان وازآنجمله استادخودش به جهان علم تقدیم کرده اند ، ودیگراینکه نتایج تحقیق لهجه شناسی پشتو راکه استاد، خودش، در پنجاه سال به وقفه ها انجام داده ومقایسهٔ مزید رابازبان های پامیر حاوی می باشد .

۳- دیگر کتب تحقیقی از آثارغربیان :

چنانکه اهل تحقیق ملاحظه میکنند ،ازصفحه ۸۶ تااخیر ، ترجمه پشتوی منتشرهٔ ۱۳۲۶ مذکور دربالا ، موافق به بخش دوم وسوم وچهارم این ترجمه می باشد، اما درین ترجمه که اکنون

بلست شما ست، درهرجا تبصرات استاد سور گنستیرن، درجای مناسب آن زیاد شده است، وبرعلاوه بیان کلمات اوستا ازقاموس ریشه های پشتو اثراستاد مورگنستیرن، استفاده گردیده است. باقی همه بخش ها وفصول این کتاب برای نخستین بارترجمه ونشرمی شود .

شایقان، حوالهٔ دقیق همه این آثار رادر فهرست کتابشناسی رسایل و کتب، که در بارهٔ پشتوچاپ اروپاوامریکا بزبان های اروپایی چاپ شده ودراخیر این رساله آمده است ،مطالعه نمایند.

کتابخانه هایی که برای تحقیقات پشتوخدمت می کنند باید این کتب ورساله های علمی منتشرهٔ اروپا و امریکا را یا بصورت اصل یافوتوکاپی دروطن گردآوری نمایند .

مطالعه این فهرست کتابشناسی که دراخیر این کتاب آورده ام ،ضمناً جریان شورانگیز تحول پشتوشناسی رانشان میدهد که درشرح زندگی استادان گرامی دارمستتر وگایگر و مورگنستیرن، در ختم کتاب نیز بآن اشاره شده است .

احوال پشتو شناسی رادرقرن نزدهم اززبان بنونیست در بالا خواندیم .در ۱۹۰۲، جلد دهم «سروی زبان شناسی هند» در کلکته بچاپ رسید .دران، رسالهٔ سودمندی، بنام ،صرف ولغات پشتوی وزیرستان ، بچاپ رسیده بود که اطلاعات رادربارهٔ پشتو درغرب توسعه داد و نیز باب لهجه شناسی پشتو رامفتوح کرد .رسالهٔ تدریس پشتو، بقلم قاضی احمدجان (منتشرهٔ پشاور بزبان انگلیسی) وچند رسالهٔ دیگر نیز بچاپ رسید .در سال ۱۹۲۴ (۱۳۰۳ ش) انستیتوت فرهنگ بشری و مطالعات مقایسه وی ناروی، دانشمند جوان گیورگ مورگنستیرن را به افغانستان اعزام کرد و نتیجه، قاموس ریشه های کلمات زبان پشتو(اوسلو ۱۹۲۷)بود که درآن برتحقیقات و یلهلم گایگر در زمینه لغات پشتو تجدید نظر کلی شده است . بعداً تحقیق برلهجهٔ قدیمی ترینو (و نیغی).و نیز شناسایی دقیق تربازبان های پامیر، استاد مورگنستیرن را بسوی تحقیقات مزید رهنمون شد و فصل اخیر این کتاب ثمرهٔ مجمل آن است.

استاد مورگنستیرن، قاموس ریشه های پشتو (۱۹۲۷)را مورد تجدیدنظر کلی آورده در مورد هرلغت آن، یك تکمله تحقیقات مسوده کرده است که نزد خودش بارها دیده ام، مگر به آماده کردن این انبوه یاد داشت ها برای چاپ وقت نیافته است و درین سن وسال توقع دارد یکی از شاگردان جوان او ستاشناس، در اوروپا تجدید نظر آن کتاب راعملی کند، و هنوز این آرزو بسر نرسیده است و اگر نرسد، باید قاموس ریشه ها را مطابق چاپ ۱۹۲۷ روزی ترجمه وچاپ کنیم.

در زمینه تحقیق تاریخ زبان دری، درغرب نشرات عمده و دامنه دارصورت گرفته است. درشرق

کتاب «تاریخ زبان فارسی» بقلم استاد گرامی دکتر پرویز ناتل خانلری که جلد اول آن در ۱۳۴۸ ش در تهران بچاپ رسید تا کنون چهارمین جلد آن بما رسیده است، مرجع عمده بدسترس دانشمندان است (شامل مقدمات زبان شناسی، معرفی زبان های باستانی و دورهٔ میانه، تحول واك های دری، فعل دری، ساختمان فعل، وجوه فعل). استاد خانلری تحقیق خود را برپایهٔ تفصیل بنا کرده است و هنوز خاتمه کار او پیدانیست .

۴- معنی کلمهٔ اریانی

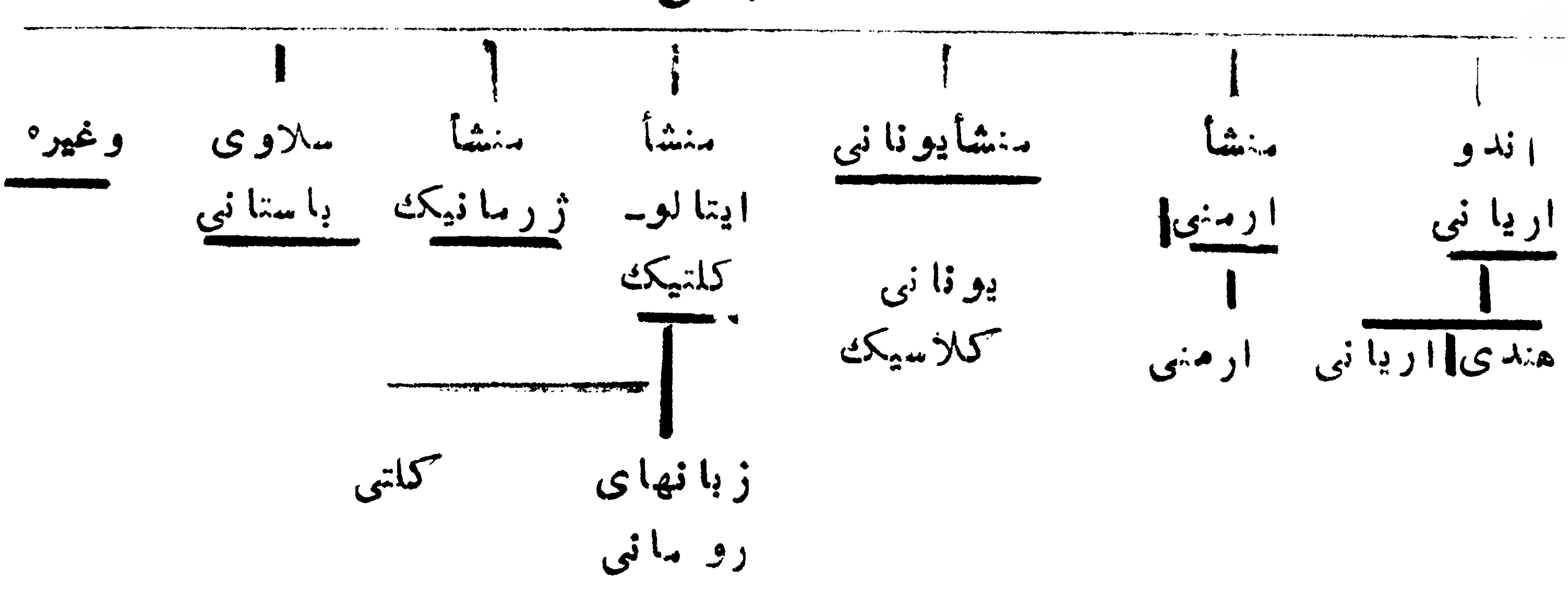
درینجا باید یك مطلب عمده راتوضیح نماییم. در سرتا سراین کتاب کلمهٔ اریانی «برای تسمیهٔ خانواده زبان ها که اوستاو پشتو و دری و غیره بآن منسوب است بکار رفته است. این تسمیهٔ ما نتیجهٔ مستقیم تصمیم سی سال پیش دانشمندان و اولیای امور کشور ما، در احیای کلمهٔ آریانا، در مورداین تحقیقات علمی می باشد، که متکی برمتن کتاب اوستاو قدیم ترین تلفظ نام مردم و محلست .

دانشمندان افغانستان حاضرند زبان «پارسی» باستان هخامنشی را «ایرانی» بنامند ودرین مانعی نمی بینند، اما برای دانشمندان افغانستان (باموجودیت امکان تأویلات تبلیغاتی از انواع متداول در روزنامه نگاری) سخت دشوار است، زبان های پامیر یا زبان پراچی و غیره را باین نام، که امروز معنای دیگری تلقین می کند، تسمیه کنند.

بنابرین تطبیق کلمه اریانی، که نام علمی قدیم تر است، مسأله را حل میکند وهمه زبان های این خانواده را، چه باستانی وچه میانه وچه جدید فرا می گیرد، و آرزومندیم دانشمندان غربی، رواج اختراع قرن ۱۹ را گذاشته این طریق ما راپیش گیرند و کلمه aryanic را منظور نمایند و فعلاً مادرین ترجمه این تجویز شایسته را بکار بستیم، و همه این زبان ها را «اریانی» می نامیم.

بعضی خواهند گفت که کلمه آریانی با کلمه «آریایی» (که برای تسمیه «هند و اروپایی» شهرت یافته) مغالطه می شود. پاسخ ما اینست که: تفاوت «ن» و «ی»، بین این دو کلمه موجود است (گرچه ریشهٔ هر دو یکی است) و از طرف دیگر اکنون کلمه «هند واروپایی» (یا «ایندو اروپایی») بیشتر معمول است که «اندو اریانی» یك خانوادهٔ منشعب از آن می باشد و باستانی تر از همه:

اندو اورپایی



گرچه دارمستتر، هنوز کلمهٔ «زند» رابمعنی اوستا بکار می برده، مگر چون پس از وی، ویلهلم گایگر، در ۱۸۹۳ و دیگران نام درست زبان «**اوستا**» را بکار بردند، ما نیز درین کتاب آن‌را بطور یکدست رعایت کرده حتی در ترجمهٔ آثار دارمستتر «**اوستا**» آوردیم.

کلمهٔ «**افغانی**» بمعنی «**پښتو**» نزد اکثر دانشمندان قرن نزده بشمول گایگر مستعمل بوده. در افغانستان حتی در سراج الاخبار (۱۹۱۱ تا ۱۹۱۸) بکار می رفته، و در زمان امانیه «مرکه د پښتو» تاسیس شد، و نام اصلی زبان که نزد اهل زبان مستعمل است بکار رفت و مورگنستیرن و اکثر دانشمندان آنرا بکار می برند. (البته دانشمندان شوروی حتی در ۱۹۷۳ قاموس روسی به پشتو رابنام «روسکو_افغانسکی» چاپ کرده کلمهٔ «پشتو» رادرین عنوان بین قوسین بصورت توضیح مزید آورده‌اند). ما درین کتاب سراپا نام «افغانی» رابمعنی زبان مطابق اصطلاح مستند اول امروزی افغانستان، پشتو، نگاشتیم.

۵_ تذکرات در بارهٔ تحقیق ریشه ها:

مطالعه کنندگان این کتاب ملتفت خواهند بود که اتیمولوژی یعنی تحقیق سوابق و ریشه های لغت‌ها و صرف یك زبان، مراجعه به زبان های قدیم را ایجاب میکند. در طول تاریخ نه‌تنها شکل کلمه یکسان نمی‌ماند، بلکه معنی آن یکسان نمی‌ماند. مثلادرین کتاب خواهیم خواند که «سینځل=وینځل» که امروز در پشتو معنی شستن را میدهد از روی مقایسه بزبان قدیم اصلا معنی پاك کردن غله را ادا می کرد. دانشمند تاریخ زبان این مطلب را از روی مطالعات دقیق در تاریخ زبان میگوید ونباید درجواب اوبگوییم که: این کلمه در همه لهجه های پشتو محض و محض معنی شستن را دارد و وی حق ندارد آنرا بازماندهٔ کلمه یی بمعنی «بیختن» بشمارد. (تعلیق ۲)

خارج از پشتو مثال بدهیم: دانشمندان دریافته اند کلمه عربی «ورد» بمعنی، گل، از کلمهٔ اریانی آمده که آن هم «ورد» بوده و همچنان حفظ شده در حالیکه در زبان ما، گل نامیده می‌شود. دانشمندان میدانند که «گ» نتیجهٔ تحول «و» است و «ل» هم نتیجهٔ تحول «ر + د» است ودرحقیقت «گل» و «ورد» عین کلمه می باشد، در حالیکه هیچ شباهت ظاهری ندارند. بر عکس «بد» در زبان انگلیسی با کلمهٔ بد، در پشتو ودری باوجود نزدیکی معنی، هیچ ارتباط تاریخی ندارد و شباهت هردو کلمه اتفاقی بیش نیست ویا کلمه «آی‌برو» در انگلیسی و کلمهٔ ابرو، در دری علی الرغم شباهت اتفاقی ظاهری در معنی، با همدیگر مربوط نیستند. برعکس، علم شرح میدهد که کلمه «لور» بمعنی «دختر» با کلمه «توختر» که در المانی و «داتر» که در انگلیسی شنیده می‌شود همریشه‌است، گرچه ظاهرا «لور» با دختر، کمتر شباهت دارد. علم سوابق هر دو کلمه

را بیان میکند که از روی آن همریشگی باثبات می‌رسد. شکل اوستا «دوغدر» بوده و تبدیل «د» به «ل» در پشتو و نیز سقوط «غ+د» در سرو رقرن ها، تحول متداول در پشتو بوده که در دیگر موارد نیز ثابت است. در یونانی کلمهٔ thugater، در گوتیك که یك شکل ژرمانیك است dauhtar آمده است. در نگاه دانشمند «لور» و «دختر» و «توختر» ریشهٔ واحد دارند و این درست است. در نگاه دیگران «آی‌برو» و «آبرو» شباهت دارد و این شباهت نزد محقق اساس تاریخی ندارد.

وقتی که دانشمندی گوید. این لغت منشأ «هندی» دارد نباید تصور کرد که این لغت ازان هندی آمده که شب وروز از رادیو ها و ریکارد های سازوآو از می شنویم. باید فحوای کلام اودیده شود که مطلب چیست. آن هندی سه هزار سال قبل ویدایی، که مانند عم پشتو بود، ویا هندی پراکریت یك و نیم هزار سال قبل، که پشتو با آن قرابت جغرافیائی و تماس فرهنگی داشت، و یا هندی تازهٔ سه صد سال پیش، وزبان هندوستانی واردو از زمان سلطنت کورگانیه دهلی وحتی جدیدتر ازان که در حقیقت خویشاوند بسیار دوردست پشتو می باشد. کلمه «بجلی» بمعنی برق در پشتوی پشاور در قرن بیستم اززبان هندوستانی آمده ست. اما ارتباط بین کلمه «شیبه» درپشتو بمعنی باران شدید با کلمه سانسکریت Ksepa (بمعنی «ریختن وانداختن») در ژرفای تاریخ سابقه دارد. نباید این دواحوال راباهم یکسان شمرد که فرق بین آن هندی واین هندی، فرق بین نیا و ذریات سی قرن پس ازوست!

برای بیان مطلب دربالا، ازالمانی وانگلیسی مثال آوردیم. اما محققان ریشه های زبان، این کار رانمی کنند بلکه از زبان های قدیم مثال می‌آورند. چون کلمهٔ «نغری» پشتو را که بشکل تاریخی آن «نی+گره» بوده بیان میکنند، از کلمهٔ قدیم لاتینی fornus ذکر میکنند وهمین معنی را دارد، و شکل قیاسی ماقبل آنراد را ور پا یعنی - gwher تذکرمیدهند. وازکلمه السنهٔ مابعدخانوادهٔ لاتینی، مانند four درفرانسوی، یا ایتالوی forno، یا هسپانوی horno ذکر نمی کنند.

همچنان، پژوهشگران بر ریشه های کلمات چون در بارهٔ کلمه «ویل» پشتوبحث می کنند، از کلمه سلاوی باستانی - vabiti ذکرمیکنند (ونه ازکلمات مابعد در روسی، پولند، صربی، چکی، بلغاری وغیره که همه احفاد سلاوی کهن می باشند). مراجعه به زبان های امروز محض در صورتی مجاز است که ریشهٔ آن در زبان قدیم معلوم نباشد مثلاذکرازکلمه انگلیسی swing و کلمه المانی schwenken در بیان کلمهٔ پشتو: «خوځیدل» که ریشهٔ اریانی آنرا دانشمندان hwak وریشهٔ قدیم تر

اندواروپایی آنرا suenk می‌دانند .

کتابت این کتاب :

درین کتاب کلمات پشتو را به خط متداول نوشتیم . مرجح می بود که برای استفادهٔ علاقمندان کشورهای دوست ، تلفظ هر کلمهٔ پشتورا ، پهلوی کتابت عادی آن به خط فونیمکی لاتینی اضافه می کردیم ، تا رهبر تلفظ آن می شد اما این کار وقت زیاد را دربر میگرفت و نخواستیم این چاپ کتاب از مهلت معینه به تاخیر بیفتد . بنابرین دراکثر جاها زیر ، زبر ، زبرک (زورکی) ، پیش ، سکون و غیره را به قلم علاوه کردیم .

زبرک همان است که استادان زبان پشتو ، آنرا حرکتی بین فتحه وکسره اما بیشتر مایل به فتحه معرفی کرده‌اند وبا ə درج می‌شود .

در کتابت کلمات اوستایی باید بخاطر داشت که ə/e بیانگر یك زبرك کوتاه تر از زبرك پشتو می‌باشد. در کلمات اوستا «تیتا» نزدیك به ث و «دلتا» نزدیك به ذ و «گاما» غ تلفظ می‌شد که دانشمندان قرن ۹ ، ـــ آنرا از روی الفبای یونانی گرفته در طرز تحریر اوستا و دیگر زبان های همخانواده قبول کرده اند : (ث ذ غ) .

۷- ضرورت به تالیف دیگر کتب .

باید واضح باشد که مقصد ازین کتاب ، مساعدت به تحصیلات علمی و تحقیقات است . البته شاگردان ودانشمندان زبان شناسی در بیرون افغانستان ، که زبان دری می‌دانند ، با استفاده از ان میتوانند باب تحصیل زبان پشتو را برای خویش بکشایند . اما مقصد ازین کتاب ، تحصیل وتدریس تلفظ وصرف ونحو پشتو برای گروه انبوه علاقمندان غیرمتخصص نیست . این کار بعهده اهل قلم در افغانستان باقی است ، که یك دستور زبان پشتو محض به مقصد تدریس برای دری زبانان بزبان دری تألیف کنند. (وکتب مفصل تر درین زمینه ، به پشتو هم جداگانه بنگارند). کوتاهی درین خدمت ، مزید برین ، غیر قابل تحمل است. برچنین دستور تدریسی پشتو ، زیر بنای علمی تالیف کتب مجمل تر برای شاگردان دری زبانان مکاتب نیز گذاشته خواهد شد ، که دران باید قواعد تعلیم و تربیت عصری رعایت شود . (آنچه به شاگردان مکاتب تقدیم میشود باید غیراز آنچه باشد که به سالمندان اهل قلم داده می‌شود) .

انواع دستور زبان پشتو مورد نیاز در داخل کشور

نوع دستور زبان	هدف	مطالعه کنندگان
۱ــ تحقیق در تاریخ تلفظ و صرف (از قبیل این رساله)	بررسی علمی و زبانشناسی تاریخی.	استادان وشاگردان زبان شناسی ــ تعلیمات عالی مراکز تحقیق علمی
۲ ــ شرح تلفظ وصرف ونحو زبان متداول و معیاری پښتو به دری.	تعمیم زبان در کشور.	مردم باسواد واهل قلم دیگر علاقمندان فرهنگ و ادب
۳ ــ دروس دستور زبان متکی بر اصول تعلیم و تربیت.	تهیهٔ کتب معاون درسی	شاگردان مکاتب و کورس ها.

این سه نوع دستور، نباید دریک کتاب واحد، بدون تفریق باهم آمیخته شود. در مورد کتاب تعلیمی دستور زبان برای کودکان و شاگردان مکاتب (بحیث رسالهٔ معاون درسی)، باید بخاطر داشت که مطابق توصیه های تعلیم وتربیت امروزی نباید هر درس را بابیان مجرد اصول دستوری آغاز کرد، بلکه برعکس، باید جملات مفیده رابا ترجمه بیان نمود وآنگاه، با تقدیم رسم های ساده ونقشه ها وخاکه ها، به شاگرد دست یاری داد، تابه تدریج مقررات دستوری را بطور ضمنی کسب و جذب کند، وثقلتی بروی وارد نشود. سپس باید جملات متعدد تمرینی برای شاگرد تقدیم داشت که یگانه وسیله موثر تدریس دستور زبان شناخته شده است. نباید فراموش کنیم که در سی سال اخیر، اصول تدریس زبان به غیر اهل زبان، درجهان بکلی منقلب وتجدید شده است وباید مطابق همان اصول، بر کتب تدریس زبان پشتو که متوجه دری زبانان است، تجدید نظر کنیم.

قبل ازاقدام به تالیف دستور های نوع دوم ونوع سوم، تهیه یک رهبر علمی لازم است. این رهبر متکی برفهرست تفاوت های عمدهٔ تلفظ وتفاوت های عمده صرف بین زبان های پشتو ودری باشد، تا این کتب متوجه تعمیم وتدریس، مشکلات واقعی راحل کند وشاگرد مثلا در بیان «برادرم مرا دید» (جمله یی که به ظاهر آسان ودر حقیقت برای دری زبان دشوار است) بآسانی راه خود را بیابد. دروس کتاب باید متوجه حل طریق تدریس آن صعوبت ها باشد، که اهمیت عملی و اقعی دارد.

این بحث راگرچه دربارهٔ این کتاب نیست، عمداً در ینجا تفصیل دادم، تا معلمان کشور و اشخاص موظف تعلیم و تربیت و پیشرفت پشتو آگاه باشند که درین راه بتازگی هیچ گامی مطابق ایجابات عصری نه برداشته ایم.

۸ـ سپاسگزاری:

بیان سپاس از استادانم برمن لازم است: چون بتازگی کتابی را در بارهٔ «تدریس فرانسوی در افغانستان» (که ازطرف شعبهٔ فرانسوی پوهنځی ادب پوهنتون کابل به همت لیسهٔ استقلال بچاپ رسیده است) به استاد فقید خود بنونیست اهداء کردم این کتاب را به استاد خود سورگنستیرن اهداء می کنم.

درجملهٔ اهل وطن، از استاد عبدالحی حبیبی سپاسگزارم که پیشنهاد مرا برای تهیهٔ این کتاب در یکی از مجالس مقدماتی کمیته تهیهٔ مجلس «دوقرن مطبوعات پشتو» بطور جدی و موثراً تایید کرده و سپس وظیفهٔ نگارش تعلیقات و تبصرات را برین کتاب به عهدهٔ خویش گرفت.

دوست گرامی دکتور زیار، همه مسودهٔ این ترجمه را سرتاپا خوانده تبصرات خود را بمن اظهار داشت.

استاد میر حسین شاه، رئیس پوهنځی ادب و دوست دانشمند شاه علی اکبر در ترتیب چاپ این رساله مساعدت کردند. تایپ این متن کار دوست گرامیم محمدعظیم این است که صعوبت ها را در سالیان همکاری با من، با همت و شکیبایی متحمل گردیده است.

به اهل وطن معذرت خود را تقدیم می دارم، زیرا کتابی را که باید بیست سال پیش بایشان تقدیم می کردم اکنون پیشکش می کنم. امید است عذرمرا و این کتاب را بپذیرند.

و من الله التوفیق

ر. ف.

مقدمه

بر

صنف بندی

زبان های

اندوایرانی

بقلم

امیل بنو نیست

مقدمه

بر

صنف بندی زبان های اندوایرانی

بقلم: امیل بنونیست

درقارهٔ آسیا، خانوادهٔ زبان های اندواروپایی، دونمایندهٔ باستانی دارد: یکی خانوادهٔ هندی، ودیگر **خانوادهٔ ایرانی**.

این دوخانواده منشأ وریشه مشترك دارند، که آنرا اندوایرانی مینامند. موجودیت آن زبان وتلفظ وحتی اشکال صوتی آن، از روی مقایسه اسناد قدیم هردو خانواده علماً استنباط می شود.

فصل اول

خانوادهٔ هندی

این خانواده را: **اندوآرین**: نیز می نامند. باستانی ترین نماینده آن متن های «ویدا» می باشد. زبان «ویدا» شکل باستانی **زبان سانسکریت** است. دستور سانسکریت را دانشمندان وضع کردند ومعنی آن «درست شده» است. وزبان عامیانهٔ مابعدرا «**پراکریت**» (یعنی «زبان عوام») نامیده اند.

۱-دورهٔ باستانی

تاریخ زبان «ویدا» معلوم نیست اما بسیار قدیم تر از زمان تولد مسیح است. سرود های «ویدا»، نخست، سینه به سینه انتقال می یافته، و زمانی که باخط سانسکریتی درقید کتابت آمده، کسی بآن زبان سخن نمی گفت، وبنابرین تلفظ لهجه شمالغرب هندی، درنگارش آن اثر انداخته است.

«ریگ ویدا» باستانی ترین بخش ویداست، وآن سرود های مذهبی است که از قرن ده پیش از مسیح، سابق تر است. دیگر بخش های ویدا، و «اوپانیشاد» مابعد است. اما کتبی چون مهابهارته وراماینه تازه تر وبزبان سانسکریت کلاسیك است (نه ویدایی). پانینی در قرن چهارم ق. م دستور زبان سانسکریت را تدوین ووضع کرد. بعد از قرن ۲ مسیحی آثار ادبی متعدد (علاوه بر آثار دینی) در زبان سانسکریت تحریر شد، که قرن ها ادامه یافت واکنون گنجینه میراث آن، رنگارنگ وپهناور است.

۲-دورهٔ میانه:

تلفظ مردم بشکل سانسکریت کلاسیك برجانماند واز ینجاست که حتی در قرن ۳ ق. م. در سنگ نبشته های آشوکا، که در نواحی مختلف هند وحتی بیرون از هند در افغانستان باعبارت فرمان متحد المآل کشف شده است، لهجه های نواحی وبلاد را درمی یابیم. این همه لهجه های «پراکریت» است که یک نوع آن از آن گندهارا بوده نمونهٔ آنرا حتی در آسیای مرکزی می یابیم. این لهجه ها را هندی وسطی می نامند وآن انواع پراکریت است، که در گندهارا، پنجاب، پتنه، مهاراشترا هر کدام به لهجه یی در قید کتابت آمده است. ازین معلوم میشود که حتی در ان وقت باسوادان از جمله مردمان، زبان سانسکریت رانمی دانستند واین زبان، خاص اهل دین و دانش شده بود.

بمرور ایام، تحول زبان های گفتاری چنان بود که حتی زبان این نبشته های پراکریتی هم مورد تکلم باقی نماند، و«دیشه بهاشا» یعنی زبان منطقوی و«گرام یه بهاشا» یعنی زبان محلی ظهور کرد که آنهم در بسا جاها به تحریر آمد، وحتی رعایت پراکریتها نیز کمتر شد.

بر علاوهٔ زبان های ادبی در دورهٔ «میانه»، زبان دینی پالی وجود داشته که پیش از قرن اول قبل از مسیح، دستور های کیش بودائی، در سری لانکا (سراندیب) باآن به تحریر آمده است.

۳- دورۀ جدید:

درمرحلۀ نوین و تازه ، درحدودصد زبان هند واریا یی سخن گفته میشود که از روی مشخصات واك شناسی وصرف میتوان آنرا صنف بندی کرد. ازآنجمله :

دسته شمال غرب :

این‌دسته که مشخصات باستانی را پاسداری کرده است.اکثر بیرون نیمقارۀ هند سخن گفته میشود وچند شاخه است :

- شاخه‌زبانهای نورستان که‌در قرن ۹ ۱ باصطلاح«کافر»یاد میشد .

— شاخه زبان های‌بیرون نورستان از ان جمله‌گور باتی (دربریکوت) ،پهلوره، داملی،کاشه، ودرداخل افغانستان پشه یی ودرجنوب رود کابل تیرا هی (که از ناحیه تیر اتبعید شده)وباز بیرون افغانستان کهوور (یعنی چترالی) که‌نزدیك به‌زبان کلشه است .

-شاخه زبان های دردي شاملشینه (د رگلگت) ،کوهستانی وکشمیری.

در زبان‌کشمیری که شکل تحریر نیز گرفته ،زبان دری‌وسا نسکریت کلاسیك وهندی‌نیز اثر آورده است .

زبان تسیگانی(یا جپسی‌یارومنی)زبان کولی ها(= جتها) ست که‌در همه جهان بلهجه های مختلف سخن گفته میشود .درقرن۵ م از همین دسته انشعاب کرده است .

دسته‌غربی :

لهنداکه آنرا پنجابی غربی نیز مینا مند ودرهمسایگی جغرافیا یی زبان پشتو سخن گفته میشود (یك لهجۀ آن بنام هندکو معروف است ودرداخل افغانستان هم شنیده می شود) .

سندهی ،ملتانی (یا «ریاستی»)،گجراتی ،مرتهی،راجستانی(از ین جمله‌ماروای‌وبهیلی . (اسناد ادبی مرتهی ازقرن ۱۲ مسیحی بدست است) .

دسته‌مرکزی :

پنجابی ، زبان های پهاری (یعنی کوهی) ازانجمله نیپالی (=گور کهالی) ، هندی‌غربی (از پنجاب تا کانپور) (یك لهجۀ آن‌بنام «برج بهاشا»ازناحیۀ« ماتهورا»ست که زبان شعر و موسیقی شده است). هندی شرقی (تا بنارس) ازآنجمله‌لهجه اوده (که‌دران«تولسی‌داس» شاعر،

افسانهٔ راما را به نظم آورده است).

اهمیت امروزی هندی‌غربی در آن است که زبان متداول و وسیله لسانی ارتباطی در دهلی و باقی شمال هند، یعنی زبان معروف به «هندوستانی» متکی بر آن می باشد. زبان «اردو» نیز یك شکل همین زبان است که در آن کلمات دخیل دری متعدد تر است و بخط دری تحریر می‌شود. اما زبان «هندی» بخط د یوه نگری (یعنی یك شیوهٔ خط سانسکریت) نوشته شده بیشتر کلمات قدیم سانسکریت در آن، عیناً، بتازگی اقتباس شده است.

دستهٔ شرقی :

بنگالی، بهاری، اوریا، اسامی که هر کدام (بطور خاص بنگالی) ادب وسیع دارند.

سنگالی :

سنگالی یا سنهالی را یك قسمت از مردمان سری لانکا (سراندیپ) سخن مگویند، از همین خانوادهٔ زبان هاست.

زبان های هندی دارای دوگونه خط است:

۱- «براهمی» که از چپ بر است نگاشته میشود و در هر ناحیه هندوستان شیوهٔ دیگری دارد بحدی که اهل هر ناحیه، باشیوهٔ خط خود آشنائی دارند وخط دیگر را نمی‌خوانند. خط «دیوه-ناگری» که ذکر کردیم متداول ترین شیوهٔ آن است.

۲- خط «کهروشتی» که د رشمال غرب هند و افغانستان قدیم بکار رمی رفت: اساس آن الفبای زبان آرامی بود و از راست به چپ نوشته می شد اما تاثیر براهمی بر آن وارد شد، اکنون متروك است و بر آثار قدیم خوانده میشود که از افغانستان و شمال غرب نیمقاره بدست می آید. (تعلیق ۳)

خانواده اریانی

۱- دورهٔ باستانی :

این خانواده در دورهٔ باستانی دو زبان معروف داشته است. یکی دولتی یعنی «پارسی باستان» (= فرس کهن) که زبان تاریخی امپراتوری هخامنشی است و دیگر «اوستا» که زبان دینی بود.

در دورهٔ وسطی هم دو زبان عمده وجود داشت: یکی پهلوی در غرب و دیگر سغدی در شرق.

تعقیب جریان تاریخ خانوادهٔ زبان های اریانی دشوار است. از دورهٔ باستانی زبان های این خانواده، محض متن های منفرد ومنقطع بد ست است.

د ر اثـر کشفیات مابعد(قـرن بیستم)، مـوجـودیت زبـان هـای دیگر ایـن خـانـواده، مربوط دورهٔ باستانی ثابت شده‌است ودرین زمینه ها مطالعات هنوزدوام داردو تکمیل نیافته است.

پارسی باستان (=فرس کهن).

لهجه ناحیه فارس بود. شاهان هخامنشی، کتیبه های خودرا باین زبان به خط میخی ثبت کرده‌اند واین خط، غالباازخط اکادی اقتباس شده‌است (که زبان سامی بود). عمده ترین سنگنبشته های پارسی‌باستان در شمال شرق کرمانشاه در بیستون (بغستان) خوانده می‌شودود یگرنقش رستم که مقبره‌داریوش‌است در «پرسه پولیس» وکتیبه الوند وکتیبه سویز در مصر. اکثر این‌متن هابه‌سه زبان یعنی پارسی باستان، عیلامی و بابلی درج شده است.

زبان پارسی باستان که اکثرحکایهٔ فتوحات جنگ ها بان‌درج شده‌است، زبان‌متد اول رسمی نبوده، هنوز ازآرامی (که زبان سامی‌بود)، برای مکاتبات استفاده می شد.

اوستا:

زبان‌متن های دینی مزدی (یعنی‌زرتشتی) که ازعصر باستانی‌است، در زمان مابعد، یعنی ساسانیان وقتی کیش زرتشتی مقام‌دولتی یافت، گرد آوری‌وتدوین شده‌است.

آنچه‌امروز بدست داریم‌در حدود یك ثلث‌متن گردآوردهٔ اولی‌است، ومجموعهٔ پارچه های‌زبان های‌مختلف است که ازروی محتوای‌آن باهم‌پیوست شده‌است.

قبل‌ازان اوستا، طی قرون، سینه به سینه انتقال یافته بود، وتلفظ‌گویندگان برطرزبیان آن اثرمی انداخت.

زمانی که اوستابه تحریر آمد، نگارندگان، درباره‌تلفظ درست‌آن، علمیت واثق‌نداشتند. برای اینکار، خط پهلوی‌را گزیدند که ادای تلفظ راکم وبیش دقیق‌ثبت میکند وآنرا هم باشیوه تلفظ اوستا که آن‌زمان معمول‌شده بود درج‌نمودند، بحدی که قرائت متن، حتی امروزگاهی ایجاب‌تاویل را می‌نماید.

درین‌مجموعه، دوسلسله متن ها آمده است:

- گاثا (یعنی سرود ها) که «پندواندرز» منظوم زرتشت است و نمونهٔ کلام باستانی و

سا بق ترین بخش اوستامی با شد (قدامت آن موازی به زبان ویدا در خانوادۀ هندی است و از قرن ۸ قبل از مسیح سابق تر می باشد) .

ـ اوستای اصلی که آن قدامت را ندارد شامل :

ـ مجموعه ادعیه بنام «یشت» ها .

ـ تعلیم عبادات وآئین بنام «وندیودات .»

گر چه اسطوره ها چنان است که سر زمین «ماد» کشور زردشت بوده ، مگر زبان اوستا ، مطابق شهادت واك شناسی ، وصرف ولغات ، زبان شرقی است و بنا بر ین محل تعلیم ونشر دین وآیین زرتشتی درشرق بوده و بعداً بسوی فارس انتقال یافته است .

زبان اوستا راگاهی «زند» نامیده اند، وتا اواخر قرن نزده ، حتی دار مستتر، آنرازند می نامید. اما درحقیقت ، زند آن متن زبان پهلوی است ، که در آن مطالب زبان اوستااقتباس شده است. پس کلمۀ «اوستا» درست است ، وبرای تسمیه زبان بکار رود .

دیگرزبان های دورۀ باستانی:

بجز «پارسی باستانی» و «اوستا» ازدیگر زبان های خانوادۀ اریانی از دورۀ باستانی ، متن تحریری بدست نداریم ، وشاید اکثر هم به قیدتحریر نیامده بود .

از زبان مادی بجز اسمای خاص به خط میخی پارسی باستان ، چیزی بدست نداریم .

از زبان ساکا (یا سیتی) ، اسمای خاص بدست داریم که د رمتن های آسوری یا یونانی آمده است وبیانگر لهجه خاص قبایل چادرنشین قدیم است . یك شعبۀ آن زبان را آن چادر نشینان درقرن نهم قبل ازمیلاد ، ازحوزۀ آمو ، به دشت های جنوب روسیۀ امروزی انتقال داده بودند. بقایای آن زبان آسی در قفقاز است (اخ رص ۲ ، دیده شود .)

تبصرۀ استاد مور گنستیرن :

«خانواده اریانی در یك مرحله ابتدایی به دو دسته منقسم گردید .

زمان این انشعاب شاید بیشتر از زمان گاتا صورت نگرفته باشد .

دراثر این انشعاب ، اریانی غربی و اریانی شرقی پدید آمد و مشخصات آن قرار آتی می باشد:

	پاسداری واکک ها در اریانی غربی	تبدیل واکک ها در اریانی شرقی
	آواز دورهٔ انتقال	آوازها بعد
ب	میان «ب» و «و»	و
د	نزدیک به «ذ» مایل به «ل»	ل
گ	نزدیک به «غ»	غ

۲ـ دورهٔ میانه:

دورهٔ میانه زبان های اریانی بعد از قرن اول مسیح آغاز شد. طی قرون مابعد باشکال مختلف پدیدار شده ودارای دو دسته شرقی و غربی می باشد.

در دستهٔ غربی

زبان های آریانی دورهٔ میانه، زبان پهلوی وپارسی میانه قابل ذکر است:

الف پهلوی: زبان رسمی ودینی دورهٔ ساسانی (۲۲۶ تا ۶۵۲ م) بودواز ان زبان، متن های دینی، ودیگر باین زبان در قید تحریر آمده ویکعده از آن بدست است. برای نگارش از خط آرامی کار گرفته شده، ودر بسیار جا ها «ایدیوگرام» یعنی «هزوارش» بکار می رفت (یعنی مثلا برای تحریر کلمهٔ نوشتن آنرا به دوقسمت تقسیم می کردند: بجای «نوشت» کلمهٔ آرامی «یکتبون» وبجای «تن» همان «تن» رامی نگاشتند ومجموع، یکتبو نتن را باز هم «نوشتن» می خواندند!). آثار مذهب مانوی این زبان غربی، در شرق، در تورفان (ترکستان چین) کشف شده است ومربوط اخیر قرن ۳ تا قرن ۷ م می باشد.

این زبان اکنون وارث مستقیم ندارد اما بعضی زبان های شمال غرب ومرکز ایران باپهلوی همدسته اند (البته پهلوی از دوره میانه، واین زبان ها از دورهٔ جدید است). این زبان عهد پارت ها (یعنی ـ «اشکانیان») را «پارثه وی» نیز می نامند.

ب ـ پارسی میانه:

این زبان، بازماندهٔ پارسی باستان است. بعضی سنگنبشته های ساسانیان، متون دین زرتشتی

و مذهب مانوی (ازجمله آنکه در شرق در تورفان کشف شده) بهمین زبان است .

از دسته شرقی باکشفیات نیم قرن پیش درچین وتورفان، متن های عمده بدست آمدوشامل زبان های آتی می باشد :

الف- سغدی .

زبان «سغد» قدیم یعنی سرزمین بخارا وسمرقند بود ودرهمان زمان مقام بین المللی یافت .

درمغولستان متن گذشته (قره بولگه سون) به سه زبان است ، ترکی اویغوری آن زمان، چینی وسغدی.

از زبان سغدی، درچین نیز آثاری کشف شده است .

متن ها قرن هشتم ونهم مسیحی را فرا می گیرد . خط آن ازنوع آرامی است (چه «پارثوی» وچه نوع «سریانی») یعنی که زیروزبر ندارد وباید حروف علت رادر آن ازروی تحقق زبان شناسی دریابیم . این متن های سغدی سه گونه است :

- متن های بودایی ؛ که اکثر از چینی ترجمه شده .
- متن های مسیحی که اکثراز سریانی ترجمه شده و یااصلی است .
- نامه ها از قرن ۸ میلادی .
- متن های اداری آغاز قرن ۸ م مکشوف ازساحل چپ رود زرافشان.

لهجه های مربوط این چهار گونه متن نیز ازهمدیگر فرق ها دارد .

ب- ختنی (ساکا) :

لهجه «ختنی» زبان «ساکا» شامل متن های بودایی ودیگراسناد (قرن ۸ تا ۱۰ م) که موجود یت دونوع لهجه را نشان میدهد .

این متن ها به خط برهمی نگاشته شده است. گرچه بااین خط مصوت ها (حروف علة) درج شده است اما انواع عدم مطابقت وبی نظمی ها درآن موجوداست وباید در کار قرائت آن تاویلات نمود. در لغات تاثیر هندی از زبان پراکریت بمشاهده می رسد .

ج- باختری :

در بارهٔ این زبان، بجز آنچه برسکه های هفتالیان مشهور به اندوسیت (کوشانیان، قرن ۲ و ۳ بعد ازمسیح) چیزی معلوم نبود . تا آنکه درسن ۱۹۵۷ سنگنبشتهٔ بغلان کشف شدو آن به کتیبهٔ «سرخ کوتل» معروف است که ازنزدیکی مقام معروف به «کهنه مسجد» (درجوار شهراسروزی

« پل خمری » از معبد کانشکا پیدا شد. برعلاوه این سنگنبشتهٔ کلان ، که درموزیم کابل است ، دیگر سنگنبشته ها نیز در همانجا در زبان باختری پیدا شد: این زبان مشخصات زبان های اریانی شرقی را دارد، از قبیل تبدیل شدن گروه صامت اریانی « خ + ت » به گروه « غ + ن . » تفریق بین مؤنث وسذکردرآن در حال فقدان است . (تعلیق ۳)

تفریق حالت اسم ، ازروی واك واپسین ، به دو یاسه قلم محدود شده است. تبدیل « د » که در زبان اریانی بود به « ل » درین زبان صورت گرفته است . چنانکه در زبان پشتو ونیز در زبان منجی واقع شده است.

دیگر زبان های عهد میانه ، بارسم الخط مشتق ازرسم الخط « آرامی » تحریر شده، اما این زبان بارسم الخط یونانی تحریر یافته ، بنابرین در آن ، مصوت ها ، یعنی حرکات نیز درج شده است . آندره مریك Maricq در ژورنال آزیاتیك ۱۹۵۸ می نگارد که، زایر چینی ، هیوان ځانگ ، از موجودیت این زبان وادبیات عمدهٔ آن سخن گفته است . زبان شاهان کوشانی ، شاید یك لهجه « ساکا » بودو باختری ، زبان اهل محل ، (البته زبان همخانوادهٔ ساکا). پروفیسر هینگ Henning درجلد ۲۳ مجله BSOAS در ۱۹٦۰ شرح مزید سنگنبشته هارا نشر وتوضیح کرد که معبد از کانشکاست اما کتیبه بعد ازوی از زمان هویشکامی باشد (رجوع شود به مقاله بنونیست در ژورنال آزیاتیك ۱۹٦۱ درین باره) . در ۱۹٦٦ ، دکتورهومبخ کتاب دوجلدی ، درباره این زبان ، بزبان المانی نشر کرد که حاوی بیان کتیبه های سکه ها و کتیبهٔ بزرگ بغلان و کتیبه های کوچك می باشد (رجوع به فهرست کتب در اخیر این کتاب) .

د ـ خوارزمی :

ازین زبان در کتب فقه اسلامی بزبان عربی چند جمله وچند کلمه باقیمانده است وآن هم به خط عربی تحریر شده است وبرای واك های زبان اشکالی اضافه گردیده از قبیل ځ، ف با سه نقطه فوقانی این زبان به سغدی نزدیك به نظر می رسد . (تعلیق د)

۳ـ دورهٔ جدید :

الف ـ دستهٔ جنوب غربی :

دری (فارسی) از همه زبان ها بیشتر گوینده دارد . اولین متن های آن تا قرن ۸ مسیحی سابقه

دارد . این زبان بزودی زبان ارتباط واتصال گردید ، وبران تأثیر دسته شمال غرب ودسته شرق خانوادهٔ اریانی آمد. همه نخستین نگارندگان وشعرای دری، اهل مشرق بودند. شکل ادبی زبان بزودی استحکام یافت . گرچه فردوسی شاهنامه را بیشتر باد ری ناب و سره نگاشت ، اما دیگر نگارندگان کلمات عربی را در زبان دری قبول کردند. در قرون ما بعد زبان ادبی دری بسوی هند نیز گسترش یافت.

دیگر زبان های دستهٔ جنوب غربی :

- لری و بختیاری و نیز :
- زبان های فارس (سمغونی ، ماسرمی، بورنگونی و غیره)—
کمزاری (شبه جزیرهٔ مسندام در عمان).

-تاتی (این زبان در اثر انتقال نفوس درجنگ ها به نزد یك باکو در آذربایجان جاگزین شده یکعده از گویندگان آن یهودانند).

ب ـ دسته شمال غرب:

مشخصات مشترك دارند مگر از همدیگر تفاوت های زیاد نیز دارامی باشند :

الف : زبان های مرکزی د رساحهٔ بین تهران ، اصفهان ، همدان ویزد.

سمنانی ، سیوندی ، خوری وغیره .

پارسیان یزد (که زرتشتی اند) درلغات ، مشخصاتی را محفوظ داشته‌اند .

دستهٔ دریاچه خزر :

- مازندرانی (از قرون وسطی باینسو متن های تحریری دارد) .
- گیلکی (زبان گیلان ، ناحیهٔ رشت).
- تالشی (در آذربایجان شوروی نیز سخن گفته می شود) .

کردی:

مرکز این زبان« کهسار زاگروس» است .گویندگان زبان درسه کشور ترکیه، عراق و وایران (واندکی در سوریه ودر اتحاد شوروی) زندگی دارند.

برخی از یشان نیمه چادر نشین اند وبقیه همه قریه نشین وروستایی ـ لهجه های متعدد دارد که در دودسته تقسیم می شود:

ـ لهجه های جنوبی : ناحیهٔ کرمانشاه ومنطقهٔ بختیاری .

ـ لهجه های «کورمانجی» شامل دوشاخه :

ـشاخهٔ شرقی:مکری، زبان سلیمانیه وسنه .

شاخهٔ‌غربی : دیار بکر، اورمیه ، اریوان ، ارض روم، سوریه، خراسان .

ادب کردی شامل حماسه ها ، سرود ها وداستان ها ست که اکنون بصورت رساله و جریده بخط عربی اند گی در عراق ، بچاپ می رسد .

زازا وگورانی .

زازا درسورك ، چبخچور کو روغیره سخن گفته میشود .

گورانی در کند وله، پاوه، اوراسان ، تله دشك شنیده‌می‌شود.

هردو شاخهٔ یك زبان اند . نخستین گواهی ادب این زبان،شامل آثار ادبی وثبت وقایع ازقرن ۱۸ سابقه دارد . لهجه های کردی بر بعضی لهجه های«زازا »و« گورانی» تاثیر انداخته است .

بلوچی :

گرچه اکنون در جنوب شرق ایران وافغانستان وبلوچستان سخن گفته می شود مگر از نظر صنف بندی واکشناسی شامل دسته غربی وشاخهٔ شمال غرب است.

ازنظر تاریخی نیزمعلوم می‌شود ،گویندگان زبان درقرن ۱۰م بسوی جنوب‌غرب‌نقل‌مکان کرده‌اند. درشاهنامهٔ فردوسی نام ایشان ذکرشده وازان مستفادمی شود که هنوزدر غرب می زیستند.اکنون ازبحرعمان ورودسند تادیره غازی‌خان‌و تا رودهلمند و ریگستان‌و در قلات «مکران» و بسوی «بم پور» (در ایران) موجود است و دو شاخهٔ لهجه ها دارد :

ـشاخهٔ شمالی

ـ شاخهٔ‌جنوبی (= مکرانی) .

ادب زبان ،اکثر شفاهی بوده، و اکنون بعضی‌نشرات دارد.

ج. زبان های شمالی شرقی:

پشتو

عمده ترین این دستهٔ زبان ها پشتو ست (رجوع شود به داخل این کتاب).

زبان های پامیر :

این زبان ها گواه پهنای شرقی ساحهٔ زبان های آریائی است که اکثر نام دره های کهسار پامیر را دارد:

- «شغنی»— چند زبان دیگر با این زبان قرابت کلی دارد و آن ارشری، روشانی، برتنگی، سرکولی یازغلامی، و ونخی میباشند.

(زبان «ونخی» اکنون از میان رفته است).

- اشکاشمی و سنگلیچی.

- منجی - (زبان یدغه در چترال قریب باین زبان است).

- واخی (درواخان). وخیان خود وزبان خود را «بنیک» میگویند.

درشمال غرب پامیر، (دردرهٔ یغناب معاون رودخانه زرافشان دراتحاد شوروي) زبان «یغنابی» یگانه باز ماندهٔ یکی ازلهجه های زبان قدیم «سغدی» است.

آسی :

یکی دیگر از زبان های شرقی است. گر چه درغرب یعنی در قفقاز، سخن گفته می‌شود. این زبان را اوستی (در روسی: استین) می‌نامند. نام قوم آس را، سترابون، مورخ یونانی ونیز مورخان عهد اسلامی ذکر کرده‌اند. سرزمین اوستی اکنون در قفقاز، یک ناحیه خود مختار اتحاد شوروی می باشد وزبان با الفبای کریلی (یعنی روسی) به تحریر آمده است.

دو نوع لهجه دارد :

- لهجهٔ "رایرون" - که یکنوع آن بنام "تمگور" اساس زبان ادبی است.

- لهجهٔ "دیگور" -

زبان "آسی" باقیماندهٔ لهجه های "سیت" (=ساکا) و "سرمت" است که در زمان باستان در جنوب روسیه امروزی سخن گفته می‌شد ، و "سلاو" ها ایشان‌را مغلوب واخراج کرده بودند . منشاء اصلی زبان در عهد سابق‌تر در شرق بوده .

د : زبان‌های جنوب شرقی .

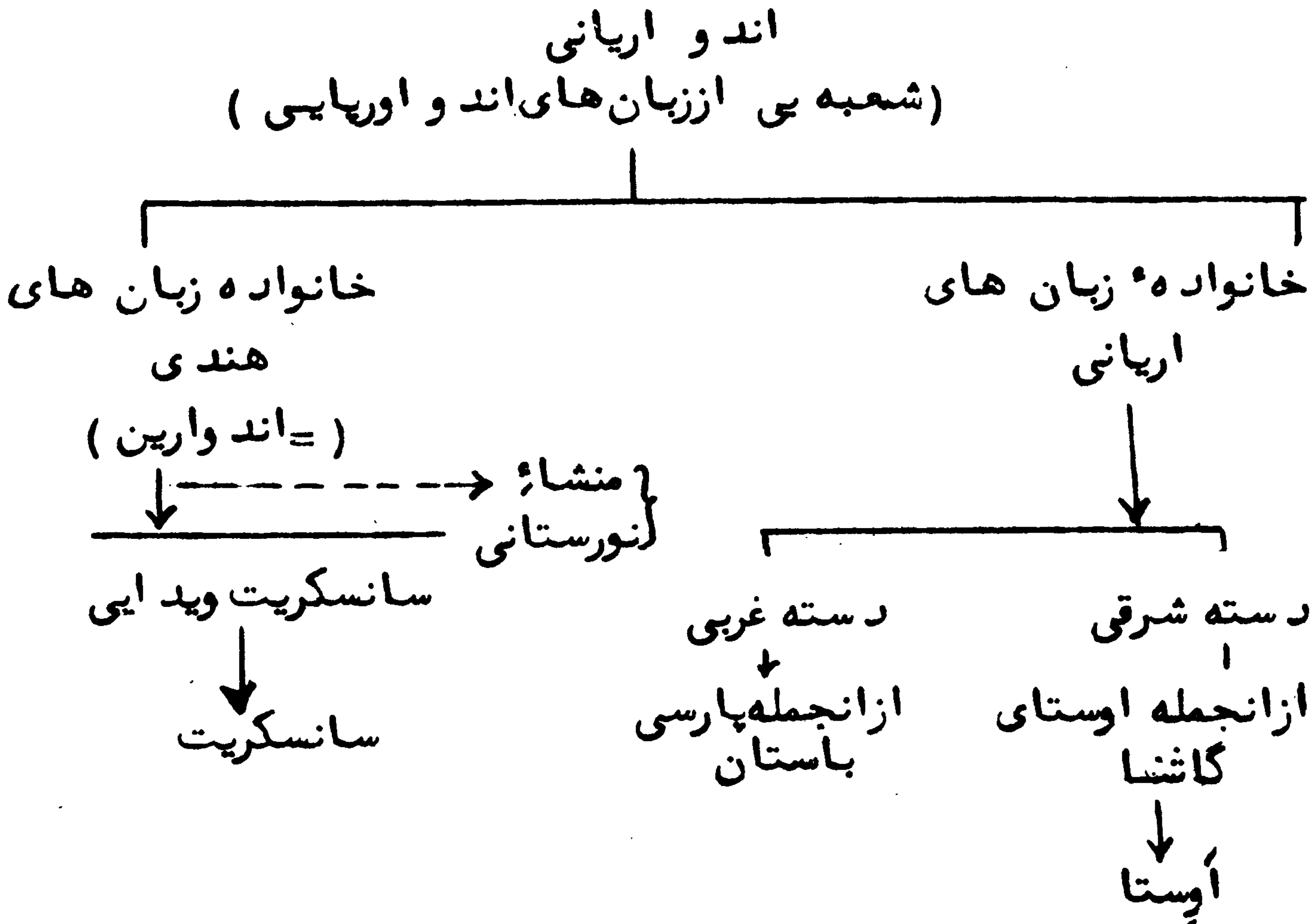
- اورمری شامل دو شاخه :

- اورمری لوگر (در برکی برک) (عده‌ٔ اندك گویندگان باقیمانده‌اند)

- اورمری کانی کورم (در وزیرستان ، ناحیهٔ گرویك) .

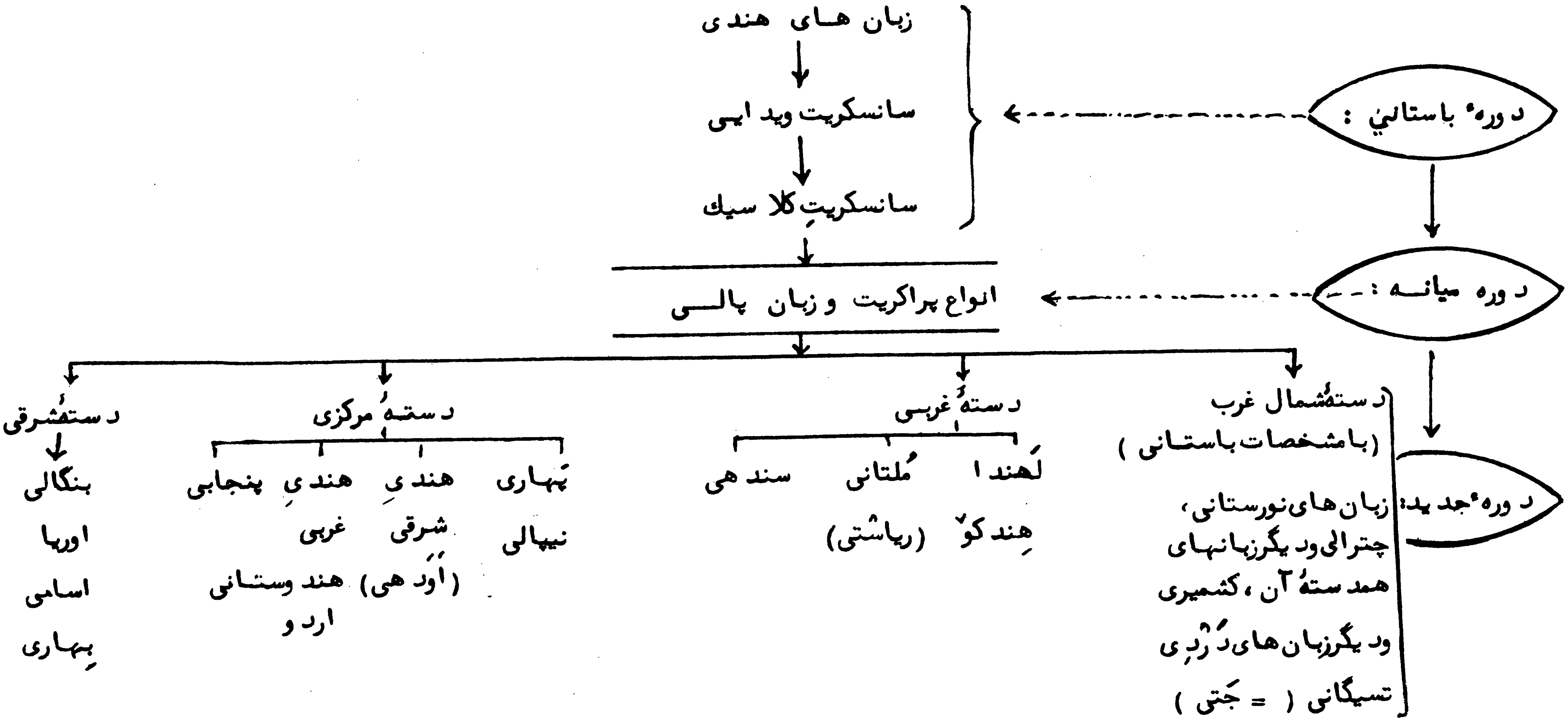
- پراچی : در درهٔ شتل نزد یك گلبهار و درهٔ پچغن در نجراب .
(ونیز در غچلان نجراب)

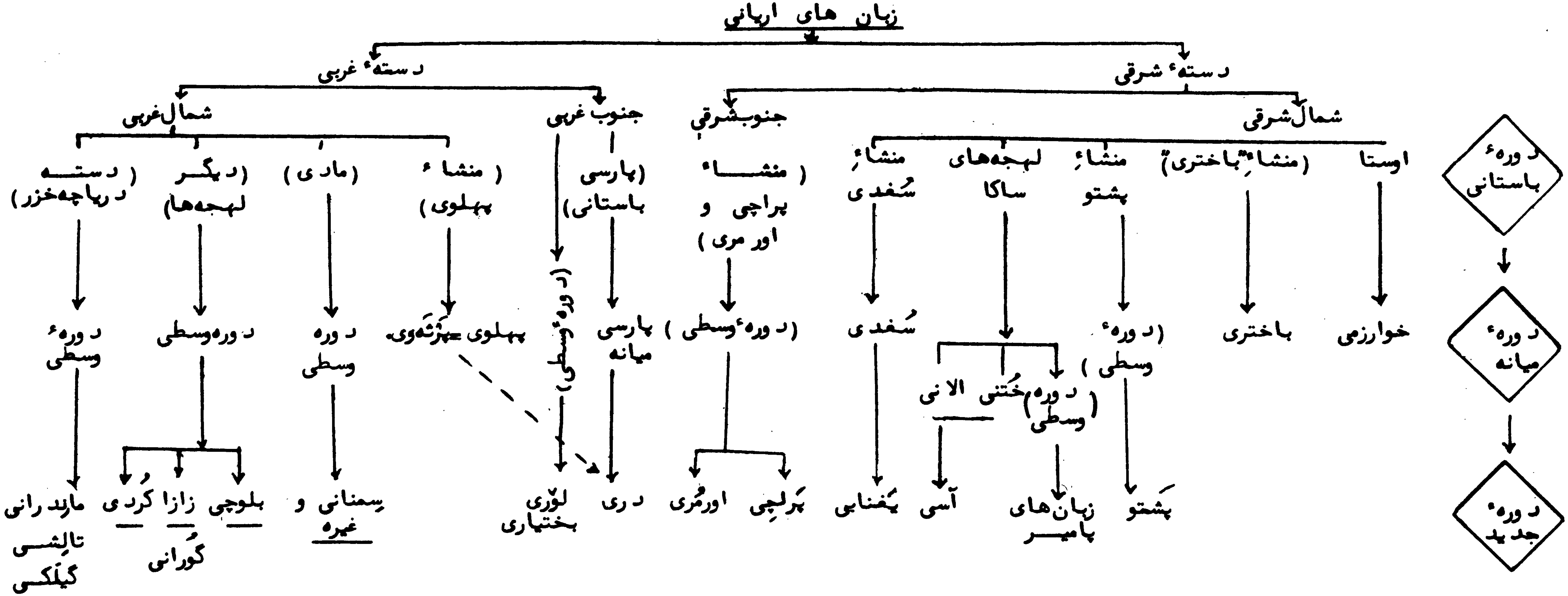
*****



((تذکراستاد مورگنستیرن :

در زبان‌های نورستانی ، چنان گروه های صامت ازدورهٔ اند واریانی باقی مانده‌است که درزبان ویدایی باقی نمانده‌بود . این واقعیت ثابت - میکند که انشعاب منشاءِ اولی زبان های نورستانی (از تنهٔ اصلی اند و آرین)، قبل از انشعاب ویدایی صورت گرفته است.))


دورهٔ باستانی :
دوره میانه :
دورهٔ جدید :
زبان های هندی
سانسکریت ویدایی
سانسکریت کلاسیک
انواع پراکریت و زبان پالی
دستهٔ شمال غرب (با مشخصات باستانی)
زبان های نورستانی، چترالی و دیگر زبانهای همدستهٔ آن، کشمیری و دیگر زبان های دَردی تسیگانی (= جَتی)
دستهٔ غربی
لَهندا
هِندکو
مُلتانی (ریاشتی)
سندهی
دستهٔ مرکزی
بِهاری
نیپالی
هندیِ شرقی (اَودهی)
هندیِ غربی
هندوستانی اردو
پنجابی
دستهٔ شرقی
بنگالی
اوریا
اسامی
بِهاری


زبان های ایرانی
دستهٔ شرقی
دستهٔ غربی
شمال‌شرقی
جنوب‌شرقی
جنوب غربی
شمال‌غربی
اوستا
(منشأ باختری)
منشأ پشتو
لهجه‌های ساکا
منشأ سُغدی
(منشاء پراچی و اور مری)
(پارسی باستانی)
(منشاء پهلوی)
(مادی)
(دیگر لهجه‌ها)
(دسته دریاچه‌خزر)
خوارزمی
باختری
(دورهٔ وسطی)
ختنی
الانی
(دوره وسطی)
سُغدی
(دورهٔ وسطی)
پارسی میانه
(دورهٔ وسطی)
پهلوی پرثه‌وی
دوره وسطی
دوره‌وسطی
دورهٔ وسطی
پشتو
زبان‌های پامیر
آسی
یغنابی
پرلچی
اورمری
دری
لوری بختیاری
سمنانی و غیره
بلوچی
زازا
کردی
گورانی
مازندرانی
تالشی
گیلکی
دورهٔ باستانی
دورهٔ میانه
دورهٔ جدید

بخش نخست

تاریخ تلفظ

بقلم

ویلهلم گایگر

با فصلی از

جیمز دار مستتر

ص ۱۶

ص ۱۷

تسمیه هاو واک شناسی درین رساله

مصوت بمعنی "واول" و صامتبمعنی "کنسُننت" بکار رفته است.

مصوت ها

a ā i u ū ē ə ō

a فتحه یا زبر نامیده شده و ə زبرک (زورکی).

ē - یای مجهول است.

ō - واو مجهول است.

مصوت های مرکب

فتحه+ی	ai = ay	یای ملینه
زبرک + ی	əi = əy	یای ثقیله
فتحه + و	au = aw	(تعلیق ۶)

نیمه مصوت ها

و = w ی = y

این دو واک ، "نیمه صامت" نیز نامیده می شوند.

صامت ها

- انفی (نیز معروف به خیشومی) : ن ، ڼ ، م است.
- مایع: ر ،ل ،ړ ، ("ل"را کناری و "ر" را تکریری نیز می نامند.)
- انسدادی : که در ادای آن جریان هوا بسته شده ،بعد ازکشاده شدن جریان ،آواز شنیده می شود :
  - بی آوا : ك چ څ ت ټ پ
  - آوایی : گ ج ځ د ډ ب

درین جمله "ټ" و "ډ" را واک "مغمزی" می نامند ، چنانکه در زبان سانسکریت می گفتند :

- زمانی : که درادای آن جریان هوابسته نشده تلفظ آن از آغاز شنیده شده زمانی رادر برمیگیرد و "زمانی" نامیده می شود.

(چون گذرگاه هوا اندك منقبض می شود ،آنرا انقباضی نیزترجمه کرده اند) :-

- بی آوا : خ هـ ش س ښ
- آوایی : غ ژ ،ږ ،ز

مقدمه

بند ۱

واك ها

۱- مصوت های پشتو

مفرد :

زبـر	َ	a
زیـر	ِ	i
زبرك (زورکی)	ٙ	ə
پیـش	ُ	u

دراز :

مد برفتحه	آ	ā
یای معروف	ـِـ ی	ī
یای مجهول	ې ی	ē
واو مجهول	ۆ	ō
واو معروف		ū

مرکب (دیفتونگ) :

زبر + و	au=aw
زبر + ی (معروف بهیای ملینه)	ai=ay
زبرك + ی (معروف بهیای ثقیله)	əi=əy

نیمه صامتهای پشتو

و - w ی - y

۲- صامت های پشتو

ك	گ	خ ﻫ	غ		
چ	ج	ش	ژ ږ		
څ	ځ				
ت	د	س	ز	ن	ر ل
(ټ)	(ډ)	ښ		ڼ	ړ
پ	ب			م	

k	g	x h			
č	ǰ	š	ž ž́		
c	j				
t	d	s	z	n	r l
(ṭ)	(ḍ)	ṣ̌		ṇ	ṛ
p	b			m	

ټ و ډ خاصِ آن کلمات است که اززبان‌های هندی به پشتو وارد شده است . (رجوع شود به بیان این واك ها درین رساله ، بند ۵۱ تا ۵۹).

بند اول

لهجه شناسی پشتو

پشتو دو سلسله لهجه دارد: یکی شرقی ، دیگر غربی :

غربی	شرقی
ښ	آواز خ
ږ	آواز گ

ج مقابل ځ قابل‌توجه است . مثلاً جای و ځای .

تذکر مورگنستیرن :

(رجوع شود به بخش واپسین این رساله ، بقلم استاد مورگنستیرن)
ص ۲۱۱ و ۲۱۲

باب نخست

مصوت ها

بند ۲

فتحه a

۱- واك فتحه در پشتو بجای‌همان واك a در اوستا :

پشتو	دری	اوستا
اَته	هشت	ašta-
اَنا	(مادرکلان)	hanā-
څَلور	چهار	caϑwārō-
(را) غلیَ	آمده	* gataka-
زَوَر	ژرف	ǰafra-

۲- بطورعادی a که در زبان‌اوستا بود ، در پشتو آواز o را دارد .

اول : مثال o

الف. واك o در آغاز کلمات پشتو ،بجای‌واك a در اوستا .

پشتو	دری	اوستا
اُوبه	آب	āp-
اُوسی، یاهوسی	آهو	āšū- سانسکریت
اَوره	آرد	-

ب . واك ō یعنی واو مجهول میان کلمات پشتو ،بجای واكِ ā در اوستا در حالیکه پس ازان "ر" آمده باشد :

پشتو	دری	اوستا
څلور	چهار	ča θwārō
پوَر	(وام) پاره)	pāra-
ستورَی	ستاره	stār-
اُور	آتش	āθr-
موَر	مادر	māθr-
وروَر	برادر	brāθr-
لور	دختر	dāθr-

واك ō در میان کلمات پشتو بجای ā در اوستا، در حالیکه پس ازان صامت های دیگر آمده باشد :

پشتو	دری	اوستا
پنځوس	پنجاه	pančāsata-
زووَل یا زیږل	زادن	zā-

ج . واك ō در اخیر کلمهٔ پشتو بجای ā در اوستا :

پشتو	دری	اوستا
وَو	باد	vāta

دوم : واو معروف ū (در پشتو بجای ā در اوستا)

واك ū در پشتو بجای‌واكِ ā در اوستا، پیش از " ن " و پیش از " م " آمده است .

	پشتو	دري	اوستا
درآغاز کلمه :	اُوم	خام	āma
درمیان کلمه :	پشتو	دری	اوستا
	لونه	دانه (برجلد)	* dāna
	وروُن	ران	rāna-
	-تون	-ستان	stāna-
	یون	جنبش ، رفتار ، سفر	yāna-
	نوم	نام	nāman-
	زوم	داماد	zāmātar

(مطلب از " تون " پسا وندِ زمان ومکان است چنانکه در بیلتون پشتو و زمستان دری .)

-۳

نشانهٔ جمع و نیز نشانه‌حالتِ جر در موارد معین در پشتو ūno- می‌آید .
این‌نشانه‌بجای ānām - اوستائی‌آمده : وبهمین گونه نشانهٔ o -
در پشتو بجای نشانه am/ānām- اوستائی .

الف. آ چون قبل‌از م بوده مبدل به واومجهول یا واو معروف شده است .

ب . درجایی که م در اخیرکلمه دور افتاده است ، آنگاه واو مجهول بجای خود مانده است .

-٤

قانون تبدیل‌شدن آی اوستائی به واو مجهول در پشتو ، مظهر یک سلسله استثناآت می‌باشد ، که بطور اطمینان‌بخش قابل بیان‌نیست و محض خطوط عمومی آن آشکار می‌گردد :

- آن پیشاوندِ فعلی زبان‌قدیم که ā بوده بهمان‌گونه آ یا اَ (فتحه) مانده است چنانکه در آغوستل ، پوشیدن - اخیستل ، گرفتن .

- همچنین آ پیش از ر بجامی ماند که آن‌در اوستا r̥ بوده :

پشتو	دری	اوستا
لارغه	دیری (مکث، تاخیر)	**dareγa-**
چاړه	کارد	kareta-

- همچنین آ پس از ل بجا می ماند ، ل دراوستا ت یا δیاθ بوده .

پشتو	دری	اوستا
غالی	(جای)گاه	gātu-
واله	(جوی)	**vāiδi-**
لار (رال)	راه	**raiθyā-**

- ā چون درآخر کلمه واقعشده جا بجا مانده است :

پشتو	دری	اوستا
اَتیا	هشتاد	aštāiti-
اُویا	هفتاد	haptāiti-

گاهی تطویل فتحه به آ مقامِ ثانوی‌دارد، واین تمدید جبرانِ زایل‌شدنِ حرکتِ صامتِ اولِ اوستا و ظهور گروهِ "ابتدا بساکن" در پشتو می باشد .

پشتو	دری	اوستا
پْلار	پدر	pitar-

گاهی تطویل فتحه به آ درصیغه های‌فعلی دیده میشود مثلاً :

ومانه	پذیرفت	از منل	پذیرفتن
وغانده	نکوهش‌کرد	ازغندل	نکوهیدن

بند ۳

کسره و ضمه i و u

۱- آن i که د راوستا آمده بود د ر زبان پشتو محفوظ مانده :

پشتو	د ری	اوستا
ژر	(زود)	ǰira-
ژمی	زم (+ستان)	zim- (تعلیق ۸)

۲-آن ī (یای معروف) که د راوستا آمده د ر پشتو محفوظمانده است :

پشتو	د ری	اوستا
- ویشت یا (- ویست)	بیست	visaiti-

۳-آن ū (واو معروف) که د راوستا آمده بود د ر پشتو محفوظ مانده است :

پشتو	د ری	اوستا
لو ، لوگی	د ود	lū....

اما د ر بعضی موارد، معلوم میشود زبانِ منشاء عینا" اوستا نبوده - چنانکه د ر مقابل ū که د راوستا آمده پشتو i د ارد :

پشتو	د ری	اوستا
لیرې	د ور	dūire-
وینه	خون	vohuni

تبصرهٔ استاد مورگنستیرن :

شکل وینه د ر پشتو از مرحلهٔ انتقالی وینه (به یای مجهول) گذشته کـــه ظهورِ آن، از منشاءِ شکلِ wa(h)uni قابل قبول است .

بند ٤

r̥ مصوت

در زبان آریائی اصلی آواز r̥ بحیث مصوت وجود داشت که بعد از م ،ك ب ،پ ،د ،گ . . . ویا در آغاز کلمه می آمد . آن مصوت قدیم شکل طویل ونیز شکل مشدد (تکریری) داشت . در زبان پشتو با این r̥ مصوت ، معاملات متعدد صورت گرفته که دران میتوان انتظام قانونی دریافت :

واك اریانی (از روی تحقیق قیاسی)		پشتو
ساده	r̥	ar, ir, ur a , i , u
دراز	r̥̄	ar, ār
تکریری	r̥ r	ar

اینك بعضی مثال ها می آریم :

پشتو	دری	اوستا	اریانی
مړ	مرده	mereta-	mr̥ta-
چرګ	کرك (مرغ)	kahrka-	kr̥ka-
وړ	بُرد	bereta	b'r̥ta-
یږ	خرس	arešа-	r̥šša-
کښ (کښت)	کشت	karešta-	kr̥šta-
لارغه	دیر	darega-	dr̥g'a-
غـر	(کوه)	gairi-	gr̥ri-

لهجه های مختلف و نیز اشکال دری و بلوچی باید مورد توجه باشد ونیز باید حالات مختلف را در نظر گرفت مثلاً" درحالیکه وړ (بُرد) به ضم" و" است؛ وړی (برده) به فتح " و " می‌باشد . (تعلیق ۹)

بند ۵

مصوت های ترکیبی دیفتونگ
ai فتحه پیش از ي
au فتحه پس از و

۱- آن ai که در زبان اریانی قدیم بود، در زبان پشتو اکثر بشکل ē یعنی یای مجهول کوتاه شده است :

پشتو	اوستا	اریانی
ē	aē ōi	ai

اینک بعضی مثال‌ها می دهیم :

پشتو	دری	اوستا
غبلې	(رمه ها ، مالداری)	gaeθa-
لېور	(براد رشوهر) یور	* devar-
لېوه	گرگ	daeva-
مېلمه	میهمان	maeθman-

نشانه‌های ضمیری (ضمیر متصل) :

پشتو	دری	اوستا
ـمې (متکلم)	ـ م	ـ می
ـ دې (مخاطب)	ـ ت	ـ تی

قید محل بمعنی در ، درون ،

و قید بُعد بمعنی تا به :

پشتو	اوستا	اریانی
کښېي	kase	* kassai-
پوړي	-	* parai-

درین دو مورد اخیر ai در پشتو به e یعنی یای مجهول کوتاه شده است . (تعلیق ۱۰)

ضمیر متصل غایب ē (یای مجهول) در اوستا hē و šē می باشند : یای مجهول بجا مانده و h و š بجا نمانده اند .

۲- مصوت ترکیبی اریانی ai چون پیش از ن واقع شده است به ī (یای معروف) بدل شده است :

پشتو	دری	زبان قدیم	
سپین	سپید	اریانی	spaina
شین	(سبز) خنک	اوستا	axšaēna
وینی	(می) بینند	رر	vaēnaiti

تبدیل ai به y در آغاز کلمهٔ پشتو :

پشتو	دری	اوستا
یو	یك	aēva-

۳- مصوت ترکیبی اریانی au در اوستا ao وگاهی eu / əu یعنی aw در پشتو منقلب به wa شده است ، مثلاً :

پشتو	دری	اوستا	
غوږ	گوش	gaoša-	
کوپ	(پشته) کوهه	kaofa-	
روځ	روز	raočah-	
سوځي	(می) سوزد	saočaiti-	*
وږی	خوشه	auša-	*

۴- مصوتِ ترکیبی (دیفتونگ) au اریانی پیش از m به حال ō (واومجهول) وپیش از ن به حال ū (واو معروف) تخفیفیافته است :

پشتو	دری	اوستا
اوم ، اومه	هوم (نام‌گیاه)	haoma-
-غونه	-گونه	gaona-
تومه	تخمه	taoxman-
رون	روشن	raoxšna-

بند ٦

تغییر مصوت ها

در اکثر موارد تغییر کمیت مصوت ویا تغییر کیفیت وتغییر هردو بمشاهده می رسد :

۱- کوتاه شدن واو معروف به ضمه .

پشتو	دری	اوستا
و wu	بود	būta

کوتاه شدن آی ممدوده به فتحه :

پشتو	دری	اوستا
پم	(بیماری‌گر=گرگ)	pāman

۲- تغییر کیفیتِ مصوت :

فتحه بجای ضمه :

پشتو	دری	اوستا
هَسک	(بلند ، فراز)	uskāt
پَچه	پشک (پشکل)	-puška

کسره یا زبرک بجای فتحه :

پشتو	دری	اوستا
سل	سد (=صد)	sata-
شل	بیست	vīsaiti-
جنی	زن (تصغیر)	ǰaini-
زر	هزار	hazańra-
غل	(دزد)	gaδa-

فتحه یا زبرک بجای کسره :

پشتو	دری	اوستا
سپږه	شپش	spiš
اسی	(زمهریر، یخک)	isu
بل	دیگر	bitya

۳- تغییر کمیت وکیفیت مصوت :

فتحه یا زبرک بجای واو معروف :

پشتو	دری	اوستا
لم	دُمبه	dūma-
ستن	سوزن	stūna-
نن	(امروز)	nū-
ستر	سترگ	staora-
مزك	موش	mūšika-

فتحه یا کسره یا زبرک بجای مصوت مرکب (دیفتونگ) ai یا au :

پشتو	دری	اوستا
وله	بید	vaēti-
خوله	خُوَىْ (=عرق)	xvaēδa-

رش	رېش - ریم	raēša-
ریشنا	جوش	yaēš-

نظر به‌متفرق بودنِ امثله و دشواری صنف بندی ، امکان استخراج قوانین دقیق‌تر در تحولِ این مصوت ها موجود نیست .

بند ۷

بیجاشدن ودیگر تحولاتِ مصوت ها

در این‌زمینه سوابق تکیهٔ تلفظ در زبان قدیم اثر داشته است. چون شواهد تحریری بدست نداریم باید آنرا از روی حالت‌کنونی پشتو قیاس کنیم .

۱- مصوتِ اخیر هجای اول کلمهٔ قدیم ، هرگاه پیش از ن ، ڼ ، م ، ر ، ړ ، ل ، ش ، ښ ، ث ، وغیره واقع‌شده سقوط کرده ویا بیجا شده است :

پشتو	دری	اوستا
پلَنَ	پهن	pa ana
نمونځ " لمونځ "	نماز	.....
ولیشت " ولیست "	بلست (وجب)	vitasti-
وړي	(می) برَد	baraiti-
مرِي	(می) میرَد	mairyaiti-
-لی	دهد	daδaiti-

همچنین است پساوند های صرفی فتحه ، الف ممدوده ، زبرك ، یای‌ملینه (مصوتِ مرکب : فتحه + ی) .

معنی	مذکر	مؤنث	جمع
مرده	مړ	مړه	مړه
سبز	شین	شنه	شنه

همچنین است :

پشتو	دری	اوستا
شپه	شب	xšap-
سوه	سم	safa-
ملا	میان (کمر)	maiδ ya-
پلا		paθ-
وری	بره	.....
زړه	دل	zered-

۲- سقوط مصوت ، درمیانهٔ کلمه :

پشتو	دری	اوستا
ویشت	بیست	visaiti-
اوزد	دراز	x uxšaita

بند ۸

تمدید مصوت ها

۱- اکثر تمدید در مصوت هجای اول واقعی شود وگاهی هم تکیهٔ تلفظ ـ کلمه بر هجای دوم می افتد .

پشتو	دری	اوستا
واوره	برف	wafra-
ماغزه	مغز	mazga-
مالگه	نمك	—

تمدید مصوت ها در مذکر و جمع صفات قابل توجه است،گرچه در مونث طول مصوت مطابق حال قدیم اصل کلمه است:

	مذکر	جمع	مونث
پخته	پوُخ	پاخه	پخه
چوب	خُورب	خاربه	خربه
کهنه	زوُړ	زاړه	زړه
کر	کوُڼ	کاڼه	کڼه
گران	دُروُن (د روند)	درانه (درانده)	درنه
تر	لوند	لانده	لنده

در همه این موارد که گفتیم تکیه' تلفظ در جمع بر آ و در مونث برفتحه' اخیر است ، قابل توجه است . در کلمات آتی تکیه کلمات بر a اخیر کلمه مونث می آید :

مفرد	دری	جمع	مونث
سُور	سرخ	سره	سره
شِین	(سبز)	شنه	شنه
تریخ	تلخ	ترخه	ترخه
تریو	ترش	تروه	تروه (تعلیق ۱۱)

۲- هرگاه ث ، خ ، ش ، پیش از ر یا پیش از ت از زبان قدیم ساقط شده باشد ، آنگاه مصوتی که قبل ازان واقع شده بود' بر سبیل جبیره تمدید یافته است :

پشتو	دری	اوستا
څِهره، څېره	چهره	čiθra-
سُور	سرخ	suxra-
ساتل	سخت (داشتن) (نگهداشتن)	-

کوتل	(قطعه‌کرد ن)کشتی	kaoš-
وریت	برشته (بریان‌شد ه)	* br̥šta

هرگاه بجای س + ر یا ش + ر زبان‌قدیم س آمده باشد ، آنگاه نیز مصوت بر سبیل جبران تمدید یافته است :

پشتو	د ری	اوستا
خُواښه ، خُواښې	خشو	-
اُوښه یا اوښکه	اشك	asru-
خَلوېښت	چهل	ca*warsta-
تېښته	گریز (فرار)	taršti

تمدید مصوت د رموارد آتی از نظر صرف قابل توجه است :

	فعل	اسم‌فعلی	گذشته
برآمد ن	خَتل	خاته	(و) خوّت
نگریستن	کَتل	کاته	(و)کوّت
برآمد ن	وَتل	واته	ووّت

باب د وم: نیمه مصوت ها ، صامت‌های انفی وتکریری .

بند ۹

نیمه مصوت ی و و

۱ـ نیمه مصوت ی y د راکثر احوال محفوظ مانده است :

پشتو	د ری	اوستا
ېښنا	جوش	yaēš-

سقوط یك صامت یعنی د قبل‌از نیمه مصوت و قابل‌توجه میباشد :

پشتو	د ری	اوستا
وَر	د ر	dvar-

۲-در بعضی موارد ی در آغاز کلمه برای تسهیل تلفظ هجای نخست اضافه شده است:

پشتو	دری	اوستا
یَـز	خرس	areša-
-یم (زمیم)	(من +) م	ahmi-

۳- بجای ی + آ که در اوستا بوده در پشتو گاهی ī آمده است:

پشتو	دری	اوستا
نیکه	نیاك	nyāka-

٤- و در زبان پشتو دو منبع دارد:

الف: جانشین v قدیم:

در آغاز کلمه:

پشتو	دری	اوستا
ولـه	بید	vaēti-
ونـه	(درخت)	vanā-
واوره	برف	vafra-
وُو	باد	vāta-
وینـيِ	(می)بیند	vaēnaiti-

در میان کلمه:

پشتو	دری	اوستا	
لیوه	گرگ	daēva	
لیور	ایور (براد رشوهر)	dēvar	*
نَوِی	نود	navaiti	
نَوَیٚ	نو	nava-	
ژواك	زندگی	ǰvā-	*

ه- گاهی و در آغاز کلمه پیش از ضمه برای تسهیل تلفظ اضافه شده است:

پشتو	دری	اوستا
وچ	خشک	huška-

٦- در بعضی موارد و آغاز کلمه منحصر به بعضی لهجه هاست چنانکه:

شکل اول	شکل دوم	دری
اُوریدل	ووریدل	باریدن
اُوړی	ووړی	بهار، تابستان

درین دو مورد موجودیت و در مرحلهٔ اریانی قدیم احتمال میرود، یعنی ریشهٔ وار برای باریدن و ریشهٔ وهاره برای بهار. بنا برین شکل دوم قدیم تر است و بران و در مرحلهٔ مابعد اضافه نشده است.

بند ۱۰

تحول گروه اریانی

د + و

ت + و

س + و

۱- گروه صامت د + و dv که در اریانی وجود داشته در آغاز کلمات پشتو محفوظ مانده است:

پشتو	دری	اوستا
دوه	دو	dva-

در بعضی موارد د سقوط کرده است چنانکه:

پشتو	دری	اوستا
وَر	در	dvar-

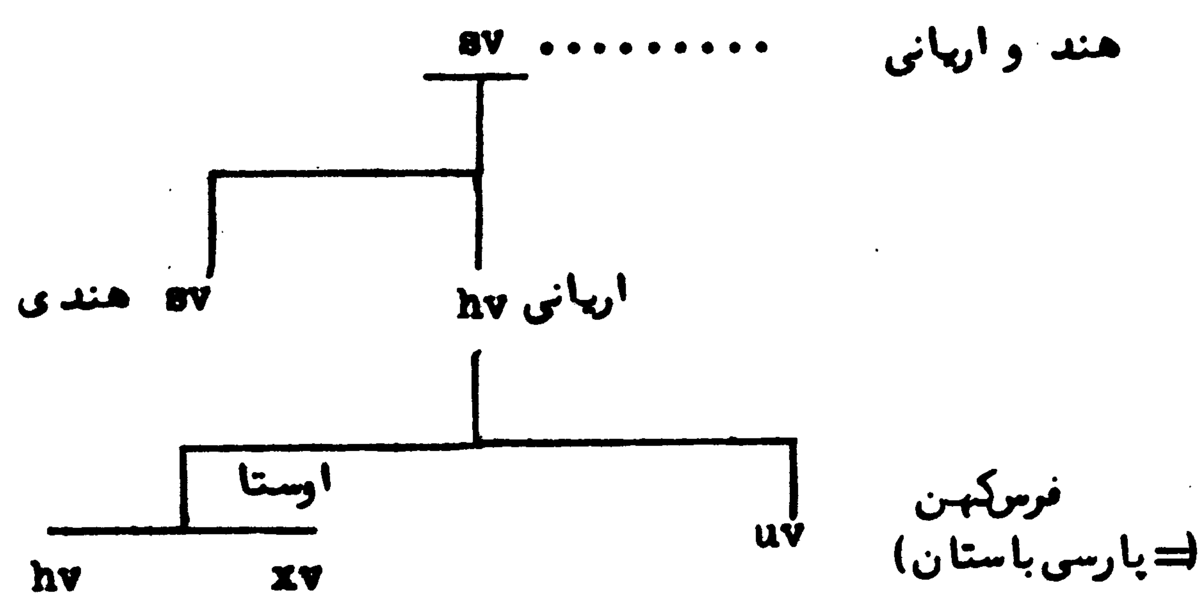
۲- ازگروه صامت ت + و tv که در اریانی وجود داشته در آغاز کلمات پشتو و سقوط کرده و ت باقی مانده است :

پشتو	دری	اریانی
تــه	تو	x tvam
تــا	ترا	x tvā

بجای‌گروه θv زبان قدیم در پشتو ل + و باقیمانده است :

پشتو	دری	اریانی
څلوېښت	چهل	caθavaresata

۳- در زبان آریائی قدیم گروه صامت sv وجود داشته که در هندی (سانسکریت ویدائی به همان آواز مانده اما در اریانی به hv تبدیل‌شده است .
اوستا همین‌گروه hv- را حفظ کرده است و فرس‌کهن آنرا uv تلفـــظ کرده است که باینصورت هـ h ناپدید شده وجای آنرا مصوت (ضمه) گرفته است . اوستا گاهی آن hv- را در زمان اریانی بود محفوظ داشته وگاهی به خ + و تبدیل کرده است (واین و را در دری واو - معدوله گفته اند) .



الف: ظهور گروه xv در پشتو :

پشتو	دری	آریائی قدیم
خوند	(مزه)	x svad
خواښې	خشو (مادرهمسر)	x svaśra

(اشکال آریائی قدیم درین جا از روی اشکال ویدائی ودیگر زبان های باستانی استنباط شده است) .

ب. مثال ازمیان رفتن خ در پشتو :

پشتو	دری	اوستا
وَوړ	خورد	xwareta-

معنی کلمه خور (خورشید) در زبان پشتو قابل توجه است زیرا نُوَر ، نمَر ، لمَر همه در لهجه ها شنیده میشود .

[عقیدهٔ استاد مورگنستیرن :

در زبان اوستا تبدیل شدن گروه -hv به -nw سر راست صورت نگرفته ، و باید موجودیت h سبب ظهور آن شده باشد ، و بنابرین دریك حالت انتقالی گروه nhw وجود داشته باشد ، بعداً با سقوط h ازان nw باقی مانده باشد. (پیدا شدن چنین نون بشکل غنه ، در زبان اوستا نیز سابقه داشت) .

پشتو	دری	اوستا
نُوَر (=لمر)	خور	hvar
خُور (=خوړ)	خور (خوردن)	xwar

باینگونه در معنی خورشید شکل نُوَر (در لهجهٔ وردك وغیره) قدیم تر از نمَر و نمَر (لهجه ترین ، غلزیان ناحیهٔ غزنه وغیره) قدیم تر از شکل لمَر است که از همه مابعد می باشد .

پشتو	دری	اوستا
نمړی ، مړی	(نان)	xvareta-
نمسی ، نوسی	نواسه ، نواده	napata-
نمَرَز ، مرَز	(بودنه) وردیج	xvartikā

در کلمه نمړی که باید در زمان قدیم نوړی بوده باشد تبدیل xw به nw باید همان جریان را پیموده باشد که نُوَر (بمعنی خورشید) پیموده ، چنانکه گفتیم .]

(تعلیق ۱۲)

ج ـ کوتاه شدن دو هجای قدیم، بحال یك هجا قابل توجه است :

پشتو	دری	اوستا
خور	خواهر	xvaŋhar

ازین تحول معلوم میشود که هـ ازمیان افتاده و دو هجا به یك هجا تنقیص یافته است :

پشتو	دری	اوستا
خوب	خواب	xvafna
اوده	خفته	hufta
تود	تفته (گرم)	tafta
سخر	خسر (پدر همسر)	xvasura

در مورد هرکدام باید اشکالِ انتقالی موجود بوده باشد :

شکل کنونی	شکلِ ماقبلِ پشتو
اوده	uwda
تود	tawd
سخر	xswar, xsar

بیان صامت هــا

بند ۱۱

ن، م، ن

۱ـ جابجا ماندن ن قدیم در پشتو.

الف: درآغاز کلمه:

پشتو	دری	اوستا
نوی	نو	nava-
نیکه	نیاك (=جد)	nyāka-

نوی	نود	navaiti-
نوُم	نام	nāman-
نن	(امروز) کنون	nu, nen

ب: در وسط کلمه:

پشتو	دری	اوستا
انا	(مادرکلان)	hana-
لونه	دانه (=قرحه)	dāna-
ونه	(درخت)	vanā-
پنځه	پنج	panča-

در صورت های آتی مصوت های واپسین زبان قدیم از میان رفته است:

پشتو	دری	اوستا
ښځه	دختر (زن)	ǰaini
پلَن	پهن	pa θana

۲- در آغاز کلمه آن ن که پیش از م آمده است حذف گردیده:

پشتو	دری	اریانی
مالگه	نمك	nimaδaka

پس شکل سابق مالگه باید نمالگه بوده باشد. همچنان است مری بمعنی پارچه وپارچه نان که در بعضی لهجه ها هنوز بشکل نمری مانده است.

تبصره استاد مورگنستیرن:

همچنین است ماپښین (نماز پیشین) مازیگر (نماز دیگر) ماښام، (نماز شام) ماسختن (نماز خفتن) که دوام این تحول را در عهد اسلامی گواهی میدهد.

کلمهٔ لهجه وزیری قابل توجه است: "بیلمنگ" بمعنی بی مزه، بی نمك که از شکل قدیم bē + nmalga آمده است. درینجا n هنوز ازمیان نرفته.

(تعلیق ۱۳)

دیگر مثال ها :

پشتو	دری	اوستا
گوته	انگشت	angušta
گبینه	انگبین	...

[تبصره استاد مورگنستیرن

قابل توجه است که در کلمه نمونځ بمعنی نماز ، ن از زبان قدیم بجا مانده است (گرچه در بعضی لهجه‌ها فقط مونځ گفته میشود) .]

-۳

الف) م در آغاز کلمه بجا مانده است : مثلاً

پشتو	دری	اوستا
مچ	مگس	maxši-
مَزَی	(نیرومند)	maz-
مُور	مادر	māθr-

ب) م درمیان کلمه جا بجا مانده است :

پشتو	دری	اوستا
ړلېمه	(کرمچشم)	daēman
لُومه	(رسن) دام	dāman
لَمن	دامن	--
مېلمه	مهمان	maēθman
لَم	دمبه (دنبه)	dūma-
نُوم	نام	nāman-

-٤

اضافه شدن ن :

پشتو	دری	زمان قدیم	
نمونځ	نماز	سانسکریت	
پړانګ	پلنګ	سانسکریت	prádaku
خوند	(مزه)	سانسکریت	svad-
ماندینه	مادینه	--	--

-٥

ڼ غنه بجای گروه صامت : r + n

پشتو	دری	اوستا
کوڼ ، کڼه	کر	karena
شکوڼ	(جَیره) سُگُر	sukurena
پاڼه	(ورق ، برگ)	parena
روڼ ، روڼه	روشن	raoxšna

بند ۱۲

ر ، ل ، ړ

۱- ر بحال خود مانده است :

پشتو	دری	اوستا
روڼ	روشن	raoxšna-
زیره	ریش	raēša-
روځ	روز	raočo-
ورون	ران	rāna-
مري	(می) میرد	mar-
مړ . . .	مرده	mĕreta
ور	در (دروازه)	dvara
وریدل	باریدن	vāra

۲- تبدیل ړ به ل :

پشتو	دری	اوستا
شلېش، ښلېښت	سریش	snaēšay
بلا ربه (ډبرالبه)	باردار	bār-bra

(در زبان عامیانه تبدیل ړ به ل زیاد است چون ډلبار (ډربار) چنانکه در دری گفتاری نیز شنیده میشود) .

در آینده راجع به :

تبدیل	ړ + ر به	د + ر
رړ	و + ر به	ځ + ر

بررسی خواهیم کرد .

۳- در بعضی کلمات پشتو امکان کاربرد ل و ن بجای یکدیگر بر حسب لهجات موجود است ، چنانکه :

- لوند و نوند و نوږد بمعنی نم و نمناك .

- همچنین درحالیکه وږی بمعنی گرسته است و لوږی معنی گرسنگی را دارد وجود یك شکل سابق نوږه nwaža حدس زده میشود که از استعمال افتاده است . کلمهٔ لشه با ارتباط نهش دری نیز از همین جمله است.

۴-

ړ بجای ر + ل

ړ بجای ر + د

ړ بجای ر + ت وغیره.

پشتو	دری	اوستا
چاړه	کارد	karęta-
اوړه	آرد	ārta-
مړ ، مړه	مرده	męręta-
سړه (سوړ)	سرد	saręta

مړی ، نوړی‌ړ	خوراك	xvareθa-
زړه	دل	zerəd-
وړ (وړي)	برده	berəta

ملاحظه : ړ بجای ر + ت.

پشتو	دری	اوستا
وړي	(می) برد	baraiti-
وړ	برده	bareta-

ر بجای ر + ن

وړکه	پشم	سانسکریت	urna-
وورکی	خورد	اوستا	uperenāyūka

باب سوم : واك های انسدادی

بند ۱۳

۱-

بجا ماندن ك :

پشتو	دری	اوستا
کوڼ	کر	karena-
کوب	کوهان	kaofa-

تبدیل شدن چ به ح :

پشتو	دری	اوستا
څلور	چهار	caθwāra-
څېره، ځېره	چهره (گونه)	ciθra-
څورب	چرب	-

بجا ماندن ت :

پشتو	دری	اوستا
تش	تهی	tusa
تږی	تشنه	taršna (تعلیق ١٤)
تښتېدل	رسیدن (گریختن)	taresaiti
تومه	تخمه	taoxman

بجا ماندن پ :

پشتو	دری	اوستا
پل	پا (نقش پا)	paδa-
پنځه	پنج	panča-
پور	(وام) پاره	pāra-
پلن	پهن	paθana-
پلار	پدر	pitar-
پسه	گوسفند	pasu-

-٢

موجودیت چ در پشتو دو منشاء دارد :

الف: یکی لهجه یی، چنانکه چار (بمعنی کار) در لهجه های شرقی .

تبصره استاد مورگنستیرن : (تعلیق ١٤)

کلمهٔ چار در لهجهٔ وزیری هم موجود است، ودارای اصالت است در حالی که کار (اوستا kārya) منشا دری دارد ، ودرپشتو اقتباس شده است.

ب: چ بجای گروه صامت ش + ک :

پشتو	دری	اوستا
وچ	خشک	huška
پچه	پشك (پشکل)	+ puška-
ریچه	رشك	likša-(sk)
مچ	مگس	maxši-

چنانکه دیده می شود گاهی چ مقابل گروه صامتِ ك + ش نیز واقع می شود (ودرین صورت پیشتر تقلیب بر گروه ش + ك واقع گردیده بود) - در مثال اخیر خ + ش نیز آمده است .

۳ـ

الف: صورتهای تبدیل پ به ب :

کلمهٔ بنه ، بنکه (بمعنی :پر) قابل توجه است . از یکطرف کلمهٔ "پانه" (بمعنی برگ ، ورق) در اوستا بشکل parena- منشاء دارد که کلمهٔ دری پر " ازان آمده است .

و تبدیل پ به ب دربنه (یعنی :پر) و بانه (یعنی :مژگان) یك واقعه سا ندهی می باشد . شاید هم در کلمهٔ با شه (بمعنی باشه، مرغ گوشتخوار ، در سانسکریت پکشن آمده است) این تبدیل پ به ب نیز - ازهمین قبیل باشد .

ب :

صورت تبدیل ت به د

در زبان پشتو ضمیر متصل مفرد مخاطب دِ ، دې بکار میرود ، در زبان اوستا tē آمده است (ـت ضمیر متصل درزبان دری) .

همچنین دا بمعنی این (اشاره) و د نشانه اضافت ، تبدیل شدن - ty قدیم را به د گواهی می دهد .

-٤

با این واك های وسط و اخیر کلمه بشرح آتی معامله شده است :

الف

تبدیل ك به گ

پشتو	دری	شکل قدیم
مالگه	نمك	+ nmālga

پړانګ	پلنگ	سانسکریت:	prdākū
چرګ	کرگ (مرغ)		kahrkatās

بجا ماندن ك :

پشتو	دری	اوستا	
هَسك	بلند	uksa-	
سُپك	سبك	—	
ژواك	زندگی	ǰivya	
غوشاك ، غوشوی	(سرگین گاو)	سانسکریت:	śarkt
مژك	موش	رر	muš
نیکه	نیاك		nyāka

ك در پساوند های کي وکه بجا مانده است :

پشتو	دری	اوستا
وړکی	خورد	apereṇāyuka
ګونکی ، نونکی	دانه (بریوست)	dāna(+ k)
زمکه ، ځمکه	زمین	zam + ak

(در پشتو پساوند های گی ، گه نیز موجود است که آن منشاء جداگانه دارد .)

ب:

تبدیل چ به ځ :

پشتو	دری	اوستا
سوځول	سوختاندن	sauča-
نمونځ	نماز	+ namāč
پنځوس	پنجاه	pančasata
پنځه	پنج	panča

وُرځ	روز	raoča-
وینځل	(شستن) بیختن سانسکریت	vič-

تذکر:

د رباره ٔ کلمه ٔ وینځل که د ر پشتو معنی شستن و پاك کرد ن را گرفته ـ باید ملتفت بود که این معنی مابعد است و معنی قدیم "بیختن" غله بوده.

تبصره استاد مورگنستیرن:

د ر لهجه وزیری پرویزی معنی غربال آرد را د ارد . د ر زبان شُغنی هم پر + ویز بمعنی "غربال" است . (تعلیق ۲)

ج

بجا ماند ن ت پس از س :

پشتو	د ری	اوستا	
سْتن	سوزن	stūna	
سْتَرَی	(د رماند ه وخسته)	stareta-	+
دْرَست	(کامل) د رست	druva-asti	+
(کښېنې+) ناستل	نشستن ریشه ٔ	had	

تبدیل ت به د بعد از ن .

پشتو	د ری	اوستا
کَند ـ کَندَه	کند ه ، خند ق	kanta

تبدیل ت به ة و ازان به ل .

پشتو	د ری	اوستا
پلار	پد ر	pitar-
(را) غلی	آمد ه	gata-
غالی	گاه (جای) (حیاط)	gātu-

وَلَه	بید	vaēti-
سَل	صد	sata

ت در اخیر کلمه در بعضی موارد از میان رفته است :

پشتو	دری	اوستا
لَو	درو	
وُو	باد	vāta

د

پ پس از س بجا مانده است :

پشتو	دری	اوستا
سپی	سگ	span-
اَسپَه	اسپادیان	aspā-

تبدیل پ به ب :

پشتو	دری	اوستا	
اُوبه	آب	āp-	
خُورب	چرب	čarp	+
کَبْ	ماهی	kapal	+

[تبصره استاد مورگنستیرن .

در بارهٔ کلمهٔ کب بمعنی ماهی در دیگر زبان‌های همخانواد مپشتو چون زبان‌های پامیری ـ یِیدگه و مُنحی کلمه کپ و در واخی کوپ و ـ زبان قفقازی اوستی کلمهٔ کف و زبان (ازمیان رفتهٔ) سُغدی کلمه "کپ" همه معنی ماهی را دارد وموجودیت پ قدیم راگواهی میدهند .]

بند ١٤

١

تبدیل گ به غ .

تبدیل ج به ژ

تبدیل ب به و

تبدیل د به δ وسپس به ل .

الف

تبدیل گ به غ در آغاز کلمه یا هجا :

پشتو	دری	اوستا
غلّ	دزد	gaδa-
غَر	کوه	gairi-
غَرمَه	چاشت	garema-
غونه	گونه	gaona-
غوږَ	گوش	gaoša-
نغوتل	گوشردادن	guš + ni
آغوستل	پوشیدن	gud-

ب

تبدیل د به ل .

پشتو	دری	اوستا
لَس	ده	dasa
لاړغه	دیري (مکث تأخیر)	dareγa
لَو	دَرَو	
لور	دختر	duγdar

لېور	ایور (برادر شوهر)	dēvár- (د رسانسکریت)
لوشل	دوشیدن	——

ج.

تبدیل ج به ژ .

پشتو	دری	اوستا
وژل	(کشتن)	ǰan
ژی	زه	ǰyā
ژوول	جویدن	-

د.

تبدیل ب به و .

پشتو	دری	اوستا
وندنی	دسته، بسته	banda-
وړی	(می) برد	baraiti-
وز	بز	būza
ورور	برادر	brātar

-٢

الف.

بجاماندن گ در گوته (یعنی انگشت) گبینه (یعنی انگبین) قابل توجه است .

از میان رفتن ن پیشاز گ درین مورد، د زاوقات موءخر واقعشده .

ب .

د پیش از ر بجا مانده است :

پشتو	دری	اوستا
درست	درست (کامل ؟	+ druva-asti

همچنین گ پیش از ر بجا مانده است .

چنانکه در کلمهٔ گریوه بمعنی گریبان (که شکل سانسکریت آن grīvā بدست است) .

۳-

در بارهٔ بعضی اشکال باید تحولات زبان اوستا را در مراحل مختلف در نظر داشت و اثر اوستای مابعد وجوانتر قابل توجه است :

الف: در بارهٔ غ

پشتو	دری	اوستا
لارغه	دیری (مکث)	dareγa
مرغه	مرغ	meraγa

ب: در بارهٔ ل (که از δ آمده) .

پشتو	دری	اوستا
پل	پا (نقشپا)	pada-
لر	فرود ، پائین	aδara

ج :در بارهٔ ژ:

پشتو	دری	اوستا
وریژې	برنج	—

[شکل وریژی ، در لهجه وزیری وچندین لهجه دیگر بجای وریجی شنیده میشود.]

۴- د بعد از ن و ز نگهداری شده است.

الف:

پشتو	دری	اوستا
غندل	نکوهیدن	--
وندنی	بسته (دسته)	banda
خوند	(مزه) خوای	xwāndra

ب:

پشتو	دری	اوستا
زده	آموخته (شناخته)	azdā

باب چهارم: واکِ های زمانـی

بند ۱۵

خ ،هـ ، ۵ ، ف

۱- بجا ماندن خ

الف: در آغاز کلمه یا هجا :

پشتو	دری	اوستا
خَتل	خاستن	--

ب: در اخیر کلمه :

پشتو	دری	اوستا
مَخ	روی	+ muxa
پَوخ	پخته	+ paxwa
ترِیخ مَرخه	تلخ	+ tixra

درباره کلمهٔ مخ شکل سانسکریت mukha بدست است که دران که در چنین مورد مقابل خ اوستا می آید .

تفصیل درباره تبدیلشدن گروه صامت س + و که درزبان اریانی بود ، به خ +و در بند ۱۰ جزء سوم دیده شود .

۲-

بجا ماندن هـ

پشتو	دری	اوستا
هُغَه	آن	+ ha + a
سا (۵)	(دم)	--
هویه	خایه (: تخم مرغ)	aya
هَسک	بلند (آسمان)	uska-

کلمهٔ هگی بمعنی تخم مرغ مابعد ظهور کرده (هویه + گی) در-
دری کلمهٔ "خایه گینه" به "خاگینه" که از تخم مرغ پخته می شود تبدیل شده)
هویه وهسك با هـ آغاز می شود (درحالیکه شکل اوستائی ، هـ نداشته)
در زبان پشتو موجودیت هوسی را برعلاوه اوسی (بمعنی آهو) و هور
را برعلاوهٔ اور (بمعنی آتش) (در بعضی لهجه ها) باید خاطر-
نشان کرد .

۳- تبدیل شدن ؁ و ۃ به ل :

پشتو	دری	اوستا
پلن	پهن	pa●ana
ملمه	میهمان	maē●man
پل	(نقش) پا	pa⁶a

تبدیل گروه صامت + ر به د + ر

پشتو	دری	اوستا
دري	سه	●rāyō
دیرش	سی	●risata

دیرش در یك مرحلهٔ انتقالی سابق باید شکل دیرشت داشته و ت
از اخیر سقوط کرده باشد .

۴-

تبدیل ف به و :

پشتو	دري	اوستا
شوه	سم	safa

تبدیل گروه صامت ف + ر بهگروه صامت و + ر وتبدیل ف + ت
به و + د در میان کلمات :

پشتو	دری	اوستا
واوره	برف	vafra-

ژور	ژرف	ǰafra
سوری	سوراخ ـ سوفره	+ suvrai
اوده	خفته	+ hufta
تود	(گرم) تفته	tafta

چنانکه قبلاً بیان‌کردیم شکل سابق تر اوده زمانی uvda و نیز شکل سابق تود، زمانی tavd بوده است .

تبدیل‌شدن ف + ر در آغاز کلمه به و + ر (موازی به تبدیل شدن ه+ر به د + ر) مثالی دارد :

پشتو	دری	اوستا
وړومبی	(نخست)	fratəma

تبدیل ف (به و وازان) به ب :

پشتو	دری	اوستا
کوب	کوهان	kaofa-
خوب	خواب	nvafna-

بند ١٦

ه ، خ ، ه ، و

-١

ازمیان‌رفتن ه اوستایی، که درزبان قدیم‌تر اند و اریانی س بود .

در آغاز کلمه :

پشتو	دری	اوستا
انا	مادرکلان	hanā
اویا	هفتاد	haptāiti

پشتو	دری	اوستا
اُومه یا اومان	هوم (نام‌گیاه)	haoma
ې	(نشانه غایب مفرد)	-hē

درمیانهٔ کلمه:

پشتو	دری	اوستا
خُور	خواهر	xwahhar
وِینه (وینې)	خون	vohuni-
وُوړی	بهار	vahar

-۲

ازمیان‌رفتن خ ، ه ، و درمیان‌کلمات:

پشتو	دری	اوستا
سُور	سرخ	suxra
اُور	آتش	āθr-
څِهره	(مانند) (چهره)	čiθra-
اُوره- وُرَیځ	ابر	awra-

-۳

سقوط خ درحالیکه پیش‌از ت یا م آمده باشد:

پشتو	دری	اوستا
ساتل	سخت داشتن	--
تُومه	تخمه	taoxman-
لُور	دختر	+ duxtr-
وِریت	برشته (بریان)	+ brixta

تذکر:

ماضی فعلی سول بمعنی‌سوختن سه آمده است . چون در زبان - قدیم خ + ت در ماضی موجود بوده، باید بعد از سقوط خ ازین گروه صامت ت باقی می ماند و سوت بمیان می‌آمد . شاید درین مورد - تصریف فعل شول (شدن) بر سول (سوختن) اثر آورده است...

بند ۱۷

س ز

۱-

آن س که در اوستا س و به زبان قدیم تر اریانی s بوده (ودر سانسکریت با همان آواز باقیمانده) در پشتو با آواز س باقیمانده است .

پشتو	دری	اوستا
سور - سړه	سرد	sareta-
سوی ، سویې ، سویه	خرگوش	—
سور	سرخ	suxra-
سل	صد	sata
پسه	(گوسفند)	pasu-
لس	ده	dasa-
سخر ، خسر	خسر (پدر همسر)	xv asura

در مقابل کلمه سویې کلمهٔ اوستا را بدست نداریم مگر کلمهٔ سانسکریت بدست است که ś دارد و نشانهٔ موجودیت س در اوستا می باشد .

گروه دو صامت س + پ که در زبان قدیم اریانی ś + پ بوده (و در سانسکریت مطابق زبان اریانی مانده) در پشتو بحال س + پ مانده است :

پشتو	دری	اوستا
سپی	سگ	span-
سپېره	خاکستری	spiθra-
اسپه	اسپ (مادیان)	aspa-

قابل توجه است که اس (بمعنی اسپ نر) بدون پ می باشد مگر در شکل مونث پ بجا مانده است .

۲-

بجا ماندن گروه دو صامت س + ت :

پشتو	دری	اوستا
دُرست	درست (کامل)	+ druva-asti
لیستل ، ایستل	انداختن کشیدن	—
ستن	سوزن	stūna-
سترگه	چشم	stere

-٣

بجای ن ل یا د قدیم در پشتو س + ت می آید :

پشتو	دری	زبان قدیم
آغوست	پوشید	—
ناست	نشست	+ had

این مقابله قدیم در داخل زبان پشتو ادامه داشته همزمان شده است ، چنانکه در مقایسه حال وگذشته فعل دیده می شود :

حال	گذشته
کښېني ، نشیند	کښېناست ، نشست
زغلی ، می رود	زغاست ، دوید
اخلی ، می گیرد	آخست ، گرفت

-٤

از ریشهٔ اوستائی hača ، مطابق همین تمایل، پیش از ت در مورد مخاطب س آمده وستا (یعنی از تو) شده است، و در مورد متکلم پیش از م آواز ، خ آمده است : خما (یعنی: از من) .

٥- بجا ماندن ز که بجای ز اسبق آمده است :

ز زبان اریانی در اوستا و پشتو ز شده است (ودر سانسکریت ج یا هـ گردیده است) .

الف

در آغاز کلمات :

پشتو	دری	اوستا
زر	هزار	hazanra
زړه	دل	zẹrẹd
زوول (زیږیدل)	زادن	zan-

در میانهٔ کلمات :

پشتو	دری	اوستا
وزی (وځی)	می براید	vazaiti

بِزَه	(بمعنی) بوز	--
مَزَی	نیرومند	maz
ماغزه	مغـز	mazga

باقی ماندن ز درموارد آتی قابل توجه است :

پشتو	دری	اوستا
زه	من	azem
زُوم	داماد	zāmātar

کلمهٔ لاس بمعنی دست، از حالتِ اوستائیِ zasta باید بحال داس آمده وسپس لاس شده باشد .

-٦

ز پیش از دِ قدیم بجا مانده است چنانکه زده (دانسته شده) - (در فرس کهن azdā آمده است) .

بند ۱۸

ش ، ژ

-۱

ش از زبان قدیم در پشتو بجا مانده است .

الف

ش بجای گروهِ دو صامتِ خ + ش .

پشتو	دری	اوستا
شین	(سبز) خنگ	axšaēna
شپَه	شب	xšap
شَنـل	(بررسی کردن) شناختن	xšnā
شپَږ ، شپږ	شش	xšvaš
شپېته	شصت	xšvašti-

ب

ش بجای آن ش که در اریانی از س پس از کسره وضمه آمده بود

پشتو	دری	اوستا
پشنا	جوش	yaēš-
رش	ریش ، ریم	raēša-
لش	نیش	—

ج

ش بجای ش + و .

پشتو	دری	اوستا
شول	شدن	šu

تذکر:

شپه ، شپون بمعنی شبان (چوپان) از fšu-pāna (بمعنی: گوسفند بان) آمده ودرینجا ش بجای ف + ش بکار رفته که بحال مقلوب ش + ف آمده سپس ش شده است .

فسوپانه به فشوپانه، وشپانه، وشپون تبدیل شده است .

۲-

زایل‌شدن ش پیش از ت درداخل کلمه :

پشتو	دری	اوستا
اته	هشت	ašta-
گوتَه	انگشت	angušta
کُوتل	قطع‌کردن، ذبح کردن، کشتن	kaoš-(t)

این زایل‌شدن ش در افعال‌ماضی نیز به مشاهده می رسد که ت - باقی مانده است درحالیکه درریشه‌حال س یا ز موجود است .

ریشهٔ‌حال دراوستا	فعل‌پشتو باریشهٔ‌ماضی	ماضی فعل پشتو	ریشهٔ‌ماضی درقدیم	معنی
kas-	کُتل	کوت	kašt	نگریست
miz-	مِیتل	میت	mišt	شاشید
vaz-	وتل-وزی وُخی	وت	vašt	برامد
—	ختل	خوت	—	خاست

قبلاً در بند ۱۶ فقره سوم زایل شدن ښ وښ و جا بجا ماندن ت را دریافتیم. جا بجا ماندن ت درانجا ودرینجا نشان میدهد که تبدیل شدن ت به ل (چنانکه در لور (بمعنی دختر) واقع شده قدیم تر از زایل شدن ښ وخ است.

۳- درباره ژ بند ۱٤ فقره اول جزء ج دیده شود.

٤-

ښ جانشین س :

اوستا	دری	پشتو	
sukuruna	جَیره (سُگُر)	ښکوڼ	
aspo-asti	(رِشقه) سِپِسْت	ښپېشته	+
vītasti	بلست(وجب)	ولیښت	
visaiti	بیست	ویښت	
kasu-	کهتر	کشر	
mas-	مهتر	مشر	
tusa-	تهی	تش	
θrisata	سی	دیرش	

ژ جانشین ز :

اوستا	دری	پشتو	
	می خیزد	خیژي	
maēzaiti	می شاشد	میژي	+
herẹz	انداختن، ریختن	رژېدل	
nazda	نزدیك	نژدې	
——	شناختن	پېژندل	

درین تحول واك ها ماهیت مصوت ها (کسره، ضمه و ې مصوت) اثـــر انداخته است.

بند ۱۹

س ز

-۱

س جانشین ش زبان هندواروپائی است که در اریانی نیزش بوده است :

پشتو	دری	اوستا
لوشل	دوشیدن	kaše-
کښی	(درمیان‌بغل)	arš-tāt
رښتیا	راستی	——
اوښ	اشتر	uštra-

-۲

س جانشین س+ ر
رر رر ر + س
رر رر ر + ش

پشتو	دری		اوستا
اوښه ، اوښکی	اشك		asru
خواښه خواښې	خُشو	سانسکریت	svasru
څلوېښت	چهل		čaθawarsata
تښتل	(گریختن)		tẹrẹsa-
پښتۍ	(ضلع) (قبرغه)		paršti-
کښل	کشیدن		karš-
تښتېدل	(گریختن)		taršti-
پوښتېدل	پرسیدن		paršti-

-۳

دربعضی حالات ښ در ماضی فعل مقابل ړ زمان‌حال می آید :

حال	گذشته	دری	اوستا
اوړي	اوښت	چرخید بدل‌شد	āvartati
غړی	غښت	چرخید ، گردید	gart
لوړی	لوښت	جدا شد	--

درین صورت ها ر + ت زبان قدیم به ر + س + ت (بند ۷ فقره ۳ دیده شود)، بموجب آنچه گفتیم، به ښ + ت بدل میشود .

تبصره :

باید در نظرد اشت که زبان پشتو یکعده کلمات را که در زبان دری ش

آمده، نیز به ښ ادا میکند چنانکه :

پشتو	دری
ښار	شهر
ښائسته	شایسته
پېښ	پیش
کِښت	کشت

درین موارد ښ در زبان قدیم منشاء ندارد، ودلیل کاربرد ښ تمایل عمومی زبان است که معامله خود را با واك های قدیم، در مرحله مابعد هم ادامه داده است .

٤-

ږ جانشین آن ش است که میان دو مصوت واقع شده باشد .

پشتو	دری	اوستا
غوږ	گوش	gaoša-
کاږي	کشد	karš ati-
مږ	میش	maėša
مږك	موش	mus سانسکریت
یږ	خرس	arėša
وږی	گرسنه	wṛšaka اریانی
نږور	(زوجه پسر) د سُنـوٌ	snūša (درسانسکریت)

باب پنجم

واك های آغاز وختم کلمات

بند ۲۰

واك آغاز کلمه .

۱-

در آغازِ کلمه، هـ ساقط می شود، چنانکه در بند ۱٦ فقره اول دیدیم .

دیگر موارد و امثله :

پشتو	دری	اوستا
غ	(مثلاً "خُما- ازمن)	hača-
مَنَی	خزان	hāmīna
زَر	هزار	hazanra

-۲

هرگاه در زبان قدیم مصوت در آغاز بوده، و سپس گروه دو صامت آمده، آنگاه مصوت آغاز کلمه، و صامت اولی (که پس ازان آمده) ساقط گردیده.

پشتو	دری	اوستا
شین	سبز، خِنگ	axsaēna
شپېشته	(سپِسْت) (رِشقه)	aspo-asti +
شته	هست	hištaiti
گوته	انگشت	angušta
گَبینه	انگبین	---

چنانکه در بند ۱٤ فقره ۲ جزء الف دیدیم گوته، در یک مرحله انتقالی نگوته با ابتداءبساکن، گبینه دران مرحله نگَبینه با ابتداء بساکن، بوده اند.

-۳

سقوط د در آغاز کلمه :

پشتو	دری	اوستا
ښَیَ	راست	dašina-

همچنین از گروه صامت س + و اکثر و بجا مانده است.

(رجوع به بند ۱۰ فقرهٔ سوم .)

کلمه تره (بمعنی عم وخال ، اودر در دری گفتاری شرق افغانستان)، در اوستا tūirya آمده و در سانسکریت pitṛvya آمده و — این سقوط پ را در آغاز از زمان قدیم نشان می دهد.

شرح مو

در زبان پشتو مو برای جمع متکلم و مخاطب بحیث ضمیر متصل می آید.

(سرمو ، بمعنی سرما و سرشما هردو می آید) . بیان این همگون بودن این دو ضمیر چنین است : (رجوع به صفحه ۱۲٤ در بخش صرف) .

پشتو	معنی	اوستا
مُو	(ازما)	ahmā
مُو	(ازشما)	xšmā

آشکار میشود که در هردو، مورد سقوط قسمتی از آغاز کلمه یعنی (اهـ از کلمهٔ اولی و خش از کلمهٔ دومی) سبب شده که ما باقی بماند و برای آن بین این ما و دیگر ما که معنی متکلم مفرد را دارد اشتباه رخ ندهد ـ پشتو آنرا به مو تبدیل کرده است .

[نظر استاد مورگنستیرن :

- مو درمورد جمع متکلم نخست باید با واو مجهول تلفظ می شد . زیر تاثیر مونږ (= ما) آمده به واو معروف تلفظ شده است .

- مو درمورد جمع مخاطب در اکثر لهجه ها هنوز به واو مجهول تلفظ می شود . دار مستتر آنرا ضمه + م um ـ ثبت کرده است].

۴ـ

دیگر تبدلات آغاز کلمهٔ قبلاً بررسی شده است چون :

الف: درباره ی ، و ، هـ ، س مراجعه شود به بند ۹ فقره۲ و ۶ ـ بند ۱۵ فقره۲

ب :گروپ صامت د+و و ت+و بند ۱۰ فقره ۱ و ۲ .

اریانی هـ + ر ف+ ر بند ۱۵ فقرهٔ ۳ و ۴ .

ج : ساندهی : بند ۱۳ فقره ۳

د : تبدیل گ به غ .. تبدیل د به ل وغیره . بند ۱۴ فقرهٔ ۱ .

هـ : تبدیل ن و ل . بند ۱۲ فقرهٔ ۳ .

و : سقوط مصوتها :
بند ۷ فقره ۱

۵ـ

تغلیب در آغاز کلمات زیاد است :

ر + و بجای و + ر

پشتو	دری	اوستا
ورځ - رُوځ	روز	raoča-

و + ل بجای ل + و

پشتو	دری	اوستا
لوِشت - ولېشت	بلست	vitasti-

ر + فتحه بجای فتحه + ر

ر + کسره بجای کسره + ر

پشتو	دری	اوستا
رژېدل	ریختن	hereẓ
رښتونی	راستین	ereẓšva
ترهېدل	ترسیدن	tras-

چنانکه ملاحظه می شود، درهمه این احوال تقلیب ر یا ل موجود است.

سخر (بمعنی خُسُر، یعنی پدر همسر) از *hvasura آمده است. معلوم می شود که یك شکل انتقالی xvasan و xsar وجود داشته تا کلمه بحال سخر رسیده است.

-٦

گاهی تقلیب بحساب آغاز وپایان کلمه می آید چنانکه در:

پشتو	دری	شکل سابق پشتو	اوستا
لار	راه	رال	raiθyā
زېره	ریش	ریزه	raēša

بند ۲۱

واك پایان کلمه

-١

مصوت کوتاه، در پایان کلمه ساقط می شود:

پشتو	دری	اوستا
لس	ده	dasa-
لر	فرود، پائین	aδairi-
پر	فراز، بالا	upairi-

چون دو صامت بیاید، در محافظتِ مصوت یاری می کند :

پشتو	دری	اوستا
پِنځه	پنج	pančа
اوَه	هفت	hapta
شته	هست	asti

-۲

مصوت های طویل، در پایان کلمه قصیر گردیده چنانکه "کَلَه" ؟ بمعنی کِی ؟ (چه وقت؟) که در سانسکریت kada آمده است .

الف :

فتحه در پایان کلمه نشانه مونث است، و در زبان قدیم آ بوده :

پشتو	دری	اوستا
ونه	درخت	vanā-

همچنین در مورد صفات :

پشتو	دری	اوستا
پَخَه (مونث)	پخته	paxwa

ب :

فتحه در اخیر اسم، در حالت جر نیز می آید که آنهم در زبان قدیم آ بوده (نشانه حالت وسیلتی در اوستا) :

آس ـ اسپ له آسه ـ از اسپ

این زَبَرِ پایانِ کلمه، گاهی به زَبَرَك ادا می‌شود چنانکه :

غَل ـ دزد لهغْلَه ـ از دزد .

درین مورد ، گروهِ دو صامتِ غ + ل ابتدا بساکن شده است، برعکسِ تروَه (با زبرك در اخیر) در مقابل تریو، که درین صورت، حالت اصلیِ کلمه گروهِ دو صامتِ ت + ر (ابتدا، بساکن) دارد .

-۳

نشانه فتحه برای جمع نیز در زبان اوستا موجود بوده :

مفرد	معنی	جمع
غَل	دزد	غله
پوخ	پخته	پاخه
تریو	ترش	تروه

جمع با ـ ونه (چنانکه غل ـ غلونه) نیز د راوستا سابقه د ارد .

-٤

نشانهٔ اسماء زمان قدیم yah- و ya- و ayah- د ر زبان پشتو ، بشکلِ یای مجهول باقی مانده است و آن حالتِ جرِ اسماء مونث است :

تریـو تروه (ترش) : تروی

.... جنه (د ختر) : جنی

د ر تروې ، واكِ اخیر ې د راز تر است و تکیهٔ تلفظ برای می آید و د ر جنی، واك اخیر ی کوتاه و بد ون تکیهٔ تلفظ است .

-٥

سقوط م د ر پایان کلمه :

پشتو	د ری	اوستا
زه	من	azem
تـه	تـو	tvem
ـ و	(نشا نهٔ جمع)	-am
ـ ونو	(〃 〃)	-ānam
ـ و	(نشانه فعل جمع متکلم حـــال)	-āma
وړو	می بریم	bar-āma

-٦

الف) ت د ر اخیر ساقط می‌شود، ویا به ل تخفیف می یابد :

پشتو	د ری	اوستا
وو	باد	vāta
لو ، لوگی	د ود	dūti
اَتیا	هشتـاد	aštaiti
سـل	صـد	sata

گاهی هم بجای پساوند د ارای ت ، پساوند خفیف تر می آید :

مثلاً " همزولی بمعنی "همزاد" د رحالیکه زولی از زوول (زاد ن) ـ آمد ه است . همچنین اسدت وله بمعنی "بید" که شکل اوستای آ ن vaeti- است .

ب) نشانهٔ فعل حال شخصی غایب که در اوستا ati - بود در پشتو بحالت یای معروف تخفیف یافته است :

پشتو	دری	اوستا
وړي	می برد	baraiti
تښتي	می گریزد	tereṣaiti

دیگرمثال تخفیف پایان کلمه که دارای ت باشد :

پشتو	دری	اوستا
نوی	نو	navaiti

(مراجعه شود به بند ٨٤ و بیانات دارمستتر) .

ج) سقوط ت در ماضی (مذکر مفرد) .

پشتو	دری	اوستا
غانده	(می)نکوهید	+ gandità
کاره	(می) کاشت	+ kàrità

تذکر: ۱

در مونث ل بجای ت آمده است .

پشتو	دری	اوستا
غندله	(نکوهید) (مونث)	+ gandita
کرله	کاشت(مونث)	+ karita

در جمع مذکر غندل و کرل نیز نشانه‌های فعل‌که درزبان‌قدیم بود سقوط کرده است .

جای‌دیگر ، بجای‌نشانهٔ‌فعل زمان قدیم که taka بود در پښتو لي مانده است(در دری : ده)

پشتو	دری	اوستا
(را)غلی	آمده	gataka
غندلی	(نکوهیده)	ganditaka-

تذکر: ۲

ډ بجای ډ + ت

پشتو	دری	زبان قدیم
کُړه ، کړ (m)	کرد	kr̥ta, kr̥tā

-۷

بجا ماندن ت و د و د پساوندی.

الف) حفظ ت در موقعیت پساوندی فعل ماضی در جایی که در زمان حال ز یا ژ یا و موجود باشد :

گذشته	حال	فعل
وت	وزی	برآمدن
خوت	خیژی	(بر) خاستن
اود	اووی	بافتن

همچنین :

بند ۱۸ فقره ۲ جزء الف دیده شود .

بند ۵۱ فقرهٔ ٤ ״

ب) بجا ماندن ت و د پس از س، ش یا ښ (ښ از گروه د وصامت - ر+ س آمده می باشد) :

پشتو	دری
واخست	گرفت
آغوست	پوشید
څلویښت	چهل
آووښت	(تبدیل شد) گردید
ویشت	بیست

باب ششم

جدول تحول واک ها

بند	واک ایرانی کهن	واک پشتو	حواله به بند های گذشته		
			بند	فقره	جزء
٢٢	a	a	٢	١	
	a	زبرک	٦	٢	
	a	حذف	٧		
	a	ā, ō	٨	١، ٢	
٢٣	ā	ō, ū قبل از م قبل از ن	٢	٢، ٣	
	ā	ā	٢	٤	
	ā	a	٦	١	
٢٤	i	i	٣	١	
	i	a,e̤	٦	٢	
	i	حذف	٧		
	i	ē	٨	٢	
٢٥	ī	ī	٣	٢	
٢٦	u	u	٣	٣	
	u	a	٦	٢	
	u	u	٨	٢	
٢٧	ū	ū	٣	٤	
	ū	u	٦	١	
	ū	a	٦	٣	

بند	واک ایرانی کهن	واک پشتو	حواله به بند های گذشته: بند	فقره	جز
۲۸	ṛ	ar, ir, ar (a,i,u)	٤		
	r̥̄	ar, ar	٤		
	r̥r	ar	٤		
۲۹	y	y	۹	۱	
	ya	ī	۹	۳	
	-ayā	ē,e	۲۱	٤	
	-ayeh	ē,e	۲۱	٤	
	-yā	ē,e	۲۱	٤	
	-yah	ē,e	۲۱	٤	
۳۰	v	w	۹	٤	
	dv	dw	۱۰	۱	
	θv	t	۱۰	۲	
	θv	lw	۱۰	۳	الف
	hv	xw	۱۰	۳	ب
	sv-	w			
	v-	nw			
		nm			
۳۱	n	n	۱۱	۱	
	n	حذف	۱۱	۲	
	rn	ṇ	۱۱	٥	
	rn	r	۱۲	٤	تبصره ۲۵
۳۲	m	m	۱۱	۳	
	m	حذف در پایان کلمه	۲۱	٥	
۳۳	r (r,l)	r	۱۱	۲،۱	

بند	واک اریانی کهن	واک پشتو	حواله بمبند های گذشته: بند	فقره	جزء
۳۴	k·	k	۱۳	۱	الف
	k·	g	۱۳	٤	الف
۳۵	x	x			
	x	حذف	۱٦	۲	
	·	حذف	۱٦	۳	
۳٦	·		۱٤	۱	
	γ g	γ	۱٤	۳	الف
۳۷	č·	c	۱۳	۱	ب
	č·	j	۱۳	٤	ب
	č·	s	۱۷	٤	
۳۸	ǰ	ž	۱٤	۱	ج
			۱٤	۳	ج
۳۹	t	t	۱۳	۱	ج
	t	l	۱۳	٤	ج
	t	d	۱۳	٤	ج
	t	t	۱۳	٤	ج
٤۰	θ	l بین دو مصوت	۱۵	۳	
	θr	dr	۱۵	۳	
		سقوط θ پیش از r	۱٦	۲	

بند	واک اریانی کهن	واک پشتو	حواله بهبند های گذشته: بند	فقره	جزء
٤١	δ, d	l- در آغاز	١٤	١	ب
		-l- بین دو مصوت	١٤	١	ب
	dr-	dr-	١٤	٢	ب
	d	d			
		n پس از z پس از	١٤	٤	الف
٤٢	p	p در آغاز	١٣	١	د
		b درمیان	١٣	٤	د
٤٣	f	w میان دو مصوت	١٥	٤	
	fr	wr	١٥	٤	
	ft	wd	١٥	٤	وتبصره
		b پایان کلمه	١٥	٥	
٤٤	b	w در آغاز			
	v	w در آغاز			
	w	حذف	١٦	٢	
٤٥	s پس از t	s	١٧	١	
	sr	ṣ̌	١٨	٢، ٣	
	st	st	١٣	٤	ج
			١٧	٢	
	sp آریائی śv		١٣	٤	د
			١٧	٣	
	s	š	١٨	٤	
	s				

بند	واك اریانی کهن	واك پشتو	حواله به‌بند های گذشته: بند	فقره	جزء
٤٦	z	z	١٧	٥	
	ž	z	١٧	٥	
		z	١٧	٦	
	z	ž	١٨	٤	
٤٧	š	š	١٨	١	ب
	š	ž̇	١٩	٤	
	sk	č	١٣	٢	ب
	š (اوستا)	š	١٩	١	
		ž̇	١٩	٤	
	xš	š	١٨	١	
		ž̇	١٩	٤	
		سقوط š پیش از t	١٨	٢	
	cy	š	١٨	١	ج
٤٨	h	h .	١٥	٢	
	h	حذف در آغاز	١٦	١	الف
		بین دو مصوت	١٦	١	ب

باب اخیـــر

تبصرهٔ چند بر واکشناسی

از:

استاد گُورگ مورگنستیرن

(استخراج از قاموس اتیمولوژیک پشتو ۱۹۲۶)

بند ۴۹

در بارهٔ مصوت ها

۱- در موارد آتی ازمیان رفتن آواز y مثال تخفیف بشکل اپیانتیز می باشد :

پشتو	دری	اوستا
وراره	برادرزاده	brātervya
مېنه	میهن (منزلگه)	nmānya

در مورد آتی یای معروف جای فتحه را گرفته است :

پشتو	دری	اوستا
وینځه ، اینځه	کنیز	+ han-tači
سېزی	می سوزد	saučaya

درین واقعه تاثیر واك هائی که از کام تلفظ می شد یعنی ت و چ مشاهده می شـــود .

۲- در مورد آتی اپانتیز بر ضمه واقع شده مفتوح گردیده است :

پشتو	دری	اوستا
څوارلس	چهارده	caąrudasa
اوښه	اشك	asru
غر نیکه	پدر نیاك	gouru-nyāka
ژاوله	گُند (ضمغ)	ǰatu
ژوره	زالو (جوك)	ǰarū

بند ۵۰

در بارهٔ صامت ها

۱- در موارد آتی i و y تاثیر آورده، و سبب تبدیل واك ها به واك‌هائی که از کام تلفظ می شود گردیده :

پشتو	دری	اوستا
پسُرلی	بزغاله (یکساله)	upa-saradya-ka
میاشت	ماه	masti
شپشته	(رشقه) سپِست	aspo-asti
کَشر	کهتر	kasu/kasya
میندری	مادران	+ mā(n)tayah
ماشَی	پشه	+ māsya-ka
چاړه	کارد	kartya-
لار- لیار	راه	rai̊ ya

الف) پالا تالیزاسیون: ظهور واکی که با کام تلفظ می شود.

در مورد شپشته (بمعنی سپِست) باید ملتفت شد که موجودیت i در کلمهٔ منشاء سبب تبدیل س به ش و هم سبب تبدیل فتحه بمکسر گردیده در کلمهٔ کشر بمعنی کهتر، وکلمهٔ ماشی بمعنی پشه، موجودیت y در لغت منشاء س را به ش بدل کرده است . در مورد کلمهٔ چاړه موجودیت y و i سبب شده است که حتی در رهجای ماقبل تاثیر بیاید و ك به چ تبدیل شود . کلمهٔ میندی بمعنی مادران نشان میدهد که در لهجه های مختلف پشتو این پدیده (بمعنی پالا تالیزاسیون) تاثیرات مختلف داشته .

ب) ذیل صفحه ۷۷ دیده شود .

۲- معامله با د د+و و ب :

پشتو	دری	شکل انتقالی وسیط	منشاء قیاسی قدیم
بل	دیگر	dbi, bi	dwi
وَر	دروازه	-	dwar-
وَند	بند (سد)	-	band-
ونه	درخت	-	wanā-
دوه	دو		duwa
څلور	چهار	څلوور -wor	(caẓwaro) (وستا)
لس	ده		dasa
لوَشل	دوشیدن	δau	dau......

تذکر:

در لهجه های بنگښ ، مسعود ، وزیری و غیره هنوز خلور با - آواز خلوور با - wor - تلفظ می شود واین - w - در زبـــان قدیم سابقه دارد .

درجدولبالا ٬ تحول یك عده واك ها از زمان قدیم تا امروز - بررسی شده است . ستـونچپ اشکال قیاسی از روی مقایسه زبا ن های امروز و قدیم ترکیب شده است و در مورد معنی چهار کلمـهٔ اوستا گرفته شده است .

۳- درمورد بقایای گروه صا مت .

خ + ت مثال سول (سوختن)

قابل تذکر است . گایگر کلمه اوستا - soak را می آرد .
همچنانکه در مورد کلمه لور (دختر) که بارتباط duγdar اوستا منشاٴ آن به duxθr می رسد ، همچنان کلمه duxta شکل را گرفته سر انجام به le "له" تخفیف یافته است که در کلمـــــه ترله (دخترعم) باقیمانده است(تر) از کلمه ترور مانده است .
در مورد سول هم باید ریشهٴ خ+ت را باید درنظر گرفت و آ ن suxta- است .

٤- بحث در بقایایگروه هـ + و .

تحقیق در ریشه کلمهٴ نُوَرْ (= نُمَر = لُمَر) یعنی خور (خورشید) نشان مید هد که گروه هـ+ و (شاید در صورتیکه بعد از کلماتـــی با مصوت خاتمه می یابد آمده‌بود) به ن+ (هـ) + و تحول یافته است که بعداً " ن+ و گردیده‌است . ظهور چنین ن در تحول زبان اوستا نیز سابقه دارد .
(اینکلمه پشتو گرچه به شکل لمر ،نمر ،لمبـر ،نمبر ، مر شنیـده می شود اما شکل نُوَر در لهجه وردك وغیره باقی است) .

۵- فتحه + ی ai در پشتو .

هرگاه اسماءمختوم به ai باشد ٬ دران ā به ō واومجهولبدل می شود :

پشتو	دری	اوستا
ستوری	ستاره	stār- +
اوسی (هوسی)	آهو	āsu-
کومی (حلق)	کام	kam-
غالی غولی	گاه ، جای (حیاط)	gātu-

+ + + +

تذکر : به ارتباط پالاتالیزاسیون بعد از قسمت الف صفحه ۷۵ اینک قسمت ب خوانده شود :

ب : تحول r̥ درکلمهٔ ریښتونی ـ ریښتینی ـ رښتیا ـ : عقیدهٔ استاد ویلهلم گایگر این است که منشاء ان کلمهٔ ـ arš اوستا است که آنهم معنی راست را دارد ونیز کلمهٔ arstāt بمعنی راستی. باینصورت استاد گایگر ت اخیر را باقیماندهٔ یك پساوند قدیم میداند. اما تبدیل شدن ش به ښ نشان میدهد که درگروه صامت -r̥št- واك اول این اثر را آورده است .

واکشناسی کلماتِ هندی دخیل و دیگر کلماتِ دخیل در پشتو

اثر:

جیمز دار مستتر

بند ۵۱

موقعیت جغرافیائی سرزمینِ قدیم گویندگان زبان پشتو، ایجاب آنرا میکرد، که کلمات زبانِ هندی، گاه گاه بطور دخیل در زبان پشتو قبول شده باشد. همچنین، موجودیت زبان دری در همسایگی و همخانگی پشتو، تبادل کلماترا بین این دو زبان همخانواده سبب شده است. ازجانب دیگر در زبان دری کلمات عربی دخیل شده. این کلمات عربی، از طریق دری ویا مستقیما" در زبان پشتو نیز داخل گردیده است. باین صورت، زبانِ پشتو از یك زبان همخانواده (یعنی دری) و از یك زبان خویشاوند دورتر (یعنی هندی) و از یك زبان خانوادهٔ دیگر (یعنی عربی) — کلماتی را پذیرفته است. (تعلیق ۵۱)

چنانکه همیشه واقع میشود، در کلمات مأخوذ از زبان دیگرتغییرات تلفظ، و بیشتر هم تبدیلاتِ معنی واقع میگردد. بررسی درین تغییراتِ تلفظ قابل توجه است، زیرا تمایل زبان پشتو را در آوردن تحول در تلفظ کلمات نشان میدهد. بعبارهٔ دیگر، بررسی در کلماتِ مأخوذ، یك طریق کشف تمایلات تحول و تبدلِ واك های اصیل همان زبان، در داخل آن میباشد.

بند ۵۲

واك های مشترك پشتو و دری قرار آتی میباشد:

———	ك	گ	خ	غ	
———	چ	ج			
———	پ	ب	(ف)	و	
———	ت	د	ن		
———	ذ	ز	ژ	س	ش
———	م	ل	ر	ی	
———	ه				

باینصورت، کلماتی را که پشتو از دری اخذ کرده، در اکثر موارد، با تلفظ اصیل آن نگهداشته است. یعنی گویندگان زبان پشتو، در تلفظ کلمات دری، به مشکلاتی روبرو نشده اند. درین مورد، تنها یك استثنی موجود است و آن واك "ف" میباشد. این واك چون در یك کلمه دری موجود باشد، و آن کلمه بزبان پشتو انتقال یابد، به "پ" تبدیل میشود. البته اهل ادب وکتاب، آنرا در پشتو ف نوشته اند. امآ در زبان گفتاری، پ تلفظ شده و میشود. گاهی در تحریر ف، تاثیر تحریر دری وقابل بحث میباشد. مثلاً در مورد نام قبیله معروف افریدی، که در زبان گفتاری پشتو اپریدی - تلفظ میشود، اما آنرا حتی در پشتو اکثر افریدی مینویسند. کلمه فرنگی در پشتو پیرنگی تلفظ میشود، وگاهی هم در تحریر پشتو بصورت فرنگی آمده است.

[تذکر مترجم: بین "ف" و "پ" در زبان دری (چه در نسخه های خطی کهن، وچه در زبان‌های گفتاری محلی تبادلات و تبدلات موجود است اما موجودیت مستقل هردو واك، چه در اوستا و چه در فرس کهن (هخامنشی) ثابت است].

واك ب چون در کلمات دری آمده باشد، در پشتو برجای خود می ماند، اما گاهی به و بدل میشود. مثلاً نام حیوان درنده ببر (که از زبان مغلی وترکی آمده است) در پشتو دو شکل دارد:
یکی بَبَر ودیگر بَوَر

چ و ج هردو بحال خود محفوظ میمانند، اما در بعضی موارد - زبان پشتو تمایلات آوازی خاص خود را بران وارد میکند، چنانکه چ را به څ وج را به ځ بدل میکند:

دری	پشتو	
چاره	څاره	(برعلاوه چاره کلمه اصیل پشتو که آن هم موجود است.)
چاه	څاه	
جان	ځان	
جای	ځای	

ذ (غیر از "ذ" عربی) در زبان دری باز مانده ت و د قدیم است. اما چون بزبان پشتو انتقال کند دوباره آواز د قدیم را میگیرد. چنانکه

دری	پشتو
گذر	گودر (برعلاوه "گذر" که آنهم موجود است)

عده این استثناءآت اندك است و بطور عمومی کلماتی که از زبان دری داخل زبان پشتو قبول شود مطابق تلفظ زبان دری ادا میشود واین نتیجه ارتباط هردو زبان بیك نظام مشترك واك ها میباشد ، چنانکه دربارهٔ این همریشه گی درجای آن مطالبی ارائه شده است .

تقلیب کلمات دری :

زبان گفتاری پشتو کلمات ماخوذ را گاهی تقلیب میکند چون دیچکه (دیگچه) دُنکاچه (دکانچه) روان (ویران) سلگی (سگیله بمعنی ضجه) وغیره .

بند ۵۳

کلمات عربی دخیل در پشتو:

زبان پشتو با آن واك های کلمات عربی که در زبان دری موجود است؛ مطابق آنچه گفتیم معامله میکند ، یعنی که اکثر حرف های آنرا محفوظ میدارد . بنابرین آن حروف مشترك بین زبان دری و زبان عربی ، چون با یك کلمهٔ دخیل در زبان پشتو بیاید ، و زبان پشتو آنرا بهمان طریق تبدیل می کند : بطور مثال .

پشتو	دری گفتاری	عربی	ملاحظه
جار	جار	جهر	یعنی اعلان جهرچی
پنا	فنا	فنا	با امکان مغالطه باپناه
پکیر	فقیر	فقیر	در تحریر پشتو فقیر می آید

های عربی گاهی می افتد و برای جبران این سقوط فتحه بحال ممدوده تطویل می یابد :

پشتو	دری گفتاری	عربی	ملاحظه
پام	فام	فهم	پام یا پهم در پشتو معنی احتیاط و حذر را گرفته
جار	جار	جهر	مطلب از منادی جهرچی است
کار	قار	قهر	در تحریر پشتو قهر و قار می آید.

میرسیم به آن حروف صامت که خاص زبان عربیست. ازقبیل ح ، ع ، ط ، ظ ، ص ، ض ، ث .

اینک مثال معامله با ح :

پشتو	عربی	ملاحظه
پته	فتح	گرچهد پهشت و فتح تحریر می شود .
اُمپل	حمایل	موجود د رزبان گفتاری کابل .
سبا	صباح	رر رر رر
تپوس	تفحص	معنی جستجوکرد ن راگرفته است .
سلا	صلا	بمعنی صلا کرد ن و خواند ن .
سلا	صلاح	مثلاً " د ر"سلا مشوره"
ملا ز ه	ملاحظه	(د رزبان پشاور) اماد رتحریرملاحظهمی آید .

اینک مثال معامله با ع :

پشتو	عربی	ملاحظه
کار	قعر	د رتحریر قعر می آید .
اسا	عصا	د ر تلفظ محلی
جومات	جماعت	

البتهبعضی ازین کلمات د ر تحریر پشتو بشکل عربی میاید مثلاً : فتح، ملاحظه قعر ، قطعی و بعضی کلمات بسیار متد اول بشکلِ تبد یل شد ه نگاشته میشود چنانکه تپوس یا سوله (صلح) و جومات (جماعت) ، امپل (حماپل) .

ط بشکل ت ساد ه میشود :

پشتو	عربی
(قاتی)کاتی ،کاختی	قحطی

همچنین ص ث به س تبد یل میشود و هم ظ ، ض ، ذ ، تبدیـــــل به ز میگرد د . گرچه د ر تحریر اصول املاء عربی مرعی است .

تبد یل آواز ق به آواز خ د رحالیکه قبل از ت بیاید قابل توجه است.

پشتو	د ری گفتاری	عربی
وخت	وخت	وقت
نخش۔ نخچ	نخچ	نقش

غ عربی بحال خود میماند .

خلاصه اینکه پشتو آن حر وف خاص عربی را که از خود ند اشته د ر زبان ـ گفتاری تغییر مید هد، و این تغییر تلفظ ،گاهی د ر زبان تحریری نیز اثرکرد ه ـ است .

تقلیب کلمات عربی :

زبان گفتاری پشتو مطابق تمایلی که دارد بعضی کلمات عربی را تقلیب می‌کند چون رسخت (رخصت) اریان (حیران) وغیره .

بند ٥٤

کلمات دخیل هندی در زبان پشتو.

[تذکر قبلی مترجم :
مطالعات جیمز دارمستتر ، در چهاونی انگلیسی ایبت‌آباد از نظر کثرت اقتباس کلمات پنجابی و ارد و درانجا مطابق معیار لغات پشتوی ما نیست ، اما از نظر لهجه شناسی بیان‌آن برای ما هم سود مند می باشد .]

درینجا آن واک‌هارا بررسی میکنیم که خاص زبان هندی میباشد ودر پشتو قبول شده است . آن واک ها که متصل در پی آنها h- تلفظ میشود : این میراث زبان‌سانسکریت میباشد . به عبارهٔ دیگر زبان‌های هندی از بعضی واک ها دو نوع دارند : یکی سادهٔ ویکی دارای آواز هـ متصل‌بآن

شکل‌ساده واک‌های هندی	واک‌های‌هندی با ها
ك	كھ
گ	گھ
ج	جھ
چ	چھ
ت	تھ
د	دھ
پ	پھ
ب	بھ

همچنین زبان هندی، حروف ثقیلهٔ باصطلاح مغزی (بادماغی یاخیشومی) نیز دارد چنانکه :

شکل‌ساده	واک مغزی	واک‌مغزی با ها
ت	ٹ	ٹھ
د	ڈ	ڈھ
ر	ڑ	ڑھ
ن	ں	نھ

ں غنه در خط اردو بدون نقطهٔ نون تحریر میشود . در زبان پشتو آنرا نړ نوشته اند .

(تذکر مترجم :

این تحریر مروج در پشاور را مولف درج کرده است . تحریر درکندهار ڼ بوده است . بعداً دانشمندانِ پشاور، این صورتِ تحریرِ افغانستان را قبول کرده اند) .

چون لغات هندی در زبان پشتو دخیل شده است در بارهٔ این آوازها قرار آتی معامله صورت گرفته است :

بند ۵۵

۱- آواز h ها بعد از واک‌های مذکور در بالا از میان رفته است.

واک هندی	معامله باآن در زبان پشتو
کھ	ك
گھ	گ
جھ	ج
چھ	چ
تھ	ت
دھ	د
بھ	ب
پھ	پ

واک های مغزی در زبان پشتو حفظ میشود . البته اگر بعد ازان ھـ باشد آن ھـ می افتد :

واک هندی	معامله باآن در زبان پشتو
ٹ	ټ
ڈ	ډ
ں	ڼ
ٹھ	ټ
ڈھ	ډ
ڑھ	ړ

۱- مبدل شدن (کھ) به " ك "

هندی	پشتو	معنی
کھڑکی	کړکی	پنجره (ماخوذ در دری گفتاری کابل: ړلکیـن
کھوکھا	(ککی) کوکی	پسرخورد سال
لیکھنا	لیکـل	نوشتن
بیسا کھ	بیساك، ویساك	بهـار
سیکھ	سیك	سیك (نام مردم سیکھ) وغیره

۲- تبدیل شدن گھ به گ :

هندی	پشتو	معنی
گھایل	گایل	زخمی
گھـڑی	گړی	ساعت (موجود درزبان گفتاری کابل)
گھنڈ ی	گونډ ی	آنچه پس ازبرداشتن حاصل غله میماند گُندِی در زبان گفتاری دری لوگر.
گھنگھور	گنگور	ابرآلود ، تیره وتار
سَنگھ	سانگه	در هندی گروه مردم در پشتوی منطقه پشاور بمعنی قافله وکاروان ـ وغیره

۳- تبدیل "چھ" به "چ" و "خ"

هندی	پشتو	معنی
چھاپ	چاپ ، خاپ	چاپ ، ماخوذ در زبان دری ـ ادبی وگفتاری .
چھاونی	چونی ـ خونی	لشکرگاه ، اردوگاه

٤- تبدیل "جھ" به "ج"

هندی	پشتو	معنی
جھڑی	جړی	باران ، هوای طوفانی
جھگڑا	جګړه	جنگ (در دری گفتاری کابل جگره ، بمعنی چانه زدن درخریدن) .
جھنڈا	جنډه	بیرق
جھوٹھا	جوټه	مجعول (آلوده) (جُته آلوده در دری گفتاری کابل)

۵- تبدیل " ته " به " ت "

هندی	پشتو	معنی
تهالی	تالی	ظرف فلزی
تهانه	تانه	مرکز پاسبانان (تانه در زبان دری گفتاری کابل) .
تهوك	توك (باواو معروف)	تُف
تهوهر	توهر	گیاه زقوم
هاتهی	هاتی	پیل

۶- تبدیل "دھ" به " د "

هندی	پشتو	معنی
دھاڑ	داړه (بفتح ړ)	دسته دزدان (داره در زبان گفتاری کابل) .
دھوپکال	دوبی	تابستان (در هند معنی موسم خورشید را میدهد) .
اندھیر	اندیر (معدوم)	تاریکی
ودھو	واده	زناشویی (کلمه هندی معنی زن شوهردار را دارد)
سادھو	سادو	پارسای دروغین ومنافق (در زبان هندی معنی پارسای واقعی راداراد . در دری ـ گفتاری کابل بمعنی آنکسرود مذهبی نمائی خواند وپول جمع می کند .)

۷- تبدیل "پھ" به " پ" :

هندی	پشتو	معنی
چوپهیر	چاپیر	پیرامون ، گرد اگرد
پهلپل	پلپل	روغن خوشبو

۸- تبدیل "بھ" به " ب " :

هندی	پشتو	معنی
بهنگ	بنگ	نوشا به حشیش ـ (بنگ درزبان دری نیز داخل شده است) .
بهوس	بوس	کاه

بند ٥٦

حروف مغزی هندی در زبان پشتو:

۱- بجا ماندن ٹ :

هندی	پشتو	معنی
ٹاپو	ټاپو	جزیره
ٹاٹ	ټاټ	پارچه ئی که‌ازان جوال و توبره سازند تات در دری گفتاری کابل .
ٹٹو	ټټو	اسپ جنس خورد .
ٹٹیهرا	ټټاری	کبک (در دری گفتاری وپشتو تارو از مرغانی استکه شکار میشود) .
ٹکر	ټکر	مصادمه- تصادم- (تُکر در دری گفتاری کابل)
ٹکرا	ټُکړه	پارچه (در دری گفتاری کابل این کلمه باکلمه تِکه که‌آنهم معنی پارچه را دارد، منطبق است (تِکه تِکه بمعنی پارچه پارچه) .
پٹکا	پټکی	کمربند (شال‌گردن)
پٹا	پټی	زمین‌کشاورزی (در هندی بمعنی سَنَد ملکیت زمین) .
کوٹ	کوټ	قلعه (کلمه کوتوال در عهد غزنوی به معنی در زبان بکار رفته است) . (آیا در آنوقت ماخذ هندی داشته بود ؟ - (مترجم) (تعلیق ۱٦)

۲- تبدیل ٹھ به ټ

هندی	پشتو	معنی
سہٹھ	سهټ	میلیونر
گٹھری	گاټلی	بسته، باربسته، پارسل

۳- ڈ بجای خود می ماند :

هندی	پشتو	معنی
ڈار	ډار	ترس (داریدل - ترسیدن)
ڈانگر	ډنگر	لاغر

ڈنڈا	دنده	چوب ، چماق (دنده دردری گفتاری کابل)
ڈولی	ډولۍ	محمل که با آن (دران) عروس را حمل - میکننـــد . دولی در زبان گفتاری کابل .
ڈول	ډول	طریقه وصورت، فیشن ومود .
شونڈ	شونډه	لب (شوندك، خرطوم فیل) .
هڈ	هډ	استخوان
گڈ بڈ	گډ وډ	درهم وبرهم (دری کابل گد ود)
گڈن	گډ پډل	آمیختهشدن (گڈن در ملتانی این معنی را دارد) .
شانڈ هه	شنډ	عقیم (سنده در کابل بمعنی زن عقیم)

گاهی هم پشتوبان کلمهٔ هندی ډ را قایل‌شده است که اصلاً" درهندی ڈ ندارد چنانکه از گاونتي کلمه گاوندی همسایه را ساخته اند . (تعلیق۱٦)

٤- تبدیل ڈھ به ډ :

هندی	پشتو	معنی
ڈھال	ډال	سپر
ڈھنڈوره	ډندوره	منادی بادهل (دردری کابل دندوره بمعنی آوازه‌مصنوعی) .
ڈھول	ډول	ضرب ، طبل (دوّل در دری کابلی) .
ڈھیر	ډېر	زیاد (فراوان درهندی)

٥- ڑ بجا می ماند :

هندی	پشتو	معنی
اڑنا	اړول	گشتاندن، توقیف کردن .
لمڑی	لومبړ	درهندی لمڑی معنی روباه راد ارد .
گھڑی	گړۍ	ساعت(مدت وقت) (گری در دری کابلی) .
پیڑا	پېړه (زواله)	نوعی ازحلویات (شیر پیره در کابل)
جھگڑا	جگړه	جنگ (جگره : چانه‌زدن درزبان‌کابل)

٦- تبدیل ڑهـ به ړ :

هندی	پشتو	معنی
کوڑهـ	کوړ	بیماری جذام
داڑهـ	داړه	(دندان) فك ، الاشه (داړل، در پشتو بدندان گزیدن) .

(تذکر مترجم: فهرست لغات فوق در اصل کتاب دارمستتر طویل تر و مفصل تر است درینجا مختصر شده ه اشاره ها به دری گفتاری کابل را مترجم اضافه کرده است) .

بند ٥٧

درزبان پشتو چنان حروف " مغزی " که اصلی باشد وجود ندارد .

در قرن نزد هم ، دانشمندان ، موجودیت حروف مغزی را در پشتو مطالعه کرده وبران اظهار عقیده نمودند . درآغاز این بحث از روی - توجه بزبان پشتو نبود ، بلکه آن دانشمندان که میخواستند موجودیت این واك هارا در زبانهای هندی مطالعه کنند ، متوجه پشتو گردیده و- بعضی پشتو را منشاء این واك های مغزی درزبان های هندی دانستند!

قابل توجه است که در زبان های قدیم هندی، آواز مغزی اندك بوده است. اما در قرون مابعد، عدهٔ آن زیاد شده است . نخستین موٴسسان آواز شناسی مقایسوی، تصور میکردند زبان های آریائی هند - این واك هارا از زبان های دراویدی گرفته اند . سوال بمیان آمد که آیا در زبان های آریائی، این واکها موجود بود یانه؟ موجودیت این واك ها در پشتو دانشمندان را باین نظر آورد که این واك ها در زبان های آریائی، قبلاً موجود بوده است.

درباره این همه محاسبات، میتوان یك حکم قطعی کرد : و آن اینکه زبان پشتو هیچ واك مغزی را به زبان های هندی انتقال نداده است. بلکه برعکس ، هرکلمهٔ موجود در پشتو که واكِ مغزی دارد ، از زبان های هندی انتقال شده است ، و یگانه استثناء درین موضوع ړ میباشد که ازان سخن گفتیم :

چنانکه در بحث واك شناسی آمده ړ در زبان پشتو منشاء اصلی دارد. در اکثر آن موارد که در زبان پشتو ړ داریم در زبان اوستا گروه صامت ر + د یا ر + ت را می یابیم. این گروه صامت اوستا در زبان دری به ل تبدیل شده است:

پشتو	دری	اوستا
زړه	دل	zərəd-
سوړ	سرد	sarəta-
مړ	مرده	marəta

ازینجاست که باید میان آن ړ که از کلمات هندی به پیروی ڑ آمده است و آن کلمات اصیل پشتو که ړ دارد تفریق کرد، گرچه امروز تفاوت تلفظ آن به گوش ما نمیرسد. از نظر تاریخی این دو نوع ړ ازهم بکلی متفاوت است. امکان آن موجود است که ڑ هندی بر تلفظ آن ړ که در پشتو اصیل است تاثیر آورده یا نیاورده باشد. اما اینکه بعضی دانشمندان ړ پشتو را منشاء ڑ در زبانهای هندی دانسته بودند درست نبوده است در بارهٔ آن ړ که در کلمات اصیل پشتو موجود است به بحث واك شناسی مراجعه شود.

(ص ٤١ ، ص ٧٠)

تذکر: تقلیب کلمات ماخوذ ازهندی در پشتو:

بعضی کلمات هندی را پشتو تقلیب کرده است چون بادگول بمعنی لگام که در هندی باگ ڈور است و کناوړ کړاوړ (نعلین چوبین) که در هندی کهڑانو است وغیره.

بند ۵۸

ڼ واك انفی مغزی

ڼ در پشتو: این واك انفی مغزی، دو منشاء مختلف دارد:
یکی آنکه در کلمات هندی دخیل در پشتو موجود است،
دیگر آنکه در کلمات اصیل پشتو شنیده میشود.
گاهی آن واك انفی دندانی که در زبان هندی موجود است، در زبان پشتو به ڼ انفی مغزی تبدیل شده است.

باید دانست که در خط ارد و ن انفی چون درمیانه کلمه یا در آغاز کلمه بیاید شناخته نمیشود . از سوی دیگر در خط دیوا نگری هندی، گرچه علامتی برای آن موجود است اما گاهی رعایت نمیشود و بجای آن ن (عادی) میاید . درینجا شهادت زبان سانسکریت سود مند است

درین مثال ها معلوم میشود که پشتو پیرو مراحل مابعد زبان های هندی نیست، بلکه تلفظ اصلی قدیم سانسکریت را پاسداری کرده است:

پشتو	هندی	سانسکریت	معنی کلمه پشتو
گڼل (ڼ مغزی)	گننا (بان عادی)	guna (بان مغزی)	شمردن
کنگڼ ،کنگڼ	کنگن رر رر	kaṅkaṇa رر رر	دست بند
انگڼ (انگڼ)	انگنا	aṅgaṇa رر رر	حویلی

البته چنان موارد نیز موجود است ، که نه سانسکریت ونه هندی - تلفظ ن مغزی داشته اما این تحول در زبان پشتو وارد گردیده است، چنانکه :

پشتو	هندی	سانسکریت	معنی کلمه در پشتو
گڼ	گهن	ghana (بان عادی)	انبوه ، ضخیم

در مورد بعضی کلمات ، نمیتوان حکم قاطع کرد ، مثلاً " کلمهٔ پشتو دوڼی ، بمعنی ظرف شیر در زبان هندی دوهنی dohani بدون تلفظ ن مغزیست . و همچنین کلمه پشتو گاڼي یعنی جهاز روغن کشی در زبان هندی گهاني ، وکلمهٔ پشتو گاڼا بمعنی گرو ، در زبان هندی - گهنا وکلمهٔ پشتو چاڼول بمعنی تصفیه کردن در زبان هندی چان نا میباشد .

بهر صورت معلوم میشود زبان پشتو در بعضی کلمات ماٴخوذ از - هندی ڼ را خود اضافه کرده است . زبان پشتو گاهی این معامله را با کلمات دیگر زبانها نیز کرده است . چنانکه کلمه عربی سکان (یعنی سکان کشتی) در زبان پشتو سنگاوڼ درج شده است ، و همچنین کلمهٔ انگلیسی انجن در پشتو انجڼ درج گردیده است .

اما باید دانست ڼ مغزی در کلمات اصیل پشتو نیز وجود دارد ، چنانکه ازان در فصل واکشناسی بیان شده است . (ص ۴۰ و ۷۰ دیده شود) .

بند ۵۹

پاسداری اشکال کهن سانسکریت در پشتو

زبان پشتو، گاهی اشکال قدیم تر هندی را که به سانسکریت میرسد نگهداشته است، و ازانجمله است ړ در مقابل ڑ هندی. درحقیقت، درین موارد، تلفظِ پشتو مطابق حالت قدیم زبان هندیست. به عبارهٔ دیگر، زبان هندی بعضی ڈ ḍ های قدیم را به ڑ تبدیل کرده است درحالی که زبان پشتو درین کلماتِ مأخوذ از هندی، همان واک قدیم هندی ḍ ڈ را محفوظ داشته است.

پشتو	هندی امروزی	دری
گاډی، گاړی	گاڑی	گادی (درکابل) گاری (درتهران)
گوډ نه۔ گوډ انه	گوڑ نا	(جامهبرای خیشاوه کردن و میوه چیدن)
گوډی	گُڑی	گُدی (درکابل، یعنی لعبتك و عروسك)

می آئیم بر کلمهٔ ډوډۍ بمعنی نان مقابل کلمهٔ هندی روتی.
آیا شکل قدیمترهندی ڈوٹی وجود داشته که پشتو ٹ آنرا به د وهندی خود ڈ آنرا به ر تبدیل کرده است. یا اینکه پشتو روتی را دوبار تغییر داده به دوتی وسپس به ډوډۍ تبدیل کرده است؟ درین بارهٔ شواهد بدست نداریم، تا به این سوال جواب بدهیم ودرین چنین موارد، باید سوال علمی را وضع، وپاسخ آن را جستجو کرد.

بررسی ژرف زبان پشتو، برای جستجوگرانِ تاریخ زبان های هندی امروزی بسیار سودمند است، زیرا پشتو کلماتِ زبان پیشین هندی را که امروز مهجور شده است، محفوظ داشته است. در زبان پشتو، دیگر کلمات با حروف مغزی وجود دارد، که زبان هندی تاریخ تحول آنرا بیان نمی دارد، و مطالعه پشتو از عده این کلمات که تحقیق در آن دشوار افتاده، خواهد کاست. از زمان سلطنت لودیان (۱۴۵۰م) زبان

هندی وارد و کلمات زیاد به پشتو داده است .

تذکراستاد مورگنستیرن بر این بیان دارسدتتر:

همسایگی میان پشتو و زبان های هندی شرق کوه سلیمان درقرون قدیمه واقع شده بود، وبنابرین بررسی درزبان‌های هندکو و - لهندها وزبان های دردی هندی نیز لازمی وسودمند است .

[تذکر مترجم :

در قاموس ریشه زبان پشتو چاپ ۱۹۲۷ و مقالات مابعد خود استاد مورگنستیرن خود باین موضوع توجه بلیغ کرده است .

درین باره به فصل هفتم بخش اخیر این کتاب مراجعه شود].

نتیجه گیری

اثر وجیمز دارمستتر

از تحلیل واك شناسی زبان پشتو، نتایجی گرفته میشود که در این فصل آنرا بیان می کنیم :

بند ۶۰

زبان پشتو یك شعبهٔ زبان اریانی میباشد . واك شناسی پشتو ثابت میکند که زبان پشتو زبان هندی نیست، و از سانسکریت انشعاب نیافته است. زبان پشتو به مشخصات خاص زبانهای هندی محدود نیست .

در زبان پشتو آواز هـ(ه) بعد از یکعده واك ها موجود نیست و این صفت مشخصهٔ زبانهای هندی میباشد . هم چنین در زبان پشتو واك های دندانی مغزی خاص هندی موجود نیست(رجوع شود به بند ۵۵ و۵۶و۵۷) هم چنین زبان پشتو ازیك ممیزهٔ متداول دیگر زبانهای هندی مبری میباشد، و آن رفع اکثر گروه های صامت از راه ادغام یك صامت با دیگر می باشد . زبان پشتو گروه های صامت (واز آنجملهٔ ابتدا بساکن) را محفوظ داشته و برای سهولت تلفظ دران تحولاتی آورده است که در تاریخ واك شناسی بررسی کردیم .

بند ۶۱

زبان پشتو یك زبان شعبهٔ اریانی است. مشخصات شعبهٔ اریانی، بمقایسه شعبه هندی، و از روی مقایسه با ریشه (یعنی زبان اند و اریانی) چنین میباشد :

۱- حذف شدن هـ که بعد از یك عده صامتها موجود بود .
۲- بمیان آمدن آواز های خ و غ . (تعلیق ۱۷)
۳- در مقابل آواز س که در هندی (سانسکرت) آمده بود در شعبه اریانی هـ بکار رفته است :

در زبان قدیم اند و اریانی در این مورد س موجود بوده و شعبهٔ هندی آنرا پاسداری کرده، شعبهٔ اریانی آنرا به هـ تبدیل کرده است. بههمین صورت، بجای گروه زبان اند واریانی س + و (که آنهم در شعبهٔ هندی محفوظ است) در شعبهٔ اریانی بجای آن هـ+ و و نیز خ + و بمیان آمده است

٤- درجائیکه در زبان سانسکریت (واکثر زبانهای مابعدِ هندی) هـ و ج آمده است در شعبهٔ اریانی ز وجود دارد .

٥- درجائیکه زبان سانسکریت ش + و دارد شعبهٔ اریانی س + پ دارد .

٦- درجائیکه در زبان قدیم تر گروه صامت آمده ، شعبه اریانی جزءِ اول گروه را به هـ تبدیل میکند .

٧- در جائیکه سانسکرت مصوت های دورهٔ هند و اریانی را در آغازِ کلمات پاسداری کرده است ، شعبهٔ اریانی آنرا ازدست داده - است .

زبان پشتو این مشخصات هفت گانهٔ شعبهٔ اریاني را حایز است و اینک این مشخصات را یك بیك تذکر میدهیم :

١- واك ها ی زبان مرحلهٔ اند و اریانی : گ + هـ د + هـ ب+هـ

این واك ها در اوستا و همچنین دیگر زبانهای اریانی ، بشمول فرس کهن به گ د ب تبدیل شده است و همان معامله که با این سه واك صورت گرفته است با آن سه واك نیز شده است .

اند وآریانی	اریانی (مرحله انتقال)	پشتو	دری
گ + هـ	گ	غ	
د + هـ	د	ل	
ب + هـ	ب	ب / و	

مثالها :

پشتو	دری
غرمه — غارمه	(چاشت) (گرما)
غوا	گاو
لر (م)	دار (م)
لوم	دام
وړ(م)	بر (م)

٢- زبان پشتو به پیروی زبان اوستا گروه های ك + هـ ، گ + هـ ، ب+هـ را متروك کرده است وبجای آن خ وغ و ف آورده است در حالیکه در ینجا شعبهٔ هندی آوازِ قدیم تر را پاسداری کرده است

پشتو	دری	اوستا	سانسکریت
مخ	(روی)	muxa-	mukha
خور	خواهر	hvaṅhar-	svasar-
سوری	سوراخ	subra-ka	śvabra-

این مطالب در فصول مختلفواکشناسی بررسی شده است .

مثال‌های دیگر در بند های مختلف واکشناسی آمده است.

۳- بجای س+و که درزبان اندواریانی موجود بوده،وشعبهٔ هندی آنرا پاسداری کرده است،پشتو هـ و هـ+و آورده است،چنانکه در واک-شناسی به تفصیل مطالعه شده است .

پشتو	دری	اوستا	سانسکریت
خور	خواهر	hvaṇhar	svasar

٤- درجائیکه زبان‌سانسکرت ج را محفوظ داشته است،پشتو ز و درجائیکه سانسکرت هـ قدیم را محفوظ داشته است نیز ز میاید

این از مشخصات شعبهٔ اریانی است :

پشتو	دری	اوستا	سانسکریت
زمکه	زمین	zam-	jam-
زړه	دل	zəred-	hṛd-

٥- هرگاه در زبان سانسکرت گروه sv آمده است در زبانهای اریانی بشمول پشتو س + پ آمده است . مثال :

پشتو	دری	اوستا	سانسکریت
سپی	سگ	span-	śvan-

٦- بخاطر بداریم که در مراحل مابعد زبان‌هندی،گروه های صامت دورهٔ سانسکریت ازمیان‌رفته است :

گروه صامت	سانسکریت	پراکریت	هندی	معنی
ك+ت	rakta	ratta	rat	داغ
د + ت	dadta	datta	-	داده
پ + ت	sapta	satta	sāt	هفت

اکنون در می یابیم که درین زمینه زبان های اریانی، واك‌های قدیم را محفوظ داشته و در پشتو بران تحولاتی آمده است :

پشتو	دری	اریانی قدیم	پراکریت
سَوَی	سوخته	suxta	ratta
	داده	dasta	datta
اُوه	هفت	hafta	satta

الف: بجای گروه ك + ت درحالیکه اریانی قدیم خ + ت آورده بود زبان پشتو یك گام فراتر گذاشته خ را نیز حذف کرده .

ب : ازگروه د + ت در پشتو ك + ت یا ش + ت باقیمانده است . چنانکه : ویشت = زد .

ج : از گروه پ+ت نیز ت سقوطکرده است .

یعنی در پشتو تحول د +ت کمتر وتحول ك+ت و پ+ت بیشتر واقع شده است .

۷- مصوت های آغاز کلمه در زبان پشتو (و هم چنین درزبان دری) ساقط شده است (رجوع شود به بحث واكِ واپسین کلمات) .

همه این دلایل آشکارمیسازد که زبان پشتو، ازشعبهٔ اریانی خانوادهٔ هند واریانیِ دستهٔ بزرگِ اندواروپائی، انشقاق یافته است.

اکنون باید در داخل این شعبه، انشعاب پشتو را به چگونگی انشعاب زبان دری مقایسه کرد .

بند ٦٢

زبان پشتو در داخل شعبهٔ اریانی، محل انشعاب جداگانه غیر از - دری دارد . پشتو از زبان پهلوی نیزمستقل است، یعنی شاخهٔ پهلوی نیز نمیباشد، زیرا زبان پشتو یکعده آواز های زبان قدیم اریانی را طوری تحول داده است، که خاص پشتو میباشد، و به اینصورت زبان پشتو در -

هیچ دورهٔ تاریخی ازمرحلهٔ پهلوی و دری عبور نکرده است . مثلاً " کلمه پل بهمعنی نقش پا در زبان پشتو، از شکل قدیم اریانی دارای d آمده است در حالیکه در زبان پهلوی و زبان دری کلمه بهپای تبدیل شده یعنی که واک د از زبان اریانی در پشتو به ل تبدیل شده است درحالیکه پهلوی و دری آنرا ی ساخته است . بهمین گونه، درحالیکه در زبان پهلوی و دری کلمهٔ مهمان بجای کلمهٔ زبان قدیم دارای θ آمده است آنرا به ل تبدیل کرده است و کلمهٔ میلمه بمیان آمده .

پشتو	دری	اوستا
پل	(نقش) پای	paδa
میلمه	میهمان	maēθman
دري	سه	θrāyō
شپږ	شش	xvšaš
سپی	سگ	spaka
بل	(دیگر)	bitya

در مورد مثال اخیر، در زبان دری (دِ یِي) چنانکه در کلمهٔ دِیگر آمده است (دیگر که ازروی آن سدیگر ساخته شده) . در همه این موارد انشعاب پشتو ازاوستا بدون وساطت پهلوی و دری آشکار است .

بند ٦٣

زبان پشتو ، از زبان اوستا ویا زبان دیگر که بسیار نزدیک به اوستا بوده است، اشتقاق یافته است .

این سوال بهمیان می آید که : آیا زبان پشتو از زبان فرس کهن هخامنشی انشقاق یافته است ویا اینکه بهشاخهٔ دیگری بسته میشود و آن شاخهٔ اوستا میباشد ؟

زبانی که اسنادِ تحریری آن بما رسیده است ویا یك شاخهٔ زبان گمشده ؟

البته جواب این سوال را نمیتوان بطور دقیق مطلق داد، زیرا اوستا و فرس کهن هخامنشی با همدیگر بسیار نزدیك اند، و هردو ازیك زبان مشترك گمشدهٔ اریانی انشعاب کرده اند، و از آن اندك تفاوت دارند .

هم چنین اوستا و فرس کهن هخامنشی، از دیگر زبانهای اریانی مروج این
ناحیه کم تفاوت داشته اند ، و استرابون، مورخ یونانی، در قرن اول ـ
مسیحی گواهی میدهد که مردمان مختلف این منطقه، تقریبا" بزبان ـ
واحدی سخن میگفتند .

در نتیجه میتوان گفت کلمات چون پل ، میلمه ، دری بهیچ
صورت از کلمات پای ، مهمان ، سه نیامده اند . آیا از کلمات فرس
کهن هخامنشی پده ، میثن ، ثری نیامده اند ؟ در جواب باید
گفت ، عین اشکال که در فرس کهن هخامنشی موجود بوده ، در زبان
اوستا نیز موجود بوده است . بعضی کلمات پشتو را نمیتوان از روی
فرس کهن هخامنشی شرح داد ، چنانچه کلمهٔ سپی در زبان پشتو از ـ
کلمهٔ spaka زبان اوستا آمده است و نه از کلمهٔ فرس کهن که
suvaka بوده واز آن کلمهٔ سگ در زبان دری اشتقاق یافته ـ
است اگر این کلمه در زبان پشتو از فرس کهن می آمد در آنصورت ـ
باید sfag میبود و نیست .

همچنین کلمهٔ بل به معنی دیگر از کلمهٔ اوستا bitya آمده است
زیرا شکل فرس کهن duvitya بوده است واگر کلمهٔ پشتو از آن ـ
می آمد باید dval میبود ونیست. کلمهٔ اوستائی دوه درزبان
پشتو همان دوه باقی مانده است .

تفاوت عمده بین زبان اوستا و زبان فرس کهن آنست که واک د
در فرس کهن درمحل هـ ویا ج زبان سانسکریت آمده است در ـ
حالیکه در زبان اوستا در مقابل هـ یا ج سانسکریت ز آمده است
و پشتو در این مورد راه اوستا را پیشگرفته است :

معنی	سانسکریت	فرس کهن	اوستا	پشتو
من	aham	adam	azem	زه
دل	hrd	d....	zarẹd	زړه
دانستن	jānā	dānā	zan-	پېژندل
داماد	jāmātar	dāmātar	zāmātar	زوم

از این همه بر می آید، که زبان پشتو ، هم طریق با زبان اوستا است و راه فرس کهن را نمیگیرد .

استثناء : کلمه لاس بمعنی دست اگر اوستا می آمد، باید زاس - می بود پس معلوم می شود که از dasta آمده است زیرا در آغاز کلمه د به ل بدل می شود .

[تبصره استاد مورگنستیرن :
قابل توجه است که زبان های اریانی که با فرس قدیم هم شعبه نیستند ، معنی دست را از شعبه فرس گرفته اند، حتی در سُغدی و ساکا ! در لهجه افریدی خدای را خلای تلفظ می کنند].

آیا زبان پشتو به مقایسه زبان اوستا مشخصات مزید دارد ؟
آری. زیرا در زبان پشتو بین خ ts و خُ dz تغریق موجود است.

آیا این تغریق در پشتو از زمان سابق موجود بوده است ویا تازگی دارد ؟ اگر زبان پشتو از زبان قدیمی غیر اوستا (اما نزدیك به اوستا) انشعاب - کرده است آیا این تحول تغریق بین خ و خُ در همان زبان واقع شده است، ویا در مرحلهٔ مابعد پشتو ؟ . اگر این تحول، قبلاً واقع شد پس زبان پشتو ، از زبان اوستا نه بلکه از زبان بسیار نزدیك به اوستا آمده است، که اسناد تحریری آنرا بدست نداریم . اگر این تحول، بعداً در مرحله پشتو صورت گرفته است، در آن صورت، امکان انشعاب مستقیم پشتو از زبان - اوستا موجود میماند. بهر صورت، قبل از این پدیده، محیط ریشهٔ زبان پشتو ، از زبان اوستا دیگر تفاوتی نداشته است .

اکنون می آئیم به زمینهٔ لغات : ملتفت میشویم که عدهٔ زیاد کلمات - پشتو موجود است که به اوستا می رسد ، معادل آن در دری بلکم پهلوی متکی بر اوستا موجود نیست . اینک مثال ها ازاین کلمات :

پشتو	دری	اوستا
غل	دزد	gaδa
بل	(دیگر) دوم	bitya
اخلم	(می) گیرم	(a-) xad-
زغلم	(می) دوم	zgaθ-

بخش دوم

تاریخ صرف

بقلم

جیمز دارمستتر

چنانکه گفتیم ، این کلمات در زبان دری متکی براوستانیست . بعضی از این کلمات پشتو ، حتی ماهیت کلمهٔ اوستائی را روشن میکند . بهر صورت ، ثابت میشود که ریشهٔ لغات پشتو ، باید در اوستا جستجو شود ؛ پس چنین نتیجه می گیریم که :

- زبان پشتو از اوستا آمده است ، و یا از زبانی که بسیار نزدیک به اوستا بوده است . باساس این مطلب ، بیان ریشه های کلمات پشتو صورت پذیر می شود .

- بنابرین زبان پشتو شاهد زنده و امروزی زبان اوستا میباشد که دانشمندان آنرا می جستند و امید یافتن آنرا از دست داده بودند .

پس میتوان گفت که بر لب و زبان قبایل مسلمان صدیق و متمسک درهٔ خیبر ، آواز کلام زرتشت ، بهتر از لب و زبان پارسیان بمبی ، زنده مانده است !

بند ٦٤

مقدمه بر تاریخ صرف پشتو

بیانِ تفصیلات در بارهٔ واك شناسی زبان پشتو ، سودمند واقع گردید ، زیرا از روی آن ، مقام پشتو در شجرهٔ زبانشناسی ، روشنتر شد .

مورفولوژی (شکل شناسی) یعنی صرف زبان پشتو ، دیگر گونه اطلاعات را بما تقدیم میدارد که در بارهٔ تاریخ دستور زبانست .

از روی بحث واك شناسی ، دانستیم که زبان پشتو مشتق از هیچ زبان هندی - نیست ، بلکه از خانوادهٔ اریانی میباشد ، و درین دسته بعین شعبهٔ اوستا ملحق میگردد .

اکنون با مطالعهٔ شکل شناسی ، یعنی صرف ، مجدداً تائید میشود که زبان پشتو زبان هندی نیست ، بلکه اریانی میباشد ، و به همان شعبه وصل میشود ، که زبانِ اوستا ازان روئیده بود . تاریخ صرفِ پشتو ، نشان میدهد که شاخهٔ زبان پشتو ، غیر ازشاخهٔ زبان دری میباشد ، گرچه هردو زبان شامل یك خانوادهٔ مشترك اریانی - میباشند . ازروی مطالعهٔ صرفی برامد ، که ازچندین قرن باینسو ، هریك ازین دو- زبان ، ازنظر صرف واشکال صرفی ، ازخود تحولِ جداگانه داشته اند .

زبان اریانی قدیم ، که ازان زبان اوستا ویك زبان دیگر یعنی پارسیِ باستانی مشتق شده است ، با زبان همریشهٔ آن یعنی زبانِ اولی هندی ، مادرِ سانسکریت ، یك شباهت عمده داشت اوستا ، پارسی باستانی وسانسکریت همه زبانهای ترکیبی بودند : اسماء درحالات مختلف ، اشکال مختلف داشتند . بعداً درزبان دری ، این خصوصیت از- میان رفت . اسماء شکل واحد گرفتند (وبجز مفرد وجمع ، دیگر تفریقی دران باقی نماند) پس زبان دری ، درین طریق ، بپیهم تحول نموده . اما پشتو بسا ازمشخصات باستانی را پاسداری کرده است .

زبان پشتو را اگر بزبان دری مقایسه کنیم ، یك حالت وسیط بین اوستا ودری را دری یابیم . واقعاً زبان پشتو ، درزمینهٔ معامله با اسماء حالتهای مختلف اسم را درنظر میگیرد ، واسماء را "تصریف" میکند . زبان پشتو ، ازین جهت ، درمرحلهٔ قدیمتر واقعست . البته ازجهت گردانِ افعال ، بیشتر تحول کرده است چنانکه این همه را- اینك می خوانیم .

بند ٦٥

باب نخست

۱- اسم وتصریف آن

چنانکه گفتیم ، درزبان دری ، میراث سابق درباره اسماء بجا نمانده است .
یعنی که زبان دری اسماء را تصریف نمیکند . تصریف اسماء چهار عنصر داشت :

۱- واك ختمیهٔ کلمه ، که صنف یعنی " تیم " thème اسم را تعیین می کرد .
۲- نشانهٔ جنسیت ، یعنی مذکر یا موئنث بودنِ اسم .
۳- نشانهٔ حالت ، یعنی فاعلی یا حالت جرِ اسم .
٤- نشانهٔ عدد ، یعنی جمع یا مفرد بودنِ اسم .

در زبان اریانیِ قدیم ، این همه تفریق‌ها وجود داشت و نظر به چهار عامل فوق اسماء اشکال مختلف میگرفتند ، وباینصورت اسماء ازروی واکِ ختمیه تصریف میشد . اینك نظری به زبان اریانی قدیم می اندازیم:

واك ختمیه	حالت مضاف الیه مفرد	حالت مضاف الیه جمع
_ a	_ ahy, ahē	-ānām
_ i	_ aiš,oiš	-inām
_ u	_ auš,aoš	-ūnām
صامت _	_ ah-a	-ām

در صورتیکه واك‌ختمیهٔ اسماء موءنث ā میبود آنگاه حالتِ مفعولی مفرد آم می آمد . (در مذکر اَم am میاید) . هرگاه حالت مفعولی جمع مختوم به oô می‌بود (در حالیکه در مذکر آن ān میاید) . هرگاه است مخنث مختوم به a می‌یود آنگاه جمع آن به ā - میامد وغیره .

باینصورت در اریانی قدیم هشت شکل نشانهٔ اخیر اسم وجود - داشت . که آنهم هرکدام از روی مذکر ، مونث ، مفرد ، یا جمع بودنِ اسم تغییر می یافت .

همچنانکه‌این نظام‌دشوار (که در زبان لاتین نیز وجود داشت) در زبان های لاتینیِ مابعد باقی نماند ، بهمین صورت ، آثار این‌تصریفِ اسم ، از اکثر زبانهای امروزی‌ناپدید شد . این فقدان در زبان دری ، حتی در زمان ماقبل ، یعنی زمان‌پهلوی (و فرس میانه) صورت گرفت .
چنان دانسته‌میشود ، که حتی در قرنِ چهارم قبل‌از مسیح ، یعنی عهدِ هخامنشی ، نظام تصریف اسم متزلزل شده بود .

خال زبان‌دری :

زبان دری‌خصوصیت‌های‌آتی زبان‌قدیم را ازدست داد :

۱- رعایت واك‌ختمیهٔ کلمه‌که صنف یعنی تیم thème اسم را تعیین میکند .

۲- رعایتِ نشانهٔ‌جنسیت ، یعنی مذکر یا مونث بودن‌اسم .

۳- رعایت نشانهٔ حالت ، یعنی فاعلی یا حالت جر (مضاف الیه ، مفعولی وغیره) .

د ر زبان د ری ، بجای اینکه این حالات اسم از روی نشانهٔ اخیر اسم معلوم گرد د ، با بکار برد ن قید ها ، ود یگر حروف کلمات د رجمله اد امیشود.

یگانه آنچه از خصوصیات قد یم ، د ر زبان د ری باقی ماند ، نشانه‌های جمع بود ، که " ها " و " آن " میباشد . چنانکه " مرد ، مرد ان " .

حالت مضاف الیه ، با کسرهٔ اضافت قبل از کلمه ، اد ا میشود . مثلا " - " د انش مرد ، د انش مرد ان " .

حالت مفعولی ویکعد ه حالات جر، با افزود ن " را " اد ا میشود . چنانکه " مرد را ، مرد ان را " .

حالت منشائی با افزود ن " از " قبل از اسم اد امیشود . یعنی " ازمرد ، از مرد ان " :

حالت	مفرد	جمع
فاعلی (نومیناتیف)	مرد	مرد ان
مضاف الیه (ژنتیف)	کسره+ مرد	کسره+ مرد ان
مفعولی (اکوزاتیف)	مرد را	مرد ان را
منشایی (ابلا تیف)	ازمرد	ازمرد ان

د ر د ری صفت تصریف ند ارد . صفت د ر حالات جمع ومفرد ، مضاف الیه و حالت منشائی وغیره ، همه بیك شکل باقی میماند .

بند ٦٦

زبان د ری ، وحتی زبان پهلوی ، مفهوم « تهم » (یعنی صنف کلمه از روی واك واپسین) و جنسیت (مذکر و مونث) را ازد ست د اد ه است، د ر حالیکه زبان پشتو مفهوم آنرا از زبان قد یم میراث گرفته محفوظ د اشته است :

صنف ها ، از روی واك واپسین ، د ر پشتو چنین است :

د سته های مذکر :

واك واپسين	مثال	معنى
صامت	غر	كوه
فتحه+ ى (د يفتونگ)	ستوَرى	ستاره
زبرك	ويښتّه	مو

دسته هاى مونث :

واك واپسين	مثال	معنى
صامت	لار	راه
فتحه	غَله	د زد (مونث)
آ	غلا	د زدى
كسره ، ياى مجهول كوتاه	ناوې	عروس

ساختن مونث :

واك واپسين اسم مذكر	مثال	واك واپسين اسم مونث	مونث
صامت	غَل غ+فتحه+ل	فتحه	غَلَه غ+ل+فتحه
زبرك	اودّه د + زبرك	فتحه	اودَه د +فتحه
فتحه + ى (د يفتونگ)	وروميَ	فتحه+ى (طويل)	وروميې
يا	پوازې	كسره (ياى مجهول كوتاه)	پوازې

تذكر:

پشتو در حفظ مشخصات مذكر و مونث از روى واك ختميه (فتحه و زبرك) همطراز اوستا و ويدا مى باشد :

	پشتو	درى	اوستا	سانسكريت
مذكر:	اودّه (بازبرك)	خفته	hvapta	supta
مونث:	اودَه (بافتحه)	خفته	hvaptā	suptā

لنگر انداختن واك واپسین، در جسد کلمه جنبشی می آرد، که تکرار یا ارائه جنبش واك‌های نیرومند یا ناتوان واپسین می باشد :

پشتو		اوستا	
مذکر	مونث	مذکر	مونث
غل	غله	gada	gadā

تعلیق :

جنسیت کلماتی که از زبان‌های هندی در پشتو دخیل‌شده است :

مذکر :

چوړا	یعنی دستبند (زیور)	هندی : چوڑا
ټاپو	جزیره	هندی : ٹاپو
سهېلی	رفیقه	هندی : سہیلی

مونث :

چټهی	نامه	هندی : چٹھی

۲ـ دسته های‌مختوم به ai (فتحه + ی)

باید دانست که در پشتو نشانهٔ ai شاهد کلماتی می باشد که دراوستا مختوم به aka- بوده و در پهلوی ak- آمده ودرزبان دری a -شده است که‌در تحریر آن را با ه (های مختفی) اداکرده‌اند (ودرحقیقت فتحه می باشد) چنانکه بنده که در پهلوی بندك بوده (و در جمع دری بندکان ـ بندگان آواز ك قدیم دوباره ظهور می کند) .

پشتو	دری	پهلوی	اوستا
ستوری	ستاره	ستارك	stāra-ka +
سپَی	سگ (از سپگ)		spaka +

در زبان‌پشتو از کلمهٔ قدیم (سپکه)، کلمه " سپك " وبعداً " سپگ" و سر انجام " سپی " شده. مونث‌این‌کلمه دراوستا spaki بوده (که در دری از میان‌رفته است) بهمین‌سلسله به سپۍ (یعنی ماده سگ) تحول یافته است.

در اوستا نشانه دیگرمونث یای معروف i بوده است که‌نشانهٔ آن‌در پشتو به شکل مخفف‌یعنی یای‌مجهول نزدیك به کسرهٔ اد ا ـ میشود چنانکه ناوې بمعنی عروس .

۳ـ چنان موارد موجود است که در اوستا واك واپسین‌کلمه مصوت بوده اما چون‌آن‌مصوت در تحول زبان فرو افتاده در پشتو صامت ماقبل آن مصوت مانده است که آنهم شاید دراثر تحولات صوتی تغییر یافته ، مثلاً :

پشتو	دری	اوستا
غل	(دزد)	gada-

درموارد دیگر کلمهٔ پشتو ظاهراً به مصوت مختوم است درحالیکه شکل قدیم صامت بوده :

پشتو	دری	شکل‌ماقبل قیاسي پشتو	اوستا
میلمه	میهمان	میلمن	maēθman

(ن قدیم درجمع کلمه‌یعنی میلمانه‌دوباره ظهور میکند) .

با این همه تحولات مفهوم تهم (یعنی دسته کلمات از روی واك واپسین) درزبان‌پشتو زنده مانده است .

بند ٦٧

تصریف اسم وساختن جمع

حالت مستقیم وحالت جر:

در زبان‌قدیم ، در مرحلهٔ اریانی ، وبعداً در مرحلهٔ اوستا ـ برای‌حالات مختلفهٔ اسم ، نشانه های مختلف وجود داشت ، که‌متصل در اخیرِ کلمه میشد ، و ازان‌حالت فاعلی (نومیناتیف) ، مفعولی (اکوزاتیف) ، مضاف‌الیه (ژنتیف) ، وسیلتی (انسترومانتال) ، ـ منشائی (ابلاتیف) ، ظرفی (لوکاتیف) تشخیص میگردید . این همه نشانه هأنه البته در زبان پشتو ونه در زبان دری باقیمانده است.

اما درین باره نیز ، پشتو ، دو شکلِ هر صنف را محافظت کرده است: یکی شکل مستقیم ، و دیگر شکل جر .

به عبارهٔ دیگر ، در حالیکه زبان دری ، برای اسماء فقط یك شکل دارد ، در زبان پشتو ، هر اسم دو شکل دارد ، و این دو شکل وارث اشکال - متعدد زبان اوستا میباشد .

مثال مفرد و جمع مذکر

صنف	مفرد	مفرد مفعول غیرصریح	جمع مفعول صریح	جمع مفعول غیرصریح وجر
مختوم بهصامت	غر (کوه)	غره (زبرك)	غره (زبرك)	غرو (واومجهول)
رر	اس (اسپ)		اسونه	آسونوآسو
مختوم به فتحه+ی	لیندي (کمان)	لیندۍ	لیندۍ	لیندیو - لیندو
مختوم به زبرك	زره (دل)		زړونه	زړونو - زړو

مثال مفرد و جمع مونث

صنف	مفرد	مفرد مفعول غیرصریح	جمعمفعول صریح	جمعمفعول غیر صریح و جر
مختوم به صامت	جن (دختر)	جنۍ	جنۍ	جنو
رر فتحه	شپه (شب)	شپې	شپې	شپو
رر آ	غلا (دزدی)		غلا ، غلاوې	غلاو ، غلاوو
رر ی	ناوې (عروس)		ناویاني ، ناوې	ناویانو ، ناویو

ضرورت ندارد ، بکوشیم هریك ازین اشکال را به اشکال قدیم مربوط - سازیم . اگر درین باره اصرار ورزیم ، مجبورخواهیم شد فیصله های بدون موجب کافی ، صادر کنیم ، وتحقیق ما نتیجهٔ مصنوعی داشته باشد . باید دانست که در اثر تحول مدید ، و تاثیر قرون ، چه واك های زبان و چه صرف آن تحول کرده است .

در مورد اشکالِ جمع ، میراث زبان قدیم روشن و آشکار میباشد ، خاصه در موردِ کلماتِ مذکرِ مختوم به صامت، که آنهم از روی قیاس در ساختن دیگراشکال جمع تاثیر آورده است .

۱- اسماء مذکرکه در اخیر آن صامت آمده است :

جمع این کلمات به " زبرک" ə ختم میشود . در زبان های اوستا وسانسکریت کلماتی که واک واپسین آن صامت بود ، با as خاتمه می یافت .

جمع در حالت جر، عبارت ازحالت جمع مضاف الیه مربوطمیباشد و آن در زبان اوستا (ãm) بود . ā دراوستا معادل ō وا و مجهول در پشتو می باشد، چنانکه در بحث واکشناسی بررسی کردیم .

جمع در حالت جر در پشتو مختوم به uno- موافق به حالت مضافُ الیه جمع اسماء مختوم به a میباشد که در اوستا -ānām می آید . معادل اسونو در پشتو، در اوستا asp-ānām بود . ū اوستا مقابلِ ō (واومجهول) پشتو، پیش از " ن"، واقعمیگردد ، که در بحثِ واک شناسی آنرا مطالعه کردیم .

باینصورت، جمع در حالت جر ، مانند مضافُ الیه جمع قدیم میباشد، که وظیفهٔ عمومی را بخود گرفته است .

در مقابل جملهٔ زبان دری امروز " من اینرا گرفتم" در زبان قدیم گفته میشد " ازمن اینگرفته شد" . همچنین " من اینرا کردم" گفته میشد " ازمن این کرده شد" . از همینجاست که در پهلوی می آید - " این من کرت" ودر پارسیِ باستان می آمد " تت منه کرتم" .

باینصورت زبان دری از زمان قدیم تغییر یافته است. در زبان پشتو نیز گفته میشود " دا کارمې کړ" . اما در پشتو برعلاوه، در حالت مستقیم ، بیان طرز فاعلی (نومیناتیف) نیز موجود است ، چنانکه خواهیم دید .

حالت جر در مورد کلمهٔ مفرد ، مانند کلمهٔ حالت مستقیم میباشد، و تفاوتی ندارد .

کلمات جمع ، حالت مستقیم مختوم با "-اُونه" ، از روی قیاس با شکل مضافُ الیه ، ساخته شده است :

مفرد مستقیم	مفرد مضاف الیه	جمع‌مستقیم
غر	غرو ــ غرونه	غره (بازبرك)
آس	آسو نو	آ سونه

اینك مثال منشاء تاریخی تصریف اسمی پشتو :

اوستا : مذکر مختوم به i		پشتو : مذکرمختوم به ai مثلاً لیندی.	
حالت مضاف الیه	حالت فاعلی	جمع (مفعول صریح)	مفرد (جر)
aiš	ayah	- ī	- ī
oiš	ayō		
ayō			

چون تحول واك ها مطالعه شود ،باسانی درك میشود که هر دو ـ سلسله قدیم ، در پشتو در شکل واحد یای معروف ī باهم مصادف و ـ توحید یافته اند .

۳ـ در جمله‌ٔ کلمات مختوم به زبرك بعضی بانشانه‌ٔ انه جمع میشود :

مفرد	دری	جمع	اوستا (مفرد)
میلمه	مهمان	میلمانه	maēθman-
غوبَه	گاوبان	غوبانه	gaopāna-

گرچه ازروی پشتو این کلمات مختوم به مصوت ها میباشد، اما درحقیقت مختوم به صامت بوده و در مفرد حالت فاعلی ، این صامتِ اخیر به مصوت تبدیل شده است . (تعلیق ۱۹)

٤ـ کلمات موئنث مختوم با صامت ، شامل همه کلمات میباشد که در اخیر آن an آمده است، و همچنین کلماتی که اصوات مایع (یعنی ل ، ر ، ړ) در پایانِ آن آمده است ، ویا ز . این کلمات موئنث بر حسب نمونه‌ٔ مونث های زبان قدیم (که به‌کسره یا یای معروف ختم میشد) ساخته شده است . مثلاً" در پشتو از کلمه جن (یعنی زن ،دختر) حالت جر ، جنی ونیز جمع جنی میباشد ، ودر زبان اوستا نیز jeni جینی بود .

ه - بعضی کلمات مؤنث که واكِ اخیرِ آن فتحه a میباشد ، و حالت جر وجمع آن با یای مجهول ē ساخته میشود ، از روی قیاس با آن مؤنث ها که اخیر آن صامت میباشد ساخته میشود ، چنانکه از سپه (سگ ماده) سپې ، درحالت مؤنث و سپې درحالت جر.

چنانکه درکتب دستور زبان متداول است ، در آغاز شکل جمع مختوم به "آن" را میدهند ، که حالت جرِ آنرا زبان پشتو" انو" ānō ساخته است . اگر دقت شود ، این نوع جمع بیشتر در مورد - کلمات دری تطبیق میگردد . به عبارهٔ دیگر ، این نوع جمع سازی ، از روی نمونهٔ جمع سازی دری میباشد . مثلاً " در پشتو جمع (مار) - ماران ، و جمع " ملك" (که کلمه عربیست) ملکان ، و جمع " شُونډ" - (که کلمه هندیست) شُونډان میشود .

بند ٦٨

حالات اسم :

چنانکه گفتیم در زبان قدیم " اوستا ، سانسکریت: حالاتِ - مختلف اسم از روی واك واپسین معلوم میشد . از واك واپسین آنچه باقیماندهٔ در بندِ سابق بررسی کردیم . در دیگر موارد زبان پشتو به عوض اشکال قدیم ، که در واك واپسین نشانه داشت ، ادات و اجزای صرفیِ دیگر ازقبیل د ، و ، وته ، لره ، له ، تر ، په ، پکښې ، بکار میبرد ، تا حالت های مختلف اسم ازان اداء شود .

اصطلاح لاتین	ترجمه	ادات واجزای صرفی پشتو
ژنتیف -	حالت مضافٌ الیه	د -
داتیف -	حالت هدفی	و- ، (و +ته اخیراسم) ، - ته ، -وته ، - لره ، - له ،
ابلاتیف -	حالت منشائیی	له- (+فتحه اخیراسم) ، له - نه ، تر- نه ، د - د ـنه ، لره ، له
لوکاتیف	حالت ظرفی	په - ، په (+ کښې بعد ازاسم)

۱- حالت مضافٌ الیه : (ژنتیف) .

می دانیم ژنتیف ، یعنی حالت مضافٌ الیه ، در زبان دری ، با اضافت ادا میشود و آن کسره ایست پس از کلمهٔ مضاف ، و پیش از کلمهٔ مضافٌ الیه باقیمانده کلمه اوستائی ya/hya می آید . مثلاً در زبان دری " اسپ شاه" میاید و کسرهٔ اضافت بعد از (پ) وپیشاز " ش " واقع میشود . اگر فرضاً کسرهٔ اضافت ، پیشاز مالك یعنی شاه گذاشته شود ، و گفته شود " کسره اضافت + شاه + اسپ " از نظر تاریخ زبان و منطق تاریخ زبان درست است ، گرچه متداول نیست و آن معادل اوستا aspa xšāyaθiyahyā می باشد .

در زبان‌های هندی امروز مضافٌ الیه ، با افزودن یك پساوندِ صفتی ساخته‌میشود . این پساوندِ صفتی ، اسم را بیك نوع صفت ، که واكِ اخیرِ آن نظر به حالات متغیر میباشد ، مبدل میکند ، مثلاً چون در زبان‌هندی بگوئیم " باپ کا گھوڑا " یعنی " اسپِ پدر" ، " باپ کا " چنان باهم بسته است گویا که صفت باشد و معنی " پدری " را داشته باشد .

ازینجاست که اگر گفته شود " به‌اسپِ پدر" (داتیف) در زبان‌هندی " باپ کے گھوڑے‌کو" می آید .

همچنین اگر بخواهیم بگوئیم " اسپانِ پدر" میگوئیم " باب کے گھوڑے" .
درینجا بجای " باپ کا" که در مفرد آمده بود ، " باب کے " آمد .
" باپ کی گھوڑی" معنی " مادیان پدر" را دارد . بایتصورت معامله با " باپ کا" ، " باپ کی " ، " باپ کے " ، معامله باصفت میباشد .

ترُمپ Trumpp نگارندهٔ دستور زبان پشتو ، کوشیده است ثابت کند که " دِ " (نشانهٔ اضافت پشتو) نزدیك به علامهٔ نشانهٔ " دا " در زبان پنجابی میباشد ، که معادل " کا " در زبان‌هندی و اردوست .

ترمپ فراموش‌کرده است که در زبان پنجابی " دا " (مانند "کا" در هندی) درچنین ترکیبات چسپیده و ملصق با کلمهٔ " باپ " یعنی پدر میباشد و مجموع هردو مانند صفتُ تلقی میگردد . درست است که " دِ پلار" در زبان پشتو ، معادل پنجابی " باپ دا " میباشد ، اما در زبان‌پشتو " دِ " تغییر نمیکند ، و مانند پنجابی حالت " دی" " دے " را نمی گیرد . دیگر اینکه " دِ " در پشتو پیشاز مضافٌ الیه واقع میگردد . برعکس " دا " درزبان پنجابی ، بعد از مضافٌ الیه واقع میگردد . ازین‌برمیاید ، که درین‌زمینه ، نظام پشتو ، از نظام زبان‌های آریایی هند بکلی مجزی و مستقل‌میباشد ، و بهیچگونه تحت تاثیر آن‌نیست .

اکنون میائیم باین‌که " دِ " پشتو را به‌کسرهٔ اضافت دری مقایسه کنیم .

آیا " دِ " در پشتو یکنوع کسره اضافت است ، که ازیك شکل صوتی دیگر (غیر ازانچه کسره اضافت ازان‌آمده) آمده باشد ، ویا اینکه " دِ " یك‌قید ٔ درزبانِ‌قدیم میباشد ؟

یك صورتِ حدس اینست که گفته شود ، " دِ " نشانهٔ اضافت در پشتو ، از واكِ ختمیه اسماء در پارسی باستان (هخامنشی) tya آمده است (همچنانکه کسرهٔ اضافت دری از hya آمده است) و هردو شکل ٔ یکی عدیلِ دیگر میباشد . درین صورت گفته خواهد شد که ضمیر اشارهٔ پشتو یعنی " دا " به نشانهٔ اضافت " دِ " قریب‌میباشد ، یعنی که مضافٌ الیه از روی جلب توجه بسوی مضاف تشخیص میشود . باین‌حساب " کت خدا " باید در پشتو " د اکور خاوند " بوده که " د کور خاوند " شده است . اما اینگونه حدسیات ، از روی‌بررسی مزید ، بی اساس‌ثابت میشود ، وآن از روی مطالعهٔ نشانه های‌اضافت ضمیر متکلم ، و مخاطب میباشد ، یعنی " زما " " خما " (=ازمن) و " ستا " (=ازتو) . (رجوع شود به بند ۷۲) .

باید ملتفت‌باشیم که " از " در زبان دری باقیماندهٔ hača (هچه) در زبان اوستا میباشد . " از " درزبان‌دری حالت ابلاتیف یعنی منشاء ئی رابیان میکند ، (مثلا " ؛ " ازخانه‌آمدم ") .

آیا چسان میشود ، که در پشتو ، مضافٌ الیه دو نوع پیشاوند داشته باشد ، یکی برای‌اسم بکار رود وآن " دِ " باشد ویکی برای ضمیر بکار رود ، وآن " زِ " و " خُ " باشد ؟ از طرف دیگر پیشاوند مضافٌ‌الیه " دِ " معنی حالت منشائی را نیز دارد . پس نتیجه میگیریم که " دِ " در زبان پشتو ، چون نشانهٔ مضافٌ‌الیه واقع میشود ، همریشه با " خُ " (پیشاوند ضمیر در " خما ") میباشد .
و حالت قدیم " ستا " ، نیز " ختا " بوده که دراثر ایجابات تلفظ " ستا " شده است . منشاءِ هردو کلمه (چه " دِ " و چه " خُ ") همان کلمهٔ اوستا -hača (هچه) میباشد . ازطرف دیگر ٔمعلوم میشود که‌در زبان پشتو ٔامکان تبدیل " چ " به " خ " موجود است چنانکه " روخ " و " سیخم " (بمعنی میسوزانم) و " نمونخ " همه در زبانِ اوستا چ

د اشته است (رجوع شود به بند ۱۳ فقره و ۱۷) د رواك شناسی .

تبصرهٔ استاد مورگنستیرن :

گرچه " د " را د ارمستتر به کلمه اوستا" هچه" وبولر وگایگر آنرا به tya ـ که د ر پارسی باستان آمده ، می رسانند ، اما اینکه د ر پشتو " د " بمعنی ابلاتیف یعنی منشایی نیز بکارمی رود چنانکه" د هغې نه" (ازوی) ونیز شهادت زبان همخانواده یعنی اورمری، که د ران ta می آید ، و tar پیش از ضمیر، نشانه آنست که شاید " د " از tar آمد میاشد که د ر اوستا معنی " از" را د ارد . اما د ر ځما (زما) وستا آواز" ځ" و "س" از ـ haca "هچه" اوستایی میباشد. (تعلیق ۲۰)

۲ـ بیان حالت هدفی (د اتیف)

مثال" سړی" بمعنی آد می میباشد ، واگر بگوئیم " به آد می " د ر پشتو این اشکال میاید :

و سړي (د ر زبان قدیم این شکل مروج بود) .

و سړی ته .

و سړي وته .

سړي ته .

سړي وته .

سړي لره .

سړي له .

باینصورت د رنشانه ها ی حالت هدفی (د اتیف) " و" ، و(+اسم+ته" " و(+اسم) +وته" ، " (اسم) +ته" ، " (اسم) + وته" ، " (اسم) + لره" ، " (اسم)+ له" گفته میشود . چون حالت هدفی را ، بحالت مضافٌ الیه مقایسه کنیم ، پیشاوند " و" باید ضمنا" قید نیز باشد ، که پیش از کلمه میاید . شاید این " و" د ر پشتو ، د رکلمه اوستا ریشه د اشته باشد که معنیِ بسوی را د ارد . سقوطِ فتحه د رآغاز این کلمه وباقیمانده و مطابق تحولات واك ها ی پشتو بمقایسه زبان قدیم میباشد ، چنانکه بررسی کرد یم (رجوع به بند ۵۵) .

تبصره ، استاد مورگنسترن : " ته" (که د ر " سړی ته" آمده است) د ر ببر ته نیزآمده است که شکل قدیم آن apari-šta د ریافته شده است. پس ریشه šta برای آن احتمال د ارد) .

" ته" همان کلمه است که د ر زبان د ری نیز وجود د اشته نخست " تاك" بود ه وبعد ا " تا" شد ه است .

(" تاك" د ر د ری سابق به " تاك" بمعنی تاکه که بعین صورت د ر خط عربی تحریر می شد ، مغالطه نشود زیرا د ر متون قد یم که هم بشکل ك د ر قید قلم می آمد . اما آن "ك" که د ر اخیر " تا" آمـــد ه است جزء اصلی کلمه قد یم است و نه بمقصد تحر یر " که") .

"لره" د رزبان پشتومعنی کلمه د ری را ، رای ، برای (به+ را+ی) را د ارد منضاء این کلمات rādiy د ر اوستا میباشد . چنانکه د ر ـ واك شناسی د ید یم این کلمهٔ اوستا نخست باید " رال" وسپس" لا ر" و بعد " لر" شد ه باشد . د ر بحث ریشهٔ کلمه پشتو" لا ر" بمعنی راه ـ نیز د ید ه ایم که از شکل اوستا raiθya نخست " رال" وبعد از طریق تقلیب" لا ر" شد ه است .

پس " لره" شکل هد فی کلمه لر میباشد .

(تبصرهٔ استاد مورگنستیرن : منشاء " لر" غالبا" rād د ر اوستا بود ه که منشاء " رای ، را" د ر د ری است) . (تعلیق ۲۱)

پساوند " له" برای اد ای حالت هد فی صورت تخفیف یافتهٔ " لر" ـ میباشد که از اخیر آن " ر " ساقط شد ه است .

(تبصره استاد مورگنستیرن : این له برای اد ای حالت هد فی مثــلا " هغه له یبه او: از da ـ اوستا آمد ه است) .

۳ـ حالت منشاء ی (ابلا تیف) :

الف، پسا وند " له" :گرچه پسا وند له برای اد ای حالت منشائی بکار میرود ، اما به تنهائی این وظیفه را انجام نمید هد ، بلکه چنان ـ تقاضا میکند که اسم مابعد آن شکل جر را بگیرد ، و یا اینکه بـــرا ن پساوند فتحه a ـ اضافه شود . واین د ر صورت اسمائیست که اخیر آن به صامت ختم شد ه باشد . د ر صورتیکه واك واپسین اسم ، مصوت باشد ، آنگاه بجای فتحه ، پساوند " نه" میاید . از روی این معلوم میشود که معنی ابلا تیف یعنی منشائی ، د ر سابق با تغییر واك اخیر اسم اد ا ء میشد : له غره" یعنی از کوه .

(تبصره‌استاد مورگنستیرن : این لهٔ مثلا " له هغه نه = از وی " مطابقِ نظرِ ویلهلم گایگر نیز از δāt اوستا آمده باشد که معنی " ازینجا " را داشت ، اما درین باره یقین نیست) .

چنانکه دیدیم در اسماء مذکر امروزی نشانهٔ مضافٌ الیه صامتی از میان رفته است باید فتحه (در سانسکریت as) بوده باشد پس ناممکن نیست که پساوند حالت منشائی ، از حالت مضافٌ الیه صامتی ، ویا از حالت منشائی قدیم آمده باشد . که a(t) بود .

پساوند له گواهِ یك قیدِ زمانِ قدیم است که غیر از پساوندِ حالتِ هدفی بوده و آن کلمه اوستا a δāt می باشد که همین معنی را دارد و از نظرِ واك شناسی امکانِ آمدن له ازان کلمه اوستائی موجود است .

ب : پیشاوند تر : چنانکه در پشتو تر ځایه ، چه تنها وچه با پساوند فتحه = a بکار می رود و به حیث کلمه اوستا tarō می آید که معنی تا به ، از میان ، از خلال را دارد : (تعلیق ۲۲)

ج - پیشاوند د عین پیشاوند مضافٌ الیه است یعنی از در زبان دری واز اوستا hača آمده است .

٤ - معنی ظرفی .

پیشاوند په - پیشاوند په با پساوندِ کښې : (کې) :

الف : په ازاوستا upa آمده است ومعنی آنرا دارد و در دری به - میباشد .

ب : په اکثر جفت دیگر دارد که بعد ازاسم می آید وآن کښې میباشد .

مثلا " په لارِ کښې یعنی بر راه . کلمهٔ کښې گرچه اکنون پساوند استٔ اما باقیماندهٔ یك اسم می باشد : غالبا " kaxše در اریانی ، که در زبان هندی سانسکریت kakṣe (بمعنی پهلو) بوده . در اوستا kašem (بمعنی بغلٔ و زیربغل) آمده است . کلمهٔ سانسکریت هم در زبان هندیٔ وارثانی دارد چون در هندی کو (مثلا " گهرکو به سوی خانه) ودر هندی قدیم تر کها وکهو ودر بنگالی کاچی ودر سندهی کهی . (تعلیق ٥٤)

بند ٦۹

خلاصه دربارهٔ اشکال اسم

اشکال اسم در زبان پشتو در تاریخ ریشهٔ دیرینه دارد . این‌اشکال از زمان اندو اریانی و اریانی منشاء می‌گیرد چنانکه مفهوم تیم یعنی دستهٔ کلمات ازروی‌واكِ واپسین را پاسداری‌کرده است و همچنین تاحدی تصریف‌اسم را . درباقی موارد، پشتو قید های پساوندی و پیشاوندی را بکار می برد . معادل بعضی ازین قید ها چون په ، لر ، ته ، د ، در دری نیز موجود است اما بعضی خاصِ پشتو می باشد چون و برای ادای‌معنی هدفی (داتیف) و له دارای‌معنی منشاء یی وکښي در ادای‌معنی ظرفی (لوکاتیف) .

چون بستگیِ پشتو، بیشتر با اوستاست ونه فرس‌کهنِ هخامنشی ـ بنابرین باین نظریه می رسیم که تصریف اسما در پشتو و معانی اسماء کهبا قید های‌پساوندی وپیشاوندی‌ادا می‌شود، حکایت‌گرِ مشخصاتِ زبان‌اوستا ویا زبانی سخت نزدیك به‌اوستا می باشد، و قسماً تصریفی مانده قسماً ترکیبی شده است .

باب دوم
صفت

بند ۷۰

درجه های تشبیه

آنچه درمورد صفات از مشخصات پشتو میباشد اینست که صفت، تصریف (=دکلینیزون) میشود . صفت، مذکر مؤنث و جمع دارد ، و آنهم در حالات مختلف تغییر می یابد . باین حساب، زبان پشتو پیرو زبان اوستاست . برعکس در زبان دری (و حتی در زبان پهلوی) تصریفِ اسم وصفت باقی‌نمانده بود . اینك مثال‌تصریف صفت در پشتو، (کلمه لوی : بزرگ) :

مفرد مذکر	لوی
مفرد مونث	لویه
جمع موءنث	لویې

اما ازجهت دیگر ، زبان پشتو ، درجه های مقایسه را محفوظ نداشته است . در زبان اوستا و پارسی باستان ، مقایسه توسط پساوند " ایه " iyah - صورت میگرفت و یا پساوند تره tara - که در سانسکریت نیز وجود داشت . پس از کلمهٔ که بآن تشبیه صورت میگرفت yaṣa افزوده میشد . که معنی " نسبت به " یا " از " را داشت . ویا اینکه آن کلمه بحالت ابلاتیف " منشایی " می آمد . اینک در اینجا از یشت بیست ودوم اوستا ، بند هفتم یك مثال میدهیم :

" باد خوشبو ، خوشبوتر از دیگر بادها . . . . .

اینك فقره در زبان اوستا :

hu-baoiδi-tarō anyaēibyō vataēbyō

در زبان دری نشانهٔ مقایسه یعنی " تر " و " ترین " باقی مانده است همچنین در زبان دری ، درمعنی مقایسه ، " نسبت به " با " که " یا " از " اد امیشود . چنانکه در مثال فوق " از " دیگر بادها .

در زبان پشتو ، نشانهٔ تر در سابق موجود بود ، چنانچه بقایای آنرا در کلمهٔ کشر و مشر می یابیم .

شکل اریانی	شکل دری	شکل مابعد پشتو
kasyō-tara	کهتـر	کشر
masyō-tara	مهتر	مشر

(تبصره استاد مورگنستیرن : امکان تبدیل tar - به ər - و ازان به r موجود است) . (اغاز صفحه ۱٦٤ و اغاز صفحه ۲۲۹ دیده شود)

در زبان پشتو ، درحال کنونی ، نشانهٔ " تر " باقی نمانده است . آن صفت که در زبان دری بعد ازان " تر " میاید ، در زبان پشتو بدون نشانه میاید . آن کلمه که بآن مقایسه صورت گرفته است ، در زبان پشتو بشکل ابلاتیف (منشایی) میاید . مثلاً " اگر بگوئیم " سبك تر از پر " میگوئیم " سپك تر بنه " .[۱] درین ترکیب پشتو ، " تر " آمده است اما این " تر " معادل نشانهٔ " تر " در زبان دری نیست ، بلکه در مقابل " از " دری واقع میشود . بجای این " تر " در زبان پشتو دیگر نشانه ها نیز بکارمیرود ، مثلاً : د دې شخه لوی " یا " د دې نه لوی " (بمعنی " بزرگتر ازین " .)

۱- تر بنې سپك .

زبان‌های امروز هند نیز بد رجهٔ زبان سانسکریت نمانده اند .
د ر هند ی گفته میشود :" بهایی سیے بڑ ا " یعنی بزرگتر از برادر .
پس د ر زبان هند ی نیز نشانهٔ " تر " که د رزبان ماقبل یعنی سانسکریت موجود بود، باقی نمانده است .

بخاطر بیاریم که ، د ر زبان د ری گفته میشود :" بِه ازین " (بمعنی بهتر ازین) . این کلمهٔ " بِه " که د رزبان د ری می آید د ر زبان اوستا و پارسی باستان vah-yō بود . بموجب قوانین تحول و اکهها ' بــه بِه " تبدیل شده است .

د ر زبان پشتو ، د رحالیکه نشانهٔ "تر" و اد ای مقایسه بحالت ابلاتیف ازمیان رفته است ، اما ، زبان پشتو بجای آنکه کلمهٔ مرجع مقایسه را شکل ابلاتیف بد هد ، بعد ازان ، نشانه ها ی " څخه " " نه " و یا پیش ازان نشانهٔ " تر " را می آرد .

میرسیم به صفت تفضیلی ، که د رزبان د ری نشانهٔ " ترین " راد ارد .
د رزبان های قدیم نشانهٔ تفضیلی مطلق ista ـ بود . و آن ، نه د ر پشتو و نه د ر د ری باقی مانده است . زبان پشتو ، د رینجا ، مطابق مثالی که از زبان اوستا د اد یم ، یعنی " باد خوشبوتر از دیگر باد ها . . . . . " مقصد را ادا میکند ، و از فحوای کلام د انسته میشود ، که صفت تفضیلیست . باین اساس ، پشتو ، طریقه اوستا را بکار میبرد ، ومیگوید :" یو وو ، له ټولو نه خوشبوی . . . "
یعنی " بادِ ی خوشبوتر از (همه) باد ها " .

باب سوم

اسم عد د

بند ۷۱

بررسی اسم عد د قابل توجه است . زبان شناسان ، د ر گام اول اکثر ازروی اسم عد د خانوادهٔ زبانها را تفریق وتشخیص میکنند . ـ
د رین زمینه نیز ، ثابت میشود ، که زبان پشتو ، یك زبان اریانی و نه هند ی است برای اینکه متفاوت بود ن اعد اد پشتو ازاعد اد هند ی نیز د رك گرد د ، که ریشهٔ بازبان اوُستا هم خانواده است ، شکل های هند ی و

اوستا را نیز درینجا میاریم :

پشتو	دری	اوستا	هندی
یوَ	یک	aēva-	ایك
دُوه	دو	dva	دو
دُرې	سه	θri	تین
څلور	چهار	caθwārō	چار
پنځه	پنج	pañča	پانچ
شپږ	شش	xšvaš	چهِ
اوه ، اُووه	هفت	haptam	سات
اته	هشت	aštam	آتھ
نــه	نه	navan	نو
لس	ده	dasan	دس
یوولس	یازده	aēva-dasa	ایگاره=گیاره
دوولس	دوازده	dva-dasa	باره
دیارلس	سیزده	θri-dasa	تیره
څوارلس	چهارده	caθru-dasa	چوده
پنځلس	پانزده	pañča-dasa	پندره
شپاړس	شانزده	xšvaš-dasa	سوله
اوه‌لس	هفده	hapta-dasa	ستره
اته لس	هجده	ašta-dasa	اٹھاره
(نولس) نونس	نُزده	nava-dasa	انیس
شل	بیست	vīsaiti	بیس

چنانکه بملاحظه‌میرسد، د معدد اول ،عین اعداد اریانی میباشد ، و آن هم اکثر به زبان اوستا نزدیکتر است . از یازده تا نزده ، اعداد، نماینده‌ٔ اشکالِ اوستا میباشند . اما بعضی ها ،بصورت قیاسی ، درجریان تحولِ - زبان تغییر یافته اند ، مثلا " شکل" څوارلس" ،بر شکلِ" دیارلس" و"شپاړس" تاثیر آورده است . درباره‌ٔ کلمه‌ٔ" شل" درپشتو بند ۵ ملاحظه‌شود.

نظر استاد مورگنستیرن :

کلمهٔ visati بمعنی ۲۰ در اریانی قدیم نخست به vǐsa δ تبدیل شد و " و " درآغاز تلفظ خفیف داشته سقوط کرده است وتبدیل δ به " ل " معلوم است وباین صورت کلمه " شل " بمیان آمده است.

ظهور " ویشت " ازشکل اریانی قدیم واوستا مستقیماً صورت گرفته است. (صفحه ۲۳۹ و ۲۵۰ دیده شود) .

چنانکه ملاحظه میشود ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ ، وغیره در پشتو با - " ویشت " ساخته میشود درباره تبدیل " څلورویشت " به " څلپرویشت " بند ٥٤ دیده شود .

عشرها باینگونه ادا میشود :

پشتو	دری	اوستا	اردو
دیرش	سی	θrista	تیس
څلوېښت	چهل	caθwaresata	چالیس
پنځوس	پنجاه	pančasat	پچاس
شپېته	شصت	xšvašti	ساتھ
اویا	هفتاد	haptaiti	ستر
اتیا	هشتاد	aštaiti	اسی
نوی	نود	navaiti	نوی
سل	صد	satem	سو
زر	هزار	hazanrem	(هزار)

درباره شکل " څلوېښت " باید دقت کرد : معلوم میشود که از روی قیاس کلمهٔ " ویشت " بران تاثیر آورده است. از روی این ، میتوان تصور کرد ، که حتی کلمه " دیرش " نیز زیر تاثیر " ویشت " است .

کلمهٔ " اویا " بمعنی ۷۰ نیز ، زیرتاثیرکلمهٔ " اتیا " بمعنی ۸۰ - آمده است. پساوند " تیا " را در قسمت اول بند ۱۰٤ مورد بحث - خواهیم آورد . کلمه ۸۰ را در پشتو باشکل اوستا مقایسه کنیم : دیده میشود که پساوند tati بعد ازانکه taiti شده است به " تیا " - مختصرگردیده ، وهمانست که در زبان دری شکل " تاد " را داره " هشْ+تاد " .

تصور نباید کرد که زرٌ (۱۰۰۰) از هزار دری گرفته شده است ،
بلکه تحول قانونی شکل اوستائی در داخل پشتو میباشد .

در زبان ارد و وحتی هندوستانی ، کلمهٔ " هزار " از دری آمده ، وشکل
سانسکریتی متروك شده است .

اعداد رتبی (دوم ، سوم ، چهارم ...) باپساوند " اَم " ساخته
میشود .

عدد اصلی	دری	عدد رتبی	دری
دري	سه	دریم	سوم
څلور	چهار	څلورَم	چهارم
سل	صد	سلَم	صدم

این پساوند " ام " در اوستا ama- بوده است .

همچنانکه در زبان دری کلمهٔ " اول " ازعربی آمده ، بمعنی " نخست " و
جانشین یکم شده است ، همچنان در پشتو ، " ړومبی " = " لمړی " از منشاء
هندی آمده است. چنانکه در هندی آرَمبھ بمعنی نخست است .

(استاد مورگنسترن ، درباره سابقهٔ کلمه " ړومبی " پیشنهاد ویلهلم گایگر را
دربارهٔ کلمهٔ اوستایی fratema اساس مباحثه می گیرد ، بطوریکه frat
مبدل به βraδ وازان به βarδ وازآن به war شده باشد ، ودرین
زمینه توجه به سوابق کلمه ورمه (ورمه ورح) و " ورانده " " قبلاً " را قابل
توجه می داند) . (تعلیق ۲۳)

اعداد توزیعی قابل توجه میباشد :

پەزرگونو- په زرونو به هزارها

پساوند " گون " در پشتو قابل توجه است که در زبان دری گان میباشد
" هزارگان " در زبان دری معادل " زرگونو " در زبان پشتوست . (تعلیق ٤

باب چهارم

ضمیر

اشکال ضمیر در پشتو متعدد تر از اشکال دری میباشد . بمانند اسم ،
ضمیر در پشتو دو شکل دارد ، بحد اقل ، در مفرد : یکی شکل فاعلی (یا شکل
مستقیم) و دیگر شکل جر . درزبان دری ، شکل ژنیتیف (مضافٌ الیه) قدیم
کار جر را می دهد وعمومیت یافته است .

بند ۷۲

جدول ضمیر های متکلم و مخاطب

فاعلی	مفعول-جر	مضاف الیه	فاعل- مفعول- جر	مضاف الیه
زه (من)	ما	ځما =زما د ما	مونږ=مونږه (ما) (موږ)	ځمونږ= زمونږ (زموږ)
ته (تو)	تا	ستا د تا	تاسی ـتاسو (شما)	ستاسی = ستاسو د تاسی = د تاسو.

شکل "زه" در پشتو همان شکل فاعلی زبان اوستاست ، که "اَزِم" azem بود . در پارسی باستان ، مقابل "اَزِم" اوستا شکل adam میاید .

همچنین در زبان پشتو ، شکل فاعلی مفرد مخاطب "ته" مقابل کلمهٔ اوستا ثوَم tvam واقع میشود .

میائیم به‌اشکال ما و تا به معنی مفعولی وجر. در زبان‌اوستا منه mana میباشد ، که درزبان پشتو به "ما" تبدیل‌شده است . اکنون‌میتوان‌پرسید که برای تبدیل واك‌ها ی "اَنَه" به "آ" چه دلیل موجود است ؟ از روی‌این‌کلمات باید قیاس‌کرد :

پشتو	دری	اوستا
میلمه	مهمان	maēəman
غوبه	گاوبان (مونث)	gaopāna

این‌مثال‌ها نشان میدهد که واك دارای "ن" درزبان‌اوستا در- زبان پشتو مختوم به فتحه آمده است .

میائیم به شکل "تا" که به‌تقلید "ما" یعنی قیاسی ساخته شده - است .

تحقیق درباره‌ٔ اشکال جمع دشوارمیباشد . درینجا تفریق بین حالت فاعلی ومفعولی وجود ندارد . موږ یا مونږ (که‌در بعضی لهجه ها مونگ تلفظ می‌شود) هردو معنی "ما" و "مارا" را ادامیکند.

همچنان " تاسي " و " تاسو" معنی " شما" و " شمارا" را ادا میکند.
سوال اینست که آیا کدام معنی قدیمتر بود ؟ معنی فاعلی یا مفعولی ؟

در ینجا زبان اوستا یاری نمیکند- اینك اشکال اوستا :

vayam بمعنی ما .

ahmākem بمعنی ازما .

آنچه مسلّم است ، قدیم بودن " موږ" نسبت به " مونږ" میباشد . ظاهر شدن "ن" (غنه) قبل از " ږ" یك واقعهٔ مابعد است ، که در بعضی لهجه - ها بمیان آمده است . درینجا ملتفت میشویم که ، در زبان اوستا ، شکل یُوژم yužem بمعنی " شما" وجود دارد . گرچه درزبان اوستا " موژم" به معنی ما وجود نداشته ، اما سابقهٔ ایجاد آن ازروی قیاس ، میتواند قبول شود .
بنابرین موږ ازروی شکل قیاسی موژم (جمع متکلم) رفیق شکلِ واقعیِ یوژم (جمع مخاطب) ساخته شده باشد .

عقیدهٔ استاد مورگنستیرن :
موجودیت " مش " maš در زبان شُغنی و سرِکولی ، بمعنی " ما" نشان میدهد که درین زمینه صورت بیان ویلهلم گایگر باید اساس گرفته شود که " مونږ" به ahma درزبان اوستا ارتباط دارد ، بطوریکه +ahmāša مبدل به asmačya شده ، ازان māš آمده است که بعدا " مانش" و " مانږ" و " مونږ" شده است و ن در بعضی لهجه ها ساقط شده مجددا " موږ" گردیده است . (تعلیق ۲۰)
میائیم به اشکال مخاطب که به شکل متکلم شبساهت ندارد . انتظار میرفت که " توږ" معنی شمارا بدهد ، ویا تموږ (چنانکه در شُغنی ، سرِکولی تَمَش tamaš معنی شمارا دارد) . اما بجای آن در پشتو " تاسي " و "تاسو" آمده است .
میتوان پرسید ، که آیا کلمه تاسي ، شکل مختصر " ته + هاسي " نباشد .
یعنی تو واو ؟

عقیدهٔ استاد مورگنستیرن :
درزبان اورمُری کانیگورام تیوس tyūs ودر زبان اورمُری برکی برك لوگر توِس tōs معنیِ " شما" را دارد . شاید پشتو و اورمری هردو درینجا زیرتاثیر زبان هندی لهنده (پنجابی غربی)آمده است که "شما" دران tus گفته می شود .

شکل غایب د رینجا قابل بحث نیست زیرا عیناً ضمایر اشاره ـ برای آن استعمال میشود . این مطلب را د ر بند ۷۵ مطالعه خواهیم کرد .

بند ۷۳

ضمایر متصـــل

همچنانکه د رزبان د ری ضمیر متصل موجود است ، د ر زبان ـ پشتو نیز ضمیر متصل (آنکلیتیک) وجود د ارد .

متکلم مفرد	ـ م ، می	ـام ـ ازم ـ مرا ـ من
متکلم جمع	ـمو ، آم	ما ـ از ما ـ مارا ـ ما
مخاطب مفرد	ـ دِ ، د ی	ازتو ـ ترا ـ تو
مخاطب جمع	ـ مو ، آم	از شما ـ شمارا ـ شما
غایب مفرد	ـای ، یی)	ش
غایب جمع	ای ، یی) یکسان	شـــان

اکنون به اشکال اوستا مراجعه میکنیم :

پشتو	د ری	اوستا
م ، می	ام	mē
دِ ، د ی	ات	tē
ای ، یی	اش	hē

اینکه ما وشما شکل واحد د ارد نیز ازروی اوستا د انسته میشود . " مو " که د ر زبان پشتو مستعمل است ، ازروی اوستا چنین شناختـــــه میشـــود :

پشتو	د ری	اوستا
مو	ما ـ ازما	ahmākem
مو	شما ـ ازشما	yušmā-kem

موجود یت mā د رهرد و کلمه اوستا ، منشأ کلمه پشتوگرد یده است . (رجوع به اخیر صفحه ۶۲ و صفحه ۶۳ بخش واکشناسی این کتاب)

[نظر استاد مورگنستیرن : گرچه " مو " از ahmā آمده است اما شاید ـ " مونږ " نیز بران اثرآورده د رحالیکه بمعنی " ازشما " از کلمه xšmā آمده باشد .]

بند ۷۳ مکرر

ضمایرِ دارای ماهیتِ قیدی :

حالتِ داتیف (هدفی) درمورد سه شخص مفرد ، قرار آتی میباشد :

مفرد متکلم	را	به من ـ مرا
مفرد مخاطب	در	به تو ـ ترا
مفرد غایب	ور	به او ـ اورا

برای دریافت ریشهٔ کلمات ، درگام اول ، چنین حکم خواهد شد ، که از روی مرا ، ترا ، اورا شناخته شوند .

درزبان واخی (که یکی از زبانهای پامیر است) درمقابل این ضمایر پشتو ، سه معادل را در می یابیم :

پشتو	واخی	
را	مَر	
در	تَر	
ور	یُووار	yaoar

اما این استدلال صحت ندارد زیرا " را" در پشتو معادل " لر" راداردارد (بند ٦٨ فقره ۲) . پس ضمایر متصل پشتو از دري منشأ نگرفته است .

اما اگر دقت بیشتر شود پیدامیگردد که این سه ضمیر پشتو از اشکال اوستائی آمده است :

پشتو	اوستا	معنی در اوستا	شکل انتقالی پشتو قبل از ظهور شکل متداول کنونی .
را	aθra-ā	(=اینجایم)	ar-ā
در	taθrā	(=اینجایی)	tar
ور	avaθrā	(=اینجاهست)	avar

[تذکر مزید استاد مورگنستیرن :

درمورد " را" : در اورمریِ کانیگورام hir ودر ارمریِ لوگر ēr, ar

درمورد " در" : " " dal " " dar (مانند پشتو)

درمورد " ور" : درزبان کُردی ōrā بمعنی "آنجا" قابل توجه است.]

بند ٧٤

ضمیرهای اشاره.

ضمیرهای اشاره دو اساس دارد :

پشتو	دری	اوستا
دا	این	tya-
هـه	آن	ha-

موجودیت " هَه" در اوستا قابل توجه است . که در زبان سانسکریت "سَه" بوده است. درباره ٔ ریشه ٔ "دا" تحقیق دشوارتراست. گرچه در زبان سانسکریت و اوستا ده دي da di موجود است مگر قرارتعاملات واك شناسی که مطالعه کردیم ، باید در زبان پشتو ،به شکل" له" تحـــول می یافت.

اما از جانب دیگر درزبان اوستا شکل tva موجود است کـــه عینا" درسانسکریت ویدائی موجود میباشد .

همچنین شکل پشتوی دي در زبان قدیم سابقه دارد وآن در زبان قدیم میباشد ودرمتون پارسی باستانی (هخامنشی) تصدیـــق شده است .

"دا" و "هه" هرکدام با"غه" یکجامیشود . این"غه" از get اوستا آمده است و در یونانی قدیم نیز " گه" موجود بود .

دا + غه = دغه

هَ + غه = هغه

[نظر استاد مورگنستیرن :

گرچه ویلهلم گایگر نیز"دا" را زاده ٔ tya میداند اما درپارسی باستان بمعنی ضمیر ربطی بکار رفته . منشاء اصلی -ta اوستائی است که بمعنی اشاره قریب بکار می رفت.

"هه" نیزدراوستا به شکل ha موجود است(اشاره ٔ بعید) .] (تعلیق ٢٦)

بند ٧٤ مکرر

ضمیرهای ربطی ، استفهامی و مشترک :

١- ضمیر ربط" چه" و " که" میباشد .

پشتو	دری	اوستا
چه ، چی	که ، آنچه	či
که	که‌آیا ، اگر	ka

[تذکراستاد مورگنستیرن :
باید متوجه بود که چه در پشتو معادل "چه" دری نیست که در پشتو "څه" گفته میشود].

۲- ضمیراستفهام :

پشتو	دری	اوستا
څوك	کی (چه‌کس)	ci + aka
چا	کی رر	
	(حالتجر ومفعول)	
څو	چند	čvas
کوم	کدام	ka + ama
څه	چه	čit

[تذکراستاد مورگنستیرن :
این‌سخن از کتاب‌اوستا از یسنای ۴۳ فقره‌ ۷ :

čiš ahī, kahyā ahi ?

یعنی "چه هستی ، از که هستی ؟" در پشتو چنین می‌آید :
څوك یې ، د چایې ؟]

۳- ضمیر مشترك :

پشتو	دری	اوستا
ځپل	خویشتن	hvaēpaiθya

[تذکراستاد مورگنستیرن :
ازین رویك شکل اسبق دورهٔ انتقالی +xwēbel محاسبه میشود که به شکلِ زمانِ سُغدی "غویذ" نزدیك است].

در ینجا باز بررسیِ واك شناسی "ځپل" قابل توجه است. ازان نتایج آتی می براید .

- موجودیت خ در پشتو نشان‌میدهد که زبان‌اریانیست نه هندی.
- موجودیت "ل" نشان‌میدهد که‌زبان‌همخانواده‌با اوستاست نه‌با پارسی باستان (هخامنشی) . شکل‌پارسی باستان‌دارای‌آواز "د" بود و "ل" - نداشت. ("تعلیق ۲۷")

باب پنجــم
فعل

بند ۷۵

فعل در زبان اریانی قدیم :

همچنانکه تصریف اسم در زبان پشتو ،بمقایسهٔ زبان دری ، -
نزدیکتر به زبانِ قدیم میباشد ،بهمانگونهٔ تصریفِ فعل نیز بمقایسه
دری ، نزدیکتر بزبان قدیم میباشد .

در زبان اریانی قدیم ،دو دستهٔ ازمنه وجود داشت. (در
سانسکریت همچنین بود) : و آن ازمنهٔ خاص و ازمنهٔ عام میباشد .

در ازمنهٔ اول الذکر ،بین ریشهٔ فعل وشناسهٔ آن یك جزء صرفی
اضافه میشد ،و آن جزء صرفی نظر به صنف ودستهٔ فعل فرق میکرد ،-
مثلاً :

می برد .	band-a-ti
برده شده.	band-ta = basta

زمانه های خاص عبارت بوده است از :

زمان حال بیانی	-	banda-a-ti
التزامی	-	band-ā-ti
ماضی استمراری	-	aband-a-t
امـر	-	band-a
بالقوه	-	band-a-i-t
صفت مشتق حال جاری	-	band-a-n̈t

زمانه های عام عبارت بوده از:

مضارع	-	aband-at
مستقبل	-	band-išyati
ماضی مطلق (کامل)	-	baband-a
صفت مشتق فعلی	-	bad-ta/basta
مصدر (ظاهری)	-	bad-tanaiy/bas-tanaiy

در زبان قدیم ،پنج دستهٔ فعل وجود داشت :

فاعلی - " اکتیف"

وسطی - " مُوایان"

لازمی - " پاسیف"

متعدی - " کوزال"

تمنائی - " پِرزیدِیراتیف"

همچنین در زبان اریانی قدیم، شناسه های زمان وجود داشت .

شناسه های فرعی .

شناسه ها ی اولی .

شناسه ها ی فرعی، صورت کوتاه شدهِ شناسه‌ها ی اولی بود .

بند ۷٦

ازمیان رفتن ترکیب قدیم فعل در زبان دری، و بمیان آمدن مجدد آن به شکل تحلیلی درزبان دری ، قابل توجه میباشد :

۱- زبان دری ، شناسه های اولی را حفظ کرده است .

۲- همچنین زبان دری ، تقسیم بین ازمنه را (خاص وعام) حفظ کرده است.
ازجملهٔ ازمنهٔ خاص درزبان دری ، حال التزامی ، امر ، و صفت فاعلی موجود است . ازجملهٔ از منهٔ عمومی صفت مشتقهٔ فعلی و مصدر موجود است .
بنابرین ، زبان دری ، ازمنهٔ حقیقی بیانگر ماضی را ، ازدست داده است.

۳- زبان دری ، صنفبندی افعال ومشخصات آنرا ازدست داده است. اما در فهرست افعال ، قسمت متداول تر و مهمتر را محفوظ داشته است که نقش نظام سابق افعال بران دیده میشود ، و موجودیت تصریفِ خلافِ قاعده ، گواهِ آن میباشد .
زبان دری اشکال آتی را ازدست داده است :
ماضی غیرمکمل بطرز قدیم ، بالقوه ، مضارع با اضافهٔ " ان" ، ماضی مکمل ، مستقبل . این همه صیغه های فعلی ، در زبان قدیم هرکدام - وجود داشت . اما زبان دری ، بجای هرکدام اشکال مرکب ایجاد کرده ، به یاری افعال معاون ، وکلمات کوتاه و اجزا وادات آنرا ادا میکند .

همچنین زبان دری ، پنج طرز فعل را (یعنی فاعلی ، وسطی ، انفعالی ، فاعلی وتمنائی) را ازدست داده است، و معانی آنرا با تصریفات ترکیبی ادا میکند .

از جانب دیگر ، در زبان دری ، نظر به تاثیر یک تصریف خاص با تصریف دیگر ، حتی یک قسمت آنچه ازسابق محفوظ داشته شده بود ، نیز تغییر یافته .

برای اینکه مقایسهٔ زبان پشتو و زبان دری ، درین زمینه صورت پذیرد ، بهتر است ، درچند بند آینده (یعنی از ۷۷ تا ۸۲) احوال زبان دری را بررسی کنیم . و آنگاه (ازبند ۸۳ تابند ۹۷) بمطالعهٔ زبان پشتو بپردازیم . با این مقایسه آن زمینه ها که محافظت و پاسداری مشخصاتِ قدیم را در پشتو نشان میدهد ، روشن خواهد شد .

بند ۷۷

شناسه های فعلل در زبان دری :

اشخاص	شناسه	مثال	منشاء اریانی
متکلم مفرد	-am	برم	bar-āmi
مخاطب مفرد	-ī	بری	bar-ai
غایب مفرد	-ad	برد	bar-ati
متکلم جمع	-ēm	بریم	(-aya-mahi)
مخاطب جمع	-ēd	برید	(-aya-ta)
غایب جمع	-and	برند	bar-anti

قابل توجه است که شناسه های متکلم جمع ومخاطب جمع ، چنانکه در کلمات دری بریم و برید آمده است ، از شناسه های متعدی (کوزال) زبانِ قدیم گرفته شده است ، و نه از شناسه های ساده که ata, amahi بود . اگر این دو شناسه ازحالت ساده یعنی " امه هي " و " اته " گرفته میشد آنگاه ، بجای " بریم " " برم " می آمد (و با متکلم مفرد مغالطه میشد) و بجای " برید " هم " برد " میامد (و با غایب مفرد مغالطه میشد) . ازینجاست که زبان برای جلوگیری از مغالطه ، درین دو مورد ، ازشناسه های متعدی استمداد کرده است .

بند ۷۸

ماده مضارع وماده ماضی دری :

ماده مضارع را ماده ٔ خاص نیز مینامند . و از روی مفرد امر ، بخوبی شناخته میشود ، ومفرد امر مشخصات فعل قدیم را نگهداری کرده است ، چنانکه : بُند! (می بندم ، می بندی ، می بندد ، . . . . . .)

ماده ماضی که آنرا ماده ٔ عمومی نیز گفته اند ، و ازروی صفت فعلی مشتق یعنی "بسته" شناخته میشود ، و همچنین میتوان آنرا از روی غایب مفرد ماضی (یعنی "بست") شناخت .

ازین دو شکل ماده مضارع و ماده ماضی ، همه تصریف فعل بوجود میاید .

- ازمادهٔ مضارع ، همه ازمنه که حال ومستقبل را نشان میدهد .
- ازمادهٔ ماضی ، همه ازمنه که گذشته را بیان میکند .

بند ۷۹

تبدلات واک های هردو ماده ٔ فعل :

افعالی که بقایای یکی از مشخصات را حفظ کرده اند ، ویا آن افعال که ریشه آن ازنظر واک شناسی نظر به واک اخیر ریشه تغییرمیکند ، در ازمنه ٔ مختلف ، به دو صورت خیلی متفاوت ظهور میکند :

ریشه ٔ قدیم :	مضارع	ماضی
suč-	سوزد	سوخت
tap-	تابد	تافت
band-	بندد	بست

باینصورت ، دیدیم :

در آنجا که ماده ٔ مضارع با "ز" می انجامد ، ماده ماضی "خ" دارد .

و آنجا که ماده ٔ مضارع به "ب" می انجامد ، ماده ٔ ماضی "ف" دارد .

آنجا که ماده ٔ مضارع با "د" انجام یافته است ، ماده ماضی "ت" دارد .

بند ۸۰

ازمنه ای که ازماده مضارع ساخته شده است :

۱- ازمنه باقیمانده از قدیم .

	شکل قدیم	دری
حال بیانی	band-ati	بندد
التزامی	band-āti	بنداد (شکل قیاسی نه سماعی).
امر	band-a	بند
صفت مشتق حال جاری	band-anda	بندان

باینصورت از جملهٔ از منهٔ قدیم ، تمنائی (اوپتاتیف) و غیرمکمل (استمراری قدیم) باقی نمانده است.

۲- از منهٔ نو ظهور :

زبان دری برای بیان معانی مربوط به زمان وحالات با افزودن - پیشاوند ها بحالت بیانی ، بعضی اجزای صرفی اضافه میکند ، که معنی فعل را بحال التزامی و مستقبل تبدیل میکند :

حال	همی بندم (یا می بندم)
التزامی	بِ+بندم (ببندم)

ببندم ، معنی التزامی ونیزمعنی مستقبل راد رزبان ادبی ادا- میکند .

بند ۸۱

زمان هایی که ازروی مادهٔ حال ومادهٔ ماضی (بست) ساخته میشود :

دری	اوستا
بستن	bas-taniay
بست	bas-ta

د رزبان دری ماضی هایی سابق را که ازست داده است چون :

دری	اوستا
آفریده است	adā-t
دیده است	dadars-a

بنابرین زبان دری د رمورد زبان ماضی بجای صیغهٔ فاعل (اکتیف) صیغه انفعالی (پاسیف) را رهنما گرفت.

زبان قدیم برای ادای مطلب عربی "انا فَعَلتُ هذا" د وطریق - داشت :

صورت فاعلی (اکتیف) : این را من کرد م tat adam akanavam

ررانفعالی (پاسیف): این توسط من کرد ه شد tat mana kartam

زبان د ری، وحتی پیش ازان زبان پهلوی طریق اول را متروك ساخت، و طریق د وم را نگهد اشت، امّا آنرا بمعنی طریق اول استعمال کرد . د ر زبان پهلوی گفته می شد : این من کرت ویا اینم کرت (ضمیرمتصل م بعد ازاین آمد ه است) ویا این کرت اَم (ضمیر متصل بعد از فعل) . د ر د ری ـ چنین گفته شد : این (را) من کرد +م .

همچنین د رمورد شخص غایب د رزمان قد یم گفته می شد :

صورت انفعالی (پاسیف) این توسط او کرد ه شد ه tat avahya kartam

د ر پهلوی این او کرت

د ر د ری این (را) اوکرد .

این واقعه د ر زبان د ری د و نتیحه د اد :

۱ـ شکل فاعلی ضمیر یعنی adam نابود شد . شکل مضاف الیه ضمیر یعنی mana بجای ضمیراصلی استخد ام شد . آنچه بمعنی مرا د رحالت انفعالی ماضی بکار می رفت، یعنی am نیز ضمیر متصل شد . وقتی که د ر زبان د ری می گوئیم " من جوان ام " معنی اصلی آن از روی زبان قد یم چنین است : " ازمن جوان ام " . این احوال د ر زبان د ری و بلکه د ر زبان پهلوی موجود بود .

۲ـ د ر عهد زبان د ری، واقعه د یگری رخ د اد : پیشتر گفته میشد " این کرت ام " د رینجا ام ضمیر متصل یعنی ضمیر پساوند ی بود .

ام چنان با فعل چسپید که ازان کرتم (یعنی کرد م) بمیان آمد ومعنی فَعَلْتُ را ادا کرد . بتد ریج، زبان ازروی صیغهٔ حال کنم، این احساس را کرد کهگویا کرد ماد هٔ فعل و ام نشانه باشد، وهمان بود که کرد مورد تصریف آمد وازان برای مخاطب صیغهٔ کرد ی (کرد +ی) ساختهشد . (د رحالیکه د ر پهلوی هنوز بجای کرد ی کرت ات kat + at گفته می شد) . همچنین کرد یم وکرد ید وکرد ند (به تقلید صیغه های حال کنیم ،کنید وکنند جانشین شکل های سابق گرد ید ند .

دری	پهلوی
کردم	کرت ام
کردی	کرت ات
کرد	کرت اش
کردیم	کرت امان
کردید	کرت اتان
کردند	کرت شان

البته صیغهٔ غایب بحال خود ماند .

این آمیزش مغالطه آمیز درزبان دری به سرعت جاگرفت، زیرا موازی بان، آمیزش دیگری نیز بوقوع پیوست و آن در افعال لازمی بود . در زبان قدیم مرته marta معنی مُرده و نیز معنی این را داشت که او مرد . از کلمه مرته بمعنی (مَاتَ هُـو) درزبان دری مرده باقی ماند . چون بافعل معاون یعنی شکل خفیف حال بودن یکجاشد وچنین تصریف بمیان آمد :

جریان ترکیب	ماضی مطلق حاصله
مرده + ام	مردم
مرده + ای	مردی
مرده	مرد
مرده + ایم	مردیم
مرده + اید	مردید
مرده + اند	مردند

این طریق گردان به افعال متعدی نیز سرایت کرد و از روی مقایسه گفته شد : کردم ، کردی ، کرد ، کردیم ، کردید ، کردند .
اگر تحت اللفظ معنی شود کردم باید معنی کرده شده ام رامیداد .
یعنی که حاصل مصدر قدیم که با ته ختم می شد داخل تصریف زمان ماضی شامل وعجبین گردید و آواز ت یا د را گرفت .

همان بود که زبان، حاصل مصدر را باین کار گماریده، و وظیفهٔ آنرا بیکی از مشتقاتِ آن سپرد که معنیِ درحالِ مردن ودرحالِ کردن راداشت .

زبان قدیم	پهلوی	دری
karta-ka	kart-ak	کرده
marta-ka	mart-ak	مرده

ازین بود که ماضی قریب (معروف به ماضی نقلی یا مکمل) بمیان آمد .

مرده ام مرده ای مرده است مرده ایم مرده اید مرده اند

همچنین: کرده ام کرده اي کرده است کرده ایم کرده اید کرده اند

معنی تحت اللفظ آن چنین میشود : من درحال مردن . . . .

با افزودن همی یا می برماضی مطلق صیغه های ماضی استمراری بمیان آمد همچنانکه با افزودن آن بهمضارع صیغه های زمان حال ساخته شد . رجوع شود (به بند ۸۰ فقرهٔ دوم) .

ماضی بعید با افزودن ماضی مطلق فعل بودن به حاصل مصدر ساخته شد : مثال من (آنرا) بسته بودم .

همچنان بسته باشم (با استفاده ازالتزامي بودن بحیث فعل معاون) و خواهم بست (با کاربرد مضارع خواستن بحیث فعل معاون) ساخته شد) .

بند ۸۲

صیغه های انفعالی، در زبان قدیم با نشانهٔ مشخصه ya ادا میشد - اما در زبان دری یکجا شدن صفت مفعولی و مضارع شدن ساخته شد - چنانکه : بسته شوم ، بسته خواهم شد ، بسته شده باشم .

افعال اسمی با افزودن پساوند آن یعنی ī (جانشین aya که در زبان قدیم نشانهٔ متعدی لفظی یعنی کوزال بود) به ریشهٔ فعل یا ریشهٔ اسمی ساخته میشود چنانکه از رس با افزودن ی و یدن کلمه رسیدن ساخته میشود .

متعدی لفظی (یعنی ساخته بانشانهٔ لفظی) با افزودن آن -ān به مادهٔ مضارع فعل وپسازان افزودن ی ī (باقیماندهٔ نشانهٔ سابق متعدی لفظی یعنی aya) ساخته میشود مثلاً رسانیدن که از رس و رسیدن چنین ساخته شده :

رس + ان + ی + دن

بند ۸۳

فعل در پشتو:

اینک بعد از بیان فعل دری (بمقصد تسهیل مقایسه باپشتو) ازفعل پشتو سخن می گوئیم :

فعل در زبان پشتو با مشخصات قدیم تر ساخته میشود ، گرچه عمومیات چه در پشتو و چه در دری یك سان است ، در پشتو نیز کار بردِ ساختمان قدیم فاعلی جای ساختمان قدیم انفعالی را نیز گرفته است (چنانکه دربند ۸۱ بیان کردیم) .

تفاوت بزرگ اینستکه پشتو در این زمینه نیز بعضی مشخصاتِ قدیم را محفوظ داشته است ، چنانکه در مورد حالات اسم ، ممیزات باستانی را پاسداری کرده است . یکی از این مشخصات ، تفریق بین دو ساختمان است که در زبان دری تفریق نمیشود .

چنانکه میدانیم ، حتی در زبان پهلوی ، ضمیر فاعلی قدیم ازمیان رفته است . در پشتو ، هردو صورت تفریق میشود : یکی اینکه: <u>من این کار را کردم</u> ، و دیگر اینکه <u>این کار توسط من شده است</u> .

هردو از همدیگر متمایزند . ساختمان اولی ، توسط صیغهٔ حال و با کار بُردِ ضمیر فاعلی صورت میگیرد ، صورت دوم ، توسط صیغهٔ فعال و ضمیر بحالت جر ساخته میشود . از مقایسهٔ پشتو و دری ، این مطلب ما مشروح خواهد شد :

بند ۸٤

پشتو	دری	اوستا وفرس کهن
متکلم مفرد وړم	برم	bar-ami
مخاطب مفرد وړې	بری	bar-ahi
غایب مفرد وړي	برد	bar-ati
متکلم جمع وړو	بریم	bar-āmahi
مخاطب جمع وړئ	برید	bar-ata
غایب جمع وړي	برند	bar-anti

برای اینکه ظهور اشکال پشتو از روی اشکال اوستا دانسته شود - تبدیل a به فتحه (بند ٦ فقرهٔ ۱) وسقوط مصوت های اخیر کلمه (بند ۲۱ فقره ۱) بخاطر باشد - باینصورت وړم، وړې، وړو از روی اوستا دانسته میشود. اما وړي (غایب جمع) از روی قیاس باصیغهٔ غایب مفرد ساخته شده اما کاغایب مفرد و مخاطب جمع در اثر موجودیت ت در اوستا باید در پشتو ل می آمد. اما این ل در حالت انتقالی وجود داشته واز تلفظ افتاده است چنانکه درمورد نوی (بمعنی نود) بجای نه ول (که انتظارمی رفت و وجود ندارد) و دیگر امثله دیدیم در اخیر مفرد غایب یای ملینه ړې انتظار می رفت اما شاید برای رفع مغالطه با جمع مخاطب یای معروف آمده.

بند ۸۵

مادهٔ خاص فعل یعنی حال، ومادهٔ عمومی یعنی گذشته

چنانکه در تصریف دری دیدیم بین مادهٔ فعل در زمانهای خاص ومادهٔ فعل در زمانهٔ عام تفریق موجود است یعنی بین زمانهایی از فعل بیانی وزمانهای که از صفت مفعولی قدیم ساخته میشود، تفریق موجود است. صفت مفعولی قدیم با ta - انجام میافت. چنانکه در شرح فعلهای دری دیدیم. نمونهٔ این دو سلسله حال و ماضی غایب مفرد میباشد.

(بند د - بست).

پشتو	دری	اوستا
اخلم	(گیرم)	(ā) xad-āmi
اخست	(گرفت)	(a) xas-ta

اصول واك شناسی را دراین زمینه در بیان فعل دری مطالعه کردیم.

بند ۸۶

افعال با قاعده که در آن هرد و ماده فعل یکسان است .
در مورد یك عده زیاد افعال که باید با قاعده نامیده شوند ـ بین هرد و ماده فعل تفاوت موجود نیست .

۱ـ افعال گروه اول در اوستا و سانسکرت که نشانه آن a بود .
۲ـ آن افعال که ریشه آن ماخوذ از هندی است وتقریبا" همه در ـ همین چارچوب باقی میماند .
۳ـ آن افعال که با افزودن ی ـ د ـ ل ēdal ساخته میشود (موافق آنچه در زبان دری با ی ـ د ـ ن īdan ساخته میشود وهم چنین افعال متعدی لفظی که در پشتو با افزودن فتحه+ اول -awul در ماده فعل اضافه میشود (همانکه در زبان دری با افزودن ـ آن + ی + د ن ānīdan ـ ساخته میشود)ـ در صورتیکه فعل دارای دو ماده متفاوت باشد آنگاه ماده از منه خاص در این باره بکار میرود . اینك این سه گونه فعل را با نمونه ها معرفی میکنیم :

۱ـ اینك افعال دسته اول :

ریشه فعل	دری	حال متکلم مفرد	باب مصدری	منشا زبان قدیم	
زغم	(تحمل)	زغم+ م	زغمل	سانسکریت:	kśamate
خش	(نوش) "چش"	خشم	خشل	اوستا :	čašatē
ژړ ـ ژاړ ـ	زار (گریه)	ژړم ـ ژاړم	ژړل ـ	اریانی:	
خند	خند	خندم ـ خاندم	خندل ـ	اریانی :	xvad
انگیر	انگار	انگیرم	انگیرل ـ		---

۲ـ افعال ماخوذ از هندی :

مفرد متکلم	وجه مصدری	هندی	معنی
گنیم	گنیل	گننا	شماردن
داړم	داړل	داڑھ	بدندان گرفتن ـ گزیدن
تلم	تلل	تلنا	وزن کردن ـ به ترازو کشیدن .
کوټم	کوټل	کوٹنا	میده کردن

سا تم	ساتل	ساتهـ (یکجا) نگهداری کردن	
لیکم	لیکل	لیکهنا	نوشتن
منم	منل	منـنا	پذیرفتن
چلوم	چلول	چلانا	بحرکتاندن اختن ۰ (تعلیق ۲۸)

۳ـ افعال دارای ریشه اسمی :

مفرد متکلم	وجه مصدری	معنی	
اوسم	اوسیدل	پاییدن	در اوستا : asō (جایگاه)
دروم	درومیدل	دویدن	در اوستا : draomo-
تښتم	تښتل	(گریختن) تاختن .	
پاتېږم	پاتېدل	ماندن (باقی ماندن)	
بېلېږم	بېلېدل	جدا شدن	
تودوم	تودول	(گرم کردن) ـ تافتن	
رنځوم	رنځول	رنجانیدن	

بند ۸۷

بقایای مشخصات باستانی :

هر دو مادهٔ ازمنهٔ خاص وازمنهٔ عام در اثر یك مشخصهٔ قدیم تحول ـ میکند .

۱ـ مشخصهٔ ya که محض در افعال که در ریشهٔ آن a موجود است باقی مانده است ودر زبان پشتو در ریشهٔ فعل واومجهول ō موجود است مثلاً :

حالت مصدری	معنی	اوستا
ښوول	(نشان دادن ، آموزانیدن)	srāvaya-
ژوول (زیږیدل)	زادن	zan-

۲ـ مشخصهٔ ن (مطابق نمونهٔ بند و بست در زبان دری) .

حال	گذشته	معنی مصدری	ریشه قدیم
لوښی لولی	لوست	پاشیدن	lvad
سکښی	شکست	(بریدن) شکستن	---
اغونډی	اغوست	پوشیدن	رجوع بند ۸۸ فقره ۱

۲- (مکرر) مشخصهٔ nu :

در زبان اوستا nu در kr̥-nu (کردن) وجود داشت که در زبان پشتو در کلمهٔ کانړۍ (بمعنی بکنید) باقیمانده در حالیکه در بارهٔ حال و باب مصدری (کول بمعنی کردن) بجا مانده است. شکل سابق این کلمه در مرحلهٔ انتقالی باید kar-nai بوده باشد.

همچنین در زبان شعرا کاندي (بمعنی کند - میکند) خوانده می شود که شکل اوستائی آن kr̥naoti بوده و معلوم است که در ان ر (پیشازن + د) ساقطشده است. (تعلیق ۲۹)

۳- مشخصهٔ ت (نمونهٔ دری خُفتن - خُفت - خوابد)

غایب مفرد	باب مصدری	دری	ریشه اوستا
تښتي - تشتي	تستېدل	تاختن (گریختن)	taxt-/taxš
پښتي - پشتي	پستېدل	پرسیدن	paršti

(تعلیق ۳۰)

٤- افعال مضاعف (رُودُوېله)

شته بمعنی هست (موجود است) ازشکل مضاعف اوستا hi - šta آمده است که ازان hi ساقط شده همانکه هم ریشه دری ایستادن می باشد.

[تبصرهٔ ویلهلم گایگر: ریشه اوستائی غیرازین است. باید متوجه ریشه اریائی asti بود که ازان شته آمده است.

تبصرهٔ مورگنستیرن: تائید مجدد نظریهٔ دارمستتر. ریشه اولی غالباً باید hi -stati بودهباشد کهمضاعف است.] (تعلیق ۳۱)

٥- افعال دارای مصوت متغیر:

مفرد متکلم حال	باب مصدری	اشکال دری
خېژم	ختل	خیزم- خاستن
کښېنم + نم	کښې + ناستل	نِ+شینم- نِ+شستن

دیده می شود که مادهٔ حال و مادهٔ باب مصدری مصوت های متفاوت دارند.

[تبصرهٔ استاد مورگنستیرن:

شکل دری گفتاری کابل شایسته توجه است خېستن (بمعنی خاستن).]

۶- افعال دارای دو مادهٔ مستقل از همدگر :

میدانیم که در زبان دری نمونهٔ این افعال یکی دیدن است که مضارع آن مادهٔ دیگری دارد و آن بین میباشد (بینم ، بینی ، بیند ۰۰۰۰) (تعلیق ۲۲) هم چنان است آمدن که مادهٔ مضارع آن آ + ی میباشد (آیم ، آیی ، آید ۰۰۰۰) همچنان است در زبان پشتو: راځم (می آیم) و راغلی (آمده) که ازان نشانه تعیین مکان را (بمعنی اینجا وپایین سو) باید جدا شود .

پشتو	دری	ریشه اوستا
ځم	(آیم - روم)	j + ami
(را)غلی	آمده	gata

ریشهٔ فعل در اریانی قدیم دو شکل دارد یکی با گ چنانکه gata بمعنی رفته ودیگر با ج چنانکه jañtu بمعنی بروند و jaiδi بمعنی برو آمده . یعنی این موجودیت دو مادهٔ فعل در یک معنی از زبان قدیم موجود بوده .

در مورد دیگر افعال دارای دو ریشه که مشابه آن در دری وجود - ندارد، بند ۸۹ دیده شود .

بند ۸۸

متفاوت بودن دو مادهٔ فعل، نظر به ماهیت واك واپسین ریشه آن :

۱- آن افعال که مادهٔ آن به ت ود ختم شود .

اگر پس ازان مصوت بیاید، آن ت یا د به ل تبدیل میگردد .

در صورتیکه پس از آن صامت بیاید، آنگاه به س تبدیل میشود (چنانکه در دری آرا ، آرایم ، آراست ۰۰۰۰۰)

اینك اشکال غایب مفرد حال وگذشته را در پشتو مثال میدهیم :

حال	دری	گذشته	دری	ریشهٔ اوستا
راولی (را+ول+ی)	(می)آرد	راوست (را+وس+ت)	آورد	(a)vāδayēiti
زغلی (زغل+ی)	(می)دود	زغاست (زغاس+ت)	دوید	us-zgas-to
آخلی (آخل+ی)	(می)گیرد	آخست (آخس+ت)	گرفت	ā-xad

لولی (لول+ی)	(می خواند)	لوست (لوس+ت)	خواند	+ ni-baud
ولی (ول+ی)	(می اند ازد) می زند (از دور)	ویشت (ویش+ت)	اند اخت	vaēδa

گروه صامت س+ت مبدل به ت شده است چنانکه در واکشناسی دیدیم. (بند ۷ فقرهٔ ۳ صفحه ۵۶)

۲- افعال دارای ریشهٔ "ز":

درینجا نیز گروه ز+ت به ت تخفیف یافته است:

حال	دری	گذشته	دری	ریشه اوستا
وزیه وُحی	(می براید)	وت	براٰمد	vaz
ننه+وزی وُحی	(می دراید)	ننوت	دراٰمد	"
آل+وزی وُحی	می پرد	آل + وت	پرید	"
خپژی	(می) خیزد	خوت	خاست	-
پرانیځی	(می کشاید)	پرانست پرانست	(کشود)	+ nad/hak

۳- افعالی که ریشه آن با چ و دیگرواکهای حنکی (کامی) ختم می شد:

در دری در مادهٔ مضارع (بجای چ قدیم) ز ودر مادهٔ ماضی خ می آید. چنانکه سوزم ـ سوختم، دوزم ـ دوختم، اندوزم ـ اندوختم، بیزم ـ بیختم وغیره.

- مفرد غایب

حال	دری	گذشته	دری	اوستا
سوځی (سوځ +ی)	(می) سوزد	سه	سوخت	saoč-aiti

۴ - افعالی که ریشهٔ آن با ب پ و ودیگرواکهای لبی ختم میشد:

در زبان دری تابم ـ تافتم، خوابم ـ خفتم درنظر باشد.

مفرد غایب حال	دری	اوستا	ماضی	دری	اوستا
اوبی، اووی	(می) بافد	vab-ati	اود	بافت	ub-da
روی	(می چوشد)، می مکد		رود	(چوشید)	-

همچنانست tap ریشه تافتن در زبان قدیم که ازان tavd آمده و بعداً تود بمعنی تفته (=گرم) شده

همچنانست hufta+ در اوستا ریشهٔ خفتن که ازان uwda آمده و آن بعداً اوده (= ویده) بمعنی خفته شده است (اوده کیدل) .

۵- افعالی که ریشهٔ آن با ر+ت ر+ ٭ ر+د ختم می شد .

در زبان دری گردم ـ گشتم ، را باید در نظر داشت .

در زبان پشتو بحشواك شناسی را بخاطر بیاریم : (صفحه ۴۱)

ر ت + ت = ر س ت / ر ش ت / ش ت

ر ت + مصوت = ړ + مصوت

مفرد غایب	دری	اوستا	گذشته	دری
آوړي	میگردد (بدل میشود)	a-var-ati	آوښت	گشت
غـړي	(می چرخد) ، می تابـد	garθ	غښت	چرخید
لوړي	(جدا میشود)	ni-bard	لوښت	جدا شد

۶- افعالی که ریشهٔ آن با ر ختم می شد .

نوع ر و ړ (ړ منتج از ر سابق بود که با t صفت مصدری کاملا متصل واقع شده است) (صفحه ۴۱ دیده شود) :

مفرد غایب حال	دری	اوستا	مفرد غایب ماضی	دری	اوستا
خوري	(می) خورد	xvar-ati	خور	(می) خورد	xvarə-ta
مري	(می) میرد	mar-ati	مـر	(می) مرد	marə-ta

چنانکه دیدیم در مفرد غایب ر آمده است اما گاهی بجای آن ړ r می یابیم :

مفرد غایب حال	دری	ریشهٔ قدیم	مفرد غایب ماضی	دری	اوستا
وړي	(می) برد	* barti	وړ	(می)برد	barə-ta
کـړي	(می)کرد	* karti	کـړ	(می)کرد	karə-ta

در دو مثال اخیر ازروی ړ پښتو ، شکل حال ریشهٔ قدیم را حدس زدیم که در ان باید ر و ت ملحق آمده باشد ، چنانکه در زبان سانسکریت هم bharti ثبت شده و شهادت می دهد .

بند ۸۹

افعال بی قاعده

افعال بی قاعده زادهٔ حوادث منفرد واکشناسی ویا ساختمانهای شاذ و ناقص می باشد .

۱ـ افعال زادهٔ حوادث منفرد واك شناسی :

حال (مفرد غایب)	دری	باب مصدری	اوستا
وژ نی	می کُشد	وژل	jan
ور ژنی	(قطعه می کند)	ور ژل	fra-jan

در حقیقت هر دو فعل از یك ریشه است .

۲ـ ساختمان های شاذ .

حال (مفرد غایب)	دری	باب مصدری	دری
څملی	(خفته‌می آرامد) می خوابد	څملاستاه ، ملاستل	(خفته‌آرمیدن)

درینجا معلوم میشود که ریشهٔ اصلی، درزمان حال باقی مانده است و شکل باب مصدری بعداً بمیان‌آمده است (در زبان دری : دا ند ـ دانست ـ دانستن) (بند ۹۲ و۹۳ دیده‌شود) .

۳ـ افعال که مادهٔ حال آن ازیك ریشه ومادهٔ ماضی آن ازریشه‌ٔدیگر گرفته شده باشد (رجوع به بند ۸۷ فقرهٔ ٦) .

حال(مفرد متکلم)	دری	باب‌مصدری ازروی‌حال	گذشته	دری	باب‌مصدری ازروی‌گذشته
گورم	(می) نگرم	گورل	کوت	(می)نگریست	کتل
نیسم	(می)گیرم	نیسل	نیوه	(می)گرفت	نیول

[((تذکر مترجم :

ریشهٔ گورل را دارمستتر در ni-kar (که‌ازان‌نگریستن‌آمده) و ویلهلم گایگر در goran بمعنی جستجوکردن می داند . استاد مورگنستیرن آنرا با انگاردن همریشه می داند ، و نه نگریستن . درباره‌ٔ ریشهٔ کتل در اوستا یعنی kas اتفاق‌نظر است)).] (تعلیق ۳۳)

[ریشه "نیسم" را دارمستتر در اوستا - nas و استاد مورگنستیـــرن ni + as میداند، و اضافه میکند که تفاوت مادهٔ حال و مادهٔ ماضـــی در زبان اورمری نیز موجود است که دران "نسم" (بمعنی "می گیرم") و نوک (بمعنی "گرفته") آمده است)]).

بند ۹۰

ازمنه یی که از مادهٔ خاص یعنی مادهٔ مضارع ساخته می شود .

- زبان پشتو (و همچنین زبان دری) ازین جمله حال بیانی، امر و صفت فاعلی را حفظ کرده است .
- زبان پشتو (و همچنین زبان دری) ماضی و تمنایی زمان قدیم را از دست داده است .
- زبان پشتو التزامی قدیم را نیز ازدست داده است و دری، آنرا نگهداشته است .

۱- تصریف حال را قبل برین بررسی کردیم (بند ۸٤) .

۲- صیغه های امر: نشانه مفرد فتحه ونشانهٔ جمع فتحه + ی است، مثال:

پشتو	دری	پشتو	دری
مره	می میر	مری ٔ	میرید

- نشانهٔ فتحه در مفرد امر شاید باقیمانده ahi زبان اوستا باشد که نشانه التزامی بود . گرچه در زبان اوستا هم فتحه نشانهٔ امر بود (چنانکه bar-a بمعنی بِبَر) اما باید آن a بموجب بیانات واکشناسی که خوانده ایم، ساقط می شد . پس باید منشأ نشانهٔ باب تمنایی باشد .
- نشانه فتحه+ی (یای ملینه) همسان بانشانهٔ فعل حال بیانـــی است .

۳- صفت فاعلی :

در زبان اوستا نشانه صفت فاعلی ant- بود چنانکه:

پشتو	دری	اوستا
ژوندی (ژو+اند+ی)	زنده	jva-ant

(دربن بار بند ٥٠ (ماده ۱) دیده مشود) .

در زبان پشتو صفت فاعلی با پساوند های دیگر ساخته می شود . چنانکه با اون + ی un+ai (در دری ān آن) (رجوع به بند ۱۰۵ (فقرهٔ ۲) .

٤- التزامی

نشانهٔ وُ wu- ، چون پیش از مضارع بیاید ، بان معنی التزامی میدهد (معادل این وُ در زبان دری بو می باشد) (چنانکه درین مصرع خیام : تابو که شوم بی خبر و باز رهم . . .) ریشه - این وُ (و ریشهٔ کلمه دری بو) در زبان قدیم bav بود .

در باب تمنایی وي (بمعنی باشد) معادل به buyāt اوستا واقع میشود :

ماضی استمراری :

پشتو :	وم	وې	و	وه	وو	وئ	وو	وې
دری :	بودم	بودی	بود	بود (مونث)	بودیم	بودید	بودند	بودند (مونث)

ماضی استمراری از شکل عادی صفتمفعولی اوستا būta (بوده) آمده است (رجوع به بند ۹۲) .

٥- یکنوع ماضی استمراری جدید درمرحلهٔ تازه‌تر ازروی ماضی مطلق ساخته شده است: چنانکه در بند ۹٥ فقره‌اول خواهیم دید ، عین واقعه در زبان دری نیز صورت گرفته است .

٦- یک باب حاکی از تقاضا و تمنا (اوپتاتیف) با پیشاوند د صیغه بیانی ساخته‌می شود مثلا " هغه دِ شي " یعنی " آن بشود " . چنان میتوان درك كرد كه این د نیز (مانند وي كه‌مطالعه كردیم)- باقیمانده یك‌اوپتاتیف قدیم است. ریشهٔ " دَی" (هست) ، " دَه" (هستد مونث) ، دِی (هستند) باریشهٔ این د مشترك است . این دَی دَه ودِی در تصریف ازمنهٔ معین وظیفهٔ معاون را ادا می کند .

دربارهٔ نتیجهٔ شرط در زمان‌ماضی ، فقره ٤ بند ۹٥ - دیده شود .

۷- مستقبل در پشتو توسط به ساخته‌می‌شود مثلاً " به+حي " (خواهد رفت) . در زبان دری پیشاوند ب چون با صیغهٔ بیانی یکجا شود ، معنی مستقبل یا التزامی را ادا میکند مثلاً " ب+ رود (برود) .
این به که در پشتو شنیده می‌شود از آن ب که در دری موجود ست گرفته نشده است. به در زبان پشتو ریشهٔ قدیم دارد که در زبان اوستا - apaya بوده ومعنی " پس" و " بعد" را ادا میکرده و ape در اوستا بمعنی " پرواز" بوده . ریشهٔ ب فارسی هم همین بوده و باین طریق ریشه ب (دری) و به (پشتو) مشترک است .

بند ۹۱

صیغه های فعلی که ازریشهٔ ماضی یعنی ریشهٔ عمومی ساخته‌میشود :

در زبان پشتو آن صیغه که بیان ماضی را در زبان اریانی واوستا می گیرد ، البته محفوظ نمانده است. در زبان دری نیز همین واقعه رخداده وصیغه ماضی زبان قدیم ازدست رفته است . چه در زبان پشتو، وچه در زبان - دری، صفت مشتق فعلی که با " ت" ختم می شد بجا مانده است. چنانکه در بند آتی مطالعه می شود .

بند ۹۱ (مکرر)

صفت مشتق فعلی مختوم به " ت" صیغهٔ غائب ماضی شده است .
این صفت فعلی مشتق ، چه در پشتو وچه در دری، در صیغهٔ غایب مفرد ماضی بجا مانده است چه در پشتو وچه در دری ، ازین " ت " قدیم یا " ت" ویا نظر به ایجاب واکشناسی " د" بجا مانده است . علاوتاً" - تقاضای قوانین واك شناسی طوری بوده، که در زبان پشتو، گاهی ازآن " ړ " نیز باقی مانده است :

پشتو	دری -	اوستا
اخیس+ت =آخست	(می)گرفت	axad-ta
آوش+ت =آوشت	(آورد) چرخ خورد	avart-ta
و ت	برامد	vaz-ta
پرانت	(بازشد)	pranadz-ta

اود	(می بافت)	ub-da
(و) سه	سوخت	sux-ta
(و) مړ	مُرد	mar-ta

بند ۹۲

ساختمان ماضي :

در زبان پشتو؛ همین صفت مشتق فعلی قدیم برای ساختن ماضی بکار رفته وبه آن شناسه های اشخاص متکلم ، مخاطب و غائب که در حقیقت گردان فعل اساسی است اضافه میشود (بند ٥٦ فقره دوم و بند ۹۰ فقره ٦ دیده شود) .

یعنی؛ یم ، یې ، یی ، یو ، وبرعلاوه دی ، ده ، دی .

همچنین در زبان دری؛ به آنچه در صفت مشتق فعلی قدیم باقی مانده است شناسه ها اضافه می شود (کردم ،کردی ،کرد ،کردیم ، کردید ، کردند) .

اما درینجا یك تفاوت بین رفتار پشتو و رفتار دری موجود است . در زبان دری معنی پاسیف (انفعالی) یعنی مجهول؛ از میان رفته است ، درحالیکه زبان پشتو روحیهٔ تاریخی این ساختمان را پاسداری کرده ومعنی انفعالی یعنی مجهول آنرا محفوظ داشته است . ازینجاست که صیغهٔ پشتو « کړم » درزبان دری معنی فعال " کردم " را ادا نمیکند بلکه معنی انفعالی " کرده شدم " و "شدم " را بیان میکند؛ که مطابق روحیهٔ تاریخی این تحول است . اینك تصریف ماضی :

کړ+ ،زبرك یم	کُړم	کرد مشدم
کړ + ې	کړې	رر شدی
کړ	کړ (ونیز "کړه")	رر شد (مذکر)
کړه	کړه (ونیز "کړله")	رر رر (مونث)
کړ + و	کُړو	رر شدیم
کړ + فتحه+ ی	کړی	رر شدید
کړه	کړه (ونیز کړل)	رر شدند (مذکر)
کړی	کړی (ونیزکړلی)	رر رر (مونث)

چنانکه دیده می شود ، صیغه غایب ، چه در مفرد وچه در جمع جـزء فعلیِ الحاقیِ معاون ندارد .

اما در زبان دری چون تصریفِ صفت ازمیان رفته است ، بنابر این اضافه کردن جزء فعلیِ الحاقیِ معاون و نیز نشانه های جمع ومفرد لازم افتاده ـ چنانکه از : کرد " " کردند " ساخته شده است. چون در زبان پشتو تصریف صفت پاسداری شده است ، بنابر این اضافه شدن این نشانه مورد احتیاج نبوده است ، چنانکه در زبان لاتینی نیز وضع همین بوده .

" کړ + زبر " = کړه (کرد مشد) شکل موءنث با قاعدهٔ " کړ " است (بند ٦٧ دیده شود) .

" کړ + زبرك " ، کړه شکل جمع با قاعده کړ است . (چنانکه در مورد مثال غل " دزد " و غله " دزدان " خواندیم) (بند ٦٧ دیده شود) .

دلایل موجودیت اشکال مختوم با " زبرك + ل " ومفرد جمع کړ + زبرك = کړه را در بند ۹٤ مطالعه خواهیم کرد .

بند ۹۳

صفت مشتق فعلی مختوم با " ي " ملینه ai ، ساختمان فعل مجهول

چنانکه میدانیم ، صفت مشتق فعلی اوستائی مختوم به " ta " ، در وظیفهٔ خود در مقام صفت فعلی ، جانشینی در زبان دری یافته است کـــه مختوم به فتحه می باشد . چنانکه " کرده " (که در پهلوی " کرتك " بود) .

اما در زبان پشتو باقیماندهٔ صفت مشتقهٔ فعلی قدیم با آواز یای ملینـــه (فتحه + ی) ai باقی مانده است . (فقره اول بند ۲ . (دیده شود) .

در زبان دری " کرده " با " فعل اساسی " یکجا شده ماضی قریب ساختـه است (کرده ام ، کرده ای ، کرده است ، کرده ایم ، کرده اید ، کرده اند) ـ رجوع شود به بند (۸۱) . این تصریف در زبان دری ، معنی فعـــا ل (اکتیف) را یعنی فعل معلوم را ادا میکند ، اما در زبان پشتو " کړی " ـ با تصریف فعل اساس یکجا شده ، معنی انفعالی (پاسیف) یعنی فعل مجهول را از قدیم حفظ کرده است و قسمت صفتی آن نیز از روی مذکر و مونث وجمع ومفرد تصریف می شود مثلاً " :

وېښ۔ کړی + یم	بید ار کرد ه شد ه ام .
وېښه۔ کړې + یم	بید ارکرد ه شده‌ام (مونث)
وېښ - کړی + یې	بید ار کرد ه شده اي .
وېښه - کړې+ یې	رر رر رر (مونث)
وېښ۔ کړی + د ی	رر رر شد ه
وېښه - کړې+ د ه	رر رر رر (مونث)
وېښ۔ کړی+ یو	رر رر شد ه‌ایم
وېښ - کړی + یئ	رر رر شد ه اید
وېښ۔ کړی + د ی	رر رر شد ه اند

بااین ترتیب برعلاوه صفتفعلی قد یم که مبد ل بماضی شد ه بود ـ (مثلا" "آخیست") یك‌صفتفعلی مشتقه‌ٔ د یگری یعنی " اخیستی" ظهور کرد . همچنین برعلاوه‌ٔ " مړ" (بمعنی "اومرد)کلمه مړ+فتحه+ی مړۍ بمعنی مرد ه بمیان‌آمد و همچنین بر علا وه " وت" (" برامد ") ـ کلمه " وتۍ" (بمعنی " برامد ه") ظهور کرد .

بند ۹٤

صفتفعلی مشتقه مختوم با" فتحه+ لی" alai

این ساختمان، زمانی صورت میگیرد که د ران ت+ فتحه ta که‌د ر زبان قد یم د ر صفت فعلی مشتقه وجود د اشت مستقیما" باریشه‌ٔ فعل مد غم شود و آن ریشه صامتي باشد . هرگاه ریشهٔفعل، مصوتي باشد ، آنگاه، صفت فعلی مشتقه مختوم به ta بطور با قاعد ه شکل"لی" را ـ می گیرد و صفت فعلی مشتقه مختوم به tak مبد ل به لي lai شد ه است واین‌تبد یل‌شد ن صامت " ت" میانه‌ٔ کلمه را به " ل" د ر بخش ـ واك شناسی د ریافته بود یم . (صفحه ٤٦ و ٤٧)

بطور مثال ga- د رزبان اریائی و اوستا ریشه‌ٔ رفتن‌است و صفتفعلی مشتقه‌اوستا gata بمعنی " آمد ه" است که د ر زبان پشتو به" غ+ ل" مبد ل‌شد ه‌است. صفت فعلی مستقلهٔ جد ید تر د راوستا ـ gataka بود ه، بنابرین :

پشتو	دری	پهلوی
را+غل+م (راغلم)	آمدم	مت + ام
را+غ، زبرك+ ل+ یم (راغلی یم)	آمده ام	متك + ام

چنان افعال موجود است که ریشهٔ آن صامتی بوده و بین ریشه فعل و نشانهٔ صفت مشتقهٔ فعلی یك مصوت جاگزین می شود ،چنانکه در - سانسکریت بین pat و ta یك i اضافه شده pat-ita (یعنی "افتاده") ساخته شده وبین vid و ta یك i اضافه شده vid-ita (یعنی "دانسته") بمیان آمده . مطابق ایجاب قاعده زبان شناسی ازین واك های زبان قدیم در زبان پشتو " زبرك + ل" بمیان آمده است یعنی که itak در پشتو ،به alai - تبدیل شده است (شرح این تحول در واك شناسی دیده شود) .

بطور مثال، مفرد غایب مشکل کړ ماضی را بررسی می کنیم :

صیغه ها	زاده ازشکل قدیم karta	زاده از karita
مفرد مونث:	کړ	کړه	کردمشد
مفرد مونث:	کړه (با" زبرك")	کړله	رر (مونث)
جمع مذکر:	کړه (با" زبرك")	کړل	رر
جمع مونث:	کړې	کړلې ،کړې	

پس درینجا دو سلسله موجود است یکی از karta آمده و دیگر از karita .

karta در مذکرمفرد کړ شده است که جمع آن کړ+ زبرك یعنی کړه است. (چنانکه" غل" "دزد" ، " غله" ،"دزدان") و در مونث کړ+ فتحه شده - است که جمع آن کړ + ې می شود (چنانکه " غله" سارقه" ،و " غلې" "سارقات") و karita در مفرد کړ+ زبرك" کړه " و در جمع کړ+فتحه+ل = " کړل" می شود درمونث مفرد کړله و در جمع مونث کړلې می آید . تفاوت میان مفرد" کړه - کړل" و جمع" کړل" ،از روی فرق میان مصوت واپسین است که در مفرد کوتاه ، و درجمع دراز است .

	پشتو	زبان قدیم
مفرد	کړل- کړه	kr-ita
جمع	کړل	kr-itā

در بارهٔ تبدیل شدن "ت" به "ل" ، و بقاء ، یا سقوطِ این "ل" ، باید توجه کرد . از gata (بمعنی "رفت" در اوستا) مادهٔ غلْ (غ+ زبرك+ ل) و غْ (ساکن+ل) آمده که تل (ت+ل) نیز شنیده می شود . این "ل" در مقابل تصریفِ فعلِ اساسی محفوظ می ماند ، چنانکه در "راغلم" و "را قلم" بمعنی "آمدم" . اما در مورد مفرد و غایب مذکر ، بجای آنکه "راتل" بیاید ، "ل" سقوط کرده و "راته" یعنی آمد گفته میشود. از روی این معامله ، می توان شه (ش+ زبرك) را توضیح کرد ، که معنی "شد" (= گردید) را دارد ، وگاهی هم شُ (ش + ضمه) تلفظ میشود ، که باید شَل (ش+ زبرك + ل) می بود ، ویا شُل (ش+ ضمه+ ل) می آمد ، زیرا ریشهٔ آن šuta است ، و در زبان دری "شد" گردیده است .

از شکل šu+a (ش+ ضمه + فتحه) شکل مونث شوه šwa آمده است .

همچنین ، از روی این معامله ، اشکال ماضی چون آوریده (بمعنی شنید ومی شنید) دانسته میشود که انتظار می رفت باید آورید + زبرك+ ل باشد ، و "ل" واپسین ساقط شده است ، وهمچنین است در مورد دیگر افعال مختوم به ēdal (یای مجهول+ دَل) (بند ۹٦) دیده شود .

بند ۹۵

از منه یی که با ماضی ساخته می شود :

چه در پشتو وچه در دری ، بیاری زمان ماضی ، و با کار برد - پیشاوند ها ، از منهٔ دیگر ساخته می شود :

۱ـ ماضی استمراری ، با افزودن به (که اینجا بمعنی "همی" می آید).

پشتو	دری	پشتو	دری
کړم	کرده شدم	به کړم	کرده می شدم ونیز همی خواهم کرد

۲ـ چون از ماضی قریب (زمان ماضی نا معین) حالِ بودن ساقط شده ، بجای آن ماضیِ بودن آورده شود ، ماضیِ بعید ساخته - می شود :

پشتو	دری	پشتو	دری
کړی یم	کرد مشد ه ام	کړی وم	کرد مشد مبود م
کولی یم	رر رر	کولی وم	رر رر

فقره ٤ بند ۹۰ دیده شود .

۳- ماضیِ احتمالی، که حیثیت مستقبل واقع زمان ماضی را دارد با اضافه کردن نشانهٔ مستقبل یعنی "به" به ماضی قریب ساخته می شود .

پشتو	دری	پشتو	دری
کړی یم	کرد مشد ه ام	زه به کړی یم	کرد مشد ه باشم
کَولی یم	رر رر	زه به کولی یم	کرد مشد ه باشم

٤- نتیجهٔ شرط در زمان ماضی، توسط صفت مشتقهٔ فعلی (پارتیسیپ) ادا می شود :

— یا اینکه تنها با آن صفت مشتقه فعلی، درحالیکه شرط مضمر است :

پشتو	دری
که ما کړی	اگر می کرد م
که ما کړ لی	اگر می کرد م

— با اینکه با افزوده شدن آواز ā (چنانکه در پهلوی (ودری) ونیز در همین مورد می آید) : (مصوت مرکب آيِ شکلِ قدیمِ یای مجهول است .)

پشتو	دری	اوستا
که ما کړا ی	اگر کرد مي	kat kart-am kyāt
که ما کړلا ی	رر رر	

در پهلوی "اگر مد هي" بمعنی "اگر می آمد" (اگر او آمد ي) ذکر شده است . کلمهٔ kyāt اوستا که ریشهٔ این نشانهٔ شرطی است، صیغهٔ تمنایی (اوپتاتیف) "فعل اساسی" است به معنای "باشد" ویای مجهول پشتو ودری، درینجا، میراثي ازان می باشد .

در بارهٔ بابِ معروف به مصدر، بند ۱۰۳، فقرهٔ اول دیده شود .

بند ۹۶

افعال مختوم به ېدل ēdal :

این افعال گاهی اصلی است چنانکه :

پشتو	دری
غورزېدل ، غورځېدل	جهیدن (تعلیق ۳۵)
اورېدل	شنیدن

گاهی این افعال اسمی (دی نو میناتیف) است :

پشتو	دری	پشتو	دری
زوړ - زړه	پیر	زړېدل	پیرشدن

"ېدل" ی ازشخصه aya آمده که در اوستا وجود داشت (در دری ازان ی باقی مانده است مثلاً" در شنیدن) شکل اوستا درینجا ā-sravayita استنتاج می شود که درمرحلهٔ انتقالی باید ārvēd و ārvēt شده باشد . اکنون سوال - پیش می آید چرا این "د" به "ل" تبدیل نشد و" اوریل" بمیان نیامد؟

درینجا باید ملتفت شد که زبان پشتو که درزمینه اشتقاق بسیار فعّال است با کلمات مقتبسه از دری و موازی به دری چنین مصادر - ساخته است ومی سازد چنانکه ووریدل (باریدن) ، ارزیدل ، (ارزیدن) ، پسندیدل (پسندیدن) ، ترهیدل (ترسیدن) ، خندیدل (خندیدن) ، رسېدل (رسیدن) ، څخېدل (خزیدن) ، رنځېدل (رنجیدن) ، شوریدل (شوریدن) ، گروهیدل (گروهیدن) ، و حتی در جایی که دری خود فعل ندارد ، چنانکه "دردیدل"- (احساس درد کردن) ، از روی قیاس این موازات که از قدیم موجود بوده آواز "د" که در آرویدل در آغاز بود بجای خود مانده وبه "ل" تبدیل نشده . اینک تصریف آن :

آوریده ، آرویدٔه (بازبرک)	شنید شد	(غایب مفرد مذکر)
,, آرویدٔه (بازبر)	,,	,, ,, مونث
آرویدله (,,)	,,	,, ,, ,,
آرویدٔه (با زبرک)	شنید شدند	(غایب جمع مذکر)
آرویدٔل (بازبر)	,, ,,	,, ,, ,,
آرویدی (بایای مجهول)	,, ,,	,, ,, مونث
آرویدلی	,, ,,	,, ,, ,,

چنانکه در بند ۹۵ دیدیم، سلسله یی موازی باین کړ، کړه، کړه کړی کړه کړل، کړله کړلې، موجود است.

معامله با افعال مختوم به "ېدل" در ماضی نیز همان است. در مورد آن ازمنه که با شکل بیانی ساده ساخته می شود، دو دسته را دری یابیم:

- آن دسته افعال که ازان "ـــ" ē ساقط شده ومحض ریشه باقی می ماند. چنانکه:

پشتو	دری	پشتو	دری
اوس	اکنون	اوسېدل	اقامتکردن

وچنان است اوسېدم (اقامت می کردم) و اوسېدلی یم (اقامت کرده ام) اوسم (اقامت می کنم).

- آن دسته افعال که ازان ــــ ē ساقطنشده وبرعلاوه ریشه باقی می ماند در این صورت در تصریف زِ به شناسهٔ صیغه اضافه می شود، چنانکه از ارزېدل (ارزیدن) ارزېږم (می ارزم). باین صورت بجای ayāmi کهد راوستا وجود داشت در پشتو "ـېږم" می آید وشاید شکل قدیم ترآن "ېیَم" بوده چنانکه کلمهٔ اوستا ey-am zayēitē (از مادر "می زاید") در پشتو "زېږي" شده است (فقرهٔ اول بند ۸۷ خوانده شود).

بند ۹۷

باب انفعالی یا مجهول (پاسیف)

انفعالی اصلی، یعنی فعل مجهول که حالت مفعول را بیان می کند، و فاعل ذکر نمی شود، توسط صفتِ فعلی مشتق (پارتیسیپ) اد امیگرد د که با فعل شول "شدن" ساخته می شود. زبان دری نیز همین طریقه را بکار می برد.

پشتو	دری
آرویده یا اوریده شم	شنیده شوم
آرویدلی شم	رر رر
آروید مشوم	شنیده شدم
آرویدلی شوم	رر رر
آروید شوی یم.	شنیده شده ام
آرویدلی شوی یم	رر رر

در صورتیکه فاعل ذکر شود، آنگاه دوباره ساختمان عادی بمیان می آید .

زه شپون اروید م = مرا شبان شنید .

* گویا در پشتو ، بجای آنکه گفته شود " من توسط شبان شنیده شدم " گفته میشود " شبان مرا شنید " . در زبان پهلوی نیز گفته می شد " من شبان شنوت ام " چنانکه امروز در پشتو مروج است . در دری آغاز عهد اسلامی و نیز امروز در بعضی زبان های گفتاری " شنیدم " بمعنی مرا شنید و " دیدم " بمعنی مرادید و " کشتم " بمعنی مرا کشت می آید و در اخیر " م " ضمیر متصل معنی مفعول را ادا میکند .

صورت انفعالی آن فعل متعدی که باساس صفت ساخته می شود، با " کید ل " ادا می شود چنانکه : " جوړ " بمعنی جور وصحتمند و " جوړول " صحتمند ساختن و " جوړ کید ل " صحتمند ساخته شدن .

بخاطر باید داشت که از ریشه kar و ka با پساوند فتحه+ ول فعل " کول " و مانند آن با پساوند ید ل فعل " کید ل " ساخته شده است که صیغه حال متکلم آن " کیږ م " می باشد .

بند ۹۸

باب فعل متعدی (کوزال)

کوزال یعنی متعدی مصنوعی (یالفظی) با افزودن فتحه+و یعنی aw بعد از ریشه فعل ساده بدست می آید چنانکه :

پشتو	دری	پشتو	دری
تود	گرم ، تفته	تود ول	تافتن
بار	بار	بارول	بارکرد ن
رنځ	رنج	رنځول	رنجانید ن

در مثال اخیر، شکل لازمی فعل یعنی رنځید ل (رنجید ن) موجود است که با " ید ل " خاتمه می یابد، وبجای " ید " ēd در ان av - می آید .

این نخستین مورد است که زبان پشتو ، برحسب قیاس زبان اریانی رفتار نمیکند بلکه دظاهر، شبیه بزبان های هندی می شود .

بخاطر بداریم ،که چه در اریانی قدیم ،و چه در سانسکریت(یعنی در هرد و شعبهٔ گروه زبان) مشخصه کوزال (متعدی‌مصنوعی) aya میباشد. از قدرت این پساوند ،چه در اریانی وچه در هندی کاسته‌شده است .

در سانسکریت ازریشهٔ" ستها" با افزودن پساوند sthāpayāmi ساخته‌میشود (یعنی " ایستاده میکنم") . ازینجاستکه در هندی امروزنیز با افزودن‌نشان " و" در ریشهٔ فعل متعدی‌مصنوعی بدست می‌آید چنانکه از سَمَجْهَنَا" "دانستن" متعدی‌مصنوعی " سَمَجْهْوَانا" "داناندن " - ساخته می شود .

در زبان دری ، نشانهٔ متعدی‌مصنوعی ān است ،چنانکه از - " رنجیدن" با افزودن ān "رنجانیدن"بدست می آید .

درینجا ملتفت می شویم که نشانهٔ متعدی‌مصنوعی ،در زبان پشتو ، - aw بیشتر به "w" هندی شباهت دارد . آیا پشتو این پساوند را از زبان های هندی‌گرفته است ؟

چنانکه میدانیم ،اقتباسات پشتو ازهندی در زمینه آوازها ولغات است . اگر این اقتباس درزمینهٔ صرف از زبان‌های هندی‌صورت گرفته باشد ، یگانه اقتباس‌درین‌زمینه خواهد بود .

زبان‌های‌دری و پهلوی ، که‌در اکثر موارد با همدگر موافقت دارند ،در اینجا ازهم متفاوت اند . در دری‌نشانهٔ فعل متعدی‌مصنوعی آن ān ، اما در پهلوی īn است ، ودر هیچکدام اثر aya که نشانهٔ زمان قدیم بود ، روشن نیست .

پس‌باین نتیجه می رسیم ،که پساوند زبان‌قدیم ،برای متعدی مصنوعی یعنی aya ازاستعمال افتاده ،و هر شعبهٔ زبان'یعنی هر گروه'به راه ورسم دیگری ،متعدی‌مصنوعی ساخته است .

اینکه زبان‌پشتو aw را پسندیده است ،شاید دراثر موجودیت - ظاهری aw درافعال‌دیگر بمعنی متعدی‌است ، مثلاً " اچول"که بر شیوهٔ- زبان‌اثر آورده . این‌احساس‌زبان هم ظاهری بوده ،ورنه " آچول" درحقیقت ازروی‌تحلیل ریشهٔ آن آ + چو+ ل می باشد (چنانکه آ+به+ چوی - بمعنی‌خواهد انداخت)(و نه " آچ awul+) چنانکه روح زبان‌احساس کرده وشاید از روی آن‌پساوند aw را در ساختمان‌متعدی مصنوعی پسندیده عام‌ساخته‌باشد . باین حساب ،تاثیر زبان‌های‌هندی درین‌زمینه ،قطعی نیست .

باب ششم

۶- کلمات غیر متغیر

بند ۹۹

۱- ادات :

آن ادات اضافت که پیش از اسم می آید (پری- پو- زیسیون)- بعضی بسیط و بعضی مرکب اند :

الف: ادات بسیط:

پشتو	دری	اوستا	
په	به (در)	upā	
پر	بر	pairi	
پس	پس	pasā	
تر	تابه- از	tarō	(بند ۶٤ فقره ۳)
د	از	hača	
پوري	تابه (الی)	pāra	(پارِ ربا- لبرود خا
ته	تا	-	(بند ۶۸ فقره ۲)
لره	برای	radi	(د رفرس کهن) بند ۶۸ فقره ۲ -
لر	زیر	aδairi	
له	از	aδāt	(بند ۶۸ فقره ۳)
سره	با (همراه)، سر		(شاید مشتق از سر
بې	بې		(شاید مقتبس از دری
باندې			
لاندې			

ب: ادات مرکب:

پشتو	دری
دَ پاره	ازبهر
دَ پاسه	بالا
دَ ننه	درون

کره	د رخانه	
څني ، څینی	بعضی از	څه + نی
څخه	از	څه + خوا (چنانکه با مضاف الیه یکجا می شود .)
په کښی	د ر اند رون	بند ۶۷ فقره ٔ ٤ دیده شود .

۲- ادات ربطیه :

ادات ربطیه : (کونژونکسیون) ساده :

پشتو	دری	اوستا	
o	و	uta	(شکل مرحلهٔ انتقالی پشتو شاید ul بوده)
نه	نه	na	
که	اگر	kat	(بمعنی " کی ؟ ")
چه (چی)	چو (چون هنگامیکه)		

پشتو یکعده ادات ربطیه را ازدری وعربی اقتباس کرده است :

پشتو	دری	بیان
اکر	اگر	اصلاً " د رپشتو " که " معنی آنرا اد امیکند
مگر	مگر	

ولی ، بلکه ، لیکن ، اما

گنه د ر پشتو (بمعنی " چنانکه ، کویاکه ") از " گنل " بمعنی شمردن آمده که آن مأخوذ از هندی " گننا " ست .

ادات ربطی مرکب :

پشتو	دری	
څکه	زیراکه	څه + که
لکه ، لکه چه	چنانکه	له + که

۳- قید فعل

تعداد قید فعل (د رزبان های اورپا : ادورب adverb) زیاد است زیرا هر صفت میتواند به صورت قید فعل بکار رود . (د ر د ری نیزهمچنین است) .

همچنین توسط قیود اسم و ادات و مرکبات قیود فعلی ساخته میشود ، چنانکه :

بخش سوم

تاریخ اشتقاق و ترکیب

(ساختان کلمات)

بقلم

جیمز دارمستتیر

ص ۱۶۰

ص ۱۶۱

پشتو	دری	
زر ، زر	زود	
څنگه	چگونه	شاید از "څه+رنگه" تلخیص شده باشد .
څه‌له ، څه‌ته	چرا (= چه را)	
په پټه	نهانی	
لا رغه	ازدیری باینسو ، مکث	

قیود فعلی واقعی که از ریشه قدیم آمده باشد اندک است :

پشتو	دری	اوستا	
نه	نه (قید فعلی نفی)	ma	
مه	مه (رر رر)	mā	
کله (کل+فتحه)	کَـی ؟	kaδa	(تعلیق ۳۰٦)

چنانکه در بند ۱۰۹ خواهیم دید ،یکعده قیدهای فعل با - پساوند " ته" ساخته‌می شود .

بخش سوم
تاریخ اشتقاق و ترکیب
(ساختمان کلمات)

یکعده کلمات ، ازراه اشتقاق و نیز ازراه ترکیب ساخته میشوند .

باب نخست
اشتقاق

اشتقاق یا با افزودن پیشاوند به ریشهٔ کلمه (یا به‌کلمهٔ نخستین) ویا توسط پیشاوند که پیش‌از ریشه (یا کلمهٔ نخستین) وضع میشود، صورت - میگیرد .

نوع نخست: اشتقاق توسط‌پساوند ها

بند ۱۰۰

پساوند های‌از کار افتاده :

یکعده زیاد پساوند های‌زبان‌قدیم اکنون‌غیر فعال‌واز کار افتاده است (در همه‌زبانها که باین اساس اشتقاق صورت‌میگیرد ، چنین‌وضع موجود است) . ازین پساوند های‌ازکار افتاده ، آثاری در یکعدهٔ زیاد کلمات باقیمانده است ، که از روی شیوهٔ اشتقاق زبانِ امروز، نمیتوان‌آنرا بیان‌کرد ، وباید پساوند های زبان‌قدیم را مطالعه نمود .

بنابرین ، باید ، نخست ، پساوند های‌ازکار افتاده ومرده را مطالعه کرد.

۱- فتحه a : فتحه که نشانهٔ مذکر ومخنث بود ، باسقوط مصوت های - واپسین کلمات (که دربند ۵۵ مطالعه‌کردیم) از میان‌رفته است. آن صفات واسماء که در قدیم مختوم به مصوت‌بود ، دراثر سقوط مصوت واپسین ، مختوم به صامت‌گردیده وباینطریق مورد تصریف بحساب صامت آمده اند :

پشتو	دری	اوستا
غــل	دزد	gada-
غوږ	گوش	gaoša-
خوَل	خوَد (کلاه)	xaoδa
پـل	پای (نقشپا)	paδa
سپین	سفید	spaēta
ســر	سر	sara
ورون	ران	rāna
ســل	صد	sata

۲- an پساوند های عددی:

پشتو	دری	اوستا
اته	هشت	aštan
نَه	نُـه	navan
لس	ده	dasan

پساوند اسمی:

پشتو	دری	اوستا	
مېړنی	مردانه	marət-an	(مُردنی ، ـرد)
کوږ	کر	karapan	

۳- ah پساوند اسمی مخنث (حالت فاعلی در اوستا ō- ، حالت مضاف الیه anho):

پشتو	دری	اوستا
روځ	روز	raočō
پی	شیر	payō
یَرز	ارز ، ارزش	arejō
اوس	اینگاه	asō

٤- پساوند اسمی:

پشتو	دری	اوستا
غــر	کوه	gairi
نوم ، نو	ناف	nābi

۵- u پساوند اسمی وصفتی : این پساوند ساقط شده ، و بجای آن ، یک پساوند نوین اضافه میشود :

پشتو	دری	اوستا	
تنه	تن	tan-u	
اوسی ، هوسی	آهو	ās-u	بمعنی تند رفتار .

٦- ka پساوند صفتی :

پشتو	دری	اوستا
هسک	(بلند)	us-ka

۷- ta- پساوند صفت فعلی مشتق :

پشتو	دری	اوستا
(و) زغاست	دوید	uzgas-ta
(و) اود	بافت	ub-da
(و) مړ	مرد	mar-ta
(و) سو	سوخت	sux-ta
(و) شو	شد (رفت)	šuta-

۸- tar- پساوند خویشاوندی :

پشتو	دری	اوستا
پلار	پدر	patar
مور	مادر	mātar
ورور	برادر	brātar
لور	دختر	duxtar

۹- ti- پساوند اسم معنی ، که از میان نرفته بلکه تبدیل شده است ، زیرا با مصوت ارتباط، در باب (معروف به) مصدری " زبرک + ل " موجود - مانده، و بدون مصوت ارتباط در بابهای (معروف به) مصدری، که دران "ت+زبرک" باقی مانده است(وآن جمع کلمهٔ دارای ماده " ت " میباشد) .

(درین باره بند ۲ ، فقره اول دیده شود) .

۱۰- tara- پساوند مقایسه : چنان معلوم میشود که در " مشر " و " کشر " باقی مانده است . (بند ۷۰ دیده شود) .

[تذکر استاد مورگنستیرن :
کشر باید از شکل مضاف الیه اوستا که همان کشر آمده باشد است و" مشر" هم از مضاف الیه اوستائی آمده به کهتر و مهتر دری موازی نیستند] .

۱۱- tu پساوند اسمی :

پشتو	دری	اوستا
غال (در کلمهٔ غالی بند ۱۱٤)	جایگاه (حیاط) (تعلیق ۳۷)	gā-tū

۱۲- θra- پساوند اسمی :

پشتو	دری	اوستا
تور (تیاره)	سیاه، تاریك	tāθra

۱۳- ni, na پساوند اسمی وصفتی :

پشتو	دری	اوستا	
به (جمع: بانه)	نگهبان	pāna	بند ٦٧ دیده شود
وینې (جمع مؤنث کلمه مختوم به فتحه)	خون	vohuni	
رون	رخشان	raoxšna	
پشه-پښه خپه	پای	pašna-	
تېزی	تشنه	taršna	

۱٤- پساوند اسمی که از اسماء مذکر ومخنث ساخته شده :

پشتو	دری	اوستا	
نوم	نام	nāman	
لوم	دام	dāman	(سانسکریت)
پم	(بیماری) گر، جرب	pāman	(نام بیماری)
میلمه	مهمان	maēθman	
میلمانه	مهمانان	—	

پساوند در کلمات مخنث زبان قدیم نسبت به کلمات مذکر بهتر نگهداری شده است . در کلمات مذکر میراث فتحه توسط اشکال قوی مختوم به ā حفظ شده است .

درکلمه خُرمن، درحالیکه درزبان دری ازشکل قدیم ،چرم باقیمانده
ازین معلوم میشود که درسابق بعد از man- پساوند دیگری هم وجود داشت ،
و موجودیت تصریف بحساب کلمه یې که مختوم به i باشد (چنانکه جمع
خُرمني میشود) مویّدِ موجودیتِ چنین پساوند قدیم درذیلِ (من) میباشد.
درکلمه میرمن یعنی کدبانو پساوند "من" بجا مانده است و جمع آن -
میرمنې میباشد .

[نظریهٔ استاد مورگنستیرن :

کلمهٔ خُرمن شاید ازشکل جمع کلمهٔ اوستایی باقیمانده باشد . اما در
کلمهٔ میرمن آنچه در اخیرآمده پساوند " من" نیست بلکه منِ جزء کلمهٔ -
اوستایی maēθn یعنی مینه می باشد .]

۱۵- ra پساوند صفت واسم :

پشتو	دری	اوستا
سُور	سرخ	suxra
سُوری	سوراخ ،سفته	sufra

۱۶- پساوند ya :

پشتو	معنی	زبان قدیم
توېه	رود خانه (آب روان)	toya بمعنی آب در سانسکریت

پساوند های زنده وفعال

بند ۱۰۱

صنفبندی پساوند های زنده :

پساوند های دارای چندین وظیفه ، در زبان پشتواندك موجود است ،
و بنابرین نمیتوان از روی وظیفه ، آنهارا صنفبندی کرد . درجمله ، دو -
پساوند دارای ارزش گوناگون میباشد ، یکی فتحه با یای ملینه ai و دیگر
فتحه a .

در بند مابعد ، این دو پساوند را مطالعه میکنیم .
سپس پساوند هائیراکه برای ایجاد اسم معنی بکار میرود ،بررسی میکنیم
(بند ۱۰۳) . سپس آن اسماء معنی راکه معنی کیفیت را ادا میکند (بند۱۰٤)
وسپس اسماء فاعل را(بند ۱۰۵)؛ و آنگاه پساوند های اسماءِ خویشاوند ان

را (بند ١٠٦) وبعد ازان خطاب ها وصفات را (بند ١٠٧) و-
سپس علامات تصغیر را (بند ١٠٨) ودر اخیر قیود فعلی را (بند
١١٠) مطالعه می کنیم .

بند ١٠٢

پساوند های ai و a :

نخست پساوند ai را مطالعه میکنیم که " فتحه + یای ملینه " میباشد .
این پساوند ، عیناً ارزش پساوند زبان دری فتحه a و زبان پهلوی
فتحه + ک ak را دارد . مثلاً " درکلمه " " سپی " بمعنی سگ ، که در
زبان اوستا spaka میباشد ، و در دیگر کلمات که در زبان پهلوی -
در اخیر آن " فتحه+ک " آمده است ، و آن در زبان اوستا مختوم به
فتحه (و پساوند آن فتحه a ، یا ته ta) بوده است .

پشتو	دری	پهلوی	اوستا
ستوری	ستاره	ستارک	stāra-
کړی	کرده	کرتک	kereta

این پساوند در پشتو ، از روی قیاس ، به کلمات ساخته شده -
اضافه میشود .

پشتو	دری	پارسیك	اوستا
ازغی ، اغزی	خار	azg بمعنی شاخه	+ ā-gaz-
غالیٔ	گاه ، حیاط	+	gātu (بند ١١٤)
ارگی	آروغ	+ -	
سږیٔ ، سبږیٔ	شش	+	+ suš-

با این پساوند مشتقات صفتی واسمی ساخته میشود :

اول- مشتقات صفتی :

کلمه اول	معنی	کلمه مشتق	معنی
مخ	چهره	مخی	روبرو ، برابر
بېرون	دبیروز	بېرونی	دبیروزی
غل	دزد	غلیٔ	خاموشانه ودزدانه
وږه (ولږ)	گرسنگی	وږیٔ	گرسنه

د و مشتقات اسمی :

کس	کس	کسیٔ	مرد ملک‌چشم
بر	پیروزمند	بری	پیروزمندی
زیړ	زرد	زیړی	زردی (یرقان)
لینده	کمان	لیندی	کماندار
تریخ	تلخ	تریخیٔ	تلخه (کیسه‌صفرا)

این پساوند چه به کلمات اقتباسی وچه به کلمات اصیل پشتو اضافه میشود . به‌کلمه عربی فلان اضافه گردیده فلاني ساخته شده است - چنانکه دردری " فلانی " . دران کلمات هندوستانی که دراخیر آن "آ" - آمده‌است ، این پساوند به صفات ومذکرها علاوه میشود . (تعلیق ۳۸)

کلمه‌هندی	معنی	اشتقاق‌در پشتو	معنی
ٹاٹ	خوش لباسی	ټاټی	خوش لباس
کانا	یک‌چشمه	کاني	
کړها	دیگ ، دیگچه	کړهی	(کرایی درزبان کابل)
نولا	راسو	نولی	
بوتا	بچهٔ اشتر	بوتی	
بچړا	بچهٔ حیوان	بخری	(بچړي بمعنی بچهٔ مار)

(تذکرمترجم :

دراثر این لغات پشتوی متداول ناحیه ایبت‌آباد که دارمستتر - مطالعه کرده ، درنظر باشد ، وبعضی این کلمات درافغانستان شنیده نمی شود) .

کلمهٔ " پرکتی " قابل توجه است . مقصد ازان پسر زوجه از شوهر - سابقش میباشد . ترکیب آن با " پر " یعنی دیگر و " کت " یعنی بستر وپساوند ai میشود . گویا که‌ازبستر دیگرتولد یافته است . (تعلیق ۳۹)

کلمهٔ پردی ، بمعنی بیگانه نیز ، باهمین پساوند صورت کوتاهترکلمهٔ هندی پردیسی (بمعنی غریبه ومسافر) میباشد . (تعلیق ۳۹)

با این پساوند کلمات تصغیر ساخته‌میشود بطور خاص از روی اسماء خاص . درینصورت این پساوند گاهی بمقصد تحبیب وگاهی بمنظور تحقیر میاید ، چنانکه در زبان سانسکریت " راجکه " تصغیر کلمهٔ " راجا " معنی تحبیب یا تحقیر را داشت .

کلمه‌اصلی	معنی	کلمه‌مشتق	معنی
خرخ	چرخ	خرخی	چرخك (بازیچه)
بهادر	بهادر	بهادری	بهادرك
صاحب	صاحب	صاحبی	صاحبك

همچنان با اسماء خاص ابراهمی وحسنی و غیره گفته‌میشود . چنانکه مؤرخ امریکائی هرلان (Harlan) میگوید : امیر دوست محمد خان‌راکند هاریان اهل‌خانواده اش از روی‌تحبیب " دوستی " میگفتند .

۲ـ پساوند فتحه a :

این پساوند بالعموم در مؤنث بکار میرود، که در زبان اوستا وسانسکریت "آ" بود .

مذکر	مؤنث	معنی	اوستا
سور	سره	سرخ	suxra-
هسك	هسکه	بلند	aska-
مړ	مړه	مرده	mərəta- } mərətā
اوده (بازبرك)	اوده (بافتحه)	خفته	hvapta
لوی	لویه	بزرگ	-

این پساوند، بر یکعده زیاد اسماء مستقل‌نیزاضافه شده . دربعضی ازاسماء این‌پساوند قدامت‌زیاد دارد . چنانکه "پَشَه" بمعنی پای pāšna که در زبان‌اوستا کلمهٔ پاشنه (بمعنی کُری) موجود است .

(تبصره استاد مورگنستیرن :

پشه : منشاء کلمه *paršna (از کلمه "شپه" بمعنی شب، که دراوستا xšap- است) در اکثر کلماتدیگر این‌پساوند فتحه تازگی دارد، وجانشین یك پساوند دیگرمیباشد که اکثر از میان رفته است، ویا اینکه اصلی میباشد.

مثلا":

پشتو	دری	اوستا
غونه	گون ، رنگ روی‌وتن	gaona-
واوره	برف	vafra-
غوښه	گوشت	γwaša-

این پساوند بر کلمات ساخته شده ، چه اصیل وچه اقتباسی ، اضافه میشود :

لوم	دام	لومه	جال ، تور

گاهی بر کلمات اقتباسی اضافه میشود :

کلمه اصلی	کلمه مشتق در پشتو
خشت	خښته
تب	تبه
سم	سمه (در هندی بمعنی : همسان) (تعلیق ٤٠)

با این پساوند اسم معنی (کلمه مجرد) نیز ساخته میشود .

پوه	= دانا	پوهه	= دانائی

کلمهٔ "بهیا" بمعنی جاری (بهیدل : جاری بودن) از " بهنا" هندی مأخوذ است.

در یکعده کلمات اقتباسی ، این پساوند معنی موئنث را افاده - میکند .

از کلمات هندی :

پشتو	هندی	معنی
جگړه	جهگڑا	جنگ ، منازعه
بوره ، بوری	بورا	بوری ، جوال
تپه	تپا	ناحیه ، منطقه (تعلیق ٢٨)

از کلمات دری وعربی وغیره :

پله	پلهٔ ترازو
جرگه	جرگه
ساله	مصالح
موده	مدت

(تذکر مترجم : کلمه جرگه چه در پشتو وچه در دری ، وچه در مغولی ، قدامت دارد .)

بند ١٠٣

پساوند های اسم معنی بمعنی اسم عمل .

-١

اسم معنی فعلی مختوم به فتحه که بر ریشهٔ کلمه اضافه میشود ، چنانکه در "پوهه" یعنی دانش از روی پوه (دانا) نیز به ماضی مختوم به ت اضافه میشود ، که در حقیقت در زبان قدیم اسم معنی مختوم به ت بوده ، و در اوستا ti بوده .

پساوند دیگری ، بهمین معنی ، که باید در پنجا در نظر گرفته شود ana- میباشد ، که مانند پساوند فتحه ، چه به ریشهٔ کلمه وچه به اسم معنی مختوم به تِ ، اضافه میشود ، و بنابرین دو شکل دارد : ana- و tana شکل مختوم به tana میتواند پساوندِ قدیمِ اسمِ معنی را که تِ tan میباشد در خود پنهان دارد ، که در پارسی باستان tanai بوده ، و آن معادل به نشانهٔ باب (معروف به) مصدر ، در فعلِ دری میباشد ("دن" و "تن")-
باینصورت چهار پساوند فعلی اسم معنی ، بمیان آمده است:

- a, - ta, - tana (-ēdana)

باین هم باید باب مصدری عادی را که در اخیر آن "(زبرك +ل)" میاید نیز اضافه کرد .

نخست: اسم معنی فعلی مختوم به فتحه .

پوه	دانا	پوهه	دانایی

ونیز "بهه" که در بند (۱۰۱) خواندیم .

دوم- اسم معنی فعلی مختوم به "ته" (ده) .

اسم معنی (مجرد)	دری	باب مصدری	دری
آخسته	گرفت ، اخذ	اخیستل	گرفتن
ناسته	- نشست	ناستل	نشستن
زغاسته	دَوِش	زغاستل	دویدن

سوم - اسم معنی فعلی مختوم به ana .

اسم معنی	دری	مصدر	دری
پلورنه	فروش	پلورل	فروختن
پیرودنه	خرید	پیرودل	خریدن
پوشتنه	پرسش	پوشتېدل	پرسیدن
سکوینه	خارش		

در موارد آتی این پساوند به "نه" تخفیف یافته است.

پشتو	دری
اندېښنه	اندیشه

گاهی این پساوند مبدل بپساوند "نا" میشود (=ناوی) (بند ۱۰۴ فقرهٔ ۵) .

ایشنا جوشش

وینا گفتار

چهارم ـ اسم معنی فعلی مختوم به tana (ēdana)

اسم‌معنی	د ری	مصد ر	د ری
اخیستنه	گرفت	اخیستل	گرفتن
پوهېد نه	فهم ، د رك	پوهیدل	فهمید ن
مرېد نه	سپری	مرېد ل	سپرشد ن

پنجم ـ بجای پساوند مؤ نث فتحه د راخیر کلمه ، پساوند مذکر با " زبرك " میاید . و این د رمورد چند فعل است که د رریشهٔ آن مصوت موجود است.

اسم‌معنی	د ری	مصد ر	د ری
واته	برامد ، خروج	وتل	برامد ن
کاته	نگاه ، نظر	کتل	نگریستن

گاهی هم د ران اسم‌معنی که از روی ماد ه ماضی ساخته شد ه و د ران " د " آمده است ، د رمقابل اشکال د ارای " ته " بکارمیرود .

اسم‌معنی	د ری	مصد ر	د ری
لید ه	د ید ار، نگرش	لید ل	د ید ن
پخسید ه	اند وه	پخسید ل	اند وهگین شد ن

این نوع استعمال این پساوند انتظار نمیرفت ، اما زبرك ، ضمنا " پساوند جمع د راسماء د ارای صامت میباشد ، و ازینجاست که " واته " باید جمع کلمه " وات " باشد و واقعا " مانند یك جمع تصریف میشود . چنانکه :

" د وتو وخت د ی " ـ یعنی وقت بیرون رفتن هاست .

بااینصورت " واته " ، یك شکل مغرد " وات " د اشته ، و از اوستا waz-ti ، باید د ر مرحله نخست شکل " وات " (خروج ، مخروج) آمد ه باشد .

د ر زبان اوستا ، اسم معنی مختوم به ti ـ موجود است ، که نقش آن ـ شبیه به باب مصد ری است که نشان های آن را د ر اسم های مصد ر د ری چون " تاخت " (مثلا " تاختوتاز) ماند ه است. مصد ر پشتو با زَبَرك ، جمع همین د ستهٔ اسمها میباشد . اینك جد ول مقارنه :

شش‌میراث اسم معنی اوستائی

در پشتو	از اسم معنی اوستا مختوم با iti	از اسم معنی اوستا مختوم با titi
مصدر و اسم فعلی	۱ـ مصادر مند اول پشتو: زبرک+ل	۲ـ اسم فعلی مصدری مختوم با زبرک
صفت فعلی مشتق	۳ـ مختوم به alai	٤ـ مختوم به tai
فعل ماضی	٥ـ با زَبَرک	٦ـ با ت

(چنانکه گفتیم این مصدر، ضمناً معنی جمع را دارد: مثلاً - د وتلو وخت دی")

خلاصه اینکه، چه مصدر پشتو با 1- (زبرک +ل) و چه اسم معنی فعل "با زبرک" هرکدام جمع کلمه ایست که در اوستا مختوم به iti و ti بوده و تفاوت پشتو و اوستا درین زمینه، تفاوت جمع و - مفرد است (مفرد در اوستا، و جمع در پشتو).

۲- پساوند ūn- و tūn-.

ūn- این پساوند به ریشه اضافه‌می شود. در افعالِ مبنی بر اسم که در ان" یای مجهول +د " ēd می آید به‌ماده‌ٔ فعل افزوده می شود.

معادل این پساوند در زبان اوستا پساوند مختوم به ana بود چنانکه:

اوستا :	معنی
mar-āna	"ش+مار" شمار- آمار- مره
sraoš-āna	سروش، شنوایی

اینک مثال‌های پشتو: (ūn/ēdūn)

ریشه	اشتقاق	معنی	مصدر	معنی
تړ -	تړون	بست (ربط)	تړل	بستن
لمس-	لمسون	انگیزش	لمسول	انگیختن
آرو-	اروېدون	شنوایی (سمع)	آروېدل	شنیدن
وېر-	وېرېدون	ترس	وېرېدل	ترسیدن
گډ -	گډون	آمیزش	گډېدل	آمیختن
گنډ-	گنډون	دوخت، دوزندگی	گنډل	دوختن

دو مثال اخیر از منبع هندی ماخوذ است. (تعلیق ٤)

همچنین است د ر فعلِ متعد یِ مصنوعی ، چنانکه از ریشه "پخ" فعل "پخول" "پختن ساخته شد ه که اسم معنی مشتق ازان "پخوون" است بمعنی پخت و پز.

پساوند ai ازینجا آمد ه است مثلاً :

کړ - کړون	کړونی (کرد نی)

"اچوونی" بمعنی اند اختن ، کنایه از "جنین".

پیوستون بمعنی پیوستگی .

باینصورت پساوند "تون" بمیان آمد ه است :

بېل - جد ا	بېلتون- جد ایی - هجران
کونډ ه - بیوه	کونډ ه تون- بیو گی

۳- پساوند -ïšt و -ašt "شت" .

این پساوند اصلاً به ریشهٔ فعل و مجازاً به اشکالِ اسمی می پیوند د:

کلمهٔ اصلی	معنی	کلمهٔ مشتق	معنی
شور	شور	شورشت	شورش
جوړ	جور ، ساخته	جوړشت	جورش ، سازش
د روند ، د رنه	گران	د رنښت	گرانی ، سنگینی
څورب	چرب ، فربه	څربشت	فربهی

د ر پهلوی، این پساوند بشکل -išn آمد ه ود ر د ری -iš (چون د هش ، کنش ، روش ، وغیره) (د ر زبان گفتاری کابل ، مانند پشتو ištنیز شنید ه می شود چون خارشت ، کاهشت ، و اسمایی چون چرخشت و بالشت - مترجم) .

ازینجا ساختمان کلمهٔ "میاشت" بمعنی "ماه" د انسته میشود که بیاری این پساوند صورت گرفته :

پشتو	د ری	د ورهٔ انتقالی	اوستا
میاشت	ماه	māsti- +	māh

د ر بند ۱۱۵ کلمات "تروږمی" و "سپوږمی" را بررسی کرد یم که گواهِ موجود یت شکل "مې" می باشند .

اگر می توان پرسید :آیا پساوند "کسره+ ش + ت" زاده‌ٔ -
پساوند "کسره + ش + ن" است که در پهلوی داریم؟ دریصورت
این سوال بمیان می آید : ازچه رو "ن" به "ت" بدل شده ، درحالی
که مخرج تلفظ "ن" و "ت" قرابت ندارد ؟

پاسخ این است که این پساوند مستقل است. درزبان اوستا اکثر
بعد از "ش" پساوند اسم معنی مختوم به ti - می آید چنانکه bareš-ti
و jareš-ti. زبان پشتو این ت را از همین پساوند اوستا میراث
گرفته باشد ، و از ترکیب هرد و "ش+ت" پیدا شده است.

٤- پساوند li .

در پشتو کلمهٔ "سوور" و "سپور" معنی "سوار" را دارد و -
ریشه اوستای آن aspa - bāra است.
سور+ لی (= سپر + لی) معنی سوار کاری را دارد .

٥- پساوند ang .

ریشه	کلمهٔ مشتق	معنی	دیگر مشتقات
غورځ	غورځنګ	جهش	غورځیدل
ګر	ګرنګ	پرتگاه	ګرندی = تیزرفتار

کلمهٔ "کهن" در پشتو بشکل "کهنګ" و "کهند" شنیده می شود و -
بنابرین امکان دارد که غورځنګ هم قبلاً "غورځن" بوده و "ګ" بعدا -
اضافه شده وباینصورت این پساوند سابقاً "an" بوده. (تعلیق ۴۲)

بند ۱۰٤

پساوند های اسم معنی، بیانگر کیفیت:

۱- پساوند "تیا" tyā :

از روی معنی ، این پساوند پشتو درزبان های آتی چنین معادل -
دارد :

پشتو	اوستا	سانسکریت	لاتینی	فرانسوی	هسپانوی
tyā	-tāti	-tāti	-tat	-té	-dad

(شکل فرانسوی وهسپانوی که البته ازلاتین آمده است اینجا اضافه شد).
(پساوند لاتینی در زبان انگلیسی انتقال یافته ty - میشود. ("مترجم")

د رینجا باید از" اتیا" (هشتاد) ذکر کنیم که د راوستا aštaiti بود .

ریشه	معنی	اسم مشتق	معنی
پلار	پدر	پلارتیا	پدری- پدربودن
زوړ	پیر ،کهنه	زوړتیا	پیری ،کهنگی
ستړی	مانده	ستړی تیا	ماندگی (تعب)
ړوند	کور	ړوند تیا	کوری
موړ	سیر	موړتیا	سیری
(رشت)	(راست)	رشتیا	راستی
مېلمه	مهمان	مېلمستیا	مهمانی

د رمثال اخیر، آواز" س" د ر" مېلمستیا" ،مزید به پساوند است، وشاید زاده" موجودیت "ن" د ر کلمه جمع" مېلمانه (مهمانان)باشد یعنی که کلمه سابق و قدیم"مېلمنستیا" غالبا" موجود بوده که د ران ایجاب موجودیت "س" نتیجه" موجودیت " ن" بوده و "ن" بعدا" ازمیانه" کلمه ساقط شده است .

(نظریه‌استاد مورگنستیرن : چنان محاسبه می‌شود کهغالبا" د ر زبان اوستا کلمه maiθ-mas-tā (ti) وجود د اشته است که ازان‌مېلمستیا میراث مانده.)

د ر" تنگسیا" بمعنی تنگی "س" برای‌بهبود تلفظ وارد شده و "ت" - بیهوده و ساقط گردیده است وشاید د رزمان سابق تر تنگتسیا و - " تنگستیا" بوده . (د رکندهار : تنگسه مترجم)

۲- پساوند توب -tōb .

از نظر معنی‌این پساوند و " تیا" همسانند :

اصل‌کلمه	معنی	کلمه‌مشتق	معنی
سپین	سپید	سپین‌توب	سفیدی
تریخ	تلخ	تریخ توب	تلخی
رشتین	راست(صادق)	رشتین‌توب	راستی (صداقت)
پړس-	(ریشه‌فعل) آماسیدن	پړس توب	آماس

کلمه :پړس توب " هم بصورت «پړسوب» خلاصه می شود . گاهی هم « اصل کلمه‌ازاستعمال‌افتاده وکلمهٔ مشتق بجا مانده است، چنانکه " پوښل‌توب" - بمعنی پوشاک وپوشش که موجودیت سابق کلمه یی چون" پوښلی " را - (بمعنی پوشیده) نشان می د هد .

مثال‌های "توب" زیاد است. دربارهٔ ریشهٔ آن میتوان گفت که شاید ازیك اسم قدیم منشاء گرفته باشد و بحساب قواعد تحول ـ اصوات پشتو، به کلمه "تاپه" برسد، که معنی توان وقدرت را دارد ("تاب" در زبان دری).

۳- پساوند "فتحه+ ت" at .

عین معنی را ادا می کند:

اصل کلمه	معنی	کلمه مشتق	معنی
لوی	بزرگ	لویت	بزرگی

این پساوند از هندی اقتباس شده است چنانکه در هندی "میتها" معنی "شرین"، و "میٹهاهٹ" معنی "شیرینی" را ادا میکند.

پساوند هندی ahaṭ است که در پشتو تنقیص یافته است. پساوند هندی از ریشه سانسکریت āvṛtti آمده است. (تعلیق ٤٤)

[تذکر مترجم:

در اثر اتفاق، بابهای عربی فعلت وفعالت به at می انجامد. گرچه این "ت" عربی ساده است (ونه "ٹ") چنانکه در غیرت و همت و عبادت وغیره (که در زبان پشتو متداول است) اما بازهم موجودیت این احوال اتفاقی وتصادفی، کسب و حفظ معنی پساوند "فتحه+ت" هندی را آسان ساخته است].

٤- پساوند "والی" wālai.

عین معنی را ادا می کند. مثال:

اصل کلمه	معنی	کلمه مشتق	معنی
سور	سرخ	سور والی	سرخی
کوڼ	کر	کوڼ والی	کری
مور	مادر	مور والی	مادر بودن
پشتون	پشتون	پشتون والی	پشتون والی
روغ	صحتمند	روغ والی	صحتمندی
کږه، کوږ	کږ ـ کج	کږ والی	کږی

منشاء این پساوند نیز هندی است. چنانکه در فقره ۲ بند ۱۰۷ خواهیم دید زبان پشتو پساوند هندی "والا" را که برای ساختن صفات بکار میرود اقتباس کرده است و بکار می برد. اما درین مورد زبان پشتو بر پساوند هندی یك پساوند دیگر را یعنی افزوده است (رجوع به بند ۱۰۲) و مجموع هردو پساوند (اولی هندی و دومی اصیل پشتو) "ولی" شده نشانه اسم معنی (یعنی مجرد) شده است. (تعلیق ٤٥)

٥- پساوند "ولی" vali .

عین پساوند "والي" است، که تحت تاثیر پساوند "ي" (چنانکه در آخر کلمه مسلماني در زبان دری) این تلفظ را گرفته است:

اصل کلمه	معنی	کلمه مشتق	معنی
ورور	براد ر	ورور ولی	براد ری

٦- پساوند آ ā .

این پساوند مونث بصورت "آوی" جمع می شود.

مثلا "غل" بمعنی دزد، "غلا" دزدی، "غلاوی" دزدی ها. ریشه این پساوند در زبان قدیم شاید "آ" و "آك" بود و آن همان ریشه است که در زبان دری از آن آ مانده است، چنانکه در گرما، پهنا، ژرفا، درازا. این پساوند اکثر چنان نافذ شده است، که احساس زبان، ملتفت پساوند بودن آن نمی شود، مثلا:

پشتو	معنی	اوستا
پلا	بار، راه، سفر	paθā-
ملا	کمر	maiδyāna
غوا	ماد گاو	gau-
شا	پشت	--
نرا۱	بانگ گاو (مصدر نارل)	nard (سانسکریت)

همه این کلمات با "اوی" جمع می شود چنانکه غلاوی، بلاوی، ملاوی، غواوی، شاوی، نراوی.

کلمه "آس+ کسره اضافت + آب" که در زبان دری "آسیاب" است (و در زبان گفتاری "ب" اخیر آن سقوط کرده) در زبان پشتو، اقتباس شده و با آن همین معامله می شود یعنی مونث تلقی میگردد وجمع آن "آسیاوی"

می آید . و کلمهٔ عربی " عصا" که د ر پشتو" امسا" شد ه ، مونث بشمار آمد ه جمع آن " امساوی" می آید .

آن اسمای‌معنی مشتق که با پسا وند "-تیا" ساخته شد ه ، نیز مونث بود ه با (وې) جمع می شود چنانکه " میلمستیا وې" یعنی مهمانی ها .

سابقه ایکه جمع این‌کلمات مشتق ،با" وې" می شود کشف نشد ه ـ که چسان این‌نشانهٔ جمع بمیان‌آمد ه است . (تعلیق ٤٦)

۷- پسا وند وی awi .

اصل‌کلمه	معنی	کلمه‌مشتق	معنی
خپل	خویش، خویشاوند	خپلوی	خویشاوند ی

۸- پسا وند ی ī- .

این پساوند ،گرچه از د ری‌گرفته شد ، مگر به کلمات پشتو و نیـز به کلمات اقتباس‌شد ه اضافه می شود مثلاً :

اصل‌کلمه	معنی	کلمه‌مشتق	معنی
لوی	بزرگ	لویی	بزرگی
زیات	زیاد	زیاتی	زیاد ی
قات	قحط	قاتی	قحطی

۹- پساوند آیی āī- .

این پساوند نیزگرچه لا زمی گرفته شد ه مگر به کلمات‌پشتو ونیز به کلمات‌ِاقتباس‌شد ه اضافه می شود مثلاً :

اصل کلمه	معنی	کلمه‌مشتق	معنی
رو ڼ	روشن	رڼا یی	روشنایی

البته زبان پشتو از" روڼ" با افزود ن"آ" " رڼا" نیز ساخته است که‌معنی روشنا را د ارد .

این‌پساوند را با پیشاوند aī که د ر فقرهٔ۹ بند ۱۰۷ خواهیم‌د ید ، (و آن‌پشتوی‌اصیل‌می‌باشد) نباید مغالطه کرد .

۱۰- پساوند های گلی وگلوی galī، galwi .

اصل کلمه	معنی	کلمه مشتق	معنی
پلا ر	پد ر	پلا ر گلوی	پد ربود ن
ورور	براد ر	ورور گلوی	براد ری
پیژند	شناس	پژند گلی =پیژند گلوی	شناسایی

این پساوند خود مرکب از د و پساوند استیکی ī و avī (که د رشماره ۷ و ۸ شناختیم) ودیگر " گل " که ازا " گلی " و " گلوِی " ساخته شد ه است.

این پسا وند را د ر دیگر زبان های همخانواد ه ٔ پشتو یعنی بلوچی — وکُرد ی بصورت نشانه جمع بمعنی دَسته وگَله می یابیم و کلمه ٔ " گله " د ر د ری نیز ماند ه است .

ریشه ٔ این همه کلمات شاید مشترك باشد . (تعلیق ٤٥)

بند ۱۰۵

صفات واسمای فاعل .

۱- پساوند فتحه+ن+د (+ه) and/anda

این پساوند پشتو د ر زبانِ قدیم ریشه د ارد ' و آن صفت فاعلیِ حالِ - جاری مختوم به ant است (و د ر زبان های دیگر آریایی نیز بود ه است - چنانکه یونانی قد یم -ont- ولا تینی ent- وغیره) .

بعضی ازین صفات واسمای فاعلی را زبان امروز ، بصورت مشتق ، احساس نمی کند ، اما از روی تحقیقِ ریشه معلوم می شود د ر زبان سابق ، اشتقا ق یافته است مثلاً " :

اسم مشتق	معنی	منشاء قد یم
ژوند	زند گی	jv-ant (اوستا)
تالند ه	تند ر (رعد)	tān-anda +(شکل قیاسی قد یم)
جرند ه	آس ، آسیاب	jar- +(شکل قیاسی بمعنی میده کرد ن) .

اما د ر زبان امروز این پساوند با اشکال اند ، آند ، اند وی زند ه و — فعال است و " احساس " می شود چنانکه " خُورلند ی " (چرخك) ، از " خُور - لېد ل " (چرخید ن) و " ساتند وی " (نگهبان) از " ساتل " (نگهد اشتن) و " پوهاند " (خرد مند ، د انا) از " پوه " (د انا) و از " پوهید ل " - (د انستن) .

د رین همه موارد ، کلمهٔ اساسی فعل است. اما گاهی از روی قیاس این پساوند به اسما نیز افزوده می شود ، چنانکه "نومندی (نامور) از "نوم" (نام) و "خرمندی" (بمعنی شاد اب ومقبول) از "خرم".

کلمهٔ "خرخند وکی" (بمعنی "چرخك" ، بازیچهٔ کودکان) از خرخ آمده. اما "خرخ" شکل مغعن کلمهٔ دری "چرخ" است واگر این کلمه مطابق قوانین تحول صوت پشتو بجا می ماند ، باید "څار" می بود.

د ر اینکه د ر پشتو کلمهٔ د ری "کهن" را "کهند" تلفظ می کنند، تاثیرتقلید قیاسی همین پساوند موجود است.

۲- پساوند واوِ معروف+نی ūn-kai و ūani.

ازصفت مشتق فعلی (حالت وسطی) زبان اوستا آمده است که (آنه) āna بود. ازین ریشهٔ قدیم د رزبان دری "آن" مانده است چون "جوش" و "جوشان".

ریشه	اسم فاعل مشتق	معنی
کړ، کړل	کرونی	کننده - (سانسکریت (kxr-v-āna
سات (ساتل)	ساتونی	پاسدارنده
گرز (گرزید ل)	گرزید ونی	گرد نده (تعلیق ۳٤)

چون به این پساوند یك پساوندِ مزید یعنی kai افزوده شده - آنگاه اسماء و صفات فاعل مشتق چون کړونکی ، ساتونکی ، و اوسید ونکی (باشنده ، مقیم) ساخته شده است.

چنانکه د ر بند ۱۰۷ فقرهٔ ٦ خواهیم دید ، پساوند "- ونی" به صفت ها هم اضافه می شود.

۳- پساوند گری garai.

ریشه این پساوند ، با پساوند اوستا kara (کننده) قریـــن است ، و آن همان است که پساوند "گر" دری از آن آمده است.

کلمه اصلی	معنی	کلمه مشتق	معنی
لَو	د رو	لُوگر (ی)	د روگر
مل	یکجا	ملگری	همراه ، د وست

مینځ ، منځ	میان	منځگری	میانجی
جرنده	آس	جرند گری	آسیاب بان
دَم	دَم (نفس)	دَم گری	دمنده ، افسونگر

شکل مونث پسا وند "گره" است .

ازکلمه شوله (یعنی شالي ،برنج که هنوز در کشتزار است)شول گــــره اشتقاق یافته است بمعنی "شالي زار" و از "شه" (خوب) شهگره (نیکوئــی سود) .

این پساوند را نباید با پساوند "گری" مغالطه کرد که برای تسمیــــه بچه های جانوران می آید ، وآنرا در بند ۱۰۸ فقره ۷ مطالعه خواهیــم کــرد .

٤- پساوند "چی" ci.

این پساوند ترکی ،در دری و پشتو اقتباس شده است ، اکثر برای تسمیه اهل پیشه وحرفه می آید .

کلمه اصلی	معنی	کلمه مشتق	معنی
جار (جهر)	(آواز) بلند	جارچی	منادی کننده
نسق	تنظیم	نسق چی	جلاد ، اشکنجه گر

کلمه "نَسَق چی" را الفنستون Elphinstone در شرح احوال دربار سدوزائی بکار برده است

کلمه مسخره چي بمعنی مرد مسخره ،و دُم چي (تسمه یی که به دم اسپ بسته می شود) نیز در پشتو مستعمل است . مثال اخیر نشان می دهد ، که این پسا وند ترکی ،غیر از معنی کسب وکار هم بکار رفته است .

(تعلیق ٤٧)

٥- پساوند an .

این پساوند اسم وصفت فاعل مونث از زبان هندی داخل پشتو در منطقه پشاور شده است مثال :

کلمه اصلی	معنی	کلمه مشتق	معنی
موچی	کفش دوز	موچن	زن کفش دوز (تعلیق)

بند ۱۰۶

پساوند های خویشاوندی :

۱- پساوند -وِّر ōr .

ازروی تقلید قیاسی ، به وزن "خوِّر" (خواهر) ، "موِّر" (مادر) - ساخته شده است.

پشتو	دری	شرح
ترِّور	عمه	ازروی "تره" بمعنی عم
نندِّور، ندروِّر	خواهرشوهر	متکی بر سانسکریت
نزِّور، نگِّور	زوجه پسر	در زبان قدیم
تندُور تندر، تندار	زن عم	متکی بر قیاس (ازروی تره وندروزر)

ـ ریشه "تره" در کلمه -tūrya اوستاست.

ـ درباره کلمه "نندرور" باید کلمه سانسکریت nanadar یعنی برادر شوهر را تذکر داد که اگر پساوند -ور بآن افزوده شود وتلخیص گردد ، ازان نَنَندرور و نَنْدرور بارمی آید کهبا تلخیص مزید نَنْدور می شود . (درکندهار تبدیل مزید صورت گرفته نُدُرور میگویند . مترجم)

ـ ریشه نزِّور ، نگور باید nuž باشد که در سانسکریت snušā - شده است (در دری گفتاری کابل سُنوُ sonū بمعنی زوجه پسر و عروس است) .

ـ کلمه تندور وتندر ازروی تره "عم" ویا قیاس بر "ورندار" (زن برادر) و ضمنا "قیاس بر" ندرور" ساخته شده است. "ورندار" خود مرکب از "ورور" (برادر) و "دار" می نماید ("دار" کلمه هندی که در سانسکریت داره dāra بود معنی زوجه را دارد) . (تعلیق ۹ ٤)

۲- پساوند "گنی" -ganai .

بمعنی خیل و منسوبان خانوادگی :

پلارگنی (خانواده پدری) مورگنی (خانواده مادری) نیکه گنی (خانواده جد) اناگنی (خانواده جده) .

بهکلمه پشتو "نیاگانه" باید توجه شود کهمعنی خویشاوند مادری را می دهد . در زبان قدیم این پساوند بصورت "کان" موجود بود چنانکه در پهلوی "شاهپورکان" . ، پساوند "گنی" نیز ازریشه "گانه" و "کان" آمده است .

بند ۱۰۷

پیشاوند های ندا و توصیف .

این دوگونه پساوند یکی جای دیگر را می گیرند، و بعضی هردو وظیفه ندا و توصیف را بجا می آرند ، بنابرین هردو را یکجا بررسی میکنیم :

۱- پساوند alai, lai, ilai, ōlai

در بند ۹٤ پساوند alai را در مورد صفت فعلی مشتق خوانده یم . ازان حالت به معنی صفت انتقال کرده است .

کلمه اولی	معنی	کلمه مشتق	معنی
ښاغل	دوست داشتن	ښاغلی	زیبا ، شایسته
(سیر)	شیر	سپرلی	برهٔ شیرخوار
گاو	گاو	گاولی	کفش پوست گاو
سترگه	چشم	سترغلی	حلقهٔ دورچشم
سپند	سپند	سپلنی	سپند (ترکیب سپن + الی با تقلیب ن + ل)
روه	(نام سرزمین)	روهیلی	ازاهلِ روه
خټ	لای	خټولی	آب گل آلود

گرچه کلمهٔ اولی بعضی مشتقات چون شیر و گاو دری است اما معنی کلمه مشتق محض در پشتو دانسته می شود (تعلیق ٥٠)

۲- پساوند مونث " له " la .

کلمه اولی	معنی	کلمه مشتق	معنی
تره	عم	ترله	دخترعم
شاخ	شاخ	شاخله	شاخچه
(ور)	بار	ورله	باردار

[تبصره استاد مورگنستیرن : ورله نباید ترکیب ور ("بار" دردری) و "له" باشد بلکه صفتِ فعلی مشتق حال جاری فعل اوستایی barati باشد . اما منشاء کلمه برالبه brālba که بیشتر بمعنی زن" باردار" بکار می رود شاید بار + بره (بار بر- باردار) بوده بعداً" مبدل به" برابره" وبعد ازان" بلاربه" و " برالبه" شده است .]

۳- پساوند اَن انی an, anai

کلمه اولی	معنی	کلمه مشتق	معنی
اوس	اکنون	اوسنی	کنونی
پاس	بالا ، بر	پاسنی	بالا یی ، برین (مقصد از کابل)
ښکته ، کښته	پایین	ښکتنی	پایینی (مقصد از پنجاب و هند)
بیگا	بیگاه ، دیشب	بیگانی	شبینه
بر	بالا	برنی (شپه) = برایی	دیشب
سږ	رام - (سال)	سږنی	امساله
کور	خانه	کورنی	خانگی
مور	مادر	مورنی	مادری
نوغن	نشان	نوغنی	نشانی دار
وخت	وقت ، ماقبل	وختنی ، ورختنی	ماقبل ، پیشنین
ورسته	پس	ورستنی	واپسین
ورومبی ، لمړی	نخست	ورومبنی ، لمړنی	نخستین
نن	امروز	ننني	امروزی
کال	سال	کالنی	سالانه

پساوند "اَن" برای بیان حال شخص مبتلا شده به بیماری‌ها وعیوب وکلمات تحقیر بکار می رود :

کلمه اولی	معنی	کلمه مشتق	معنی
پسم	گَر ، جَرَب	پسمن	گرگین
چخي	آب بینی ، چشم	چخن	دارای آب‌بینی
سپږ	شپش	سپږن	شپشین
خیره ، خیری	ناپاکی	خیرن	ناپاک
لیچ	بیماری چشم	لیچن	مبتلای بیماری چشم
اغزی	خار	اغزن	خاردار
تور (واومجهول)	تاریکی (تهمت)	تورن	تاریک (تهمت‌زده)
سیوری	سایه	سیورن	(محل) سایه‌دار

٤- پساوند lan که از lai آمده.

کلمه اول	معنی	کلمه مشتق	معنی
شیگه ، شگه	ریگ وسنگریزه	شیگن ، شگلن	سنگریزه زار
زَوْ	ریم	زَولن	دارای ریم

٥- پساوند " این " in .

این پساوند در زبان اوستا بشکل aēna موجود بود ه چنانکه zar-aēna یعنی زرین . پساوند دری -ین هم همین سابقه را دارد .

کلمه اصلی	معنی	کلمه مشتق	معنی
خاوری	خاك	خاورین	خاکسار ، خاکی
مالگه	نمك	مالگین	نمکین

کلمه " شین " بمعنی سبز در اوستا - axšaēna آمده است (دری قدیم خشین ، خین وخنگ ، کردی : شین) که در ان همان پساوند موجود بود ه .

ازین پساوند با افزودن پساوند های دیگر in-ai, in-a, in-ga بمیان آمده است :

کلمه اصلی	معنی	کلمه مشتق	معنی
رښتیا	راست وراستی	رښتینی ، رښتین	راستین
وړاندی	پیش	وړاندینی	پیشین
خواښ	خُشو (مادرِ همسر)	خوښینه	(خواهرهمسر) خیاشنه
خور	خواهر	خورینگه	خواهرخوانده

٦- پساوند unai .

کلمه اصلی	معنی	کلمه مشتق	معنی
رِښتیا	راست ، راستی	رِښتونی	راست کردار
برگ ، غبرگ	توأم	برغونی	دوگانه
لارغه	مهلت ، تاخیر ، مکث ،	لارغونی	پیشینه
لاس	دست	لاستونی	آستین

این پسا وند unai ، در پهلوی ānak بوده و در دری āna است . (بند ۱۰۲ فقرهٔ اول ، دربارهٔ معادلت ai به ak و a دیده شود). ازینجاست که پشتو این پساوندِ دری را نیز - اقتباس واستعمال کرده است .

پساوند āna - .

کلمه‌اصلی	معنی	کلمه‌مشتق	معنی
جرم	جرم	جرمانه	(مبلغ) جریمه
شرم	شرم	شرمانه	جریمهٔ ننگ
شکر	شکر	شکرانه	شکرانه (حق‌الزحمه)
مېړ	مرد	مېړانه	مردانگی

چنانکه دیده می‌شود جرم ، و شکر چه در دری و چه در پشتو از عربی اقتباس شده است .

۷- پسا وند i- (کسره یا یای‌مجهول)

این پساوند اسمای مونث است که درحالت نومیناتیف (فاعل) خود بخود درکلمه موجود است؛ اما در حالتِ جرٔ عیان می شود ، مثلاً " لار بمعنی راه اما " لارې" درمورد " ازراه" یا " برراه"- (بند ٦٧ دیده شود) .

۸- پسا وند ī-(یای‌معروف) .

گرچه این پساوند ازدری‌اقتباس‌شده ، اما زبان‌پشتو آن را به معانی حاضر بکار می برد ، مثلاً " خرڅي " از کلمهٔ "خرج" اشتقاق یافته ، معنی " خَرّاج " (= مُبذّر) را می دهد .

چنانکه در بند ۱۰٤ فقره ۸ و۹ دیدیم ، پساوند های دری - (یای‌معروف) ، و آیی aī نیز در پشتو مستعمل است.

۹- پسا وند aī .

این پسا وند مختوم به یای‌ملینه مونث زبان‌قدیم است، که سابقه آن به مشتقات aki - می رسد (همچنان که‌دیدیم ، پساوندai از aka - آمده است) .

اصل کلمه	معنی	کلمه مشتق	معنی
-	-	پیری	پسری
(جن)	(زن)	جونی	دختر
(نرمه)	نرمه	نرمی	نرمه گوش
لینده	کمان	لیندی	کماندار
(پشته)	پشته	پشتی	پشته کوه یا تل

مونث کلمات مختوم به ai یا i ختم می شود (بند ٦٦ دیده شود). در کلمات ماخوذ از هندی ai بجای I هندی می آید، چنانکه:

ماخذ	پشتو	معنی
عماری (عربی درهندی)	امبالی	زین پیل
پگړی	پکړی	دستار
توری	توراپی	نباتی شبیه بهخیار (توري در کندهار، ترائي در کابل)

۱۰- پساوند "ز" و "ح" با مصوت ها:

پشتو	دری	اوستا
نمونځ	نماز	+ namāč-
ور+یځ (وریځ)	ابر	avra-
تربش+اځ (تربشځ)	تیشه	taxš-
سپی +آزه (سپیازه)	سقط جنین	spaya- بمعنی سقط دادن
ایو+ازی (یوازی)	تنها	aēva-
است+ازی (استازی)	قاصد، فرستاده	ā-stā-
کاڼ+یز (کاڼیز)	سنگزار	karna-
وار+یزه (واریزه)	تبی که بار بار میاید	--
ست + یزه (ستیزه)	سطح فرازتپه	--

(تبصرهٔ استاد مورگنستیرن: کلمهٔ اوستایی namāč- بعداً در پشتویك مرحلهٔ انتقالی namānč داشته است.)

چنانکه ملاحظه می کنیم، در مقابل این پساوند پشتو، در اوستــــا āč و ānč وجود داشت (که در دری ازان "آز" مانده است). در اوستا از پیشاوند fra- بمعنی فرا با افزودن این پساوند ادات چون frāč و frānc ساخته شده که منشاء کلمهٔ "فراز" (پیش) است، اما از کلمهٔ "نماز" معلوم میشود که درهمان مرحله اوستایی، اسماء نیز باین وسیله ساخته می شد.

شکل iz این پساوند درکلمه در "کن+یز" (کنیز) و -
"پاک+یز+ه" (پاکیزه) و "دریزه" باقیمانده است .

(تبصرهٔ مترجم: یکعده مثال‌ها درین فصل نشان می دهد که این پساوند در جمله پساوند های تاریخی که اکنون زبان آنرا "احساس" نمی‌کند مانند نمونخ ، ودریخ ، ترشخ وباید همه دربند ۱۰ - مذکور می شد . . . اما یکعدهٔ دیگر مثال‌ها چون واریز وکلمات - مستعمل امروز چون سریز ، لنه یز ،کالیز ، ختیخ وغیره زند مبودن پساوند را نشان می دهد و ذکر آن درهمین بند مناسب است) .

۱۱- پساوند -ga .

این پساوند به اسماء افزود می شود ، مگر معنی آنرا تغییر نمی دهد :

کلمه‌مشتق	معنی	اوستا
سترگه	ستاره	star-
گرگ	گرَجرب	garena
(گرگی	گرگین)	
ورماگه	ورم	--

کلمه دری "مرگ" ازهمین جمله است گرچه امروز زبان پساوند آنرا احساس نمی کند (اوستا : mahrka) .

(تذکر مترجم: پساوند گ در دری گفتاری کابل در کلمهٔ گرگ موجود است و نیز درکلمهٔ گرگین زبان ادبی ، وگرگی زبان گفتاری) .

۱۲ پساوند -at .

مثال واحد : اوچت (بالا ، فراز) .

۱۳- پساوند tai, tu .

کلمه‌اصلی	کلمه‌مشتق	معنی
روژه	روژه‌تی	روزه‌دار.
جرگه	جرگه تو	عضو جرگه
نا	نامتو	نامور

در زبان سندهی ، بهریه تو بمعنی "حمال" ، ازبهری بمعنی "حمل" ساخته شده .

۱٤- پساوند څـه ، څی ca, cai

کلمه‌اصلی	معنی	کلمه‌مشتق	معنی
غـر	کو ه	غرڅـه	جانورکوهی
لم	دُم ،دُمبه	لمڅی ،لمسی	نمـد

۱۵- پساوند man .

کلمی اصلی	کلمه‌مشتق	معنی
نیاز	نیازمن	نیازمند
گیله	گیله من	گله مند
ویره ، یره	(و) یرمن	هراسان
میر څی	میرڅه‌من	کینه جو

۱٦- پساوند -am .

این پساوند د راوستا am - بوده برای بیان‌اعداد رتبی می آید - مثلاً "اته" (هشت) ، "اتم" هشتم و غیره.

کلمه‌اصلی	کلمه‌مشتق	معنی
تر ، تار	ترمی	پراگنده وتار
ارک (ارز ي)	ارگمی (ارز مـی)	فاژه (د ری : آر+وغ معنی د یگرگرفته) .

پساوند -ama معنی خاص گرفته است :

کلمه‌اصلی	معنی	کلمه‌مشتق	معنی
غوا	ماد ه‌گاو	غوا یَمه	ماد ه‌گاو د رایام‌جفت شدن
وز ه	ماد ه بز	وز یَمه	ماد ه بز رر رر رر
سپی ،سپیه	ماد ه سگ	سپیَمـه	ماد ه سگ رر رر رر

۱۷- پساوند yai .

کلمه‌مشتق	معنی
غوا + یی	نرگاو
خوره + یی	خواهرزاد ه
مره + یـی	برد ه ،غلام
نیا +یه+یی	خال

این پساوند در اوستا بشکل ya- وجود داشته ، چنانکه gao-ya بمعنی " نرگاو" .

۱۸- پساوند war, ā-war

کلمه‌اصلی	کلمه‌مشتق	معنی
زړه	زړه ور	دلاور
بخت	بخته‌ور ، بختور	بختاور

این پساوند در اوستا وجود داشته و var- بوده .

۱۹- پساوند jan, zan, žan-

این پساوند که هم معنی ریشه قدیم " زد ن" (زن) است برای ساختن صفت بکار می رود :

کلمه‌اصلی	معنی	کلمه‌مشتق	معنی
توره	شمشیر	تور زن	شمشیرزن
غم	غم	غم جن	غمین
دروغ	دروغ	دروغجن	دروغ زن

در زبان دری این پساوند به شکل " زن" باقی مانده است ، چنانکه " دروغ زن" (در دری گفتاری کابل کبرجن بمعنی متکبر از پشتو آمده است - مترجم) .

۱۹ مکرر - پساوند nāk .

کلمه‌اصلی	کلمه‌مشتق	معنی
سلیښ ، ښلپښت	سلیښناك	سریشناك ، چسپناك
خوند	خوند ناك	مزه دار
زیم	زیمناك	نمناك
ښځه	ښځوناك	مخنث (زنچو)

این پساوند که از آن صفت ساخته می شود ، از دری اقتباس شده است .

(تبصره مترجم : در دری این پساوند اکثر برای حال ناگوار بکار رفته چون دردناك و غمناك وغیره . در دری صفاناك وغیره تازه است اما در پشتو " خوندناك " نشان میدهد که چنین تفریق تحمیل نشده است) .

۲۰- پساوند wāl- .

این پساوند از زبان هندی آمده است (چنانکه دهلی والا یعنی - دهلوی ، درهندی). در پشتو بنهر وال بمعنی کسی‌که از اهل بنهر باشد.

درباره اسم معنی " وال" و " والي " بند ٤٠ (فقره ٤) دیده شود .
(تعلیق ٤٥)

۲۱- پسا وند yā- .

این‌پسا وند از هندی "آ " ست وازان اقتباس‌شده است .

هندی (صفت)	هندی (فعل)	معنی	پشتو	معنی
جلا	جلنا	سوختن	جلیا	سوزان
لگا	لگنا	بکار اندا ختن	لگیا	سرگرم
ملا	ملنا	ملاقات کردن	ملیا	روبرو

(تعلیق ۱ ٥)

۲۲- پسا وند yālai

کلمه‌اصلی	کلمه‌مشتق	معنی
جنګ	جنګیالی	جنگاور
ننګ	ننګیالی	باننگ
تور	توریالی	شمشیر زن
برګ	برګیالی	داغدار

این‌پساوند وظیفه " والا " ی هندی‌را اجرامیکند (چنانکه درهندی‌گاړی والا بمعنی گادی بان ، ټوپی والا بمعنی مردکلاه دار) . چنان به‌نظر می رسد که‌این پساوند تحریف " والا " ی هندی‌باشد، وچون دراخیر کلمات اصلی i آمده است " و" که در " والا " آمده تحت تاثیر به"ی" تبدیل‌شده است ، چنانکه از" برګ" بمعنی داغ و لکه کلمه" برګي " آمده و این" ي" دراخیر برګی " و" راکه در " والا " ست به "ي" بدل‌کرده است.

(تذکرمترجم :گرچه دارمستتر این مطلب را بطور قاطع‌حکم نکرده ، اما"احتمال" شمردن او نیز قابل‌تامل‌است. زیرا زبان‌پشتو این پساوند را باکلمات اصیل چون‌زمر ، ننګ ، و تور و بر ،بکاربرده و خوشحال‌خان ختک کلمه"فرهنگیالی" را در شعرآورده است. و در اصیل‌بودن این پساوند شک‌آوردن دشوار است، وبهرصورت سابقه تاریخی زیاد دارد) .

بند ۱۰۸

پسا وند های تصغیر .

پساوند های تصغیر ضمنا" پساوند تحبیب و گاهی تحقیرمیباشد.

۱- پسا وند ai .

سابقهٔ آن در اوستا aka است. رجوع شود به بند ۲۰۱ فقره اول .

۲- پساوند -ak .

کلمه اصلی	تصغیر	معنی
بنیه	بنیکه	بـّـرك
چرگ	چرگك	مرغك
مرد	مردك	مردك
توپ	توپك	تفنگ

این پسا وند از دری اقتباس شده است.

(تذکرمترجم: "ن" (در"تفنگ") قبل از"گ" مثال های مشابه دارد ، و چنان بنظرمی رسد کلمهٔ دری" تفنگ" خود زادهٔ کلمهٔ پشتوی" توپک" باشد واگر دری می بود، " توپک" گفته می شد .)

۳- پسا وند ka, gai .

در مثال های آتی با این پساوند اسم ساخته شده است :

کلمه اصلی	معنی	کلمه مشتق	معنی
راشکـــه	خرمن گندم	راشککی	خرمنك گندم
شپون	شبان	شپنکی	شبانك
پلان	فلان	پلانکی	فلانی
اور	آتش	اوره کی	کرم شب تاب
جنــی	دختر	جینکی	دخترك
کټ	تخت خواب	کټکی	تختك خواب
کم	اندك	کمکی	بسیارخورد
(دست)	دست	دستکی	پایهٔ نردبان
خوار	خوار	خوارکی	خوار وبیچاره

گی

زړه	دل	زړگی	پارچهٔ دل
زوم	داماد	زومگی	دامادك

خو له	د هن	خولگی	بوسه
بود ا	پیر مرد	بوډا گی	پیرمرد ك
ستوری	ستاره	سترگی	چشم

(ذیل ص ۱۹۵ دیده شود)

در مثال های آتی با این پساوند صفت ساخته شده است :

سپیره	خاکی رنگ	سپیرکی	خاکی گونه
شین	سبز	شینکی	سبز گونه

٤- پساوند ——— .ukai, ugai

کلمه اصلی	معنی	کلمه مشتق	معنی
پند	بسته ـ بار	پنډوکی	بسته گك
هډ	استخوان	هډوکی	استخوانك ها
وړ	خورد	وړوکی	خورد ترك
توډ	گرم	توډوکی	نسبتاً گرم
زوړ	کهنه	زوړوکی	جامه کُهنه
مخ	روی	مخوکه ، مشوکه	منقار
چوری، چاړه	چاقو	چورو کی، چړوکی	چاقوگك

٥- پساوند ṭai, ūṭai, guṭai·

ازهندی آمده است ، چنانکه ټ نشانه آنست . در هندی بشکل ټو است (چنانکه با مهنوټو ، یعنی " برهمنك") .

کلمه اصلی	معنی	کلمه مشتق	معنی
زنگوـ زانگو	گهواره	زنگو ټی	گهواره گك
سړی	آدم	سړوټی	آدمك
کټ	تخت خواب	کټوټی	تخت خواب کوچك
زړگی	دلك	زړگوټی	مغز دل
منگی	کوزه	منگوټی	کوزَچه

ازین پساوند ، پساوند گوټی بمیان آمده است .

کلمه اصلی	معنی	کلمه مشتق	معنی
زوړ ـ زړه	کهنه	زړگوټی	جامه کهنه
کار	کار	کارگوټی	کارك
لږ	اندك	لږکوټی ـ لگوټی	بسیار اندك

۶- پساوند rai, urai

این پساوند در هندی بشکل ru و ra آمده است :

کلمه‌اصلی	معنی	کلمه‌مشتق	معنی
خس	خس	خسه ړی	پرازکاه
ګډ	گوسفند	ګډ و ړی	بره
جنګ	جنگ	جنګو ړی	جنگ مختصر
مږ ك	موش	مږ کوړی	موشك
کمك ، کاك	نان‌کمك	ککو ړی	کلچه

گاهی معنی تصغیر ندارد :

نوم	نام	نوموړي	نامدار
خورل ، خوړل	خوردن	خرو ړی	سگ گزنده

۷- پساوند karai, garai-

با تاثیر پساوند اخیرالذکر، این پساوند گاهی ګړی تلفظ میشود .

کلمه‌اصلی	معنی	کلمه‌مشتق	معنی
طوطا	طوطی	طوطا کړی	طوطی گك
وز	بز	وزګړی ، وزګوړی	بزغاله
پیشو	پشك (گربه)	پیشونګړی	پشكك
بچی	بچه	بچونګړی	کودك
-	-	بلونګړی	موش خرما

منشا کلمهٔ اخیرالذکر قابل بحث است ،که آیا از کلمهٔ هند " بِلّی " بمعنی گربه آمده و" موش‌خرما" شبیه به" گربه‌گك" خوانده شده است ؟

اکثراً این پساوند درمورد جانوران بکار می رود وکلمه" کُره" دری (چون " کُره" اسپ) همین‌خواهد بود .

۸- پساوند ō .

این پساوند با واو مجهول ، بجای نیمهٔ (جزو پیشتر تلفظ نشده) نام ها بکار می رود چنانکه :

نام‌اصلی	نام کوتاه شده	
دُرخانی	دُرخوّ	
بَختوره	بَختوّ	وغیره

ازروی‌حرمت ، این پساوند جانشین خان و بانو و ببگم می شود - چنانکه ' اسلمو ، پیرو ، امیرو . . . چنانکه در بند ۱۰۸ (فقره ۱ دیدیم اسلمی ، پیری ، امیری ، نیز گفته می شود . همچنین شیرینو ، نازو ، گلو ، بجای شیرین ، نازی ، گل بیگم وغیره و در مورد نام زنان .

بند ۱۰۹

کلمات مختوم به ta-

باید از پساوند حالت داتیف (هدفی) آمده باشد .

(بند ٦٨ـ فقره ۲ دیده شود) .

کلمه‌اصلی	معنی	کلمه‌مشتق	معنی
دَلې	اینجا	دَلته	باینجا
هه ، هغه	آن	هلته	آنجا (به‌تقلید دلته)
چیری چِری	کجا	چرته	کجا
هیڅ چِری	هیچ جا	هیچرته	هیچ جا
پور	بالا	پورته	به بالا
ویله	یکدیگر	ویلته	با یکدیگر
(شکه)	پایین	شکته	به پایین

در بارهٔ شکه که در اخیر آمده کلمهٔ اوستا škiya لا در نظر باشد .

می آییم به کلمه" پېرته" بمعنی " باز ، پس" که اصلا " "بیاته" بوده ، زیرا بیا" معنی " باز ، پس" را دارد . اما " بیاته" بجا نمانده بلکه به تقلید - چیرته ، مبدل به " بېرته" شده است .

[بیان کلمه سترگه که در سطر سوم صفحه ۱۹۳ امده است :

منشاء کلمهٔ ستوري بمعنی ستاره را ' گایگر مشتق از اوستا stār میداند .

استاد مورگستیرن توضیح میکند' که شکل‌ما بعدِ کلمهٔ اوستا stāra-ka بود ، بعدا در پشتو ستوري شده است .

منشاء کلمه سترگه را ویلهلم گایگر در کلمهٔ اوستائی star قرارمیدهد . استاد مورگستیرن بیان میکند دراخیر ریشهٔ کلمهٔ kā نیز بشکل پساوند وجود داشته و در پشتوي تیري کوهاټ سترگه معنی‌چشم و ستاره (گک) و چشمک زدنِ ستاره را دارد .]

نوع دوم ـ اشتقاق توسط پیشاوند ها

این اشتقاق بیشتر در مورد افعال است . بعضی پیشاوند های آن، موجودیت مستقل داشته و تمیز می شود ، و بعضی جد انشد نی بوده ، جز با فعل ، بکار نمی رود .

بند ۱۱۰

پیشاوند های جد انشد نی .

عبارتند از:
a-, āl-, bar-, bō-, ham-, prā-, prē-, jār-, n-, wa-, war-, wu-, yō-

۱ ـ پیشاوند "آ" .

آستول" فرستادن" ، مستقبل : " وابه استوی" .
این پیساوند "آ" عینا" در زبان اوستا موجود است ، مثلا" در اوستا ā-stāy آوردن . حاضرکردن(کسی را) . در حقیقت آستول در پشتو همین کلمه اوستاست که در ان aw- (فتحه+و) ، بحیث نشانه' کوزال (متعدی مصنوعی) اضافه شده است ، چنانکه در بند ۹۸ خواندیم . " فرستادن" در زبان دری نیز همین کلمه است ، که در ان " فر" بحیث پیشاوند بکار رفته است (گرچه زبان آنرا امروز " احساس" نمی کند) .

فعل	معنی	مستقبل (مفرد غایب)
آرېدل	شنیدن	وبه اروی
آچول	انداختن	وبه اچوی
آخیستل	گرفتن	وبه اخلی
آغوستل	پوشیدن	وبه غوندی
آوشتل	گشتاندن	وبه وړی (تعلیق ۵۲)

۲ ـ پیشاوند آل ـ

درحقیقت ā + l استزیرا مستقبل" آلوتل" (پریدن)"وآبه ـ لوزی" w-ā-ba-l-wazi می شود . ریشه' این پیشاوند شاید ati یا aδi یا t باشد .

۳- پیشاوند بر -

د ر کلمهٔ بر څیـر ("بر" بمعنی "بر" و"څېر" بمعنی "چهره") . کلمـهٔ "بر" د ر اوستا upairi بود .

٤- پیشاوند بو -

د ر کلمهٔ بوتلل آمد ه است ، یعنی برد ن (کسی را یا جانوری را یا عراد ه را) مستقبل آن ز ه " بو به ځی " می شود .

منشاء این " بو" روشن نیست . شاید ō د ر قدیم ā بود ه ، ود رین صورت " بو" معاد ل " با" د ر د ری است و " بوتلل" معنی " با (هم) رفتن" را د ارد .

٥- پیشاوند هم -

این پیشاوند ' د ر زبان اوستا نیز همین" هم" بود ه ود ر زبان د ری هم بجا ماند ه است.

مثال پشتو: همزولی (همزاد) . همغاړه شول (معانقه کرد ن) .

٦- پیشاوند پرا -

د رکلمه پرانیځم " می کشایم" ریشه naz را می یابیم که د ر زبان اوستا برعکس معنی " بستن" را د ارد . ازین معلوم میشود که" پرا" بیانگر عمل مقلوب است چنانکه د ر اوستا پیشاوند parā بود ه .

۷- پیشاوند پرې -

فعل اصلی	معنی	فعل مشتق	معنی
وتل	برامد ن	پرېوتل	پایین شد ن
ږد ل	گذ اشتن	پرېږد ل	گذ اشتن
شول	شد ن	پرې شول	قطع شد ن
(وستل)		پرېوستل	اند اختن
وینځل	شستن	پرېوینځل	شستن

اما کلمهٔ پرې کول بمعنی پاره کرد ن ، برید ن ، ازین سلسله نیست و چنا ن بنظر می رسد که د ران" پرې" ازجمع مونث " پاره" آمد ه باشد .

۸- پیشاوند جار-

"جار" معنی عود ترا د ارد وغالبا" منشاء اسمی د ارد :

فعل اصلی	معنی	فعل مشتق	معنی
وتل	برامدن	جار وتل	برگشتن
(ا) یستل	کشیدن	جاریستل	بازآوردن

۹- پیشاوند "ن" -

در افعال نغوتل (شنیدن) و نجتل (درآوردن) (حال: نجنم) تشخیص می شود.

۱۰- پیشاوند "و".

در فعل وژل (کشتن) تشخیص می گردد. "وژنم" (بمعنی "کُشَتم") در اوستا ava-janāmi گفته می شد.

چنانکه در بند ۵۵ خواندیم، منشاء این va در اوستا ava بوده

۱۱- پیشاوند "وَر".

در فعل "ورژل" یا "ورژلل" بمعنی بریدن تشخیص می شود.

ورژنم (بمعنی: بُرم) در زبان اوستا fra-jan-āmi + گفته می شد. منشاء این پساوند در اوستا fra بوده و "ورغلل" بمعنی پیشرفتن در اوستا fra-ga بوده.

۱۲- پیشاوند "وُ".

در افعال "وراغلل" (آمدن) و "ودریدل" (برخاستن) - تشخیص میشود.

در زبان اوستا گفته می شد d(a) ra-yami (برخیزم)

موجودیت گروه صامت "د+ر" سبب شده که "د" در پشتو محفوظ بماند.

همین پیشاوند، در صفت "ولاړ" (ایستاده) آمده است.

۱۳- پیشاوند "یو".

در "یوستل" (بردن) تشخیص می شود (مستقبل) یو به سی- یوبه شی). این si از asi آمده و as در اوستا، معنی "رسید وصل یافتن، را دارد. در پشتو، ماضی کلمه، "یووړ" (برد) - شنیده می شود.

ریشهٔ این پیشاوند معلوم نیست.

۱٤-را ، در ، ور .

این سه ضمیر را که در بند ۷٤ خواندیم ، بحیث پیشاوند فعلی نیز بکار می رود ، بطور خاص در افعال حاکی معنی اعطاء وتقدیم و سمت و - جهت .

بند ۱۱۱

پیشاوند های جد اشد نی :

عبارتند از

byā-, j-, da-, pa-, kṣ̌ē-, nana-, pōri-

۱- پیشاوند " بیا".

این پیشاوند معنی وا ، باز و سر ازنو را دارد مثلاً " موندل " - (یافتن) " بیاموندل " (بازیافتن) .

منشاء آن bi در اوستاست .

۲- پیشاوند ځ .

اجزاء	معنی	کلمه مشتق	معنی
ځ + که	(از+که)	ځکه	ازانجاکه، زیراکه
ځ +پل	(از+پی)	ځپله ، ځپل	یکی ازپی دیگر

(تذکرمترجم : این پیشاوند سابقهٔ تاریخی دارد وامروز زبان آنرا "حس" نمیکند)

۲- پیشاوند د .

ترکیب	کلمه مشتق	معنی
د +لاندی	دلاندی	زیر
د +وړاندی	دوراندی	پیش
د + وروستو	د وروستو	پس
د + ننه	د ننه	درون

۳- پیشاوند پ .

پ معنی بروبالا دارد چنانکه" په به ځم" (یعنی ، بالا خواهم رفت) فعل پاسېدل (بمعنی برخاستن) و پاس بمعنی بروبالا وبلند ، از همینجا آمده است .

ترکیب	کلمه مشتق	معنی
په+خوا	پخوا	پیشتر
په+ستنه	پستنه	به پشت
په+خوله	پخیل =پیخل = پیاخلـــه	عرق

٤- پیشاوند کښې .

چنانکه در بند ٦٨ فقره ٤ خواندیم ، معنی اصلی این کلمه اسم بود .

فعل اصلی	فعل مشتق	شکل ملخص	معنی
ناستل	کښې ناستل	کېناستل	نشستن
ږدل	کښېږدل	کېږدل	گذاردن
شول	کښې شول	کېشوول	نهادن
سپول	کښې سپول	کېښود ل	گذاشتن ، جاردن
یاستل (تعلیق ٤ ٥)	کښې یاستل	کښېستل	بفشار داخل کـــردن

٥- پیشاوند ننه

معنی داخل شدن را دارد :

فعل اصلی	معنی	فعل مشتق	معنی
وتل	برامدن	ننه وتل	درامدن
باسل	کشیدن	ننه باسل	درآوردن

٦- پیشاوند پورې .

این پیشاوند بمعنی اکنون ، فرانسوی از اوستا پاره pāra آمده که معنی "آن لب رود خانه" را دارد ("پارِ ریا" آنسوی آمو یعنی ماوراء النهر در زبان اهل بلخ و تخار وبدخشان- مترجم) .

فعل اصلی	معنی	فعل مشتق	معنی
وتل	برامدن	پورې وتل	گذشتن
ایستل	کشیدن	پورې ایستل	گذشتاندن

باب دوم

ترکیب

در زبان پشتو ، همه آن طرق موجود است که در زبان ایرانی قدیم در زمینهٔ ترکیب وجود داشت ، بشمول :

مرکبات زوجی	کوپولا تیف
مرکبات انتساب	دِ پاند انس
مرکبات تعیین	دِ ترمیناتیف
مرکبات ملکیت	پوسِسِیف
ترکیبات دستجمعی	کولکتیف

یکنوع دیگر بهم آئی. کلمات موجود است که اشتباهاً " ترکیب" تصور شده است ، درحالیکه " مجاورت" میباشد . واینک آنرا بررسی میکنیم :

بند ۱۱۲

مجاورت

مجاورت (ژوکستاپوزیسیون) ، آنست که دو کلمه ، نظر به ارتباط نزدیک ، پهلوی همدیگر بیایند ، و چون با همدیگر نزدیکند ، چنان تصور میشود ، که گویا " ترکیب" درمیان باشد .

کلمهٔ اولی	معنی	کلمهٔ مجاور	کلمهٔ ملخصهٔ نتیجهٔ مجاورت	معنی
څه	چه	+ رنګ	څنګه	چگونه
دا	این	+ څومره	دومره	اینقدر
څه	چه	+ هومره	څومره	چقدر

"څُکه" ودیگرترکیبات" څه" را دربند ۱۱۱ فقرهٔ دوم مطالعه کردیم .

مجاورت صفات ، با نشانه های تشدید (چون "تك" و " تپ") "تك تور" (یعنی سخت سیاه) و " تك سپین" (یعنی سخت سپید) وتپ روند (یعنی سخت کور) ، رت تور (یعنی سیاه تیره) و رت شین (یعنی سبز تیره) همه " مجاورت" کلمات میباشند .

(کلمه " رت" درینجا ازهندی گرفته شده است، و درانجا نیز" رت" آمده است ، و در سانسکریت رکته rakta بمعنی رنگ کرده است) .

(دردري گفتاري کابل تَپْ تاریکی یعنی" تاریکیِ سخت" تَپَه تُولِي" جستجود رتاریکی") (مترجم)

همچنین در زبان پشتو کلمات مجاور بمعنی منفی موجود است ، با نشانه های "نا" "لا" و "بی" مانند : ناجورتیا ، ناپاك ، ناخاپه ، لاجواب ، لاچار ، لاوارث ، بی لاری (یعنی بی راهی) وغیره .

مجاورت کلمات دردری قدیم نماز پشین ، نماز خفتن ، نماز دیگر ونماز شام در زبان پشتو سبب تلخیص وادغام واکها شده ، کلمات پشتوی ماپښین ، ماخښتن ، مازیگر ، و ماښام را ساخته است .

ازهمین جمله است کلمات "توره غاره" بمعنی بیماری "سیاه سرفه" کودکان و "بدهخوا" یا "خوابدی" بمعنی آزرده وغیره .

بند ۱۱۳

ترکیبات زوجی .

مجاورترا ، از ترکیب زوجی بمشکل میتوان تفریق کرد . درترکیب زوجی ، دو اسم پهلوی هم میاید ، که معنی هردو باهم وابسته میشود ودرنتیجهٔ این بهم آئی ، بدون اینکه جزوهٔ وصلیه درمیان باشد ، معنی دیگر بمیان میاید . مثلاً در اوستا "میترا - آهورا" (بمعنی میترا و - آهورا) ودر زبان دری "لیلی مجنون" (بمعنی لیلی و مجنون) ویا "ماه روز" :

جزوهٔ نخست	جزوهٔ دوم	ترکیب زوجی	معنی
خبرې	+ اترې	خبرې اترې	مذاکره
سره	+ شنه	سره‌شنه	قوس قزح
ناست	+ ولاړ	ناست ولاړ	نگران
ورکړه	+ راکړه	ورکړه راکړه	خرید وفروش

گاهی ، در ترکیب ، کلمهٔ وصلیه موجود میباشد مانند "تگ و راتگ" و "سر و مال" .

گاهی قید اضافه میشود ، مثلاً :

شهر پهٔ‌شهر	ازشهر به شهر
تار په تار	یعنی تماماً ازدست رفته
لور په‌لور	بهر جانب

گاهی ترکیب مجاورت محض با تکرار کلمه صورت میگیرد ، که باینوسیله - معنی آن تقویت می یابد .

مات مات — تماماً شکسته وذره ذره

ول ول — پیچا پیچ

باینسلسله ، باید ازآن ترکیبات زوجی ذکر کنیم ، که دران دو کلمه بهم آمده وتنها صامت اول آن ازهم متفاوت است و " هم قافیه " می شود :

نیـغ نهـغ — شخ مانده

تهـر ٥هر — گذشته وفراموش شده

به سلسلهٔ آنچه در اصطلاح صرف ونحو عربی " اِتباع " نامیده اند باید مهمل را ذکر کرد : وآن تکرارِ کلمه ، وتبدیل صامت نخستین درکلمهٔ مکرر ، یعنی کلمه دوم میباشد ، مانند :

تالا والا — چپاول

تهـر وبهـر — ازهم گذشته وناپدید

تخالی پخالی — سرفـه

ترکیبات انتسابی : (بند ۱۱٤)

۱- اسم که منسوب به اسم دیگر باشد ، چنانکه در زبان اوستا gava ₮_ stana مرکب از گاو و جایگاه بمعنی " جای گاوان

جزءاول	جزءدوم	ترکیب نسبت	معنی
لمر	+ پری وته	لمر پری وته	آفتاب نشست
قبله	+ خوا	قبله خوا	آفتاب نشست
غوبی	+ مُند	غوبی مُند	مسابقه دویدن گاوان
مړ	+ شومه	مړ شومه	طعام شام در وقت عزا داری .
اور	+ غالی	اور غالی	آتش دان
سوی	+ غالی	سوی غالی	غار خرگوش
غو	+ به	غو به	گاوبان
اوښ	+ به	اوښ به	شتربان
میښ	+ به	میښ به	شبان گوسفند
کور	+ به	کور به	کدخدا
اور	+ لگید	اورلگید	گوگرد
چرگ	+ بانگ	چرگ بانگ	سحرگاه ، مرغ بانگ
پی	+ روی	پی روی	قیماق
غاړ	+ وندی	غاړ وندی	قلاده
سترگ	+ خوزی	سترگ خوزی	درد چشم

۲- اسم منتسب بەفعل چه به نوع اکتیف (متعدی ، فعال) وچه به نوع پاسیف (انفعالی) .

الف: منتسب ، فعل نوع اکتیف (متعدی) .

مثال اوستا aspo-gara یعنی " اسپ خوار" (خورندهٔ اسپ)

جزء اول	جزء دوم	ترکیب نسبت	معنی
مچ	+ شپرونه ی	مچ شرونی	مگس پران (چوری)
لار	+ وهونی	لاروهونی	(راهزن) قاطع الطریق
مږك	+ وهونکی	مږكوهونکی	مرغ موش خوار
ملا	+ تړ	ملا تړ	خد متگار ، طرفد ار
ځـان	+ کند ن	ځن کد ن	جان کند ن
سیاهی	+ څت	سیاهی څت	کاغذ جاذ ب
څټ	+ اوبی	څټـوبی	ناود ان
زړ ه	+ سوی	زړه سوی	د لسوزی
غاښ	+ تمبونی ، ټومبونی	غاښتمبونی	د ند ان خلا ل

ب: منتسب به فعل نوع پاسیف (انفعالی و لا زمی)

مثال اوستا maiδyō-šad " میان شین" (یعنی "نشسته د رمیان") .

جزء اول	جزء دوم	ترکیب نسبت	معنی
لمر	+ سوی	لمرسوی	آفتاب سوخته
خور	+ زه	خورزه	خواهر زاد ه
بن	+ ځی	بن ځی	پسرانباز (انباق)
هر	+ گوره	هرگوره	مطلقا"

بند ۱۱۵

ترکیبات تعیینی :

مثال د راوستا darәγō-jītī "د راز زند گی (طویل العمر)

aēvō-dāto " یگانه آفرید ه" (آنکه یکتا آفرید ه شد ه است.)

جزءاول	جزء دوم	ترکیب	معنی
شاه	+ مار	شاه مار	اژدها
شاه	+ پېری	شاه پېری	پری ، سرآمد پریان
وچه	+ غاړه	وچه غاړه	حلقوم
سره	+ مخه	سره‌مخه	آماسیدن وسرخ‌شدن رو
تروږ (ږ)	+ مې	تروږمې	تاریک ماه
سر	+ تور	سرتور	سیاه سر
ساه	+لنډی	ساه‌لنډی	نفس تنگ
خانګ	+ غوځ	خانګ غوځ	شکسته‌بال ، بی وسیله

بند ۱۱۶

ترکیبات ملکیت:

الف: اسم + اسم :

مثال اوستا haomō-gaona " هوم گون" (یعنی ، مانندِ هوما)

جزءاول	جزء دوم	ترکیب	معنی
پی	+ مخی	پی مخی	زیباوجوان (چهره چون شیرسپید)

ب: صفت + اسم :

مثال اوستا : zairi-gaona " قرمز گونه"

جزءاول	جزء دوم	ترکیب	معنی
تریو	+ مخی	تریومخۍ	ترش رو
تور	+مخ	تورمخۍ	سیاه رو
سر	+پټه	سر پټه	دختر روی‌گیر
سپین	+ ږیره	سپین‌ږیرۍ	ریش سپید
پاک	+ زړونی	پاک زړونی	پاک دل
ویره	+ خولۍ	ویره خولۍ	خندان
پلار	+ مړۍ	پلار مړۍ	پدر مرده
لاس	+ پریکړۍ	لاس‌پریکړۍ	دست بریده
غش	+ لاسۍ	غش لاسۍ	تیرانداز ماهر

بخش چهارم

ارزیابی نظریات بر منشاء پښتو

بقلم

جیمز دارمستتیر

ص ۲۰۶

ص ۲۰۷

بند ۱۱۷

ترکیبات دسته جمعی:

مثال اوستا θri-xšaparəm "سه‌شبه" (مدت سه شب)

جزء اول	جزء دوم	ترکیب	معنی
دری	+ پل	دربلی	سه پایه
دو	+ شاره	دوشاله	شال دوبره
دو	+ پته	دوپته	چادر دوبره
دو	+ شپرل	دوشپرل	گوسفند دوساله .

*****

بخش چهـــــا ر م

ارزیابی نظریات بر منشاءِ پشتو
بقلم : جیمز د ارمستتیر

بند ۱۱۸

نظریات د ر بارهٔ منشاءِ زبان پشتـو :

د ر بررسی های صفحاتِ گذشته ، ازبحث د ر بارهٔ منشاءِ زبان پشتو - اکثر خود د اری کرد م ، زیرا واقعیتـها د رین زمینه پیچید ه میباشد ، و از — تکرارِ بحثها جلوگیری بهتـر بود .

بحثِ عمد ه د ر بارهٔ اینست که آیا زبان پشتو یك زبان هند ی ومنشعب از سانسکریت میباشد یانه ؟ من د رسا ل ۱۸۸۷ راپورې د ر بارهٔ " تحقیقات زبان شناسی د رهند وستان " به نشر رسا نید م . د رانجا ، هنوز مـن طرفد ا ر اکثریتِ د انشمند ان بود م ، که پشتو را یك شعبهٔ جد اگانه بین د وخانواد هٔ - هند ی واریانی د انسته ، اما ، آنرا بزبان هند ی پراکرت ، نسبت به زبانهای اریانی ، نزد یکتر تشخیص مینمود ند .

این نظر را د انشمند ان عمد ه ، چون تُرُمپ Trumpp د اشته اسـت که د رسا ل ۱۸۷۳ کتابی تحت عنوان "گرامر پشتو یا زبان افغانان" ، بچـا پ رسا ند ه است . این نظریه را ، د انشمند المانی شپیگل Spiegel ونیز د کتـــور هورن لې Hoernle پذ یرفتند ، بحد ی که د ستهٔ د یگر د انشمند ان ، که طرفد ار ریشهٔ اریانی زبان پشتو بود ند ، تحت تأثیر آمد ند . ازانجمله د کتور مولر - Müller که د ر ۱۸۶۲ د ر وین ، وقبل از نشر کتاب ترومپ ، مطالعات خود را د ر بارهٔ پشتو بچاپ رساند ه بود . اما د رانوقت ، چون موادِ کافی د ر بارهٔ پشتو نزد وی ثابت نگرد ید و بد ست نبود ، بنابرین حل صحیح موضوع ، یعنی اریانی - بود ن زبان پشتو ، نزد وی ثابت نگرد ید . همچنین د کتور هانری Henry د رسا ل ۱۸۸۲ د ر پاریس تحت عنوان " مطالعات افغانی " رسالهٔ یی نشــر کرد ه ومتکی بر تحقیقات عمیق بر مساعی مولر وتُرُمپ میباشد . د کتور هانری ، باین نتیجه میرسد : "گرچه زبان پشتو زبان خالصا " اریانیست ، چون بعضی - اقتباسات صرفی ونحوی از زبان های قد یم وجد ید هند ، د ر پشتو موجود است ، وبعضی ازین نکات اهمیتِ زیاد د ارد ، بنابرین د وباره به نظریهٔ نیمه هند ی و نیمه اریانی بود ن انشعابِ پشتو واصل میشویم ".

در بارهٔ مطالعات دکتور ترومپ ، بحث زیاد لازم نیست. وی زبان پشتو وزبانهای امروزی هندی را بخوبی میدانست ، اما از علم فقه اللغه وتحقیق ریشه های زبانشناسی آگاه نبود . بنابرین ، دلایلی که وی در بارهٔ انشعاب پشتو از سانسکریت و هندی بودن پشتو داده است ، کم ارزش میباشد .

نخست آن دلایل را مطالعه میکنیم که بران ادعای هندی بودن زبان پشتو متکی میباشد :

اول- درزمینهٔ واک شناسی :

۱- عدم موجودیت ف در پشتو ، و اینکه بجای " ف+ر " در پشتو " پ +ر " میاید ، درحالیکه درهمه زبانهای اریانی " پ+ر " قدیم بهٔ ف+ر " تبدیل شده است.

چنانکه در واک شناسی مطالعه کردیم ، این دلیل محض ظاهریست . در پشتو واک " و " جانشین " ف " اریانی کهن شده است. تحقیق زبانشناسی نشان میدهد ، درحالیکه امروز " ف " در پشتو باقی نمانده است، در زمان قدیم وجود داشت. جز در کلمات دخیل ومأخوذ درزبان پشتو ، مثال " پ+ر " بجای " ف+ر " موجود نیست .

۲- اینکه پشتو مانند هندی دارای حروف مغزی میباشد ، درحالی که زبانهای اریانی ، فاقد حروف مغزیست: در بحث کلمات دخیل هندی ، شرح دادیم ، که این حروف مغزی ، با کلمات دخیل هندی در پشتو آمده است .

چنانکه در بند ٦١ شرح دادیم ، مجموع واک شناسی زبان پشتو ، چه در عمومیات وچه در مشخصات آن بطور قطعی آریانی وغیرهندی است.

دوم- صرف (مورفولوژی) .

۱- اینکه گفته اند : در تصریف اسم وصفت، پشتو بیشتر به هندی وکمتر به اریانی شباهت دارد : درین مورد ، این دلیل را ارائه میکنند که در زبان هندی تفریق مذکر وموٴنث و نیز تفریق واک واپسین کلمه هنگام تصریف (چنانکه واکهای واپسین صامت واک واپسین مذکر " آ " و مونث بشکل ای (یای معروف)) موجود است، واینکه درزبان هندی نیز ، مانند پشتو ، حالت مستقیم وحالت جر موجود میباشد . جواب این دلیل اینست ، که چه درزبان اوستا وچه در پارسی باستان (فرس کهن) این مشخصات، یعنی تفریق مذکرومونث تفریق واک واپسین کلمه ، و تصریف اسم وصفت موجود بوده است، ودیگر زبان های اریانی

آنرا ازدست داده اند، اما پشتو آنرا پاسداری کرده است. پس آنچه را دلیلِ هندی بودنِ پشتو گفته اند، در حقیقت دلیلِ راسخ اریانی بودنِ آن است .

پس اینکه پشتو و هندی در یك طبقه واقعند ، معنی آنرا افاده نمیکند که منبع هردو یکی باشد ، وباید دیگر دلایل درین زمینه ارائه شود ، در حالی که هیچ دلیل دیگر موجود نیست . (تعلیق ۵۵)

ازطرف دیگر در بند ٦٦ بیان کردیم ، که در زبان پشتو ، یکعده زیادتیم (ازروی واك واپسین) موجود است ، که در هندی وجود ندارد . و ازطرف دیگر ، در زبان پشتو ، حالت مضاف الیه (ژنتیف) بطوری ساخته میشود که مغایرِ ساختمان مندیست. حالت مضاف الیه در زبانِ هندی یکنوع ساختمان صفتیست . (بند ٦٨ خوانده شود) ، درحالیکه حالتِ مضاف الیه در پشتو، مطابقِ اریانی قدیم مانده است .

ازطرف دیگر ، در تصریفات حالت جر ، آن جزوه ها وادات که در زبان پشتو بکار میرود ، بکلی غیر ازآن میباشد ، که در زبانهای هندی بکار رفته است . این اعداد ، در زبان پشتو ، مطابق به اریانی قدیم ، ویا دیگر زبانهای اریانی امروز است .

در زبان هندی ، این ادات عبارتند از :

سے حالت منشایی مثلاً : شهر سے = از شهر
مین — « ظرفی « « مین = در «
پر — « « « « پر = بر «
تك — « هدفی « « تك = تا بشهر
نے « وسیلتی « « نے = توسط شهر

۲ـ تصریف فعل ، در زبان هندی ، با زبان پشتو یك شباهت عمده دارد ، و آن اینکه ، در هردو زبان ، معیار گردانِ فعل ، پاسیف (انفعالی) میباشد : چه در پشتو ، وچه در زبانهای هندی ، بجای اینکه گفته شود " من نامه را نوشتم" گفته میشود : " نامه توسط من نوشته شد".

این شباهت ، حتی توجه طرفداران سرسختِ اریانی بودن پشتو ، مانند میولر و هانری را نیز جلب کرده است .

پاسخ من ، باین دلیل اینست : درحالیکه این شباهت وارتباط حقیقیست ، اما نمیتوان ، بروی آن ، دلیلی بر قرار کرد . چنانکه در بند

بخش اخیر

تلخیص و تکمله

بقلم

گیورگ مورگنستیرن

ص ۲۱۰
ص ۲۱۱

۸٤ مطالعه کردیم، عین‌حالت، در یک زبان اریانی، یعنی پهلوی، موجود بود. زبان دری‌نیز، آنرا در آغاز ادامه داد. بعداً در ان تغییر وارد کرد. تبدیل‌کردن ساختمان‌پاسیف (انفعالی)، به ساختمان اکتیف (فعال)، در بیان‌ماضی، چه در زبانهای‌هندی، و چه در زبانهای‌اریانی، در مرحلهٔ مابعد واقع‌شده است.

دلیل دیگر که ارائه کرده اند، اینست که: صفت فعلی مشتق، مختوم به alai- مانند صفت فعلی مشتق هندی، مختوم به ta- میباشد.

چنانکه در بند ۹٤ مطالعه‌کردیم، این‌واقعیت‌محض نتیجهٔ قوانین واک‌شناسی است. alai نمایندهٔ صفت‌فعلی زمان‌قدیم است که در زبان‌قدیم مختوم به ta بود (مصوت + ta-) و مبدل به alai- شد، زیراچنانکه در واک‌شناسی خواندیم، آواز "ت" هرگاه در وسط واقع شود، در زبان‌پشتو، منظماً، به "ل" مبدل‌میگردد (بند ۹٤) (ونیزص ٤٦)

در زبان‌هندی، این‌تبدل فقط گاهگاه واقع میشود. ازانجاست که کلمهٔ قدیمتر اندواریانی gata بمعنی "رفته"، در پراکریت "گلی" ودر پشتو (را)غلی میشود، بدون آنکه بین‌زبان هندی پراکریت، و پشتو، توالی تاریخی وجودداشته باشد.

تصریف فعل، درزبان‌پشتو، چه ازروی‌شناسه ها ومشخصه های هر صیغه، وچه ازنظر ساختمان، تماماً اریانیست. حتی افعال معاون، چنانکه ah (بودن) و شو šu (شدن) درحالیکه این همه هرگز در هندی‌وجود نداشته است، ودران "بو" و "تها" بکار میرود.

همچنین‌پیشاوند های‌فعلی در پشتو بکارمیرود، ودر زبانهای هندی موجود نیست. مستقبل، در پشتو با ترکیب‌حال‌ونشانهٔ "به" ساخته‌میشود، ودر دری، با پیشاوند فعلی بِ مثلاً "به کرم = بکنم.

درحالیکه در زبانهای‌هندی، مستقبل با یک پساوند صفتی، که منشأآن‌فعلیست، ساخته‌میشود. (مثلاً: کرونگا) این پساوند، مانند صفت، مذکر و موٴنث وجمع خواسته وتصریف میشود.

ازمنهٔ‌مشتقه، چه‌در پشتو وچه‌در دری، متکی بردو پایهٔ‌هم مانند میباشد: یکی مضارع، ودیگرصفت‌مشتقهٔ‌فعلی. همچنین، در پساوند هاوافعالِ معاون شباهت موجود است. درحالیکه‌در زبانهای‌هندی، سه‌پایه‌وجود دارد، وآن زمان‌حال، صفت مشتقهٔ‌حال‌جاری، وصفت مشتقه ماضی می باشد. زبان‌های هندی‌پیشاوند بکارنمی برند بلکه ازافعالِ‌معاون‌استعمال‌میکنند ودرپشتو این همه طرق متداول نیست.

بخش اخیر

تلخیص وتکمله

بقلم

استاد گیورگ مورگنستیرن

فصل اول

جغرافیای بشری ـ لهجه ها

(۱ـ) پشتو یك زبان عمده ٔ شرق است که تعداد گویندگان آن به ملیون ها ـ می رسد (حتی در ایران پنجاه هزار گوینده دارد) .

(۲ـ) گرچه کلمه ٔ افغان در کتب قدیم ، سابقه ٔ زیاد دارد ، مگر کلمه ٔ " پشتو " قدیم تر واصیل تر است . کلمه ٔ پټهان ، که درهند معمول است (ودر زبان انگلیسی هم داخل شده است) از شکل قدیم تر کلمه ٔ " پشتو " گرفته شده است که مطابق استدلال زبان شناسی " پښتان " بوده است .

(۳ـ۴ـ) باید دانست که کلمه ٔ " پښتو " به تسمیه ٔ زبان منحصر نمی شود ، بلکه معنی دستور مردم و سلوك واخلاق ورسوم و آیین را دارد " پښتون هغه نه دی چه پښتو وایی ، لیکن هغه چه پښتو لری " (= پشتون نه آنست که پشتو گوید ، بلکه آنست که " پشتو " دارد) . این سخن بیانگر احساس اتحاد پشتون ها میباشد که علی الرغم متعدد بودن قبایل ، همه خود را مردم واحدی می دانند .

(۵ـ) گرچه لهجه های پشتو متعدد است ، مگر مجموع این لهجه ها جزء زبان واحد می باشد ، و حدت زبان پشتو یك واقعیت عمده است.

یکی از لهجه ها ، مشخصات جداگانه دارد و آن ونېڅی (ترینو) است که در فصل پنجم ازان سخن خواهیم گفت .

صنفبندی لهجه های پشتو آسان نیست زیرا منطقه ها و لهجه ها یکی بر دیگر واقع میشود . موجودیت دو دسته ٔ لهجه معروف است :

یکی لهجه های " نرم " (ښ ، ږ) .
دیگر لهجه های " سخت " (خ ، گ) .

اما ان لهجه ها که نسبت به پشتوی متداول در زمینهٔ مصوت ها ، مشخصات مزید دارند ، بعضی به یکی و بعضی به دیگر این دو دسته ، انتساب حاصل میکند . در لهجه های پشتو ، تاثیرات اصوات حنکی (کامی) (پالاتالیزاسیون) زیاد است ، وهم تقلیب صامت ها (چنانکه بآن اشاره خواهیم کرد) اما این تحولات هم به یک نقطهٔ خاص محدود نمی شود . پس مناسب و مساعد خواهد بود ، اگراز مشخصات عمدهٔ لهجه ها ، در ضمن بررسی آواز ها وضرف زبان پشتو ، نیز جسته جسته سخن گوییم .

فصل دوم

سیستم واکها

(۶-) چون به اسناد تحریری عمدهٔ ومفصل که بدست داریم (چون - " خیرالبیان " ویا آثار آخوند درویزه) مراجعه کنیم ، در می یابیم که پشتو ۳۶ صامت را بشمول ق و ف ثبت کرده است (گرچه در زبان گفتاری اکثر ک - بجای ق ، و پ بجای ف تلفظ میشود) تحریر پشتو ع را در اصطلاحات علمی درج نموده ، وهمچنین دیگر اصوات عربی را گرچه ط در تلفظ ت ، ث ، و ص در تلفظ س ، و ز ، ض ، ظ در تلفظ ز می آید .

ټ و ډ مخصوص کلمات اقتباس شده از زبان های هند است ، اما باید دانست که سابقهٔ اقتباس بعضی ازین کلمات زیاد و کاملاً مغفن گردیده است و پشتو حساب میشود . همچنانکه در زبان انگلیسی کلمهٔ بیف (بمعنی گوشت گاو) که از بُف فرانسوی آمده است ، تماماً انگلیسی بشمار می آید ، ونه کلمهٔ بیگانه .

بیست وشش شکل تحریری دیگر ، برای صامت های پشتوست :

ك	گ	غ	
ت	د	ن	
پ	ب	م	ڼ
ڃ	ج	ث	ځ
س	ښ	س	
ر	ژ	ز	
ر	ډ	ل	
ی	و	هـ	

البته باید دانست که هـ در کلمات اصل پشتو اندکی بکار رفته است ، در بارهٔ س و ز در فقرهٔ ۲۱ سخن خواهیم گفت .

۷- مصوت های پشتو عبارت اند از:

a i u e

ā ī ū

ē ō

e همان است که در پشتو زورکی (د زبرك) نامیده میشود . در بعضی لهجه ها زبر و زبرك ، مطابق لهجه های دیگر و پشتوی معیاری (ستاندرد) استعمال نمی شود، و یکی جای دیگر را می گیرد .

در اکثر لهجه ها آ کوتاه گردیده ، بعضی یا های معروف ، کوتاه گردیده به کسره تبدیل شده و همچنین در بعضی لهجه ها واوهای معروف ، کوتاه وبه ضمه تبدیل یافته است . در تحریر پشتوی معیاری - تفریق بین e و ē و نیز تفریق بین o و ō ، در مورد بعضی کلمات ، همسان نشده است و بین مصوت طویل و قصیر در مورد e و o مقابله موجود نیست .

مصوت های مرکب (د یفتونگ) ها عبارتند از:

ay=ai	فتحه+ی	یای ملینه
aw=au	فتحه+ و	واوِ معروف
ey=ei	زبرك +ی	یای ثقیله (بیشتر در اخیر بعضی کلمات) .

فصل سوم

تحول واک های پشتـــــو

۸- **الف-مصوت ها :**

ـ آن فتحهٔ ممدوده ā که در زبان باستانی اریانی برای فشارِ-آواز در کلمه می آمد، تبدیل به ō و هرگاه پس از واک انفی چون ن ، ن ، و م آمد ، مبدل به ū (واوِ معروف) شده است :

پشتو	دری	اوستا	
مور	مادر	māθr-	
نوم	نام	nāman-	
لونه	دانه (زخم)	dāna	+

ـ فتحه a اکثر تمدید یافته آ ā شده است :

پشتو	دری	اوستا	
پلار	پدر	pitar-	
لاس	دست	dasta-	+

اما لَس(بمعنی " ده") با فتحه است .

در بسا از دیارکهسار، از اپریدی تا وزیری ، o مبدل به ō وسپس ɛ گردیده است ، چنانکه در لهجه وزیری میر بـــه جای مور(=مادر) . در همین لهجه ها ، فتحهٔ ممدوده ā ـ تحول یافته å وحتی ō شده است چنانکه plår بجـای پلار (پدر) . در لهجه افریدی چون دست را lås می گوینـد بنابرین حتی معنی" ده" با لاس lās ادا می شود .

ـ در همین ناحیهٔ لهجه ها نظر بهدلایلی که حکمتِ آن اشکار-نیست ، بجای فتحه a ، یای مجهول ē می شنویم چنانکه :

پشتوی معیاری	لهجه متفاوت	معنی	اوستا	
شپږ	špēg	شش	xšvaš-	
روح ، ورح	wrēj	روز	raočah-	
ور	wēr	به او	awaθrā	+

البته د ر د یگر لهجه هاٴ مثالِ این معامله را می یابیم چنانکه :

پشتو	د ری	اوستا
ولیشت	بلِشت (=وجب)	vitasti

اما این تبدیل ، زیر اثر واکِ کامی " ل " است و " تحنُّک " (پالا تالیزاسیون) نامید ه می شود .

(۹- د ر لهجه وزیری وغیره ، تبدیل ū (واو معروف) به ī (یای معروف) نیز واقع می شود چنانکه :

پشتوی معیاری	لهجهٔ متفاوت	معنی	اوستا
لور	لیر	د ختر	duγdar-

د رین صورت ، باید یك حالت انتقالی ü وجود می د اشت که د ر هیچ لهجه باقی نماند ه است .

از جانب د یگر ، د ریك لهجه د ورتر از منطقهٔ وزیری ، یعنی ازان کاکرا نِ " شهر یگ ") نیز لیر (بجای لور) ، میر (بجای مور) و څلیر (بجای څلور) و غیره شنید ه می شود .

(۱۰- د ر اکثرموارد ، تطویلِ صامت و ظهور واکِ واوِ معروف و یای معروف ، نتیجه آن بود ه ، که د ر پی آن ، د ر زبان قد یم ، گروهِ صامت ها آمد ه است ، و آن گروهِ صامت ، مثلاً " ت+ن ، ث+ر و ش+ت باستانی ، کوتاه شد ه است .

پشتو	د ری	اوستا
سپین	سپید	spiθna-
اوښ	اُشتر	ušθra-
گو ته	انگشت	angušta-

(۱۱- i/ī و u/ū که د رزبان باستانی اریانی موجود بود ه د ر زبان پشتو به " زبرك " ə تبدیل شد ه است . این واقعه ، د ر د یگر زبان های اریانی رستهٔ شمال شرقی (یعنی زبان ها ی پامیر) نیز رخد اد ه است . تمایل ، د ر د اخلِ زبانِ اوستا از آغاز موجود بود ه است . مثلاً :

پشتو	د ری	اوستا	
بل	د وم ، دیگر	dwiəya-h	(اریانی)
منی money	خزان	hamina	

شپږه، شپږه	شپش	spiš
ښځه	زن	strīčī + -a
لم	دُمبه	duma
مږه	موش، کورموش	mūṣ(Skr)
پچه	پشک	puškā-

اما درین مورد، استثناءآت موجود است چنانکه:

پشتو	دری	زبان قدیم
وریجی	برنج	+ wri(n)ǰi-
وروځه، ورځه	ابرو	bravat

ـ آن * r̥ که درزبان اریانی قدیم موجود بوده، در زبان پشتو به زبرک +ر یا زبرک+ ړ تبدیل شده است، چنانکه:

پشتو	دری	اوستا
کړ	کرد	kar-
مړ	مرد	mar-
یږ	خرس	arša-

ـ ai (فتحه +ی) که در زبان اریانی باستانی بوده، مبدل به ē (یای مجهول) شده است:

پشتو	دری	اوستا
لېوه	گرگ	daēva
لېور	ایور، برادرشوهر	devar-(Skr)

ـ همچنین au (فتحه +و) نخست به ō (واومجهول) و - سپس به wa تبدیل‌شده است:

پشتو	دری	اوستا
غوږ	گوش	gaoša-
روځ	روز	raočah-

این تبدل، درمورد آن کلمات که از زبان های هندی اقتباس شده است است، نیز کارگرافتاده است، چنانکه:

پشتو	دری	هندی
کوته	kwaṭa کویته (نامشهر)	koṭ
تول ، تْوَل	twal (هموزن)	tulaṇ-

البته ازهمان‌کلمه‌هندی اخیرالذکر، کلمه تول tōl (بمعنی "وزن" نیز موجود است (و آن در دریِ‌گفتاری‌کابل بهمین‌معنی از پشتو آمده است).

(۱۲) سقوطِ مصوت های‌کوتاه از آغاز ومیانهٔ کلمه‌ها بسا واقع‌شده‌است، مثل:

پشتو	دری	اوستا
بن	همباز (انباق)	hapaəni-
زدن	ارزن	arzana- +
گوته	انگشت	aŋgušta-
ژیر	زرد	zairita
غوا	ماده گاو	gav-
ملا	کمر	maiδya-
پسه	گوسفند وبز	pasu-

در لهجهٔ بنگش کلمهٔ ملا (یعنی‌کمر) "مَلْیا" malyā تلفظ میشود.
اکثر مصوت هایی که در زبان‌باستانی اریانی در اخیرِ کلمه ها بوده، در زبان‌پشتو ساقط شده است بجز فتحهٔ ممدوده "آ" چنانکه در فقره ۳۱ و ۳۲ خواهیم دید.

(۱۳) -ayah که ختم بعضی کلمات زبان‌باستانی آریانی بود، درمونث جمع به یای مجهول بدل‌شده است (رجوع به فقرهٔ ۳۸ این بخش) این‌واکِ ختمیه از کلمات مختوم به i - بحیث یک‌نشانهٔ مشخصهٔ- مونث، به‌کلمات مختوم به ā - "آ" نیزانتقال‌یافت، چنانکه:

پشتو	دری	اریانی
اسپې	مادیانها	aspayah/aspā-

باید متوجه بود گرچه کلمه "دْرې" (بمعنی سه) یک‌هجایی می باشد- مگر در اریانی قدیم θrayah (بمعنی سه) دوهجایی بوده اما در یک عده لهجه ها (چنانکه از اپریدی تا کاکرستان) دراخیرِ کلمه y با تاکید تلفظ‌میشود، واین‌بازمانده‌تلفظِ قدیمِ کلمه است.

آن iyah + و uvah که در زبانِ اریانی قدیم در اخیرِ کلمات آمده، در اخیر کلماتِ پشتو ازان یك زبرك ه باقیمانده است، چنانکه:

پشتو	دری	اریانی باستانی
تره	(عم)	+ p(i)triyah
پسه	گوسفند و بز	pasu-(col.plur.)

اما در بعضی کلمات این پساوندِ زبانِ قدیم به زبرك تبدیل نشده است، چنانکه:

پشتو	دری	اریانی
بل	دوم، دیگر	dwiəya-h
چرگ	خروس	kṛkya-h

آن u/awā- که در زبانِ اریانی باستانی بوده، در پشتو به ō بدل شده است، چنانکه:

پشتو	دری	اریانی
ورشو	چراگاه	fra-šyawā
ورغو (جمع: ورغووې)	دشت	(--) gawa

(۱٤)- در پشتو پس ازان مصوتِ i/y که در زبانِ باستانی آمده است، تبدیل‌ها یِ واك ها و افزایشِ واك ها (اِ پانتیز) واقع شده است که بررسی آن درین مختصر نمی‌گنجد. درین باره - آنچه در فقرهٔ ۱۸ این بخش آمده است، یعنی اثرِ تلفظِ کامی (تحنّك) بر صامت نیز دیده شود. اینك چند مثالِ وصفی:

پشتو	دری	اریانی	
میړه	شوهر	martiya-	
ولېشت	بلست (وجب)	vitasti-	(اوستا)
وربره	دخترِ برادر	+ bratryā	
مېره	مادراندر (مایندر)	maəryā	
ایره	خاکستر	ātrya	
میاشت	ماه	māsti	
لیار ـ لار	راه	raiəyā	

ویاله، واله	(جوی)	vaiδi
ژیړ	زرد	
بن	همباز (= انباق)	hapaθni
خپل	خود	hvapaθya-
ژاوله	(صمغ)	jatu- (سانسکریت)

مثال اخیر یگانه از اپانتیز u می باشد . در باره" ور پره" (دختر برادر)، باید ذکر کرد که در کلمه وراره (یعنی " پسر برادر") این گونه تغییر رخ نداده است .

ب: صامت ها :

۱۵- نخست از نیمه‌صامت ها (که ضمنا" نیمه مصوّت می باشند) آغاز میکنیم : که در زبانِ اریانی بوده، بجامانده است چنانکه :

پشتو	دری	اوستا
یور	زن ایور، زن برادر شوهر	+ yaθr

y که در زبان باستانی موجود بود پیش از i اکثر سقوط میکند ، چنانکه :

پشتو	دری	اریائی
یینه	جگر	yaxn

گرچه شکل معیاری این کلمه" ینه" است و اینه شکلِ لهجه وی است.
نیم صامتِ دیگر وِ w است که آنهم از زبان قدیم در پشتو بجامانده است ، چنانکه :

پشتو	دری	اوستا
وله	بید	vaēti
ولپشت	(وجب =) بلست	vitasti-
وینه	خون	vohuni-

وینه البته در پشتوی معیاری "وِ" دارد ، اما در لهجه . . . " یینه" و " اینه" تلفظ می شود .

پشتو یگانه زبان خانواده ٔ اریانی است که دران واك w- و b- باهم دگر تماما" یکی شده است . مثال "و" که در آغاز کلمه اضافه شده است :

اوستا	دری	پشتو
huška	خشك	وچ
āər-	آتش	اور ، وور

البته در پشتوی معیاری " اور " می شنویم ، امادر لهجه ها وور ، و بور ، و هور موجود است . آن " و " که درزبان قدیم پس از ضمه می آمده در پشتو ساقط شده است ، چنانکه :

ــــ	دری	پشتو
xvaṇhar	خواهر	خور
caθārō	چهار	څلور

اما "و" قدیم خواهر در جمع " خویندی " مجدد ا " پدیدار میشود و " څلور " هم در لهجه های افریدی ، وزیری ، بنگش ، مسعود ، و غیره " څلوور تلفظ می شود .

(۱٦) در بعضی لهجه های جنوبی "و" پیش از کسره و ي مبدل به "ب" و "ي" مبدل به گ میشود .

اوستا	دری	پشتوی معیاری	پشتوی لهجه‌وی
vṛsa-tā	مو	ویښته	بېښته
hufta	خوابیده ، خفته	ویده	بیده
griva(Skr)	استخوان طوق‌گردن	گریوه ، گریوه	گروگی
	شنید مشدند	اوریدلی	اوریدلگی

(تعلیق ٥٦)

(۱۷) درزبان پشتو وهمچنین دراکثرزبان های اریانی (بهجز چند استثنای فرعی) ، یکعده صامتها یانسدادی به صامت ها ی زمانی (مفتوح) بدل میشود ، چنانکه :

تبدیل شدن " ب " به "و" :

پشتو	دری	اوستا
وند	بند (سدِ آب)	banda-
رو (رود ل)	چوشیدن	—

ــ "د" به "ل" (از مجرای ð چنانکه در زبان مُنجی) تبدیل شده است:

پشتو	دری	اوستا
لس	ده	dasa-
ملا	کمر، میان	maiðya-

ــ تبدیل شدن "گ" به "غ" .

پشتو	دری	اوستا
غر	کوه	gairi-
نغوز- نغوتل	گوش دادن	ni-gauš +

ــ تبدیل شدن "ج" به "ژ" .

پشتو	دری	اوستا
ژی	زه (=زه کمان)	ǰyā-
وژ- (وژل)	کشتن	ǰan-

ــ البته بعضی صامتهای انسدادی آغاز کلمه اگر مقام فرعی داشته، ــ بجا مانده مفتوح نگردیده است :

پشتو	دری	اوستا
گوته	انگشت	angušta-
بن	همباز (=انباق)	hapaθni-
دا	این	a(ita)

۱۸ــ

ت	بحال خود می ماند .
پ	بحال خود می ماند .
ك	بحال خود می ماند .

اما ك در صورت تاثیر تلفظ کامی (تحنُّك) به چ بدل شده است ، چنانکه :

پشتو	دری	اریانی
چاره	کارد	+ kartyā
چا	کس، که (حالت مغیره)	+ či+aka

تبدیل چ به څ :

پشتو	دری	اوستا
څلور	چهار	ca$^{\theta}$wārō-

-پ- میانِ دو مصوت به -بـ- بدل شده است :

ت " " ل " "

ك " " گ " "

چ " " څ " "

پشتو	دری	اوستا
اوبه	آب	āp-
سل	صد	sata-
شِگه	ریگ	+ sik-
روڅ	روز	raočah

گاهی هم ت سقوط می کند چنانکه در:

پشتو	دری	اوستا
وو	باد	vata

گاهی این تحول، همراه با سقوطِ مصوتِ شامل هجا می باشد :

پشتو	دری	اوستا
شپه	شب	xšap-
ویشت	بیست	vīsaiti-
شکونِ	سوگور = جیره (جانورِ خاردار)	sukurena-
ښتَن	سوزن	stūna-

در آغاز کلمهٔ اخیر suč سوچ ، در یک مرحله انتقالی ،باید به "سوخ" و سخ- مبدل شده باشد تا ازان ست- باقیمانده است.

- خ محفوظ مانده است.

- ه به ل مبدل شده است چنانکه :

پشتو	دری	زبان قدیم
لېور	اېور (براد رِشوهر)	devar-(Skr)
پلن	پهن	paθana(av.)

- تبدیل "ف" به "و" قابل ذکر است :

پشتو	دری	اوستا
سوه	سم	safa-

(۱۹)- گروه صامت س+ت محفوظ می ماند :

پشتو	دری	اریانی
ناست	نشست	+ ni-hasta

اما در صورتی که تاثیر تلفظ کام بیاید (یعنی تحنك واقع شود) ، چنانکه در مثالِ آتی ، آنگاه ، این گروهِ صامت تغییر می یابد :

پشتو	دری	اوستا
میاشت	ماه	māh-

- گروه صامت" ش+ت" مبدل به "ت" می شود :

پشتو	دری	اوستا
- تون (پساوند ظرف)	- ستان	
اته	هشت	ašta-

ملتفت باشیم که در زبان واخی هت معنی " هشت" را ادا می کند و شاید ش+ت در مرحله انتقالی به هـ+ت تبدیل شده باشد واین قبل از پیدا شدن ټ در اثر مجاورت زبان های هندی بوده است .

به گروه صامت ش+ك به هـ+ك وسپس به چ تبدیل شده است، چنانکه :

پشتو	دری	اوستا
وچ	خشك	huška-

- گروه صامت -س + چ به -څ- تبدیل شده است، چنانکه :

پشتو	دری	اوستا
اڅه	استخوان ران	asču
اڅن (ریشه فعل)	پکجاد وختن	+ ā-sčar(t)n

د ر مورد کلمه اخیر شهادت زبان سانسکریت موجود است و آن- کلمات krntat و crta می باشد .

گروه صامت -ف+ت- به -و+د- تبدیل وسرانجام به -د- تلخیص شده است :

پشتو	دری	اوستا
توود - تود	تفته (گرم)	+ tafta-
اوده	خفته	+ hufta

اما کلمه" اوه" بمعنی هفت (اوستا hapta) د ندارد

گروه صامت -خ- +ت- سقوط کرده است، چنانکه :

پشتو	دری	اوستا
سوی	سوخته	saok-
تـه	رفت	+ taxta
ترله (تر+له)	(دخترعم)	+ ptr-duxta
وریت	برشته ، بریان	+ brŝta

د رمورد مثال اخیر کلمات بلوچ brihta و brētka را باید- د رنظر د اشت .

(۲۰) گروه صامت -(خ) +ش یا ش به ز تبدیل شده است :

پشتو	دری	اوستا
شپږ	شش	xšavaš-
غوږ	گوش	gaoša-
سږ(کال)	امسال	saxša-

این تحول عموماً د ر زبان‌های دستهٔ شمال شرق اریانی واقع شده است .

اما گروه صامت -خ +ش- به ش نیزتبدیل یافته است :

پشتو	دری	اوستا
شپه	شب	xšap-
شین	خنگ (کبود ، سبز)	axšaēna-

گاهی گروه صامت -ف+ ش- نیز به ش مبدل شده است :

پشتو	دری	اریانی
شپون	شبان	fšu-pati

(۲۱) صورت تحریر کلاسیك پشتو "ښ" و "ږ" چون به تلفظ د رلهجه ها مقابله شود بر عمده و معلوم ترین صورت تقسیم این لهجه ها دلالت می کند :

در لهجه های جنوب غرب معروف به تلفظ نرم (کندهاری) این دو صامت "صفیری" ("سیبیلنت" به انگلیسی) تلفظ می‌شود . اکثراین تلفظ صفیری، بلند رفتن زبان را ایجاب میکند اما دربعضی نواحی محدود، این دو واك "ش" و "ژ" عادی تلفظ می شود .

در لهجه های شمال شرق، معروف به تلفظ سخت ، (ننگرهار) ، ښ مانند خ و ږ مانند گ تلفظ می‌شود . (تعلیق ٥٧)

اما در نواحی "وسیط" خاصه منطقه غلزایی آمیزش ها وتلفظ ها دوره انتقالی را می یابیم (ومقصد ازانتقال ښ قدیم بسوی خ و ږ قدیم بسوی گ می باشد) چنانکه درین دو مثال :

کلمه ښه (بمعنی خوب) .

šə/ṣ̌ə/ x̌ə/ xə

špaž/špaẓ̌/špaγ̌/špag

کلمه شپږ (بمعنی شش)

(۲۲) هرگاه ه یا (خ) +ش پیش از ن بیاید، مدغم می شود (درباره گروه "ر+ش+ن" فقره ۲٤ آتی دیده شود) .

پشتو	دری	اوستا
سپین	سپید	spaiθna-
رون	روشن	raoxšna-
سون	خُرزدن (آوازبینی)	sušna-

این ادغام پیشازن واقعمیشود اما نهپیش ازم .

حتی پیش از ن هم ، موارد آتی قابل توجه است :

پشتو	دری	اوستا
میلمه	مهمان	maēθman-
وزم - وژمه	رایحه	waxšma-

گروه هـ + و به خ (+و) تبدیل می‌شود، چنانکه عموماً ـ در زبان‌های اریانی .

گروه (خ) +ش+و ـ مبدل به ش+پ می‌شود (چنانکه در مثال شپږ ، بمعنی شش ، دیدیم) .

گروه θ +و مبدل به ل+و می‌شود چنانکه :

پشتو	دری	اوستا
څلوور=څلور	چهار	čaθwārō-
څلوېښت	چهل	čaθwāresata

اما گروه د+و گاهی به و تبدیل‌شده، وگاهی بحال‌خود مانده است :

پشتو	دری	اوستا
ور	در (=دروازه)	dvar-
دوه	دو	dva-
بل	دوم ، دیگر	+ dwi-

(در شرح این‌موضوع بیان‌کلمهٔ دوه در صفحه ۲۰ قاموس اتیمولوژیک پشتو ، اثر نگارنده، تفصیلات دیده شود) .

۲۳- آن خ که درآغاز کلمه پس از ر آمده بود بجای خود است چنانکه :

پشتو	دری	اریانی
خرِی -(خریل)	(تراشیدنِ‌مو)	+ xray

اما θ و ف که درآغاز کلمه پیش از ر آمده بود به د ـ تبدیل شدند زیرا θ + ر قابلِ قبول‌نبود، چنانکه :

پشتو	دری	زبان قدیم
ورزه ، ورازه	کیک (وحشرهٔ‌مانند آن)	firāzāk
ور (پساوند) -		(درزبان سغدي) fra-

تبدیل ف+ر به و+ر در :

پشتو	دری	اوستا
واوره	برف	vafra-

اما در موارد آتی همه گروه -ه + ر و -خ + ر مدغم شده است:

پشتو	دری	اوستا
اور	آتش	āθr-
سور	سرخ	suxra-

اما گاهی مواد این گروه ،بوسیلهٔ تقلیب بجا مانده است :

پشتو	دری	اوستا
تریخ (مونث ترخه)	تلخ	* tixra

تبدیل گروه -ب+ر- به -و+ر- :

پشتو	دری	اوستا
ورور	برادر	brātar-
اوره	ابر	awra-

گروهِ -د+ر- گاهی به -د+فتحه+ر- مبدل شده است :

پشتو	دری	اوستا
درغل	دروغگو	drəgvant
دَرَمَند	آرد . . .	dru

گروه -گ + ر- گاهی بجا مانده است :

پشتو	دری	اوستا
گریوه(گروې)	استخوان طوقك گردن	grivā-

اما در مثال آتی تحول گ + ر به غ+ر قابل توجه است :

پشتو	دری	اوستا
غربی	سگك ، حلقه	+ grab-p

گروه -ر+ت- و گروه ر+د مبدل به ړ شده است : (۲٤)

پشتو	دری	اوستا
کړ	کرد	kar-t-
زړه	دل	zərəd-

این تحول در زبان های دیگرِ هم خانواده، چون اورمری ،پراچی سنگلیچی نیز واقع شده است .

گروه صامت اریانی - ر (+ش) +ن- مبدل به ڼ شده است :

پشتو	دری	اریانی
اړ-	آرد کردن	rn
رانه	لکلک	--
ورغانی - مرغوني	مالیدن (کود کرا)	ghrs- (سانسکریت)

اما گروه - ر+ش+ن - چون با ت آمده به د بدل شده است، در :

پشتو	دری	اریانی
تنده	تشنگی	trĕnatā + (تعلیق ۵۸)

(۲۵)- مساعدترین صورتِ فهرست کردنِ تحولِ دیگر گروه های زبان قدیم، که حاوی - ر - بوده، آغاز کردن از واکِ پشتو می باشد که نتیجهٔ آن تحول، گردیده :

واك پشتو	واك اریانی	مثال پشتو	دری	اوستا - اریانی
ښ	ر+ش+ت	کښل	کشیدن	krst-
ښ	س+ر	اوښه	اشك	asru-
ښ	س+ت+ر	واښ	رسن	+ bastra-
ښ	ش+ت+ر	اوښ	اشتر	uštra-
ږ	ر+ز	خوږ	شیرین	xwarezišta-
ږ	ر+ش	یږ	خرس	aršа-
ږ	ز+ر	زو !	بخد اقسم	zruva-
ښ+ت	ر+س+ت	ویښته	مو	+ wrsa-ta
رر رر	ر+س	غښتل	تابیدن	γarə
ږ+ر	ر+ز	زدن	ارزن	arzana
رر	رر	ووږد ، اوزد	دراز	hərəz (تعلیق ۵۸)

(۲٦)- در فقره ۱۸ درین بخش، اثر تلفظِ کامی (تحنُّك) را بر ك و در فقرهٔ ۱۹ بر س+ت و در فقرهٔ ۱٤ برمصوت ها دیدیم.

مثال های دیگر در موارد آتی می یابیم :

ش- بجای س+ی - آمده است:

پشتو	دری	اوستا ـ اریانی
مشر	مهتر (=بزرگتر)	masyah-
تش	تهی	tusya-

گاهی ـ آواز ی بعد از ل یا م اضافه شده است چنانکه در :

پشتو	دری	اوستا ـ اریانی
لیار (لار)	راه	+ rāl
میاشت	ماه	māsti-

در اکثر کلمات جمع تسمیه مادر ومانند مادر وخویشاوندی زنانه آواز "ی" شنیده می‌شود که واقعهٔ تحنُّک است ، چون میندی ، میبندی ، میندیی وازین معلوم می‌شود که در چنین کلمه در چندین جا "تحنُّک" واقع شده است :

م (+ی) +فتحه+ن (+ی) +د (+ی) +ی

در بین‌ مثال آواز ی در یکی از جاهایی که بین قوسین گذاشته‌ایم (نظر به لهجه‌ها) اضافه‌می‌شود .

(۲۷) تمایلات ادغام صامت ها نیرومند است چون :

پشتو	دری	اریانی
مالگه	نمک	+ nmālga

تمایلات تبدیل‌شدن صامت برای‌ایجاد تفاوت (اسیملاسیون) نیز موجود است . مثلاً " برای کلمه نُوسی (بمعنی نواسه ، نواده) در لهجه ها به نُمسی و لُمسی بدل‌شده است و نُور (بمعنی خورشید) در لهجه‌ها به نُمر و لُمر تبدیل یافته است .

تمایلات تقلیب نیز موجود است چنانکه : ږمنځ (بمعنی‌شانهٔ مو) منګځ در لهجهٔ وزیری وژنځ شده است .

تبدیل‌شدن تاریخی " وُشل" به "شل" (بمعنی بیست) و وُلاړ به لاړ - (بمعنی: رفت) بهمین سلسله باید ذکر شود .

تبدیل بین‌محل تلفظ ر و ل قابل‌توجه است :

پشتو	دری	اوستا یاشکل‌مابعد
لار	راه	+ rāl
لره	به	+ rala
لوَران	نام گیاه	r...l...

(۲۸) گاهی این تبدلات ، بحدی عمده بود که دو کلمه همخانواده را از همدگر بعید و ظاهراً بیگانه ساخته است . مثلا :
تره و پلار را در حالیکه ریشه مشترك است :

پشتو	دری	اریائی - اوستا
پلار	پدر	pitar
تره	عم	ptṛwya (tuirya-)

همچنین است سخر و خواسي که در لفظ از هم دور بنظر میرسد و ریشه های آن یاهم یکی می شود :

پشتو	دری	اوستا
سخر	خسر (پدر همسر)	xvasura-
خواښي	خشو	svaśru(skr)

و چنین است دوری ظاهری این دو کلمه :

پشتو	دری	اوستا
اُل-وُل ul-	زَن ، انداز !	vaēδa-
	(ریشه انداختن)	vaēδa-
ویشت -	زد انداخت (ماضی)	〃

(۲۹)- درخاتمهٔ بیان واك شناسی، باید ذکر کرد که لهجه های شمال شرقی پشتو، بیشتر بازبان های هندی (اندو آریایی) همسایگی داشته اند . بطور خاص در ناحیهٔ پشاور این تحولات را پذیرفته اند :

تبدیل	ښ	به	خ
〃	ږ	به	گ
〃	څ	〃	س
〃	ځ	〃	ز
〃	ژ	〃	ج

پاین صورت این لهجه از پنج صامت غیر هندی ، خود را سبکدوش کرده اند ، درین لهجه ها یگانه دو صامت غیر هندی که باقیمانده خ و ز است .

اما ازطرف دیگر، درهمین ناحیهٔ جغرافیایی ، موجودیت زبانِ پشتو و دیگر تاثیرات مسبب شده است که دو صامتِ غیر هندی در اکثر لهجه های هندی دخیل گردیده است و آن همین خ وز میباشد :
(تعلیق ۵۹)

فصل چهارم

صرف پشتو

اسم

(۳۰) تذکیر و تأنیث اسم :

پاسداری فتحه در اخیر کلمه (که گاهی زبرك است) و از - "آ" (که در زبان قدیم موجود بودند) هر دو در کار حفاظه مونث مساعد افتاده است . این واقعه در بعضی دیگر زبان های اریانی نیز رخ داده - است . تذکیر وتانیث در مورد همه اشکال اسمی بشمول صفت مشتق - فعلی و (صیغه های فعلی مبنی بر ان) موجود بوده وحتی بر صیغه مفرد غایب زمان حال نفوذ کرده است . یگانه استثنا "هغه" می باشد که معنی ، او(مذکر) او(مونث) را ادا میکند : مثلاً " د هغه زوړ آس مړ شوی دی . (یعنی اسپ پیر آن مرد مرده است) و د هغې زړه اسپه مړه شوې ده (یعنی مادیان پیر آن زن مرده است) .

یکعده کلمات که در زبان اریانی مخنث بود در پشتو مذکر شده اند ، چون پل (= نقش قدم) نوم (نام) . بعضی ازین اسماء مخنث در پشتو مونث شده اند ، چون لومه (جال ، تور) . کلمه زبان قدیم + dāmani که جمع مخنث بوده ، در زبان پشتو "لمن" (= دامن) مونث شده است.

(۳۱) اکثر کلمات، که در زبان قدیم مختوم به فتحه - a - بوده ، در زبان پشتو ، مختوم به صامت شده است مثلاً " کلمه "کاره" شکل "کور" (خانه خانواده) را گرفته است .

همچنان ، کسره واپسین کلمه ، در زبان پشتو مختوم به صامت شده است چون در کلمه + gari که به غره (کوه) بدل شده است و - در زبان دوره وسطی معروف به ختنی -ggara آمده است.

باکلمات زبان قدیم مختوم به u - چندگونه معامله شده است:

پشتو	دری	اوستا
پسه	گوسفند وبز	pasuwoh
اوسی	آهو	āsu+ka
اوښه	اشک	asru+ā

موجودیت ن ، در ختم کلمهٔ قدیم، هنوز درک میشود، چنانکه جمع مېلمه (مهمان) ، مېلمانه است.

واک واپسین "ر" در کلمات تسمیه اعضای خانواده چنانکه در زبان قدیم بود قابل توجه است:

پشتو	دری	اوستا
پلا ر	پدر	pitar-
مور	مادر	maᵊr-

در "پلار" سابقهٔ کلمه، به شکل مفعولی زبان اریانی، و در "مور" - سابقهٔ کلمه، به شکلِ مفعولی وجرِ زبان اریانی می رسد .

۳۲- اسمای مختوم به یای ملینه ay که منشاء آن در زبان اریانی -aka بوده ، زیاد است ، چون نوسی = (نواسه ، نواده) ملګری (همراه ، دوست) . درین موارد، شکل مونث ، با یای ثقیلــــه (زبرک + ی) ویا با یای مجهول می آید چون نوسۍ ، ملګرې .

۳۳- اکثر اسمای مونث به فتحه a ختم می شود، که بر بعضی - فشار آواز بران فتحه می آید ، و بر بعضی نمی آید .

مثلا " اسپه (مادیان) ، مڼه (سیب) غوبنه (گاوبان) خوله (دهن) .

دیگر نمونه ها قابل تذکار است ، چون وریره (بمعنی دختر برادر) و چاړه (کارد) با زبرک در اخیرِ کلمه ، ودر لهجه وزیری وغیره" گوتیې " بمعنی انگشتر (شکل اریانی angušty̆ā-) (اما در همه لهجه ها "گوته" یعنی " انگشت" ، به فتحه ختم میشود) کلمه" یوې" بمعنی " قلبه" در لهجه وزیری-yewyē شنیده می شود .

منشاء این همه کلمات به ختمیهٔ yā (i) در زبان قدیــم می رسد ، اما بطور واضح دانسته نمیشود که کدام به yā وکدام به iyā واصل می گردد .

اینکه دکتور یرژی کُوری یوو یچ در مقالات ۱۹۷۵ خویش میگوید که همه مصوت های ختمیهٔ اسماء موٴنث a- (بافشار آواز) از -iyā آمده است ، قابل قبول نیست .

(۳٤) آن کلمات که دو هجایی بوده ، ودرزبان پشتو یک هجایی شده است ، مختوم به " آ" می باشد .

پشتوی معیاری	لهجه وزیری	دری	اوستایی
غوا	غوُ (به ضم و)	گاو	gav-
خوا	خوُ (به ضم و)	پهلو	--
ملا	ملیه	میان (کمر)	maiδya
پلا	پلا	سفر ، دفعه	+ paθyā
غلا	غلا	دزدی	+ gadyā

اما چنان مونثها موجود است ، که یک هجایی بوده و به فتحه می انجامد ه چون غله (دزد ـ موٴنث) ، شپه (شب) ، سوه (سم) ، سَسنه (سرین) .

ازیکسو ، چنان کلمات دو هجایی موجود است که به " ـ وا" می انجامد و از دیگر سو ، چنان کلمات مختوم به ضمه استکه منشاء آن، کلمات مختوم به فتحه ویا -uwā است، درك ارتباط میان این دو دسته دشواراست.

(۳۵) یکعده کلمات اکثر موٴنث مختوم به صامت موجود است، که سابقهٔ آن به یا ویا i(č)- زبانِ قدیم میرسد ، مثلاً :

پشتو	دری	زبان قدیم	
بسن	همباز (انباق)	hapaθni-	
ولبشت	بِلِشت (=وجب)	vitasti-	
زمنح	شانهٔ مو	fšan-či	+
سځه	زن	strī-či	

در بعضی لهجه ها ' " لیار ـ لیاره" معنی راه را دارد .

نمونهٔ دیگر:

پشتو	دری	اریانی
تشتیا	تهی بودن	yawē-ča-tāite

باقی ماندن این ت " در تشتیا" ، نشان میدهد که زبان آنرا واکِ ختمیه شمرده است . در زبان دوره ٔ وسطی " ختنی " این کلمه **tuśśātāta** بوده .

جمع ومفرد اسم

(۳۶) نشانه های جمع در زبان پشتو ، بحدی متعدد است که در هیچ زبان اریانی ، چه ازدوره ٔ وسطی وچه ازدوره ٔ نو ، نظیر ندارد. بنابرین ، درین مختصر ، آن نشانه های جمع را بررسی میکنیم ، که از نظر تاریخ تحول زبان پشتو قابل توجه است .

(۳۷) جمع مذکر:

پساوند جمع آن - یان - گان .

اکثر برای اسماء جاندار بکار میرود .

مفرد	معنی	جمع
کب	ماهی	کبان
ملا	ملا	ملا یان

- پساوند جمع - ونه

مفرد	معنی	جمع
لاس	دست	لاسونه
زړه	دل	زړونه
آس	اسپ	آسونه (ونیز: آسان)
پلار	پدر	پلرونه

- پساوند جمع زبرک با فشارِ آواز : (تعلیق ۶۱)

مفرد	معنی	جمع
شپون	شبان	شپانه
خر	خر	خره
سپور	سوار	سپاره
سخو	خرسنگ	سخَر (با زبرک بر "خ")

- پساوندِ جمع آن + زبرک (با فشار آواز بران) **-ānə**

مفرد	معنی	جمع
غوبن	گاوبان	غوبانَه

- پساوند جمع یای معروف **ī** -

مفرد	معنی	جمع
کلَیُ (بهفتح ل)	قریه	کلِی (بهکسر ل ویای معروف)
سړَی (رر ر)	آدمی	سړِی (رر ر رر)
سپَی (رر پ)	سگ	سپِی (رر پ رر) یا: " سپیان"

بعضی اشکال جمع بی قاعده است ، چون :

مفرد	معنی	جمع
وروړ	براد ر	و ړو نه
زوی	فرزند	زامن

گاهی د رختم اسمای مذکر ، که معد ود واقع شود ، واكِ فتحه می آید :

مفرد	معنی	جمع	معنی
کور	خانه	د ريِ کوره	سه خانه

شاید این " هٔ " از āh- که د رزبانِ قدیم بود ، باقی مانده باشد .

(۳۸)

جمع مونث

پساوند یای مجهول مثلاً :

مفرد	معنی	جمع
ونه	د رخت	ونې
منه	سیب	منې
لاره	راه	لارې
پښتنه	(مونث پشتون)	پښتنې
روځ	روز	ورځې

شاید این پساوندِ جمع ، از پساوندِ مونث ayah- بوده که د ر زبان اریانی برای جمع کلمات مختوم به کسره i بکار میرفته است.

جمع کلمات مونث مختوم به " ـآ "

مفرد	معنی	جمع
ملا	کمر	ملا وی
نیا	ماد رکلان	نیاگانی
ترور ، تره	عمه	تروراني ، ترورياني ، ترینده ی ، تر وری

کلمه رو پی (زبرك بر " پ " یعنی یای ثقیله) د رجمع ومفرد یکسان است ، اما برای اسمای جاند ار فرق موجود است ، چنانکه سپی (بمعنی ماده سگ) د ر جمع سپییانی می شود .

مثال جمعهای مونث بی قاعده :

مفرد	معنی	جمع
لور	د ختر	لوڼی
مور	ماد ر	میند ی

همچنین دیگر کلمات مونث ،که تسمیهٔ اقربای زنانه است ،
چنین جمع بی قاعده دارد .

(۳۹)

صورت ترکیبگونهٔ "مور پلار" (یعنی پدرْ مادر) (چنانکه در سانسکریت "ماتاپیتاره" گفته می شد) و همچنان لاس پښی (دست ـ و ـ پا) و با "او" وصلیه چون "شپه او روځی" - (شب و روز) سزاوارِ توجه است .

(۴۰)

حالات اسم:

حالات مفعول وجر (مغیره) گاهی عیناً" مانند اصلِ اسم می آید مثلاً" :لاس(دست) سپی (سگ) .
حالات مفعول وجر اسمای مذکر ،گاهی مختوم به زورکی (زبرك) که بران فشارِ آواز می باشد ə- نیز می آید :

حالت فاعلی	دری	حالت مفعولی وجر	معنی
غر	کوه	غره	کوه را ـ (از) کوه و غیره .
پښتون	پشتون	پښتانه	پشتون را (از) پشتون وغیره .

حالت مفعول وجرِ آن اسماء مذکر که اصلاً" مختوم به ay- (یعنی یای ملینه باشد) به i (یای معروف) می آید :

حالت فاعلی	دری	حالت مفعولی وجر	معنی
سړَی	مرد	سړِی	مرد را ،(از) مرد و غیره
کلَی	قریه ،ده	کلِی	قریه را ،(از) قریه وغیره

حالت مفعول وجرِ آن اسماء مونث که مختوم به فتحه باشد با یای مجهول ساخته می شود :

لاره	راه	لاری
اوښه	ماده اشتر	اوښی

(۴۱) اسماءِ جمع مفعول ، در مذکر ومونث مختوم به " و" . ō - (واومجهول) و " یو" می شود یعنی که موافق به حالت منادای جمع است. در زبان " ختنی " نیز وضع همین بود . چه نسخ خطی پشتو و چه لهجه های متمایل به قدامت در ین جا واوِ مجهول دارند (ونه" - ونو" no چنانکه اسو (اسپان) .

از ین برمی آید که ūna -(چنانکه آسونه) متکی بر ūno - (چنا آسو نو) نیست (و اخیرالذکر زاده شکل قدیم - انام ūnām - است) پس ūna- باید به ānhāh- برسد، که در اوستا āŋho- آمده است . باینصورت این o- که در حال مفعول وجر می بینیم ، غالباً از - پسا وندِ حالت آلتی ābiš + آمده باشد .

در زبان ختنی ، حالت وسیلتی و حالت منشاء یی ، در جمع ، مختوم به می شود که به شکلِ زبان پشتوکه مورد بحث ماست قرابت لفظی دارد .

(۴۲)

ادات پیش وپس ازاسماء :

دِ برای ادای مضاف الیه وغیره بکار می رود بمعنی " از" در لهجه ها ء افریدي و وزیري اِ می آید . چنانکه اِغرنه = د غرنه (= از کوه)

لِه از

پِه به ، بر

تِر تا به

ادات پس ازاسماء :

باندِيِ	بر	لاندي	زیر
خه	از	لره	بر
کښې (کي)	در - درون	نه	از
لــه	بسوی ، از سوي	پوري	تابه
		سَره	با ، همراه
		- ته	به -

گاهی ادات پیش و پس اسم هر دو می آید :

پِه کور کښې (کي) درونِ خانه

دِ غره نِه از کوه

لِه مونږ سَره با ما

۴۳ - "آرتیکل" در پشتو :

یو یك - یکی

هغه آن (اکثر به انگلیسی the ترجمه میتواند شود . تاحدیکه معلوم است، در بعضی لهجه های غلزیی این هغه " آغ " بلکه " آ " تلفظ می شود، وفشار آواز هم بران نمی آید . درینصورت این کلمه بطرز خود ، بسوی " آرتیکل " شدن می رود ، ومعادل انگلیسی می شود . مثلاً :

لهجه خاص غلزی	ترجمه انگلیسی
ا سَړِي ته	to the man
ا شَپَی	the dog
په املك کښې (کي)	in the country

این ارتیکل، در زبان اورمړی نیز موجود است ، چنانکه اَ سړی بمعنی the man ودرین صورت بر " آ " فشار آواز نمی آید ، اما اگر فشار آواز بر " آ " بیاید ، آنگاه اشاره را ادا کرده " آن مرد " معنی می دهد . شاید اورمړی درین زمینه ، زیر تاثیر پشتو آمده باشد . (تعلیق ۶۲)

۴۴ -

صفت :

مقایسه صفت معنای تفضیل ، با تر ــ ادا می شود :

(ترتولو = از همه ، نسبت به همه) .

بعضی صفاتکه با مصوت خاتمه می یابد ، تصریف می شود . یعنی با فتحه ویا یای ثقیله (زبرك + ی) یا یای مجهول ـ مونث می شود . بهترین نمونه ، توود ، تود (= تفته ، گرم) است که مفرد مذکر آن ، بحالت مفعول و جر ونیز جمع آن تاودي میشود. حالت فاعلی مفرد مونث آن توده ، ومفرد مفعول یا حالت جر آن وحالت فاعلی جمع آن ، با یای مجهول دارای فشار آواز ēو- و جمع آن بحالت مفعول و جر مختوم به ō- (واومجهول) بافشار آواز است . (تعلیق ۶۲)

(٤٥) ازروی فشارِ آواز د ر کلمات پشتو ، بشمول صفات ، مراجعه به فشار آواز د رزبان های باستانی ممکن است . مطالعهٔ همه واکشناسی پشتو ، ود یگر زبان ها ی اریانی ، د رین زمینه ومقایسه به زبان های هند ی لا زم و سود مند خواهد بود .

(٤٦) اعد اد

۱- یَو مونث: یوه د رلهجه بنگش ، خټك وغیره ēwa

۲- دوه مونث د وې ۱۲ د وولس

۳- د رې د رلهجه افرید ی drēy ـ د ر بلوچی و زبان های پامیرد رینجا مصوت مرکب (د یفتونگ) می آید .

۱۳ د یارلس

۲۳ د رویشت (از -ϑri-)

۳۰ د پرش (د رزبان "ختنی ": د رسه dārsā

٤ څلور د رلهجهٔ افرید ی ووزیری وغیره څلوور calwōr

۱٤ څوارلس

۲٤ څلپرویشت ـ څلیرایشت

٤۰ څلویښت

۵- پنځه (زبرکه راخیبر) د رلهجه جاجی : "پهن"

۵۰ پنځوس

٦- شپږ شپاړس (د رزبان آسی د رقفقاز spardas)

٦۰ شپېته

۷- اوه اویا ۷۰

۸- اتـه د رلهجه مسعود وزیرستان ووته و اوته .

۸۰ اتیا

۹ نـه نونس= ۱۹ نوی ۹۰

۱۰ لس

۲۰ شل (= وشل ، شکل قد یم تر ، که د رتلفظ نمانده است) .

د رلهجهٔ ونیځی ، بعضی اعد اد قد امتِ کلام را نشان می د هد :

ونېځي	پښتوی‌معیاری	دری
تهر	دري	سه
څون	څلور	چهار
پون سو	پنځسوه	پنجصد ـ پانصد

(٤٧)- در بعضی لهجه ها چون ختك وغیره ، برعلاوه صورت معمول شمار ، طریق دیگری نیز بکاری رود ، با " کم " ، " نیم " " د پاسه " (افزون) نیز بکار می رود . مثلاً :

پنځه کم دري‌شله = پنځه‌کم دري‌شپیته = پنځه پنځوس .

مثال دیگر: دري‌نیم شله = پنځه پنځوس.

یا : لس د پاسه دری شله = اویا وغیره .

(در کابل وحوالی آن یك تومن = ۲۰ ، سه تومن ۶۰ ، سه ونیم تومن ۷۰ - و غیره) .

در زبان های دنمارکی وفرانسوی وغیره چنین طرز شمار موجود است.

(٤٨)-

ضمیر ها .

" زه " از اوستا azem : (در واخی wus در منجی za در اور مری sa) . این شکل ها در زبان های دوره ٔ وسطی - تصدیق شده است : در زبان ساکا asyu در سغدی " ازو " . اشکال مضاف الیه څما ، زما (ازمن) ، ستا (ازتو) وغیره .

این څ و س در آغاز از haĉa آمده است .

مونږ (ما) از ahmasa- آمده که شکل باستانی آن + asmācya بوده . در لهجه کوکی خیل افریدی بجای مونږ کلمه ٔ ——→ dyū بکار می رود که خیلی عجیب است. شاید در اول یك اشاره ٔ - قریب بوده .

تاسو ، تاسي ، (=شما) : شاید درینجا اثر پساوند saya - باشد ، بمعنی " همانند " و " همسایه " چنانکه در داسي (= این چنین) . در زبان شغنی پامیر di-as می آید که از (a)ita-sā آمده است .

بنابرین ، حکم قاطع نمیتوان کرد که تاسو ' تاسي حتماً اززبا ن های هندی آمده باشد . اما در لهجه وزیری در کلمه " توس " غالباً تاثیر زبان ها ی هندی باشد .

(٤۹)

ضمیر اشاره "هغه" (=آن) "دغه: "دا" ، "دی"(= این
در بعضی نسخه‌های خطی وبعضی لهجه ها "ها اوغه"=(آن هـ
نیز آمده است . (تعلیق ۲٦)

ضمیر استفهام:

"څوك" (=که ؟ چه کس) ازاوستا čis-+ok آمده است
" چا" شکل مفعولی وجرآن (ازاوستا kahya) آمده است
"څه؟" (= چه) ، کُم (=کدام) ، (از kāma آمده) .

ضمایر متصل : مې ، دې ، يې ، مو .

ضمایر سمت واستقامت (بیانگر هدف) :

ضمیر	معنی	شکل لهجه‌وی
را	بسوی من	در افریدی or
در	بسوی تو ، شما	
ور	رر او ، آنها	

(٥۰)

افعال

در اکثرزبان‌ها ی اریانی مرحلهٔ کنونی تصریف افعال مبنی بر دو ریه
است:
ریشه حال (مضارع) وریشه ماضی . در پشتو نیزهمین طریق پیرو
میشود .

ریشهٔ حال :

صورت صنف بندی انواع ریشه حال :

۱ـ ریشه بسیط :

" وین " (" وینم" : ببینم) ، "خوځ" ("خوځی" : خـزو) .
چنانکه : مارخوځی (=مارمی‌خزد)

۲ـ ریشهٔ لازمی :

با افزود ن"ې +ز" مثلاً " گوره ، مارخوځېږی" (=" ببین ، اینك مـ
ی‌خزد ") .

۳- " ریشه‌فعلی مشتق از اسم: با افزود ن" ی + ژ" .
مثلا" از جور (=جور، صحت یاب) .
جورپزی (= جوروساخته‌می شود ، اصلاح میگرد د) .

٤- ریشهٔ لا زمی مصنوعی :
با افزود ی" فتحه+ و"
مثلا" از" جور" فعل" جورول" (=ساختن ، جور واصلاح کرد ن) .
ه- افعال د ارای د و ریشه‌مثلا" :
کوم و کرم ، وم و شم ، ورم و یوسم ، بیایم و بوزم .
وهمچنان پرپوزم (با فشار آواز برحرکت " ر ")
رر (رر رر رر " و ")

(٥١)

شناسه های‌فعل چنین اند :

اشخاص	ساختمان‌شناسه	مثال
مفرد متکلم	- زبرک + م	وینم (بینم)
مفرد مخاطب	- ي	وینې (بینی)
مفرد غایب	- ی	وینی (بیند)
جمع‌متکلم	- و	وینو (بینم)
جمع مخاطب	زبرک + یُ	وینئ (بینید)
جمع غایب	- ی	وینی (بینند)

موضوع فشار آواز د ر صیغهٔ فعل قابل توجه است :
- وینم وی (بافشارآواز) + نم
- لر م لر+ زبرک+ م (فشارآوازبرهجای‌اخیر)
اینکه‌فشارآواز د ر صیغه فعل بر ریشهٔ فعل‌ویا بر شناسه‌صیغه می افتد ، مستوجب بحثِ طویل‌است که‌د رین‌مختصرنمی گنجد .

چنانکه د ید یم‌ٔ غایب‌مفرد ، وغایب‌جمع، هر د و یك شناسه د ارند ، و آن‌ی (یای‌معروف) است. د رفعل‌معاون ، مفرد د ی day و جمع ږی dī می باشد .

اینك تصریف فعلِ‌معاون (مثلا" د ر" کړی یم") .

اشخاص	صیغه فعل معاون		
مفرد متکلم	یم		yem
مفرد مخاطب	یې		yē
مفرد غایب (مذکر)	دی		day
مفرد غایب (مونث)	ده		da
جمع متکلم	یو		yū
جمع مخاطب	یئ	، یو ، یاست	yey
جمع غایب	دی		dī

در اینجا فوراً متوجه می‌شویم ، صیغه ها و فعل معاون در متکلم ومخاطب ، چه مفرد وچه جمع ، با "ی" آغاز می شود ، اما در غایب مفرد وجمع ، د - می آید (دی ، ده ، دی) منشاء این د ، در شکل ضمیری است) .

- بر علاوه باید "شته" (بمعنی " هست ، موجود است) ذکر شود در صیغه های زبان کلاسیک وادبی :

جمع مخاطب	کانی	ازشکل باستانی	+ kṛna-
جمع غایب	کاندی	از شکل باستانی	+ kṛnantai-

وجه امری ، برای مفرد مخاطب با a - وبرای جمع مخاطب با -ey
مثال : کوره (بنگر) گوری (بنگرید) .

مفرد غایب وجه التزامی : " وی "

رر رر وجه تمنایی وشرطی : " وای "

این صیغه در ماضی هم بکار می رود ، مثلاً " که هغه راتلای ، یعنی : اگر او آمدی .

(۵۲)

جزء پیشاوندی و wə نشانه وجه التزامی است ، مثلاً " وگوری " - (= ببیند) ، (ب در دری) .

این جزء پیشاوندی با جزء پیشاوندی به نشانه مستقبل " ، می تواند یکجا مطالعه شود .

(۵۳)

بر علاوه را در ور بسا افعال ، کلمات پیشاوندی لغوی دارند .

جار مثلاً در جارایستل	بازآوردن
کسی « « کښېښودل	گذاشتن ، نهادن
ننه « « ننوتل	داخل‌شدن
پرا « « پرانېستل	کشودن
پری « « پریمینځل	شستن
پورې « « پورې وتل	برگذشتن

باید متوجه بود ، که این‌اجزاء پساوندی‌آنقدر هم به فعل‌چسپیده نیست ، زیرا دیگر نشانه های‌صرفی بین‌آن وفعل جاگزین‌میشود مثل ، "پرېکول" بریدن ، مرکب‌از "پرې + کول" است وبجای "نه به یې پرې کوم" - این شکل نیز شنیده می شود :

پری- به - یې - نه - کوم !
برید ه-خواهم-آنرا - نه - کنم !

یعنی : "نخواهمش‌برید !"
حتی‌آن اجزاء پساوندی فعل که به‌فعل‌سخت ملصق به نظر می‌آید ، به دیگر اجراء واد ات جای‌خود را می گذارد (مثلاً "به- نشانهٔ مستقبل" به") ، چنانکه‌درریشه "آرو" (آرویدل- شنیدن) در- آغاز، یك پیشاوند است (آ+ رُو+ یدل) و "بخواهمش‌شنید" چنین گفته می‌شود :

و - آ - به - یې - روم
ب -[پیشاوندِ فعل]- خواهم - ش - شنید

در ماضی نیز ، این گونه ساختمان‌ها موجوداست .

٥٤- ریشه ماضی :

در زبان‌پشتو ، ریشهٔ ماضی چنین‌ساخته شده :
ریشه فعل + باقیمانده ta (که‌صفت فعلی مشتقه درزبان‌قدیم بود .)

عین پدیده در دیگر زبان‌های‌اریانی رخ داده است :

ریشه‌فعل	مثال	معنی مصدری	ریشه ماضی
آخل	آخلم-	گرفتن	آخست-
آغوند	آغوندم	پوشیدن	آغوست-

ول-	ولم	انداختن ، زدن	ویشت -
بوز-	بوزم	بردن	بوت+ ل
خیز-	خیزم	خاستن	خوت -
نغوز-	نغوزم	گوش دادن	نغوت -
مر-	مرم	مردن	مر
غوا ړ-	غوا ړم	خواستن	غوښت -
سکڼ-	سکڼم	بریدن	سکښتد
کاږ-	کاږم	کشیدن	کښ
او- اوب-	اووم	بافتن	اود -
سوځ -	سوځم	سوختن	سو -
وژ ن-	وژنم	کشتن	وژ (ل)-

در مورد آتی ، ریشهٔ ماضی از منبع متمم یی آمده است :

وین	وینم	دیدن	لید
راش	راشم	آمدن	راغل -

(۵۵) در ریشه اکثر افعال " زبرك +ل" ol اضافه شده است ، چنانکه تړ - به " تړل" تبدیل شده و " تړلم" (یعنی : " بندم") تصریف می شود .

منشأ این عنصر ، در زبان قدیم ، غالباً " ita - بوده .

ریشه های ماضی با ي+ د ((ād)) (همانکه در دری بای+د می آید چنانکه : (دیدن) در پشتو متداول است ، چنانکه در ولیدم ، ږړېدم وغیره .

(۵٦)

شناسه های فعل ماضی ، اکثر مانند شناسه های فعل حال است . اما به تفاوت ها ی آتی ، باید ملتفت بود :

اشخاص	شناسه ماضی	مثـال
مخاطب مفرد مونث :	-ela	ته ولیدله (تو زن دیدی)
مخاطب جمع	-ale	تاسی ولیدلی (شما دیدید)
غایب جمع مذکر	-el	دوی ولیدل (ایشان دیدند)
غایب مفرد مذکر	-ā	کا (کرد)

این صیغهٔ اخیرالذکر با ā (و دیگر صیغه ازین قبیل با ō) ازان که در زبان قدیم وجود داشت آمده است .

د ر صیغهٔ ماضی تاړه (می بست) واك اخیر " زبرك " قابل توجه است و صیغهٔ " خوت " (=برخاست) هم باید د رنظر باشد .

برعلاوه د ر بعضی ریشه ها " ل " هم اد خال می یابد ، چنانکه " بوتلم " (= بُرد مرا) .

(۵۷) ماضی قریب وماضی بعید با فعل معاون ساخته می شود وپس از فعل معاون صفت مشتق فعلی با فتحه+ ی ay-(د رحالی که فشار آواز بر فتحه است) می آید (مثلا " لیدلی یم " دیده است مرا لیدلی وم " دیده بود مرا ۰)

این صفت مشتق فعلی ، د رزبان قدیم ، با taka- انجام - می یافت و نظر به احوال تصریفی شد .

د ر زبان د ری نیز همین طریق پیروی می شود . اما زبان پشتو به پیروی زبان قدیم (اریانی ، اوستا) رعایت مذکر ومونث را هم - می کند ، مثلا "

مذکر:	شوی یم	شده ام
مونث:	شوې یم	شده ام
مذکر:	شوی وم	شده بودم
مونث:	شوې وم	شده بودم.
مذکر:	شوی دی	شده اند .
مونث:	شوې دی	شده اند .

(۵۸)

د ر یکعدهٔ زیاد وجه ها وزمان ها صیغه های متعدد موجود است وبا عناصر چون به وه ویا ترکیب هر د و ساخته می شود . بررسی این همه اشکال تفصیلا تطویل می خواهد ، که د رین مجمل نمی گنجد مثال می د هیم :

نتیجه شرط ـ عمل مکمل : به رسید لی وو (=آنگاه ، رسیده می باشیم

" " ماضی : وبه رسیدم (=د رآنصورت ، رسیده می بودم ۰)

(۵۹) ساختمان ماضیِ افعالِ لازمی ، به زبان های دیگر همخانوادهٔ اریانی ، مانند است .

اما د رزمینهٔ افعال ماضی متعدی ساختمان agentive را پشتو بیش از هرزبان دیگر پیش برده است، مثلاً :

زه تا وهم
من ترا می زنم

ته ما وهې
تو مرا می زنی

د رماضی :

تا زه وهلم
تو مرا می زدی (مرا)

ما ته وهلې
من ترا می زدم (ترا)

مثال دیگر:

ښځې آس واهه
زن اسپ را (می) زد

ښځې اسپه وهله
زن مادیان را (می) زد

(۶۰)

این کاربرد " اجنتیف" د رماضی متعدی عینا"مطابق آنست که د ر - زبان های هندی د ر می یابیم . ازین مشاهده بیک مطلب عمده واصل می شویم و آن اینکه :

گرچه زبان پشتو منشاء اریانی دارد ، اما تماس با زبان های هندی ، سبب تقویت آن شده است .

بطریق مثال ، د رین زمینه مناسب است ، که به جلد د هم مجموعه LSI " لنگوستیك سروی آف اندیا" مراجعه کنیم و د ران عین متن وموضوع را که از د ری گفتاری بلوچی و پشتو گرفته باهم مقایسه وهر سه را با زبان - لهندا (هندکو) که د ر کوهات سخن گفته می شود ود ر جلد دیگر مجموعه آمده است کلمه به کلمه مقابله کنیم . آنگاه د رخواهیم یافت باوجودی که ریشه های اکثر کلمات پشتو با ریشه ها ی د ری وبلوچی مشترك است، اما ازنظر ترتیب ونوبت کلمات ، ومشخصات نحوی ، وحتی از جهت کاربرد بعضی ادات وتعیین موقعیت آنان ، ویکعده اشکال صرفی ، احوال را بین پشتو و زبان هندی موازی می یابیم :

پشتو: د یو سړی دوه زامن وو.
لهندا: هك جنې دې دو پوتر هیې.
دری: یك مرد دو پسر داشت.

پشتو: کشر زوی پلارته وویل: ای پلاره!
لهندا: نکړې پوترې پیوّنا آکهې: بابا!
دری: پسر خورد پدر را گفت: اي پدر!

پشتو: که زما څه برخه ستا په مال کی رسیږی
لهندا جې کډې مې دآ برخه تې-دې مالې وچوچناېي.
دری: ای پدر، اگر بمن حصه یی درمالِ تو می رسد.

پشتو: خورا ته بې راکړه.
لهندا: تا مې دې آن دِ-چهوڑ.
دری: آنرا بمن ده.

خلاصه اینکه:

- از نظر واکشناسی، ودر هرکلمه، زبان پشتو مطابق به زبان‌های همخانوادهٔ قدیم و جدید اریانیست.
- از نظر صرف (مورفولوژی) همچنین است اما اثر همسایگی زبان های هندی مشهود است.
- از نظر نحو و جمله‌بندی موازات با زبان های هندی ملاحظه می شود.

این مطلب تحقیقاتِ مزید ومقایسهٔ بیشتر را ایجاب میکند.

(٦١)

اسماء فعلی:

آنچه معمولاً "مصدر" نامیده می شود، درواقع اسمِ فعلی است، مطابق نمونهٔ اسم جمع با پساوند زبرك +ل el که موافق بمشناسهٔ غایب جمع مذکراست، وحالت مفعولی و جر یعنی مغیرهٔ آن با واو مجهول ادا می شود: لیدل، لیدلو.

دیگراسماء فعلی ، مختوم به ـ ون ūn (چون : تمبرون) ، و زبرك ـ e (چون : کاته) و ena (چون : کتنه) و غیره اند . در همه این موارد ، فشار تلفظ بر پساوندِ ختمیه می افتد . چنانکه در تړون و کاته .

فصل پنجم

منشاء لغات پشتو

(٦٢)

عناصرِ اصیل لغات زبان پشتو ، به پیمانه وسیع همریشه دیگر زبان های اریانی است.

اما از طرف دیگر ، یکعده لغات پشتو ، چنان است که منشاء آنرا در ریشهٔ کلمات دیگر زبان ها نمی یابیم . محض برای تقدیم مثال ، یك زمینهٔ عمده ، یعنی اعضای بدن را ذکر می کنیم کهبعضی در دیگرزبانها لغت همریشه بآن معنی ندارد ، چنانکه : سترگه (چشم) ، خوله (دهن) ، غاښ (دندان) ، اوږه (شانه) ، پښه (پا) پوندهٔ (پاشنه) . (تعلیق ٦٣)

فصل ششم

لهجهٔ ونېڅی (= تَرینوٌ)

(٦٣)

چون همه‌لهجه های‌شناختهٔ پشتو را باهم مقایسه‌کنیم، درمی یابیم که‌علی الرغمِ تفاوت ها، همه از منبع مشترك آمده اند ، ودلیلِ تفاوت ها از روی‌واك شناسی قابلِ بیان‌وشرح می باشد . این منبعِ‌شترك همان زبان است که در "خیر البیان" و رساله‌های آخوند درویزه (قرن ١٦ م) هم خوانده می شود .

واین‌اشتراكِ منشا لهجه های‌امروزی‌وزبان‌کلاسیك رانشان‌میدهد .

اما درین زمینه، یك‌استثناء موجود است، و آن‌لهجهٔ ونېڅی می باشد که بنام " تَرینو" نیز یاد می‌شود، و آن‌بین" هرنایی " و " لورلایی " ـ متعلق بلوچستان‌سخن‌گفته میشود . ساحهٔ جغرافیایی این‌لهجه‌در اثرِ غلبه یافتنِ‌پشتوی‌متداول بران ، پیوسته محدود می شود (تعلیق٦٤)

شرح این لهجهٔ پشتو توسط مؤلف و دکتور الفمین چاپ شده است (رجوع به فهرست کتابشناسی در اخیر این رساله) درین مختصر فقط چند میزه وصفی و نیهخی را می آریم :

(٦٤)

تلفظ وواکشناسی :

چنانکه می دانیم در پشتوی متد اول ،آن د که در اریانی بود به ل بدل شده است چنانکه "ملا" (کمر) و خوله (خوی ، عرق) . این حال در ونیهخی نیز موجود است اما نه سراسر، و - چنین احوال می یابیم :

معنی	پشتوی متد اول	پشتوی ونیهخی	اوستا
صد	سل	سی	sata-
بیست	شل	شوی	visaiti-
پدر	پلار	پیار	pitar-

" شوی" (بمعنی:بیست) مرحلهٔ سابق- wši را گذشتانده - است :

اینکلوحهٔ تاریخی معنی " بیست" در پشتو:

visaiti اوستا

بافشارلهجه برهجای دوم → wšad (تلفظ دورهٔ انتقالی)

بافشارلهجه برهجای اول → ویشت (مثلاً ، یوه‌ویشت)

پشتوی متد اول : wšəl → شل

پشتوی ونیهخی : wšiy → šwi شوی

"پیار" (بمعنی :پدر) نزد کاکران کاکرستان نیز شنیده می شود که " پیار" و " پلیار" می گویند و این میزه باقیماندهٔ این تلفظ قدیم است .

در مورد این تحول واك ها لهجهٔ ونیهخی همان سلوك را گرفته که زبان پامیری" مُنجی " گرفته است .

ازگروه اریانی قدیم ر + ژ در پښتو ژ بجا مانده است ، اما ـ ونېڅی نه تنها ژ بلکه ر را نیز پاسداری کرده است :

معنی	پشتوی متداول	پشتوی ونېڅی	اوستا
خرس	یږ	یرژ	aršа-
تشنه	تږی	ترژه	taršna-

درمثالهای آتی ، مشخصات دیگر را می بینیم ، چنانکه تبدیل شدن گروه صامت ف+ت به و (و نه به و+د) ، و بجا ماندن گروه صامت ن+د (ونه تقلیل آن به ن) وعدم " تحنک " پس از م و ت وغیره .

معنی	پشتوی متداول	پشتوی ونېڅی	اوستا
پشك	پوچه ، پچه	پوکې	+ puška
تفته (گرم)	تود	توو	+ tafta
رر (مونث)	تاوده	توه	---
گندم	غنم	غندم	---
ماه	میاشت ، میاست	ماست	māh
هشتاد	اتیا	اتـا	aštaiti-

این امثله دیگرهم ازنظر تحول واك ها قابل توجه است :

معنی	پشتوی متداول	پشتوی ونبحی	اوستا واریانی
شانهٔ مو	ږمنځ	وژبنج	fšanči-
سوزن	ستن	سنزن	stuna
لحاف	بړستن	بربستڼ	+ apa-starani
رفت	ولاړ	وياړ	+ awa-darta-
پدر	پلار	پیار	pitar

(٦٥)

صرف:

د بحیث نشانه مضاف الیه کمتر بکار میرود واگر بکار هم رود، شاید تحت تاثیر پشتوی متداول پیرامون آن باشد . اما برای ادای اضافت ـ غه ، اغه بکار می رود .

بجای مونز (بمعنی ما) که د ران واقعه " تحنُّک" صورت گرفته د ر ونیخی موش (با واو مجهول) گفته می شود . ازنظر واک- شناسی د انسته می شود که ونیخی وپشتو همریشه‌اند اما د ریک مرحله‌ء سابق ولا ور د ست ، این لهجه ازتنه‌ء اصلی پشتوانشعاب کرد ه است .

معنی	پشتوی متد اول	پشتوی ونیخی	اوستا
ما	مونز	موش	ahmašša-

د رینجا ش+س که د راوستا بود ، د ر مرحله‌ء نخستین ونیخی چ+ی شد ه است تا ش گرد ید ه . (تعلیق ۲۵)

(۱۶) ضمیراشاره ay (بمعنی " همین") قابل توجه است. مثال شناسه های تصریف حال ،

معنی	پشتومتد اول	پشتوی ونیخی
می کنم	کوم	kī کي
می کنی	کوې	ke کې
می کند	کوی	kə کَه
می کنیم	کوو	kū کو
می کنید	کوئ	kŏ کوْ
می کنند	کوی	kīn کین

د ر مورد مخاطب مفرد ka برای اد ای عمل ختم ناشد ه می آید. موجود یت " کین" (بمعنی " می کنند ") قابل توجه است که ریشه آن ki می باشد ، د رحالیکه واک اخیر " غنه" شد ه بود . (واک ختمیه‌ء د ر زبان قد یم -aya- بود ه) . (تعلیق ٦۵)

اما د ر مفرد غایب " کَه" (با زبرك) ازریشه ایست که واك - ختمیه‌ء آن فتحه بود ه . د ر پشتوی متد اول ، چنانکه خواند ه ایم ، تحول، برعکس این بود ه است .

باید ملتفت بود که ونیخی محض د ر غایب جمع یك صامت " ن" بکار می برد (کین : می کنند) . باقی همه شناسه ها ، بسیار کوتاه و محض با کار برد صرفه جویانه‌ء مصوت ها ساخته شد ه است .

د ر صیغه های حال ، د ر د اخل ریشه‌ء فعل en - اد خال - می شود (نه پساوند یا پیشاوند بلکه میان وند . مثلاً :

معنی	پشتومتد اول	پشتوی ونبخی
می شقم ، می شخم	مرشم ، مشم	مرشبنی
می شویم	وبنځم	وبیز بنی
می ریشم	وربشم	وربشبنی وغیره.

(۶۷)

لغات

د ر ونبخی چنان لغات موجود است که د ر پشتو شنید ه نشد ه است چون غوز و غوت (بمعنی :آشامید ن ") کزه (بمعنی ماهی کلا ن) میت (بمعنی " مشت) وغیره.

کلمه' باستانی وون wūn بمعنی برهنه (کمشکل اریانی آن bagna است) قابل توجه می باشد .

(۶۸)

جملهبند ی :

معنی : د رین د ه (اند ر) ازما ازبد ر گاوان بسیاربود .
پشتو: په د ې کلی کښی زمونږ د پلار غواوی ډ یر وو .
ونبخی باینده ی وگوری چی موش پیار غه خت لیږد ی وی .

مثال د یگر :

معنی : د وغ و شیرین شیر هم می نوشند .
پشتو: شرومبی او خوږی شود ې هم چښنی .
ونبخی :شمزې و خوارژه شوې د ه غوزین

نتیجه بر ونبخی :

ونبخی از تنه' اصلی پشتو' د ر مراحل بسیار سابق انشعابکرد ه است، ومشخصاتِ قد یمچون شوی (بمعنی :بهست) موش (باواومجهول بمعنی "ما ") و " غه" و " اغه" (نشانه' اضافت) ،شناسه های گرد ان فعل د ر زمان حال وپاسد ارگروه صامت باستانی ر+ژ وغیرممو'ید این مطلب است . این انشعاب' د ر د وره" میانه" واقع شد ه باشد ،یعنی پیش از ساختمان پشتوی متد اول' و پس از زمانِ باستانی اوستایی . (تعلیق ۲۵)

قابل توجه است، که منطقه‌ٔ " ونبخی " نشین از باقی دیار پشتو زبانان با هیچ مانع طبیعی (چون بیابان یا کهسار صعب المرور) جدا نشده است و از نظر جامعه شناسی زبان، محال است که ـ ونبخی در آن ناحیه ظهور کرده باشد . باین نتیجه می رسیم ، گوینده گان این لهجهٔ قدیم ، از جای منزوی، باین جا نقل مکان کرده اند ، ولهجهٔ ایشان ، پیش از نقل مکان ، استحکام گرفته بود ، شاید گوینده گان این لهجه ، از نخستین قبایل پشتون بوده اند ، که بسوی شرق مهاجرت کردند . اما نه سند تاریخی بدست داریم ، و نه زبان شناسی یاری می کند ، تا بدانیم که انشعاب ونبخی در کدام زمان به وقوع پیوست .

فصل ششم

مقام پشتو در خانواده‌ٔ السنهٔ اریانی

(٦٩)

در خانواده‌ٔ اریانی ، شعبهٔ شمال شرق یک شعبهٔ عمده است و پشتو، یقیناً از همان شعبه است .

تبدیل شدن ‌ه به ل ، در پشتو و نیز در زبان مُنجی واقع شده است ـ لهجهٔ ونبخی پشتو ، تبدیل شدن ـ ت ـ قدیم به ـ ی ـ را با مُنجی مشترک دارد .

دیگر نقطه مشترک پشتو ومنجی ، زه (بمعنی : من) است ـ (در مُنجی : زو و زه) .

چه در پشتو وچه در مُنجی، ریشهٔ این کلمه در کلمهٔ اوستا " ازه " یافته می شود (درحالیکه در دیگر زبان های اریانی ضمیر شخصی مفرد متکلم به شکل باستانی " ازم " منتهی می شود).

میدانیم که در پشتو آن ‌ه که در زبان قدیم بود ، به ل بدل شده است، ودر زبان های پامیر س می یابیم .

معنی	پشتو	زبان‌پامیر		اوستا
پنج	پِنځه	paxəy	(منجی)	paθana-
چهار	څلور	čĭlur	(منجی)	čaθwārō-

در لهجهٔ یدغه (واقع چترال که به‌منجی قرابت نزدیک دارد) ـ čšir معنی "چهار" را دارد. این گواهِ شکل سابق ترِ čəxtūr است.

یکی از ممیزه های‌عمدهٔ مشترک بین‌پشتو وزبانِ دورهٔ وسطی معروف به ختنی، تبدیل ﭫ+ر و ف+ر زبان‌قدیم‌اریانی، به د+ر و و+ر ـ است، چنانکه در فقرهٔ ۲۳ خواندیم.

درجمله زبان‌های پامیر، برعلاوهٔ منجی ویدغه، مطابقت دیگر پشتو با زبان سنگلیچی می‌باشد. چه درین‌زبان وچه در پشتو، تبدل همسان واقع‌شده است:

پشتو	سنگلیچی	شُغنی
س+ت / ز+د	س+ت/ز+د	. . . . .
اوښته، اوبنته (نوع سرو)	وَښت	اَمْښخ
ووزد / اوزد (دراز)	ویزدوك	ووځ

درین باره، فقره ۲۵ این‌بخشِ کتاب دیده شود.

برای‌شرح این‌تحول، بنظر می رسد درگروهِ صامت ر+س که موجود ـ در زبان‌قدیم بوده، چون ر بی‌آوا گردیده، تبدیل به ښ+س یافته است وازان ښ+خ و ږ+ز آمده است. بهمین‌طریق ږ+ز به ږ+خ تبدیل‌یافته است که ازان‌شغنی خ+ښ وغ+خ را گرفته است. سپس در پشتو وسنگلیچی تحولِ مشترکِ دیگرهمیان آمده وښ+ت و ږ+د به ښ+ت و ږ+د بدل شده است.

البته زبان پشتو اززبان های پامیر منشعب‌نشده است و دیگر مطابقتِ‌عمده بین‌پشتو و زبان های‌پامیر، غیر ازانچه بیان‌کردیم، نه در تلفظ ونه در صرف و نه در لغات‌بنظر می‌رسد. اما بازهم، ممکن است محلِ‌نخستین‌پشتو، و محلِ‌نخستینِ‌این زبان های‌پامیری همخانوادهٔ پشتو، قرابت جغرافیائی داشته، وشاید محل قدیم پشتو درجائی

بوده که از یک جانب با محل مُنجی و از جانبِ دیگر، با محل سنگلیچی و شُغنی قرین بوده و نیز با یک لهجه" ساکا" که نزدیک بزبانِ معروف به ختنی بوده، تماس داشته است .

کلمه ساکا معنی وسیع ارد، و از نظر زبان‌شناسی هنوز بان‌معنی دقیق و مشخص داده نشده است، اما همین زبان ساکا که اسنادِ آنرا بدست داریم یک رشته ارتباط می باشد که از روی آن ، موجودیت یک گروه لهجه های " ساکا" را استنباط می کنیم .

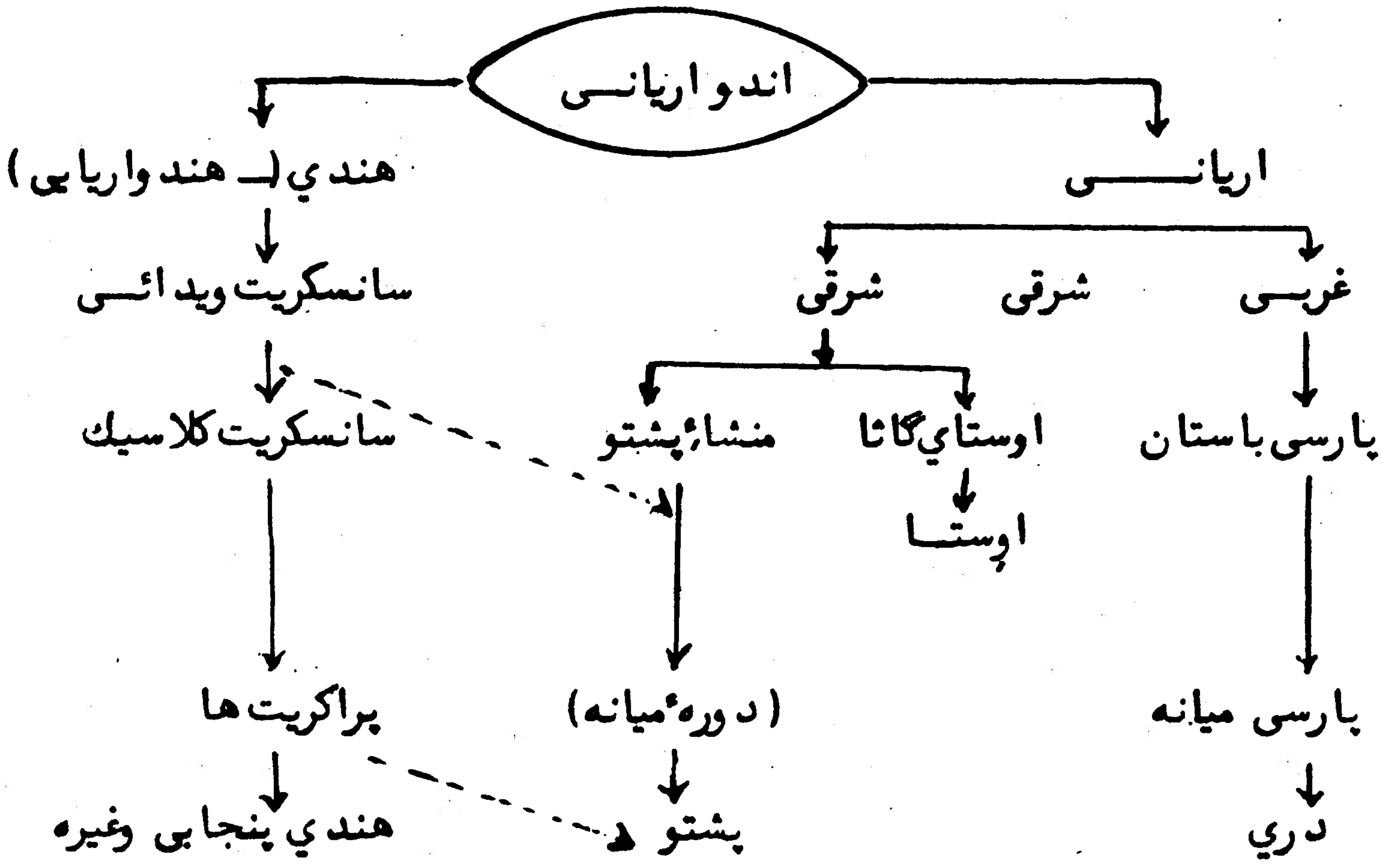
معلوم است آن‌شعبه اریانی کهن که جدّ زبان پشتو بوده، به قدیم ترین شکلِ اوستا که اوستای سرود های گاتهاست باید بسیار نزدیک بوده باشد .

۷۰

نتیجه :

ـ زبان پشتو اساساً از اریانی قدیم انشعاب کرده ، مشخصات باستانی آنرا در زمینهٔ صرف (مورفولوژی) پاسداری کرده است .

ـ تاثیر هند واریایی، یعنی زبان های هند نیز بر پشتو قدامت و ژرفای زیاد دارد .



اعتذار

چون قسمت آفسیت ایـن کتاب (از صفحه ۱۳ تا۲۵٦) در مطبعه وزارت تعلیـم و تربیه خرد تراز قطع تثبیـت شده ،طبع گردیده اسـت ؛ ناگزیر این کتاب در دو جلـد صحافت شد .

An Etymological Grammar of Pashto

a Collection of articles

by

J. Darmesteter
W. Geiger
G. Morgenstierne
E. Benveniste

translated into dari

by

Ravan Farhadi

accompanied with notes by

A. H. KABIBI

PART ONE

Adab Review, Special Issue
Vol. XXV, No. 2

Kabul 1977

Government Printing House